

دانش ارزایی

مقالات علمی

ارزایی عملکرد سازمان‌های مسئول ساماندهی متکدیان
دکتر کریم میبب پور کتابی

بررسی عملکرد شرکت‌های دولتی واکذار شده در بورس اوراق بهادار تهران
دکتر سید ممدرضا سیدنورانی، مسعود غلامزاده لداری

بررسی نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در کاهش عوامل مؤثر بر بروز فساد اداری در سازمان ثبت اسناد و املاک
استان لرستان از دید پرسنل آن سازمان
رضا سپهوند، ممدودرضا اسماعیلی، ممدیرضا فدام باشی امامی

نظام پاسفگویی مطلوب در مدیریت دولتی با تأکید بر مدل حکمرانی فوب
همید آرایبی

مالیات و رشد اقتصادی: مطالعه موردی در کشورهای ایران، OPEC و OECD با استفاده از الگوی های
هم جمعیتی و VAR-Panel
ایوب فرامرزی، مهت مسین زاده، رفساره ممدود زاده

بررسی وضعیت مقوق شهروندی در نظام اداری ایران و عوامل مؤثر بر آن
سید ضیاء هاشمی، ممدید فولادیان، مسن رضایی بمرآباد، زینب فاطمی امین

گزارش تفصیلی

شناسایی عوامل اقتصادی مؤثر برمذب سرمایه گذاری مستقیم فارمی در ایران و نقش نظارت و بازرسی در تمقق آن
مامد نعیمی پژوه، احمد توکل مقدم، علی کریم مسنی



فصلنامه دانش ارزیابی

سال سوم؛ شماره دهم؛ زمستان ۱۳۹۰

صاحب امتیاز: سازمان بازرسی کل کشور
مدیر مسئول: حجت الاسلام و المسلمین مصطفی پورمحمدی
سر دبیر: دکتر غلامحسین بلندیان

هیات تحریریه:

دکتر حجت الله ایوبی، دکتر حمیدرضا ملک محمدی، دکتر نوروز هاشم زهی،
دکتر کیومرث اشتریان، دکتر بهزاد پورسید، دکتر علیرضا دیهیم، مهندس محمدرضا اتفاق
کهنمویی

تلفن: ۶۱۳۶۳۱۹۷
bazrasi.research@136.ir

www.bazresi.ir

مدیر اجرایی: آمنه کاشانی موحد
مسئول ارتباطات و هماهنگی: محمدحسین قدیمی
ویراستار: سارا عسکرنیا
ترجمه و ویرایش انگلیسی: غلامرضا برادران

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۳۰۰۰۰ ریال

نشانی: تهران: خیابان آیه الله طالقانی، تقاطع سپهد قرنی، سازمان بازرسی کل کشور،
طبقه ششم، دفتر فصلنامه دانش ارزیابی

فصلنامه دانش ارزیابی به استناد مجوز شماره ۱۲۴/۱۶۱۳ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
منتشر می شود.

مطالب مطرح شده در مقالات موضع سازمان بازرسی نبوده و نظر نویسندگان آن ها می باشد و صحت
مطالب به عهده نویسندگان خواهد بود

| | |
|--------------------|--|
| ۱ | سخن مدیر مسئول |
| مقالات علمی | |
| ۳ | ارزیابی عملکرد سازمان‌های مسئول ساماندهی متکدیان / دکتر کرم حبیب پور گنابی |
| ۳۵ | بررسی عملکرد شرکت‌های دولتی واگذار شده در بورس اوراق بهادار تهران / دکتر سید محمدرضا سیدنورانی و مسعود غلامزاده لداری |
| ۵۷ | بررسی نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در کاهش عوامل مؤثر بر بروز فساد اداری در سازمان ثبت اسناد و املاک استان لرستان از دید پرسنل آن سازمان / رضا سهپوند، محمود رضا اسماعیلی و حمیدرضا خدام باشی امامی |
| ۸۵ | نظام پاسخکویی مطلوب در مدیریت دولتی با تأکید بر مدل حکمرانی خوب / وحید آرابی |
| ۱۰۷ | مالیات و رشد اقتصادی: مطالعه موردی در کشورهای ایران، OPEC و OECD با استفاده از الگوی های هم جمعی و VAR-Panel / ایوب فرامرزی، حجت حسین زاده و رخساره محمود زاده |
| ۱۳۳ | بررسی وضعیت حقوق شهروندی در نظام اداری ایران و عوامل مؤثر بر آن / سید ضیاء هاشمی، مجید فولادیان، حسن رضایی بحرآباد و زینب فاطمی امین |
| گزارش تخصصی | |
| ۱۶۳ | شناسایی عوامل اقتصادی مؤثر بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران و نقش نظارت و بازرسی در تحقق آن / حامد نعیمی پژوه، احمد توکل مقدم و علی کرم حسنی |

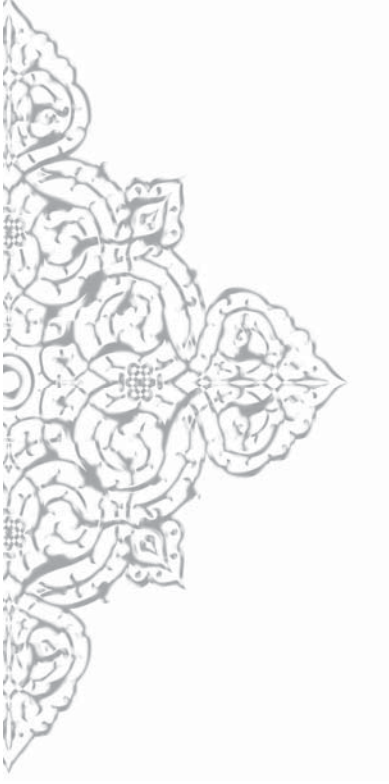
سخن مدیر مسئول

مجله دانش ارزیابی در حالی به چهارمین سال انتشار خود نزدیک می‌شود که دست‌اندر کاران آن، همگام و هم عقیده با دانشگاهیان و دانشمندان جهان بر این باورند که ارزیابی، در زمره مهم‌ترین فعالیت‌های نظارتی است که به کمک آن می‌توان پیامدهای اجرای برنامه‌ها و سیاست‌ها را دریافت. معنای ارزیابی در سلسله نوشته‌های مجله حاضر، در اغلب موارد به ارزیابی پس از اجرا باز می‌گردد و شکی نیست که این نوع ارزیابی، در ردیف مشکل‌ترین انواع ارزیابی‌ها است که با مؤلفه‌های فراوانی همراه است و همواره نیز این دل‌مشغولی وجود دارد که باندکی انحراف در داده‌ها، روش‌های بررسی و یافته‌ها، نتایج نامناسب و نامربوط به عنوان حاصل کار محققان ظاهر گردد.

جای بسی خوشحالی و خوش وقتی است که تحقیقات و نوشته‌های دانشگاهیان ایرانی، امروز در مسیر ارزشمند ارزیابی قرار گرفته و بدین ترتیب، پس از مرحله پرداختن به ادبیات نظری این حوزه، اینک می‌توان امیدوار بود که حجم قابل توجهی از تولیدات، به سوی مباحث بومی و کاربردی این دانش، رهنمون گردد.

بار دیگر بر این باوریم که اندیشه‌ها و نقاط نظر خوانندگان گرامی، ما را در طی مسیری که در پیش گرفته‌ایم، پشتیبانی ارزشمند خواهد بود.

بعونه و منه
مصطفی پورمحمدی



مقالات علمی

ارزیابی عملکرد سازمان‌های مسئول ساماندهی متکدیان

دکتر کرم حبیب پور گنجابی^۱

چکیده

تحقیق حاضر با روش کیفی و مصاحبه کیفی عمیق به بررسی عملکرد شهرداری، سازمان بهزیستی، کمیته امداد امام خمینی (ره) و وزارت کشور در برخورد با تکدی‌گری پرداخته است. جامعه آماری آن را، علاوه بر مسئولان و کارشناسان این نهادها، صاحب‌نظران و کارشناسان ارگان‌های متولی ساماندهی متکدیان تشکیل داده‌اند. نتایج نشان داد؛ تکدی‌گری گرچه تاندازه‌ای صبیغه فردی دارد، اما شکل غالب آن ساختاری است. تکدی‌گری در ایران دو شکل دارد: یکی حرفه تکدی‌گری و دیگری تکدی‌گری حرفه‌ای. طبق نتایج، عملکرد نهادهای یادشده موفقیت‌آمیز نبود، به استثنای شهرداری که موفقیت بالنسبه‌ای داشت. دو دسته عوامل داخلی و خارجی موجب شد تا این نهادها موفق نباشند، نتایج نشان می‌دهد؛ سازمان‌های مورد مطالعه در کارکرد دست‌یابی به هدف، انطباق، یکپارچگی و حفظ الگو دچار محدودیت‌ها و ضعف‌هایی بوده‌اند و این موضوع، ناکامی فعالیت آن‌ها در مبارزه با تکدی‌گری را رقم زده است.

واژگان کلیدی: تکدی‌گری

مقدمه

تکدی‌گری، یکی از آشکارترین نمادهای طرد اجتماعی در جامعه مدرن است (Jrf, 2000). تکدی‌گری روشی برای ارتزاق و گذران زندگی است که از زمان‌های بسیار دور در تمامی جوامع دیده شده و هم‌چنان دیده می‌شود. آن‌چه امروزه در جامعه ایران شاهد هستیم، افزایش روزافزون این قشر آسیب‌پذیر است که هر روز با چهره‌هایی جدید و روش‌هایی نوبه این امر مشغول هستند. جدای از اثرات مخرب این فعالیت‌ها بر چهره یک جامعه، باید پایین آمدن امنیت اجتماعی، زیان اقتصادی و فرهنگی جامعه و همچنین آسیب خود قشر تکدی‌را از آثار نامطلوب و زیان‌بار این عمل‌نامید (منتظرقایم، ۱۳۸۶: ۸). بنا به این شرایط، شورای عالی اداری طی مصوبه‌ای در سال ۱۳۷۸، دستگاه‌های مختلف را موظف به ساماندهی این آسیب اجتماعی کرده و مواد ۷۱۲ و ۷۱۳ قانون مجازات اسلامی نیز، به صراحت تکدی‌گری را به‌عنوان جرم تلقی کرده است. اما نکته مهم که نباید فراموش کرد، این‌که امر پیشگیری و کاهش جرم یک فرایند چندسطحی و چندرشته‌ای است و بنابراین همکاری نهادهای متعددی را می‌طلبد. به تعبیری، همان‌طور که السورث (۲۰۰۲: ۳) معتقد است پیشگیری از جرم نیازمند اتخاذ دیدگاه سیستم‌ها است که متفاوت با روش سنتی تقلیل‌گرایی و مبتنی بر مؤلفه‌های فردی موضوع مورد تحلیل می‌باشد. تفکر سیستم‌ها نگاه خود را به شمار بیش‌تری از تعاملات و هم‌زمان با توسعه‌ی مسأله بسط می‌دهد.

موضوعی که در زمینه کاهش و پیشگیری از تکدی‌گری در جامعه مطرح است، نقش سازمان‌های مسئول و متولی می‌باشد. اگر تکدی‌گری را به‌عنوان یک جرم تلقی کنیم، در آن‌صورت امروزه کاملاً پذیرفته شده است که روش‌های سنتی پیشگیری از جرم مانند ازدیاد تعداد پلیس و اعمال تنبیهات شدید، برای کاهش جرم در آینده محدودیت زیادی دارند (Weatherburn, 2004: 5). حتی تحقیقات نشان داده است که رویکردهای عدالت جنایی با تأکید بر افزایش شمار پلیس و مجازات، نه تنها هزینه برند، بلکه حتی ممکن است موجب افزایش جرایم نیز شوند (Western Australian Council of Social Service Inc, 2005: 13).

در زمینه‌ی تکدی‌گری، برخورد با آن نه با مدل کیفی، بلکه با مدل غیر کیفی منتج به فایده بوده و تبعات بسیار مثبتی در راستای پیشگیری و کاهش آن در جامعه خواهد داشت. در ایران، مسأله تکدی‌گری در سال‌های بین ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۲ با تشکیل ستادی در دفتر نخست‌وزیری مطرح و پیگیری شد. پس از آن، راه‌کار دولت ایران برای مقابله با آسیب تکدی‌گری، تصویب «طرح جمع‌آوری متکدیان و ولگردان» در دولت (کوچکیان‌فرد، ۱۳۸۱) و در ادامه آن تشکیل ستاد ویژه‌ای تحت عنوان ستاد مبارزه با آسیب‌دیدگان اجتماعی در استان‌ها و

شهرستان‌ها است و هدف از ایجاد این ستاد، ساماندهی آسیب‌دیدگان اجتماعی، کودکان کار و متکدیان با همکاری و وظایف مشخص ادارات مختلفی از جمله شهرداری، فرمانداری، کمیته امداد امام خمینی (ره)، اداره کار و فنی و حرفه‌ای و نیروی انتظامی؛ زیر نظر فرمانداری هر شهرستان عنوان شده است. بنا بر آمار ارسالی ستادهای استانی به وزارت کشور، در سال ۱۳۷۹ تعداد جمعیت تکدی برابر با ۲۲۹۳۸ نفر بود که از این تعداد، ۲۱۲۹۳ نفر مرد و ۱۵۴۵ نفر زن بوده‌اند. اما در سال ۱۳۸۰ برای ۲۸ استان کشور، این تعداد به ۱۷۲۷۹ نفر کاهش یافت که از بین آن‌ها، ۱۴۰۴۲ نفر مرد و ۳۲۳۷ نفر زن بوده‌اند. بنابراین، ملاحظه می‌گردد که با گذشت یک سال، تعداد متکدیان مرد کاهش و در مقابل تعداد متکدیان زن افزایش یافته است. اما در سال ۱۳۹۰، تعداد متکدیان به ۴۷۵۸۶ نفر افزایش یافت که در مقایسه با سال ۱۳۸۸، با افزایش حدود ۱۷۵ درصد مواجه بوده است (دفتر امور اجتماعی وزارت کشور، ۱۳۹۰).

آخرین اقدامی که در زمینه برخورد با پدیده تکدی‌گری در کشور صورت پذیرفته است، طرح جمع‌آوری متکدیان از سطح شهر تهران است که در تاریخ ۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۵ با همکاری شهرداری تهران، کمیته امداد امام خمینی، سازمان بهزیستی و سایر ارگان‌های مربوط آغاز شده است. مدیر کل آسیب‌های اجتماعی شهرداری تهران در تاریخ ۱۷ تیر ۱۳۸۵ اعلام کرد که تا آن زمان ۱۱۸۷ نفر تکدی از سطح شهر تهران جمع‌آوری شده‌اند که از این تعداد، ۸۶۰ نفر مرد، ۲۳۸ نفر زن، ۳۶ نفر کودک دختر و ۵۳ نفر کودک پسر بوده‌اند (حاجیان‌مطلق، ۱۳۸۱: ۲۱۳).

نتایج بررسی‌ها در رابطه با اقدام فوق‌نشان می‌دهد که پس از گذشت حدود پنج سال از آغاز ساماندهی متکدیان شهر تهران، هنوز اقدامی جدی از سوی مراجع ذی‌ربط صورت نگرفته است. البته هر از گاهی اقداماتی فصلی و ضربتی به‌طور موقت در شهر برای اسکان متکدیان و بی‌خانمان‌ها از سوی شهرداری تهران و نیز سازمان بهزیستی انجام شده، اما این امر نتوانسته موضوع مربوط به متکدیان را سامان بخشد. شهرداری تهران بارها طی این سال‌ها، از زمان آغاز طرح ساماندهی متکدیان اقدام به جمع‌آوری کودکان کار کرده است اما هر بار این طرح بی‌سرانجام رها شده است. سازمان بهزیستی نیز به بهانه این که فضای مناسب برای اسکان متکدیان و به‌ویژه کودکان کار در اختیار ندارد، کاری به صورت جدی ترتیب نداده است (خبرگزاری ایرنا، ۲۰۰۹).

حاجیان‌مطلق (۱۳۸۱)، دلایل ناکامی اقدامات صورت گرفته توسط سازمان‌های متولی در زمینه کاهش تکدی‌گری را: (۱) فقدان تلقی واحد از تکدی و متکدیان در بین سازمان‌ها و ارگان‌های مسئول (۲) پیچیدگی و وسعت مسأله تکدی‌گری (۳) حلقه بسته تکدی (۴) نبود

هماهنگی بین دستگاه‌های ذی‌ربط (۵) کمبود اعتبار مالی لازم (۶) تعدد متولی سامان‌دهی متکدیان و (۷) مسأله متکدیان غیرایرانی دانسته است.

با عنایت به گستره دامنه و عمق آسیب تکدی‌گری در جامعه به‌خصوص در کلان‌شهرهای کشور از یک طرف و عملکرد ضعیف دستگاه‌ها و نهادهای متولی از طرف دیگر، مسأله این است که عملکرد این چهار نهاد (شهرداری، سازمان بهزیستی، کمیته امداد و وزارت کشور) در این زمینه تا چه اندازه موفقیت‌آمیز بوده است؟ اگر قصوری صورت پذیرفته، مهم‌ترین دلایل در زمینه عدم موفقیت کامل در فعالیتهای این چهار نهاد در کاهش تکدی‌گری در جامعه چیست؟ به عبارتی، تحقیق حاضر با طرح پرسش‌هایی در باب عملکرد چهار نهاد شهرداری، سازمان بهزیستی، کمیته امداد امام خمینی و وزارت کشور در زمینه کاهش تکدی‌گری، درصدد است تا ضمن بررسی عملکرد این دستگاه‌ها، به آسیب‌شناسی عملکرد آن‌ها در این زمینه پرداخته و مهم‌ترین راه‌کارها را به آن‌ها در جهت پیشگیری و تخفیف تکدی‌گری ارایه دهد.

چارچوب نظری تحقیق

چارچوب نظری این تحقیق مبتنی بر چهار بخش اساسی است: (۱) تلقی از تکدی‌گری به‌عنوان یک مسأله اجتماعی و در معنای خاص یک انحراف اجتماعی (۲) مدل انتخابی جهت ارزیابی عملکرد سازمانی (۳) نظریه انتخابی جهت ارزیابی عملکرد سازمانی و (۴) تبیین عوامل مؤثر بر عملکرد سازمانی.

۱- تلقی از تکدی‌گری به‌عنوان یک مسأله اجتماعی و در معنای خاص یک انحراف اجتماعی در این تحقیق، براساس دو دیدگاه نظری: (۱) کارکردگرایی (با تأکید بر نظریه فشار) و (۲) برچسب‌زنی، تکدی‌گری به‌عنوان یک مسأله اجتماعی و به‌طور خاص یک انحراف اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. به‌طوری که طبق نظر کارکردگرایان، وجود تکدی‌منافع و کارکرد اجتماعی برای جامعه دارد. در این دیدگاه، پدیده تکدی‌گری تنها در رابطه با نتایجی که برای کل نظام جامعه دارد، مورد تحلیل قرار می‌گیرد (ادیبی و انصاری، ۱۳۵۸: ۶۴). اوگان‌خان (۲۰۰۹) معتقد است که تکدی‌گری کارکردهای مشخصی دارد که ظاهراً مورد نیاز جامعه است. از آن‌جا که بسیاری از ادیان، مردم را به دادن صدقه و کمک به افراد نیازمند تشویق می‌کنند، بنابراین مردم با صدقه‌دادن به متکدیان، به تعهدات مذهبی خود عمل می‌کنند (Jelili, 2006). بنابراین، براساس دیدگاه کارکردگرایی، وجود تکدی‌گری کارکرد مذهبی

و معنوی در جامعه ایران دارد. یعنی وجود متکدیان به اعضای جامعه کمک می کند تا به تعهدات اجتماعی، مذهبی و اقتصادی خود عمل کند. از آنجا که دین اسلام، مردم را به دادن صدقه و کمک به افراد نیازمند تشویق می کند، بنابراین مردم با صدقه دادن به متکدیان، به تعهدات مذهبی خود (به شکلی نادرست، یعنی از طریق امداد مستقیم، نه امداد سازمان یافته و نهادی) عمل می کنند.

اما مهم ترین نظریه از دیدگاه کارکردگرایی، نظریه فشار است که براساس رویکرد نهادی و ساختاری به تبیین انحراف و مشخصاً تکدی گری می پردازد (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۷۸: ۴۳۲). پیروان این نظریه، تکدی گری را نتیجه مستقیم فقر و خشم طبقه پایین می دانند. آن‌ها معتقدند اگرچه اکثر مردم اهداف و ارزش های مشابهی دارند، اما توانایی آنان در دست یابی به اهداف شخصی، به وسیله طبقه اقتصادی - اجتماعی محدود شده است.

امیل دورکیم که برای نخستین بار از مفهوم «آنومی ایی هنجاری» برای تشریح رفتار انحرافی استفاده کرد (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۷۸: ۴۵۳). وی معتقد است جامعه آنومیک، جامعه‌ای است که مجموعه‌ای از هنجارها و ارزش های متضاد با یکدیگر در خود داشته و فاقد خطوط راهنمای روشن و پایداری برای مردم به منظور یادگیری و درونی کردن هنجارهاست (احمدی، ۱۳۸۴: ۴۴). رابرت مرتن از مفهوم «آنومی» دورکیم برای تبیین انحراف اجتماعی استفاده کرد. او معتقد است که همواره نوعی گسستگی بین اهداف و وسایل مشروع یک نظام اجتماعی وجود دارد، به این معنا که اهداف همواره مورد قبول همگان است، اما وسایل رسیدن به این اهداف به طور مساوی و برابر در جامعه توزیع نشده است در نتیجه برای عده‌ای، شانس بیش تری برای موفقیت وجود دارد. حاصل این عدم تعانس میان اهداف و وسایل، که مرتن آن را بی هنجاری یا نابسامانی می نامد، ایجاد فشار بر افراد برای به کارگرفتن شیوه‌های دیگری برای رسیدن به موفقیت است که با شیوه‌های مورد قبول جامعه فرق می کند (اسکیدمور، ۱۳۷۲: ۱۶۰-۱۵۹؛ ورسلی، ۱۳۷۸: ۱۱۶). مرتون پنج واکنش ممکن؛ نسبت به تنش میان اهداف و وسایل مشروع را تشخیص می دهد: سازگاری و هم‌نوایی، نوآوری، مناسک گرایی، انزواطلبی و شورش (گروترز، ۱۳۷۸: ۱۴۹-۱۴۸).

نظریه برجسب زنی (انگ زنی) نیز انحراف را مفهومی ساخته جامعه می داند یعنی گروهی در جامعه با تصویب قوانینی که تخطی از آن‌ها انحراف محسوب می شود، مفهوم انحراف را می سازند (بکر، ۱۹۷۳: ۹؛ به نقل از صدیق سروستانی، ۱۳۸۲: ۲۵). نظریه پردازان برجسب زنی مانند بکر و تانن‌بام، معتقدند که علت انحراف، برجسب منفی ای است که به فرد کجرو زده می شود، سپس این برجسب در فرد درونی شده و نهایتاً نیز فرد براساس آن برجسب عمل می کند.

ارتباط نظریه برچسب‌زنی با تکدی‌گری از این حیث است که اگر تکدی‌گری به معنای درخواست پول، غذا و پوشاک توسط یک فرد، یک رفتار انحرافی است، پس چرا کنش مشابه توسط یک فرد دیگر، رفتار به‌هنگار تلقی می‌شود؟ پاسخ این نظریه در این جمله خلاصه می‌شود که: «رفتار منحرف، رفتاری است که مردم این چنین برچسب می‌زنند». در تبیین رفتار تکدی‌گری، درخواست کمک مالی یا مادی از مردم، فقط یک رفتار به‌هنگار است، اما زمانی انحراف به حساب می‌آید که از نظر فرهنگی به آن برچسب زده شود. این رویکرد تحلیل می‌کند که طبقه اجتماعی نقش مهمی در برچسب‌زنی یک کنش به‌عنوان انحراف دارد. برای مثال، شخص فقیری که با هدف کمک مالی به سمت مردم می‌رود، ممکن است به‌عنوان «متکدی» برچسب بخورد، اما اگر یک سیاست‌مدار همان کنش را به منظور تأمین مالی رقابت‌های انتخاباتی‌اش انجام دهد، ممکن است افزایش بودجه تلقی شود تا انحراف. بنابراین، طبقه‌بندی رفتار یک سری افراد در قالب «تکدی‌گری»، در واقع همان سنجی است که ما شهروندان با رفتار خود بر ساخت می‌کنیم، یعنی ما با کمک کردن مان به یک سری افراد در قالب پول، کالا و امثال آن، طبقه‌ای را به وجود می‌آوریم که برای تأمین معاش خود، به این فعالیت روی آورده‌اند. بنابراین، ما می‌توانیم با جلوگیری از رفتارهای امدادی خود به یک سری افراد، مانع از شکل‌گیری سنجی به اسم «متکدیان» شویم.

۲- مدل انتخابی جهت ارزیابی عملکرد سازمانی

در این تحقیق، عملکرد سازمان‌های درگیر در امر تکدی‌گری در کشور براساس سه مفهوم اثربخش، کارا و مرتبط و وضعیت سازمان‌ها از سه منظر زیر مورد بررسی قرار گرفته است:

• اثربخش: به معنای دستیابی سازمان‌های متولی مبارزه با تکدی‌گری به رسالت و اهداف سازمانی و نیز نتایج برنامه‌های خاصی است که به منظور بهبود وضعیت زندگی یک گروه هدف خاص تدوین کرده‌اند.

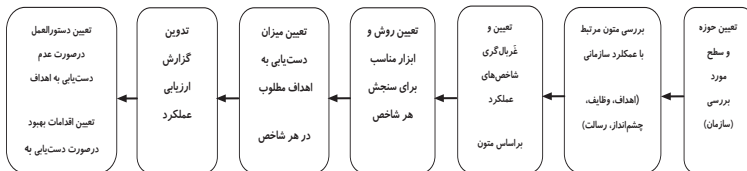
• کارا: به معنای استفاده‌ی سازمان‌های متولی از منابع گوناگون خود در مبارزه با تکدی‌گری است.

• مرتبط: به معنای حرکت سازمان‌های متولی در راستای نیازهای ذی‌نفعان و ارتباط فعالیت آن‌ها با نیازهای در حال تغییر ذی‌نفعان می‌باشد.

موضوع دیگر، تعریف ارزیابی عملکرد است که به‌طور خلاصه فرایندی است که برای ارزیابی پیشرفت به سوی دستیابی به اهداف تعیین‌شده است و اثربخشی فعالیت‌ها در راستای اهداف مشخص آن‌ها می‌باشد (الماسی، ۱۳۷۴؛ به نقل از ستاری فر، بی‌تا: ۲-۱). هم‌چنین،

در رابطه با مدل ارزیابی انتخابی جهت بررسی عملکرد سازمان های مورد هدف در تحقیق حاضر، شایان ذکر است که در این تحقیق، براساس یک نظام جامع عملکرد که متناسب با موضوع تحقیق است، عملکرد سازمان های شهرداری، بهزیستی، کمیته امداد و وزارت کشور طی هفت مرحله مورد سنجش و بررسی قرار گرفت. این مدل، تناسب زیادی با مدل کارت امتیازی متوازن (BSC) دارد. مدل کارت امتیازی متوازن، که در سال ۱۹۹۲ توسط کاپلان و نورتون توسعه یافت، معروف ترین و شناخته شده ترین رویکرد علمی سنجش عملکرد است (Kasperskaya, 2006: 5). در این تحقیق، براساس مدل متوازن، ابتدا یک مدل یا چارچوب مفهومی جهت تدوین مجموعه ای از شاخص های عملکرد در راستای اهداف استراتژیک تهیه شده و در اولین گام، دیدگاه آتی سازمان و در راستای دیدگاه حاکم بر سازمان، اهداف استراتژیک تدوین گردید. با عنایت به دیدگاه آتی و اهداف استراتژیک آتی، عوامل حیاتی موفقیت سازمان مشخص شده و در همین راستا، معیارهای استراتژیک تبیین و نهایتاً برنامه عملیاتی تهیه شده است.

شکل ۱: چارچوب ارزیابی عملکرد چهار نهاد شهرداری، سازمان بهزیستی، کمیته امداد و وزارت کشور در مبارزه با تکدی گری



۳- نظریه انتخابی جهت ارزیابی عملکرد سازمانی

در ارتباط با موضوع تحقیق حاضر، به دلیل بافت متفاوت آن با تمامی مطالعات دیگر در زمینه ارزیابی عملکرد سازمانی، نظریه کارکردی و استفاده از نظریه نظام های اجتماعی تالکوت پارسونز بیشترین کاربرد را داشته و می تواند تبیین بهتری از موضوع عملکرد سازمان ها در مبارزه با تکدی گری ارائه دهد. پارسونز سازمان را به عنوان نظام اجتماعی مستقل در نظر می گیرد که در یک نظام اجتماعی بزرگ تر یعنی جامعه فعالیت می کند. در این گونه تحلیل سیستمی، تنها مسأله ای که مورد توجه قرار می گیرد، چگونگی کنش متقابل نظام فرعی با نظام بزرگ تر و اهمیتی است که نظام فرعی برای نظام بزرگ تر دارد. بنابراین، این مسأله که چگونه نظام فرعی ساخت یا سازمان یافته است، چندان مورد توجه قرار نمی گیرد

(صبوری، ۱۳۷۴: ۱۷۳). نظریه کارکردی پارسنز بر این باور است که عملکرد یک سازمان برحسب پیامدهای اجتماعی و فعالیت‌های آن تعیین می‌شود. به عبارتی، چارچوب ارجاعی برای ارزیابی عملکرد یک سازمان، ساختار سازمانی نیست، بلکه این موضوع است که فعالیت‌های آن چه نفعی برای جامعه دارد. سؤال اصلی مورد توجه در این مدل، آن است که فعالیت‌های سازمان چگونه در راستای رفع نیازهای ارباب رجوع‌هایش قرار می‌گیرند؟ پارسنز در نظریه نظام‌های اجتماعی اشاره می‌کند که هر سیستمی برای بقای خود، نیازمند چهار کارکرد اساسی است که از بین آن‌ها، دستیابی به اهداف و یکپارچگی فی‌نفسه جزو هدف نهایی تلقی می‌شوند، اما دو کارکرد انطباق و حفظ الگو جزو عوامل تسهیل‌گر یا ابزاری برای تحقق این اهداف به حساب می‌آیند (صبوری، ۱۳۷۴: ۱۷۲-۱۷۱؛ ریتزر، ۱۳۸۷: ۱۳۱). پارسنز در نظریه نظام اجتماعی خود، این چهار کارکرد را در قالب مدلی مطرح می‌کند که مخفف آن به مدل آجیل معروف است:

الف- تعریف اهداف (دستیابی به اهداف): بر تعریف اهداف و ارزشیابی از میزان تحقق آن‌ها تأکید دارد.

ب- تعیین منابع برای دستیابی به اهداف (انطباق): به تدارک منابع، بودجه‌بندی، مدیریت و پرسنل توجه دارد.

ج- تعیین ابزارها و وسایل برای ایجاد هماهنگی بین فعالیت‌ها (یکپارچگی): به تفکیک وظایف و مسئولیت‌ها و نیز هماهنگی بین واحدها و افرادی اشاره دارد که مستقیماً در دستیابی به اهداف همکاری دارند.

د- کاهش فشارها و تنش‌ها در محیط پیرامون (سکون یا نگهداشت الگو): در این زمینه، سازمان از طریق پاسخ به نیازهای ارباب رجوع، توجه به منافع عمومی و گسترش رضایت و روحیه کارکنان، به تنش‌ها پاسخ می‌دهد. در واقع، منظور پارسنز از حفظ الگو، حفظ نظام ارزشی مرکزی و الگوهای کنش متقابلی است که به وسیله این نظام مطرح گردیده است.

شکل ۲: مدل نظام های اجتماعی (AGIL) پارسنز

| | |
|------------------------------|---|
| A- تطبیق (Adaptation) | G- دست یابی به هدف (Goal attainment) |
| I- یکپارچگی (Integration) | L- نگهداشت الگو (Lateney or Pattern maintenance) |

در حوزه تکدی گری، تحلیل عملکرد سازمان های متولی براساس نظریه نظام اجتماعی پارسنز بر این باور مبتنی است که کارکرد کل سازمان ها باید موجبات حل هر یک از مسایل را به طور مستمر فراهم آورند. برخی از این سازمان ها، کارکردهای برنامه ریزی و هماهنگی را انجام می دهند. در حالی که سازمان های دیگر کارکردهای مدیریت را اجرامی کنند. سازمان های دیگری نیز وجود دارند که بر بُعد کنترل کیفیت نظارت می کنند و هم چنین سازمان های دیگری که تصمیمات مربوط به سیاست ها و خط مشی ها را می گیرند. بنابراین، در زمینه مبارزه با تکدی گری ما می توانیم با استفاده از رویکرد سیستم طبیعی مورد نظر پارسنز برای تحلیل سازمان، روابط متقابل کارکردی میان سازمان های مختلف و نیز رابطه سازمان را در مجموع با محیط خارجی آن بررسی کنیم.

موضوع دیگری که در مدل کارکردی در زمینه ارزیابی عملکرد سازمانی مهم است، توجه به کارکردها یا کژ کارکردهای عملکرد سازمانی است. یعنی باید مشخص شود که آیا فعالیت های یک سازمان در راستای تحقق اهدافش، واجد کارکرد است یا کژ کارکرد می باشد. پیامدهای کارکردی، رفتارهای مشاهده شده ای هستند که شرایط موجود را در راستای اهداف مطلوب تغییر می دهند. اما کژ کارکردها، پیامدهای مشاهده شده ای هستند که شرایط موجود را برخلاف اهداف مطلوب تغییر می دهند و یا با اهداف مطلوب تداخل دارند. بنابراین، کارکردها نیازهای موجود را مرتفع می کنند، اما کژ کارکردها نیازهای جدیدی را در سیستم ایجاد می کنند. در واقع، هم کارکردها و هم کژ کارکردها شرایط سازمانی را هر یک به شیوه ای متفاوت تغییر می دهند.

۴- تبیین عوامل مؤثر بر عملکرد سازمانی

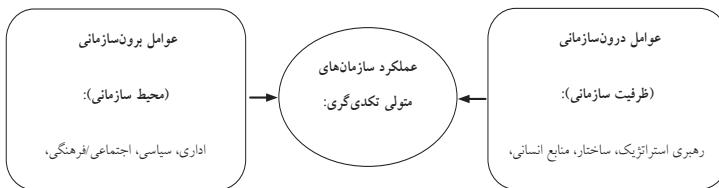
یکی از محورهای اساسی در تحقیق حاضر، در کنار ارزیابی عملکرد سازمان های درگیر در مبارزه با تکدی گری، بررسی عواملی است که بر عملکرد این سازمان ها تأثیر می گذارند. در رابطه با عوامل مؤثر بر عملکرد سازمان های متولی مبارزه با تکدی گری در کشور، باید

گفت که این عملکرد تحت تأثیر دو دسته کلی از عوامل است: یکی عوامل درون سازمانی و دیگری عوامل برون سازمانی.

۱) عوامل درون سازمانی (ظرفیت سازمانی): جزو عواملی هستند که به ظرفیت سازمانی برمی گردند. مهم ترین این عوامل در بحث مبارزه با تکدی گری عبارتند از: رهبری استراتژیک، ساختار، منابع انسانی، مالی، برنامه ها/خدمات، زیرساخت ها، تکنولوژی، پیوندهای بین سازمانی. یکی از عواملی که در ظرفیت سازمان ها برای مبارزه با تکدی گری نقش دارد، ارتباط ها، شراکت ها و پیوندهای آنان با دیگر سازمان های مرتبط است که از این موضوع تحت عنوان "پیوندهای بین سازمانی" یاد می شود.

۲) عوامل برون سازمانی (محیط سازمانی): علاوه بر تأثیر محیط و ظرفیت داخلی سازمان ها در مبارزه با تکدی گری، این سازمان ها در داخل بافت ها و محیط های خارجی نیز زیست می کنند و عناصر متشکله در این محیط، بر عملکرد سازمان ها تأثیر گذار است. مهم ترین عوامل محیطی تأثیر گذار بر عملکرد سازمان های متولی تکدی گری در کشور، عوامل اداری، سیاسی، اجتماعی/فرهنگی، تکنولوژیکی، اقتصادی و ذی نفعان است.

شکل ۳: عوامل موثر بر عملکرد شهرداری، بهزیستی، کمیته امداد و وزارت کشور در مبارزه با تکدی گری



پیشینه تحقیق

در رابطه با عملکرد سازمان ها در زمینه تکدی گری، تا جایی که محقق مطالعه و جستجو کرده است، تاکنون هیچ مطالعه ای چه در داخل و خارج از کشور در این زمینه صورت نگرفته است. البته در داخل کشور، دو مقاله نظری توسط آقای کوچکیان فرد در سال (۱۳۸۱)

با عناوین "مفهوم تکدی و اقدامات دولت و سازمان های غیردولتی در برخورد با آن" و "بازشناسی مفهومی تکدی و اقدامات دولتی در ساماندهی آن و نقش سازمان های غیردولتی در کاهش این پدیده در ایران" به نگارش درآمده و در آن به آسیب شناسی عملکرد دولت پرداخته است.

ضعف ادبیات تجربی در این زمینه، انجام تحقیق حاضر را به لحاظ پشتوانه تجربی، با ددرسهایی مواجه ساخته است. از طرفی، واحد تحلیل تمامی مطالعاتی که در این زمینه وجود دارند، سطح خُرد بود که به بررسی شرایط متکدیان و عوامل گرایش آنان به تکدی پرداخته‌اند. بنابراین، هیچ یک از این مطالعات، به طور خاص به عملکرد سازمان‌ها در مبارزه با تکدی‌گری (به عنوان یک واحد تحلیل کلان) نپرداخته‌اند، اگرچه طبیعی است تمامی این مطالعات، در یافته‌های خود اشاره‌ای هم به نقش سازمان‌ها داشته‌اند و یا در بخش پیشنهادها، راه کارهایی را در رابطه با نقش دستگاه‌ها در مبارزه با تکدی‌گری ارائه داده‌اند.

روش‌شناسی تحقیق

الف- طرح تحقیق، روش تحقیق، جامعه آماری و حجم نمونه
از نظر طرح تحقیق مطالعه حاضر، از نوع تحقیق‌های ارزشیابانه است که عملکرد چهار نهاد شهرداری، سازمان بهزیستی، کمیته امداد و وزارت کشور را در برخورد با تکدی‌گری مورد بررسی و تحلیل قرار داده است.

در ضمن، مطالعه حاضر تلفیقی از مطالعات اسنادی و میدانی است که در دو سطح توصیفی و تبیینی انجام گرفته است. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، طرح تحقیق حاضر، ارزشیابی است و از آن‌جا که طرح ارزشیابانه در اجرا، متکی به روش‌های دیگر کمی و کیفی است بنابراین در این تحقیق، در سطح اسنادی از روش کیفی و به صورت تحلیل موضوعی متن استفاده شده است. در سطح میدانی نیز، به کمک روش نمونه‌گیری نظری، از روش کیفی مصاحبه مشارکتی بامسئولین و کارشناسان نهادهای مورد مطالعه و در عین حال برخی از صاحب‌نظران در زمینه آسیب‌های اجتماعی به خصوص تکدی‌گری استفاده شده است. نتایج حاصل از این مصاحبه‌ها، در راستای اهداف تحقیق و براساس مقوله‌های متعدد دسته‌بندی شده و سپس مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

جامعه آماری این تحقیق از دو گروه تشکیل شده است: گروه اول شامل:

۱) متون سیاستگذاری چهار نهاد شهرداری، سازمان بهزیستی، کمیته امداد و وزارت کشور در زمینه تکدی‌گری مانند مأموریت و وظایف سازمانی، دستورالعمل‌ها، آیین‌نامه‌ها، گزارش‌ها و....

۲) آمار و اطلاعات مربوط به عملکرد این چهار نهاد در زمینه مبارزه با تکدی‌گری است. در این قسمت، به دلیل محدودیت اسناد و متون، تمامی آن‌ها مورد تحلیل قرار گرفتند، بنابراین نیازی به طرح نمونه‌گیری نیست.

گروه دوم، شامل مسئولین و کارشناسان نهادهای مورد مطالعه و در عین حال برخی صاحب‌نظران در زمینه آسیب‌های اجتماعی به خصوص تکدی‌گری می‌باشد. در این مرحله، با ۲۸ نفر از مسئولین، کارشناسان و صاحب‌نظران ذی‌ربط به‌عنوان نمونه انتخاب و مصاحبه با آن‌ها به عمل آمد.

ب- تحلیل داده‌ها و اطلاعات: تحلیل متمرکز بر معنا

در این تحقیق، با توجه به ماهیت تخصصی هر نهاد مورد مطالعه در زمینه مبارزه با تکدی‌گری، طبیعی است که ارزیابی عملکرد این نهادها باید متناسب با اهداف و کارکردهای تعریف‌شده برای آن‌ها در حوزه تخصصی مربوطه باشد. در این سطح ارزیابی، شاخص‌های اختصاصی ارزیابی عملکرد در نهادهای مورد مطالعه مد نظر بوده و متناسب با آن‌ها عملکرد نهادها مورد بررسی قرار گرفتند. سپس، برای تحلیل داده‌ها و اطلاعات، از روش تحلیل متمرکز بر معنا استفاده شد که خود مشتمل بر سه روش است.

• روش کدگذاری معنایی: در این روش از تحلیل موضوعی استفاده شده است یعنی متون مصاحبه؛ گرچه در ابتدا براساس موضوع‌های مشخص مطرح شدند، اما پس از جمع‌آوری نیز، دوباره براساس موضوع‌های محوری دسته‌بندی و تحلیل شدند.

• تلخیص معنایی: در این روش، معانی بیان‌شده توسط مصاحبه‌شونده‌ها در قالب جمله‌های کوتاه‌تر خلاصه شدند. در ضمن، عبارتهای طولانی‌تر به عبارتهای کوتاه‌تر تبدیل شد. یعنی مفاهیم عمده در متن، مورد "بازعبارت‌بندی" قرار گرفتند. در عین حال، سعی شد ضمن رعایت مضمون مصاحبه، عین عبارت شفاهی مصاحبه‌شوندگان در متن آورده شود تا دخلی در آن صورت نگردد. علاوه بر این، در استناد به مصاحبه افراد برای ذکر ادله برای یافته‌ها و

تحلیل ها، تنها به متن آن دسته از مصاحبه‌هایی اشاره شده است که نقش محوری داشتند و مصاحبه‌های افراد دیگری که در تأیید متن فوق فاقد نظم مناسبی بودند، اشاره نشدند.

• خوانش نظری: در این روش، محقق بارها متن را خوانده و موضوع های متن را از لحاظ نظری بررسی کرده و تفسیرهایی را به نگارش در آورده است. البته گاهی هم در حین خوانش نظری، مرزهای بین خوانش های مصاحبه گر و مصاحبه شونده در هم آمیخته و ذوب شدند.

ج- یافته‌ها

• بررسی عملکرد چهار نهاد شهرداری، بهزیستی، کمیته امداد و وزارت کشور در مبارزه با تکدی‌گری

قبل از اشاره به عملکرد این چهار نهاد در مبارزه با تکدی‌گری، به این واقعیت اشاره کنیم که تکدی‌گری در جامعه رو به افزایش است و خواهد بود. اکثریت قریب به اتفاق مصاحبه‌شوندگان تحقیق بر این باور بوده‌اند که میزان تکدی‌گری در حال حاضر در جامعه، نسبت به گذشته روند بسیار صعودی داشته و روند رو به افزایشی را برای آینده متصور شده‌اند. در حال حاضر به نتایج حاصل از ارزیابی عملکرد چهار نهاد هدف در این تحقیق در مبارزه با تکدی‌گری می‌پردازیم. نتایج حاصل از این ارزیابی نشان داد که به جز شهرداری، سه نهاد دیگر یعنی بهزیستی، کمیته امداد و وزارت کشور در تحصیل اهداف پیش‌بینی شده موفقیت چندانی نداشته‌اند. البته عملکرد سازمان بهزیستی در این حوزه، تا حدودی بهتر از دو سازمان دیگر است.

جدول ۱: نتایج حاصل از ارزیابی شاخص‌های عملکرد در نهادهای مورد مطالعه

| نام سازمان | وظایف | میزان موفقیت |
|------------------------|--|--|
| شهرداری | ۱- استقرار نماینده در مراکز | موفق ● تقریباً موفق بینابین تقریباً ناموفق ناموفق |
| | ۲- شناسایی، جمع‌آوری و تحویل افراد با هماهنگی نیروی انتظامی و بهزیستی | موفق ● تقریباً موفق بینابین تقریباً ناموفق ناموفق |
| | ۳- ایجاد، تجهیز و راه‌اندازی مراکز نگهداری | موفق ● تقریباً موفق بینابین تقریباً ناموفق ناموفق |
| | ۴- تأمین و پوشش مالی مراکز نگهداری | موفق ● تقریباً موفق بینابین تقریباً ناموفق ناموفق |
| سازمان بهزیستی | ۱- استقرار نماینده در مراکز | موفق ● تقریباً موفق بینابین تقریباً ناموفق ناموفق |
| | ۲- ایجاد و توسعه مراکز نگهداری | موفق ● تقریباً موفق بینابین تقریباً ناموفق ناموفق |
| | ۳- هماهنگی درون‌سازمانی | موفق ● تقریباً موفق بینابین تقریباً ناموفق ناموفق |
| | ۴- تأمین و پوشش مالی مراکز نگهداری | موفق ● تقریباً موفق بینابین تقریباً ناموفق ناموفق |
| | ۵- تحت آموزش قرار دادن متکدیان | موفق ● تقریباً موفق بینابین تقریباً ناموفق ناموفق نامشخص ● |
| | ۶- ارائه پوشش‌های حمایتی لازم به این افراد تا زمان ایجاد شرایط و زمینه‌های مناسب برای بازگشت آن‌ها به زندگی عادی | موفق ● تقریباً موفق بینابین تقریباً ناموفق ناموفق نامشخص ● |
| کمیته امداد امام خمینی | ۱- استقرار نماینده در مجتمع | موفق ● تقریباً موفق بینابین تقریباً ناموفق ناموفق |
| | ۲- درک آیین‌نامه و مراکز | موفق ● تقریباً موفق بینابین تقریباً ناموفق ناموفق |
| | ۳- پذیرش متکدیان معرفی شده از طرف مراکز | موفق ● تقریباً موفق بینابین تقریباً ناموفق ناموفق |
| | ۴- مبارزه با تکدی‌گری | موفق ● تقریباً موفق بینابین تقریباً ناموفق ناموفق |
| | ۵- ارائه پوشش‌های حمایتی و هدایتی لازم برای افراد نیازمند، گمشده، متواری و درمانده | موفق ● تقریباً موفق بینابین تقریباً ناموفق ناموفق نامشخص ● |
| وزارت کشور | ۱- ایجاد هماهنگی بین سازمان‌های مرتبط با تکدی‌گری | موفق ● تقریباً موفق بینابین تقریباً ناموفق ناموفق ناموفق ● |
| | ۲- مدیریت جلسات | موفق ● تقریباً موفق بینابین تقریباً ناموفق ناموفق |
| | ۳- تدوین نظام آماری متمرکز به منظور ثبت و دست‌یابی به موقع به سوابق متکدیان | موفق ● تقریباً موفق بینابین تقریباً ناموفق ناموفق ناموفق ● |
| | ۴- تصویب و تخصیص بودجه | موفق ● تقریباً موفق بینابین تقریباً ناموفق ناموفق |
| | ۵- نظارت بر مراکز نگهداری | موفق ● تقریباً موفق بینابین تقریباً ناموفق ناموفق |
| | ۶- انجام مطالعات و بررسی‌های اجتماعی | موفق ● تقریباً موفق بینابین تقریباً ناموفق ناموفق |

د- بررسی میزان هماهنگی سازمانی بین چهار نهاد شهرداری، سازمان بهزیستی، کمیته امداد و وزارت کشور

در رابطه با هماهنگی نهادهای مورد مطالعه در این تحقیق در زمینه مبارزه با تکدی گری، بارها در جای جای این گزارش صحبت به میان آمد و تشریح وضعیت شد. البته براساس آیین نامه مصوب شورای عالی اداری، گردش فعالیت ها در بین هر چهار نهاد و هم در بین نهادهای دیگر، تاحدودی تعریف و مشخص شده است. منتهی به دلیل ابهام در برخی شرح وظایف تعریف شده در این آیین نامه از یک سو و فقدان یک نظام ارزیابی عملکرد مناسب از سوی دیگر، برخی سازمان ها از وظایف خویش سر باز می زنند و در نتیجه از طرف برخی نهادها دچار شکاف هستیم. به عنوان مثال: صداوسیما و آموزش فنی و حرفه ای کاملاً از موضوع کنار کشیده اند و حضور آنان در جلسه ها، فقط در حد فیزیکی است و بنا به دلایل غیر معقولی عملاً نقشی در این حوزه ندارند.

اما اگر به طور مشخص بخواهیم درباره میزان هماهنگی چهار نهاد هدف این تحقیق یعنی شهرداری، سازمان بهزیستی، کمیته امداد و وزارت کشور بگوییم، باید اشاره کنیم که شروع کار توسط شهرداری (با قبول تعریف فعلی از تکدی که مورد قبول شهرداری است) شروع مناسبی است، شروعی که مربوط به جمع آوری و انتقال متکدیان در مراکز نگهداری اسلام شهر و لویزان می شود. در مرحله بعد، حضور نماینده دو نهاد بهزیستی و کمیته امداد در این مراکز است که متأسفانه کمیته امداد نماینده ای ندارد و بهزیستی واجد یک نماینده مستقر در این مراکز است.

کمیته امداد به دلیل نداشتن نماینده در مراکز، عملاً مشارکتی در این حوزه نداشته و شهرداری گاهی متکدیان مشمول کمیته امداد را به این نهاد معرفی می کند و آنان نیز مبلغ ناچیزی کمک می کنند؛ یا این که شهرداری شخصاً اقدام به مشاوره با خانواده این متکدیان نموده و آنان را به خانواده بازمی گرداند؛ و یا این که شهرداری بعد از گذشت حدود دو الی سه هفته و با اطلاع یابی از عدم پذیرش متکدیان توسط نهادهای مرتبط، آنان را دوباره سر چهارراه ها رها می سازد.

سازمان بهزیستی تاحدودی در هماهنگی با شهرداری در پذیرش متکدیان معرفی شده هماهنگی بهتری داشته است. منتهی این سازمان هم، دچار محدودیت های حجمی مراکز نگهداری است و طبیعتاً از پذیرش بیک سری متکدیان معذور است.

بنابراین، مسئولیت تمامی فعالیت های مربوط به جمع آوری، نگهداری، بازپروری و... متکدیان عملاً به دوش شهرداری است.

اما وزارت کشور که نقش ستادی در این حوزه دارد و قرار بود نقش هماهنگی بین این چهار

نهاد (و نیز نهادهای دیگر) را ایفا کند، در عمل در این زمینه موفق نبوده است. به نظر می‌رسد یکی از دلایل ناکامی این چهار نهاد، نبود هماهنگی بین آنان و مهم‌تر از آن فقدان یک سیستم ارزیابی عملکرد است که طبیعتاً می‌بایست وزارت کشور این سیستم را طراحی و عملی می‌کرد. حتی طبق آیین‌نامه، قرار بود که وزارت کشور یک پایگاه داده برای متکدیان طراحی کند و قطعاً وجود چنین پایگاهی می‌توانست با ارائه داده‌های شناسنامه‌ای به‌روز از متکدیان، هماهنگی بین این چهار نهاد را بیش‌تر کند، اما وزارت کشور چینی اقدامی را صورت نداد.

از طرف دیگر، ما باید هماهنگی بین این چهار نهاد را براساس هماهنگی بین کل نهادهای تعریف‌شده در آیین‌نامه مصوب شورای عالی اداری بررسی کنیم. زیرا همان‌طوری که می‌دانیم عملکرد موفق یک سازمان در تحصیل اهداف پیش‌بینی‌شده، با عملکرد دیگر سازمان‌های متولی در آن حوزه نیز مرتبط است. بنابراین، ناکامی عملکرد چهار نهاد مورد مطالعه در این تحقیق را باید، براساس ضعف عملکرد سایر نهادهای متولی مبارزه با تکدی‌گری نیز توضیح داد. به‌عنوان نمونه، بسیاری از هماهنگی‌هایی که لازم بود بین این چهار نهاد برقرار شود، ابتدا می‌بایست بین همه نهادهای متولی و تعریف‌شده برقرار می‌شد مانند: برگزاری جلسات، تدوین نظام ارزیابی عملکرد و....

چ- اولویت‌بندی عملکرد چهار نهاد شهرداری، سازمان بهزیستی، کمیته امداد و وزارت کشور در مبارزه با تکدی‌گری

در رابطه با سازمان‌هایی که موفقیت بیش‌تری در مبارزه با تکدی‌گری داشته‌اند، ابتدا باید به این نکته اشاره کنیم که مبارزه با تکدی‌گری، به دلیل ماهیت چندسطحی و پیچیده موضوع، یک اقدام بین‌سازمانی است و بنابراین کشیدن یک خط مرز برای سازمان‌های موفق و ناموفق، کار دشواری است. به هر جهت، اجماع مصاحبه‌شوندگان بر این بوده است که شهرداری بیش‌ترین نقش را در این زمینه داشته است. در بین سازمان‌های دیگر نیز، سازمان بهزیستی فعالیت بیش‌تری در مبارزه با تکدی‌گری داشته است. حتی مشاهده‌های تیم تحقیق نشان داد که سازمان بهزیستی نماینده‌ای را در هر دو مجتمع اردوگاهی ساماندهی متکدیان در اسلام‌شهر و لویزان (سامان‌سراها) دارد، این در حالی است که سازمان‌های دیگر فاقد هرگونه نماینده‌ای در این مجتمع می‌باشند. البته در بررسی موفق‌ترین سازمان‌ها در این زمینه، باید به چندین نکته در مورد هر سازمان اشاره شود:

- طبق نتایج این مطالعه، موفق‌ترین سازمان در زمینه مبارزه با تکدی‌گری، شهرداری است. از زمان تشکیل و اجرای ستاد ساماندهی متکدیان در سال ۱۳۷۸ تا کنون، شهرداری بار مسئولیت بسیاری از سازمان‌های کم‌کار و بی‌کار را به دوش کشیده است. متأسفانه هیچ سازمانی (به‌جز تا حدود بسیار اندکی، بهزیستی) از بین ۱۲ سازمان پیش‌بینی‌شده در آیین‌نامه نسبت به عهد خود در مبارزه با تکدی‌گری در کشور وفا نکرده و با ترندهای مختلف از مسئولیت‌های خود ظفره رفته‌اند.

• همان طور که قبلاً از این اشاره شد، تنها سازمانی که (از بین سازمان های ۱۲ گانه) یک نماینده در مجتمع های اردوگاهی دارد، سازمان بهزیستی است. البته سازمان بهزیستی به دلیل کمبود و تراکم مراکز نگهداری از متکدیان معرفی شده از مجتمع های اردوگاهی، قادر نیست تعداد زیادی از آنان را پذیرش کند و بنابراین، عملاً بسیاری از متکدیان، حتی پس از طی مدت نگهداری اولیه در مجتمع (۱۵ تا ۲۰ روز)، هم چنان در مجتمع ها نگهداری می شوند تا فضای خالی برای مراکز سازمان بهزیستی فراهم شود.

• وزارت کشور به عنوان دبیر ستاد ملی و استانداری به عنوان دبیر ستاد استانی، گرچه در حد انتظارات ظاهر نشد، اما توانسته در زمینه مبارزه با تکدی گری، در حوزه هایی مانند بازدید از مجتمع ها، تهیه گزارش، برگزاری جلسات و... ایفای نقش کند. اگر چه این وزارت در زمینه تهیه پایگاه جامع آماری در زمینه متکدیان و نیز در مقام یک سازمان نظارتی اثربخش عمل نکرده است.

• نقش کمیته امداد در ساماندهی متکدیان، فقط در حد تهیه بلیط برای متکدیان شهرستانی و فرستادن آن ها به شهرستان هاست که البته این کار هم، گاهی اوقات از طرف مجتمع های اردوگاهی وابسته به شهرداری صورت می گیرد. البته کمیته امداد فعالیت هایی در زمینه مربوط به آسیب دیدگان اجتماعی صورت داده است، اما به دلیل ضعف آماری و فقدان تفکیک این آسیب دیدگان، طبیعتاً نمی توان مشخص نمود چه نسبتی از این افراد، متکدی بوده اند. البته کمیته امداد تا قبل از انحلال اداره کل امور آسیب های اجتماعی شهرداری، یک نماینده در مجتمع های اردوگاهی اسلام شهر و لویزان داشت که در آن جا مستقر نبود و به صورت هفتگی کارها را پی گیری می نمود. اما در حال حاضر و پس از فعالیت مجدد سازمان خدمات رفاه، این سازمان فاقد هیچ نماینده ای در هر کدام از دو مجتمع اردوگاهی است.

خ- بررسی عوامل موفقیت /عدم موفقیت چهار نهاد شهرداری، سازمان بهزیستی، کمیته امداد و وزارت کشور در مبارزه با تکدی گری

در رابطه با دلایلی که موجب گردید تا عملکرد چهار نهاد مورد مطالعه در زمینه مبارزه با تکدی گری در کشور با موفقیت همراه نباشد، طبیعتاً هر کدام از سازمان های مورد مطالعه قابل به دلایلی چند بودند. برخی به عوامل داخلی خود سازمان و برخی هم به عوامل خارج از سازمان اشاره کرده اند. برخی هم سازمان های دیگر (هم از بین و هم خارج از چهار سازمان مورد مطالعه) را مقصر ناکامی خویش دانسته و در نهایت این که هیچ یک قابل به ضعف و کم کاری خود در این زمینه نبوده اند. در مجموع؛ عوامل مربوط به این ناکامی را می توان در دو دسته عوامل داخلی و عوامل خارجی توضیح داد که طبیعتاً هر کدام از این عوامل از زاویه ای دیگر؛ شامل عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و سازمانی بررسی می شوند.

جدول ۲: عوامل ناکامی سازمان‌های مورد مطالعه در مبارزه با تکدی‌گری

| عوامل داخلی | عوامل خارجی |
|---|---|
| <p>۱- فقدان برنامه مدون در سازمان‌های مرتبط جهت مبارزه با تکدی‌گری</p> <p>۲- کمبود بودجه و اعتبارات</p> <p>۳- تغییر مداوم مسئولین</p> <p>۴- ضعف دانش کارشناسان در زمینه تکدی‌گری، آیین‌نامه و مراکز نگهداری</p> <p>۵- مقصردانستن هم‌دیگر و عدم قبول مسئولیت در قبال کم‌کاری سازمانی</p> | <p>۱- عوامل سازمانی</p> <p>۱- فقدان یا ضعف هماهنگی بین سازمانی</p> <p>۲- عدم شفافیت کارویژه‌های چهار نهاد مورد مطالعه در آیین‌نامه ساماندهی متکدیان</p> <p>۳- تحت پوشش کمیته بودن خانواده</p> <p>۴- فقدان یک نظام ارزیابی عملکرد</p> <p>۵- ضعف آماری</p> <p>۲- عوامل معرفتی</p> <p>۱- فقدان تعریف واحد مشخص از متکدی و فعالیت تکدی‌گری</p> <p>۲- رویکرد مسأله‌محور مسئولین نسبت به پدیده تکدی‌گری، به جای رویکرد علت‌محور</p> <p>۳- نگرش زیبایی‌شناسانه‌ی صرف نسبت به مدیریت شهری</p> <p>۴- رویکرد جمع‌آوری و نگهداری به جای رویکرد توان‌مندسازی</p> <p>۵- انتزاع آسیب‌های اجتماعی از هم</p> <p>۶- عقلانیت متکدیان</p> <p>۷- حرفه‌ای‌گری متکدیان</p> <p>۳- عوامل قانونی</p> <p>۱- پس‌افتادگی حوزه قانون و اجرا از عوامل موجد تکدی‌گری</p> <p>۲- فقدان یک هویت شناسنامه‌ای برای متکدیان</p> <p>۳- ضعف اسناد بالادستی</p> <p>۴- عوامل اجتماعی و فرهنگی</p> <p>۱- تضعیف سرمایه اجتماعی درون‌گروهی بین مردم</p> <p>۲- وجود فرهنگ "کمک و امداد" مستقیم</p> |

د- بررسی عملکرد آیین نامه شورای عالی اداری در خصوص ساماندهی متکدیان

از آنجا که مهم ترین اقدام دولت جمهوری اسلامی ایران در زمینه مبارزه با تکدی گری در زمان بعد از انقلاب، به قانون مصوبه شورای عالی اداری مبنی بر ساماندهی متکدیان برمی گردد بنابراین، تیم محقق بر آن شد تا یکی از مهم ترین یافته های این تحقیق را، به ارزیابی این مصوبه اختصاص دهد. البته ابتدا باید تشکیل ستاد فوق را به فال نیک بگیریم، اما فالی که متأسفانه ادامه نیافت. این ستاد با هدف مناسبی یعنی اصلاح ساختار، ایجاد هماهنگی و ارتقاء کار آیی و بهبود روش های نهادهای متولی امر تکدی گری تشکیل شده بود. آیین نامه شورای عالی اداری، اگرچه نقاط ضعف زیادی داشته و دارد، اما باید بگوییم که این آیین نامه مزایای بسیاری هم داشت که از جمله مهم ترین آن ها حداقل از لحاظ نظری، ایجاد تقسیم کار سازمانی بین سازمان ها در زمینه مبارزه با تکدی گری بود، اگرچه در عمل بار آن بر دوش دو سازمان شهرداری و بهزیستی قرار گرفت.

اما علی رغم جنبه های مثبت تشکیل ستاد که غیر قابل انکار است، مطالعات تیم تحقیق و نتایج مصاحبه ها نشان داد که این ستاد در عملکرد خود ناموفق بوده است. در ادامه، به بررسی مهم ترین عوامل ناکامی این ستاد که در قالب آیین نامه نمود پیدا می کند از یک طرف و بررسی پاره های مشکلات حقوقی و اجرایی در این آیین نامه (به عنوان یکی از عوامل ناکامی آن) پرداخته می شود.

-ارزیابی عملکرد آیین نامه ساماندهی متکدیان مصوب شورای عالی اداری
در رابطه با عملکرد آیین نامه، ابتدا باید بگوییم که باور اکثریت غالب پاسخگویان بر این بوده است که ستاد ساماندهی متکدیان که بر اساس مصوبه شورای عالی اداری تشکیل شد، تاکنون نتوانسته به اهدافش دست یابد. مهم ترین دلایلی که مانع از موفقیت این ستاد و آیین نامه شده، شامل موارد آمده در جدول شماره (۱) می باشد. طبق این کادر به عنوان نمونه، هیچ ضمانت اجرایی در آیین نامه مبنی بر تعهد سازمان های مشمول نسبت به وظایف پیش بینی شده تعریف نشده است.

| |
|--|
| جدول شماره ۱: عوامل ناکامی آیین‌نامه ساماندهی متکدیان مصوب شورای عالی اداری |
| ۱- فقدان ضمانت اجرایی لازم برای تعهد سازمان‌های مشمول نسبت به وظایف پیش‌بینی شده |
| ۲- فقدان یک نظام ارزیابی عملکرد از سازمان‌های متولی |
| ۳- عدم پیگیری مستمر و منسجم از طرف سازمان‌ها و نهادهای مسئول |
| ۴- عدم هماهنگی بین سازمان‌های مختلف در برخورد جدی با مسأله |
| ۵- فقدان پشتوانه علمی ۶- عدم توازن وظایف پیش‌بینی شده با ظرفیت سازمان‌ها |
| ۷- کمبود بودجه ۸- فقدان یک بانک اطلاعاتی متکدیان |
| ۹- مدیریت نامناسب جلسات ستاد |

- پاره‌ای مشکلات حقوقی و اجرایی در مفاد آیین‌نامه ساماندهی متکدیان مصوب شورای عالی اداری

یکی از مهم‌ترین دلایل ناکامی ستاد ساماندهی متکدیان، پاره‌ای مسایل و مشکلات حقوقی و اجرایی خود آیین‌نامه است که در کادر شماره (۲) به آن پرداخته شده است. به‌عنوان نمونه، مرجع تصویب آیین‌نامه، شورای عالی اداری است که فاقد اقتدار قانونی لازم برای تصدی چنین مسئولیتی است. ماهیت آیین‌نامه‌ای و نه قانونی آن نیز، مشکل دیگر حقوقی در این زمینه است.

| |
|---|
| جدول شماره ۲: پاره‌ای مسایل و مشکلات حقوقی و اجرایی در آیین‌نامه ساماندهی متکدیان مصوب شورای عالی اداری |
| ۱- خلأ قانونی مرجع تصویب آیین‌نامه |
| ۲- تقلیل سند فقط در حد یک آیین‌نامه |
| ۳- فقدان جامعیت و مانعیت در تعریف متکدی |
| ۴- فقدان تدوین یک نظام نظارتی و کنترلی از طرف یک مرجع ذی‌صلاح و مقتدر |
| ۵- فقدان یک ضمانت اجرایی به منظور انجام وظایف محوله به سازمان‌ها |
| ۶- عدم توجه به نقش سازمان‌هایی مانند اداره کل ثبت احوال، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، آموزش و پرورش، شورای شهر و شورایاری |
| ۷- کلی‌گویی در تعیین وظایف سازمان‌ها |
| ۸- وجود پاره‌ای تناقضات قانونی در آیین‌نامه |
| ۹- فقدان سازوکاری در برخورد با متکدیان اتباع بیگانه |
| ۱۰- عدم توجه به متکدیان کودک |

- بررسی میزان حضور سازمان های غیر دولتی در ایران در مبارزه با تکدی گری امروزه سازمان های غیر دولتی در کنار بخش های دولتی و خصوصی، نقش بالقوه مهمی در توسعه پایدار ملی دارند و می توانند به شکل مؤثر وظایفی را به اجرا بگذارند که بنا به دلایل متعدد از عهده دو بخش رقیب خارج است. در رابطه با مبارزه با تکدی گری در ایران، باید گفت که یکی از موانع اصلی که موجب ناکامی عملکرد سازمان های دولتی در مبارزه با تکدی گری در کشور شده، فقدان حضور سازمان های غیر دولتی در این حوزه است و این در حالی است که اگر شرایط فراهم باشد، بخش غیر دولتی می تواند به عنوان نمونه در زمینه های جمع آوری، نگهداری، توانمندسازی و باز توانی فعالیت کند، درست مانند بخش های دیگری که در آن فعالیت دارند. متأسفانه نه تنها در سال های اخیر، بلکه در طول تاریخ مبارزه با تکدی گری در ایران، حضور بخش غیر دولتی در این زمینه مورد غفلت مانده و کار مبارزه با تکدی گری در ایران، باهمه ی کم و کاستی هایش، یک کار دولتی است.

به هر جهت در حوزه تکدی گری در کشورمان، اگرچه با افرادی به اسم متکدیان حرفه ای سروکار داریم اما واضح است که تکدی گری در عین حال که نوعی انحراف و جرم است، اما در هر صورت نتیجه مستقیم فقر و شرایط سخت اقتصادی است. متکدیان نیز عموماً جزو طبقه های پایین جامعه اند که گرچه اهداف و ارزش های مشابهی با اکثر مردم دارند، اما توانایی آنان در دست یابی به اهداف شخصی، به خاطر ضعف طبقه اقتصادی و اجتماعی شان محدود شده است. در واقع، براساس نظریه فشار، به ویژه نظریه مرتن، متکدیان اگرچه اهداف تعیین شده از سوی اجتماع را پذیرفته اند، اما ابزارهای رسیدن به این اهداف (مثل کار و آموزش) را در اختیار ندارند. در نتیجه، به دلیل عدم دسترسی به ابزارهای مشروع، به تکدی کشیده می شوند. مطالعات نشان داد که تقریباً بالای دو سوم و گاه چهار پنجم از متکدیان فاقد تحصیلات هستند. این موضوع حکایت از آن دارد که متکدیان فاقد مهارت ها و توانمندی های لازم (به عنوان ابزارها و وسایل) برای نیل به اهداف مورد قبول اجتماعی هستند و همین موضوع احتمال درگیری آنان در فعالیت تکدی گری را بیش تر می کند (مظفری و محمدی، ۱۳۷۹؛ فتحی و دیگران، ۱۳۸۰؛ نریمانی، ۱۳۸۰؛ معتمدی، ۱۳۸۷).

* تکدی گری در ایران دو شکل متفاوت را سیر می کند: یکی حرفه تکدی گری و دیگری تکدی گری حرفه ای. حرفه تکدی گری به این معنا که بسیاری از متکدیان کشور، در نتیجه شرایط بد اقتصادی خود، این فعالیت را به عنوان یک حرفه برای بقای زندگی برگزیده اند، حرفه ای که در حال حاضر بسیاری از آن ها حتی با ایجاد فعالیت های جایگزین، قادر به ترک آن نیستند.

از سوی دیگر، با پدیده ای به اسم «تکدی گری حرفه ای» مواجه ایم. بدین معنی که فعالیت تکدی گری در ایران، تا حدودی از شکل آماتوری خارج شده و به صورت حرفه ای انجام می گیرد. اما این که «چند درصد

از آن در ایران به شکل حرفه‌ای است»، موضوعی است که باید مورد بررسی دقیق قرار گیرد. چرا که آمارها نشان از درصدهای متفاوتی چون ۵، ۱۰، ۱۵ و... درصد دارند که طبیعی است تا مطالعه‌ای جامع به شکل کیفی راجع به این قضیه صورت نگیرد، هیچ‌یک از این آمارها صحت نداشته و مبنای سیاست‌گذاری نخواهد بود.

مطالعه شافعی و رشوند (۱۳۸۰) با تمرکز بر تلقی تکدی‌گری به‌عنوان یک خرده‌فرهنگ، نشان داد که در سال ۱۳۷۸، ۳۱.۶ درصد از متکدیان دستگیر شده هیچ‌گونه آشنایی قبلی با این حرفه نداشته‌اند، در حالی که در سال ۱۳۸۰ این نسبت به ۵۷.۸ درصد بالغ گردیده است. این نتیجه دلالت بر فهم متکدیان از فعالیت سازمان‌ها به‌خصوص شهرداری، نیروی انتظامی، کمیته امداد و بهزیستی داشته و به‌گونه‌ای هوشمند با این سازمان‌ها برخورد می‌کنند. حتی براساس مصاحبه‌های صورت گرفته با جامعه آماری تحقیق، این متکدیان مأموران شهرداری، ماشین جمع‌آوری، نحوه برخورد با آنان در مجتمع، کیفیت حمایت کمیته امداد و بهزیستی و بسیاری از موارد مرتبط را به‌خوبی می‌شناسند.

• موضوع مهم دیگری که از این تحقیق استنباط می‌شود، این است که اگرچه اغلب تکدی‌گری از سایر انواع فعالیت‌های اقتصادی در سطح خیابان مانند شستن شیشه اتومبیل، نواختن موسیقی و... متمایز می‌شود، اما انگیزه اصلی همه این فعالیت‌ها یکی است و تفاوتی با هم ندارد. بسیاری از کسانی که تکدی می‌کنند، عامدانه کالا یا خدمتی را به مشتریان خود (مردم) عرضه می‌کنند تا همواره سعی کنند از یک طرف یک عنصر «دوجانبه‌گرایی» را به مبادله خود اضافه کنند و از طرف دیگر از آنگ «متکدی» فرار کنند و یا به منظور پیگرد قانونی دولت، چهره تکدی‌گری خود را پوشانده و آن را به‌عنوان یک فعالیت قانونی معرفی کنند.

پ- تبیین عملکرد سازمان‌های متولی در مبارزه با تکدی‌گری به‌طور کل و سازمان‌های مورد مطالعه به‌طور خاص

• نتایج نشان داده است که یکی از مهم‌ترین موانع عدم موفقیت سازمان‌های مورد مطالعه در مبارزه با تکدی‌گری، سردرگمی ناشی از عدم تفکیک نقش‌ها و فقدان هماهنگی و یکپارچگی بین نقش سازمان‌ها از یک طرف و نداشتن منابع، به‌ویژه منابع مالی از طرف دیگر است. این مطالعه نشان داد که بسیاری از سازمان‌ها و مسئولین ذی‌ربط در این سازمان‌ها، اگرچه رغبت بالایی برای حل مسأله تکدی‌گری در کشور دارند، اما متأسفانه بسیاری از آن‌ها احتمالاً به دلیل تغییرات مداوم مدیریتی و کارشناسان، گرفتار یک سردرگمی شدید هستند که باعث شده تاکنون در این زمینه ناموفق عمل کنند.

اگر بخواهیم عملکرد و میزان موفقیت سازمان های متولی تکدی گری در کشور را براساس نظریه پارسنز توضیح دهیم، باید چنین اشاره داشت که سازمان های مورد مطالعه در این تحقیق، در هر چهار کارکرد مورد اشاره در نظریه «نظام اجتماعی» پارسنز دچار محدودیت ها و ضعف هایی بوده اند. در ادامه، به تفکیک ضعف های سازمان ها را در هر یک از این چهار حوزه کارکردی توضیح می دهیم:

۱- دستیابی به اهداف: اولین کارکردی که سازمان های متولی تکدی گری برای بقای خود نیاز دارند، در وهله نخست تعریف و دستیابی به اهداف خویش در زمینه موضوع تکدی گری و در وهله دوم ارزشیابی میزان تحقق این اهداف است. اما نتایجی که تحقیق حاضر بدان دست یافت، نشانه ای از چنین کارکردی در سازمان های مورد مطالعه نیافت. متأسفانه به غیر از شهرداری و تاحدودی هم وزارت کشور (به عنوان دبیر ستاد ملی)، کمیته امداد و سازمان بهزیستی هیچ برنامه ای برای مبارزه با تکدی گری نداشته اند و فاقد هر گونه تعریف اهدافی برای این حوزه بودند. در زمینه ارزیابی عملکرد سازمان ها در مورد میزان تحقق اهداف تعریف شده برای مبارزه با تکدی گری نیز، تقریباً هر چهار سازمان فاقد یک نظام ارزیابی عملکرد برای سنجش و مدیریت عملکرد خود در این حوزه بودند. البته شهرداری (و تاحدودی هم وزارت کشور) به طور ضمنی فعالیت های خود در این زمینه را ارزشیابی کرده و همواره در صدد بهبود فعالیت ها هستند، اما این ارزشیابی به شکل غیررسمی صورت می گیرد و فاقد معیارهای مشخص است.

۲- انطباق: نتایج نشان داد که سازمان های مورد مطالعه از یک طرف از ظرفیت منابع لازم برای فعالیت خود در زمینه تکدی گری برخوردار نبوده و از طرف دیگر در تدارک منابع کافی در زمینه های مالی، مدیریت و پرسنل نیز ناکام بوده اند. طبق این نتایج، یکی از دلایل اصلی عدم موفقیت سازمان ها در همکاری با شهرداری در پذیرش مددجویان (متکدیان)، فقدان فضای مناسب برای نگهداری آنهاست و این امر موجب شده که نگهداری از این مددجویان برای مدت بیش تری بر دوش شهرداری باشد، اما در نهایت بعد از گذشت حداکثر ۱۵ تا ۲۰ روز، شهرداری نیز آنها را دوباره در سر چهارراه ها رها می کند.

مشکل مالی و کمبود بودجه نیز، از دیگر مشکلات گریبان گیر تمامی سازمان های مورد مطالعه است. به طوری که بودجه اختصاص یافته از طرف وزارت کشور و از محل اعتبارات عمرانی و جاری برای مبارزه با تکدی گری، تکافوی هزینه نگهداری و خوراک و پوشاک مددجویان در مجتمع های اسلام شهر و لویزان را نمی کند تا چه رسد به هزینه های دیگری مانند توانمندسازی که هزینه ای گزاف در این زمینه می طلبد.

ضعف منابع انسانی در بین سازمان‌های متولی نیز، از دیگر مشکلات مترتب در حوزه مبارزه با تکدی‌گری است که این موضوع خود را در قالب فقدان مدیران لایق و ثابت در سازمان‌ها از یک طرف و فقدان کارشناسان ثابت، به‌روز، ذی‌صلاح و آگاه به قضیه از طرف دیگر نشان می‌دهد. نتایج نشان داد که تقریباً نیمی از کارشناسان در سازمان‌های مورد مطالعه فاقد توان‌مندی لازم برای فعالیت در زمینه مبارزه با تکدی‌گری هستند. نکته قابل توجه در این نتایج این بود که تیم تحقیق ضمن مصاحبه با کارشناسان سازمان‌های مورد مطالعه، وقتی سیر تاریخی موضوع را با آن‌ها در میان می‌گذاشت، برخی از آن‌ها فاقد اطلاعات علمی، تاریخی و حتی به‌روز در زمینه تکدی‌گری بودند. این افراد براساس تجارب خود که عمدتاً نیز در چند سال اخیر کسب کردند، اطلاعاتی را در این زمینه به تیم تحقیق ارائه می‌دادند.

۳- یکپارچگی: کارکرد سومی که سازمان‌ها برای بقای خود بدان نیازمندند، یکپارچگی است که به تفکیک وظایف و مسئولیت‌های سازمان‌های متولی تکدی‌گری از یک طرف و ایجاد هماهنگی بین آن‌ها از طرف دیگر اشاره دارد. نتایج نشان داد که سازمان‌های مورد مطالعه هم در زمینه تفکیک کارکردی و هم در زمینه هماهنگی کارکردی دچار ضعف‌های اساسی بودند. آیین‌نامه مصوب شورای عالی اداری نیز، شرح وظایف مشخص و تعریف شده‌ای برای سازمان‌ها نداشته و فقط به‌شکلی کلی یک سری وظایف را برای آن تعریف کرده است. این در حالی است که حتی برخی از سازمان‌ها مانند اداره کل ثبت احوال، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، آموزش و پرورش، شورای شهر، شورایی و وظایف آن‌ها، از نظر این آیین‌نامه دور مانده است.

موضوع دیگر، فقدان هماهنگی کارکردی بین سازمان‌های مورد مطالعه به‌طور خاص و تمامی سازمان‌های متولی و درگیر براساس مصوبه شورای عالی اداری به‌طور عام است. اگرچه آیین‌نامه چرخه‌ای را برای ساماندهی متکدیان در بین سازمان‌ها تعریف کرده، اما متأسفانه جز شهرداری که شروع کار یعنی جمع‌آوری و نگهداری در مجتمع‌ها برعهده آن است، سایر سازمان‌ها هیچ همکاری با این نهاد نداشته و در عمل تمامی فعالیت‌های مربوط به بعد از جمع‌آوری و نگهداری، یا به دوش شهرداری مانده و یا مددجویان دوباره بعد از مدتی نگهداری در مجتمع‌ها، دوباره به چهارراه‌ها برگشته و چرخه معیوب عملکرد سازمانی در این زمینه تکرار می‌شود. این در حالی است که براساس مصوبه شورا، وظیفه شهرداری فقط در حد تأمین و تدارک مجتمع نگهداری موقت بود و مدیریت این مجتمع‌ها می‌بایست توسط فرمانداری انجام گیرد.

۴- حفظ الگو: یکی از کارکردهای دیگری که برای موفقیت عملکرد و بقای سازمان های متولی تکدی گری لازم است، پاسخ به نیازهای ارباب رجوع و توجه به منافع عمومی به منظور پاسخ به تنش ها است. متأسفانه شمار متکدیان به خصوص در شهر تهران به قدری زیاد می باشد که موجب تنش بین مردم و سازمان ها شده است. نتایج نشان داد که سازمان های مورد مطالعه نتوانستند اقدام مناسبی برای متکدیان انجام دهند. به طوری که طبق مطالعات صورت گرفته، متکدیان از حمایت کمیته امداد و بهزیستی اظهار نارضایتی کرده و حمایت این سازمان ها از متکدیان را ناکافی می دانند. طبیعی است که این موضوع، در عین حال موجب آزردهی مردم از عملکرد سازمان ها در این حوزه و در ادامه بی اعتمادی نسبت به آنان خواهد شد.

نتایج مطالعه مرکز تحقیقات و مطالعات صدا و سیما (۱۳۷۴) نشان داد که از نظر ۷۹ درصد از مردم، برخورد مسئولان مربوطه با معضل تکدی گری ضعیف و ناکافی است و آنان عملکرد خوبی در این زمینه نداشته اند.

موضوع دیگر، توجه به اصل سلسله مراتب است که متأسفانه در زمینه مبارزه با تکدی گری مفقود است. اصل سلسله مراتب به این معنی است که شرط لازم و در عین حال کافی (در کنار سایر شروط) برای موفقیت سازمان ها در مبارزه با تکدی گری، وجود یک سازمان در رأس به عنوان متولی و ابزار اصلی برای ایجاد هماهنگی بین سازمانی است. نبود این سازمان، موجب شکل گیری مشکلات اساسی در مبارزه با تکدی گری مانند عدم پاسخگویی و فقدان هماهنگی بین سازمانی شده است. نتایج نشان داد که متأسفانه یکی از دلایل اصلی عدم موفقیت سازمان های متولی تکدی گری در مبارزه با این پدیده، فقدان هماهنگی بین سازمان های درگیر است. نتایج مطالعات عدیده پیشین نیز دلالت بر نتایج مشابهی در این زمینه داشته اند (حاجیان مطلق، ۱۳۸۱).

• در رابطه با عوامل ناکامی سازمان های متولی تکدی گری در کشور، مطالعه حاضر قایل به دو دسته عوامل داخلی و خارجی سازمان است.

ضعف منابع مالی و انسانی، مهم ترین عاملی است که عملکرد سازمان های مورد مطالعه به ویژه شهرداری، کمیته امداد و بهزیستی را تحت الشعاع قرار داده است. اعتباراتی که آیین نامه برای ساماندهی متکدیان پیش بینی کرده، به اندازه ۱۰ درصد کل هزینه های مورد نیاز برای این کار نیست. حتی متأسفانه ردیف بودجه مربوط به ساماندهی، تحت این عنوان در بودجه عمرانی و جاری پیش بینی نشده و همین موضوع، امکان مصرف آن را سلب نموده است.

موضوع دیگر در تأمین بودجه، وجود شهرداری به عنوان یک نهاد غیردولتی در کنار سازمان‌های دولتی پیش‌بینی شده در آیین‌نامه است. متأسفانه نه هیچ کدام از این سازمان‌ها به نظر شهرداری اهمیتی می‌دهند و نه شهرداری به نظر آنان. همین موضوع موجب شده است تا در برخی دوره‌های زمانی، بودجه‌ای که برای ساماندهی ترتیب داده شده، به دلیل ماهیت غیردولتی شهرداری، این سازمان امکان دریافت بودجه را نداشته و بودجه مذکور برگشت داده شده است.

در بُعد عوامل خارجی سازمان که به محیط فعالیت آن برمی‌گردد، لازم است به چند نکته اشاره شود:

۱- در کنار سازمان‌ها، مردم نیز نقش زیادی در مبارزه با تکدی‌گری در کشور دارند. مردم می‌توانند با کانالیزه کردن کمک‌های خود از حالت فردی به شکلی سازمان‌یافته، نقش به‌سزایی در این حوزه ایفا کنند. این در حالی است که مطالعات نشان داد بسیاری از مردم کمک به متکدیان را مبنای اجرأخروی می‌دانند. اما اگر به دین مبین اسلام توجه کنیم، همان‌طور که اوگونکان (۲۰۱۱) اشاره می‌کند، اگرچه اسلام هر فرد مسلمان را مجاب به صدقه‌دادن می‌کند، اما به هیچ طریق این به معنای حمایت از تکدی‌گری نیست. برطبق نظریه برجسب‌زنی نیز، این افراد هستند که با کنش‌ها و کردارهای خود، طبقات و سنخ‌های اجتماعی را بر ساخت می‌دهند. طبقه متکدی نیز، طبقه‌ای نیست مگر برساخته مردم که از طریق کمک کردن به آن‌ها شکل می‌گیرند.

نتایج مطالعات قبلی حاکی از آن است که برخورد با تکدی‌گری در فرهنگ مردم ایران، حامل برخی پارادوکس‌های اساسی است (نریمانی، ۱۳۸۰). یعنی این مردم در عین حال که باور دارند کمک به متکدیان باعث گسترش آن در جامعه شده و در نهایت به جامعه آسیب می‌رساند (۶۵.۹ درصد)، اما هم‌چنان معتقدند که گدایان افرادی نیازمند ترحم و کمک هستند (۶۲.۱ درصد) و کمک به آنان یک امر واجب است. بنابراین در چنین شرایطی، هر قدر هم سازمان‌ها موفق عمل کنند، عملکرد آن‌ها عقیم خواهد ماند.

۲- شرایط اقتصادی جامعه، موضوع دیگر برون‌سازمانی است که بر عملکرد سازمان‌ها تأثیر گذاشته است. نتایج نشان داد هر چقدر هم سازمان‌ها حداقل در مبارزه با متکدیان فعلی خوب عمل کنند، اما نباید فراموش کرد که مبارزه با تکدی‌گری در کشور، بیش‌تر یک اقدام پیشگیرانه است تا یک اقدام دفعی یعنی تا وقتی که شرایط به‌ویژه شرایط اقتصادی جامعه نامساعد باشد، زمینه برای گرایش عده‌ای از شهروندان به سمت تکدی وجود داشته و چاره‌ای جز بهبود این اوضاع

نیست، نتیجه مطالعه نیز بر همین نکته تأکید دارد (نجفی و دیگران، ۲۰۰۴). آن‌ها دریافتند که تکدی‌گری یک جرم پیشگیرانه است و بنابراین باید از طریق اقدامات غیرجنایی و پیشگیرانه با آن برخورد کرد.

۳- فرهنگ معاش آسوده و بی‌دردسر در بین متکدیان به‌عنوان جامعه هدف سازمان‌ها، یکی از دیگر دلایل مبنی بر کیفیت عملکرد سازمان‌های درگیر است. متأسفانه بسیاری از متکدیان به دلیل دریافت مبالغ زیاد در اثر تکدی، در حال حاضر راضی به رهاسازی این فعالیت و امکان انتخاب یک جایگزین دیگر نمی‌باشند. حتی این امر، آنان را به تن‌پروری و تبلی سوق داده است اگرچه مطالعات قبلی داخلی (بهشتیان لائین، ۱۳۸۶؛ معتمدی، ۱۳۸۷؛ حاجیان مطلق، ۱۳۸۱) و خارجی (Public Beggary Survey, 2011) نشان دادند که یکی از دلایل گرایش افراد به تکدی‌گری، تبلی است، اما نگارنده معتقد است که تبلی در وهله نخست علت گرایش به تکدی نیست، بلکه تبلی در طول زمان و در نتیجه تکرار آن توسط افراد، به علت تکدی تبدیل می‌شود. بنابراین، طبیعی است تا این نوع فرهنگ معاش در متکدیان تغییر نکند، اقدامات سازمان‌ها نیز با توفیقات همراه نخواهد بود که در عمل نیز شاهد همین مسأله هستیم.

ر- ارایه راه‌کارهایی به منظور عملکرد هر چه بهتر نهادهای مورد مطالعه در مبارزه با تکدی‌گری عواملی که به بروز تکدی‌گری می‌انجامد، عواملی چندبُعدی‌اند که هر یک به‌طریقی متفاوت، منجر به تکدی‌گری شده و در نتیجه بر عملکرد سازمان‌های متولی در این حوزه تأثیر می‌نهند. به همین خاطر، پیشنهادها و ابزارهایی هم که می‌توان برای مبارزه با تکدی‌گری در جامعه ارایه داد و به کار بست، ابزارهایی چند سطحی هستند. در این قسمت، این ابزارها را می‌توان براساس شش حوزه فرهنگی، اجتماعی، قانونی و حقوقی، سازمانی، اقتصادی و مالی ارایه داد (جدول ۳).

جدول ۳: ابزارهای میارزه با تکدی گری در کشور

| نوع پیشنهاد | مصادیق پیشنهاد |
|------------------------------|--|
| ۱- راه کارهای فرهنگی | <ul style="list-style-type: none"> • تغییر نگرش مسئولین خرد و کلان نسبت به موضوع "تکدی گری" از یک مسأله اجتماعی صرف به "پیامد" چندین مسأله اجتماعی و اقتصادی متقدم • فرهنگ سازی در بین مردم • تغییر تفکر معاش در بین متکدیان • تقویت فرهنگ قناعت و عزت نفس در افراد |
| ۲- راه کارهای اجتماعی | <ul style="list-style-type: none"> • ارتقاء آموزش های همگانی و لزوم آموزش های توانمندسازی به مردم • ترویج نهادها و گروه های خودیاری (خویشاوندی، همسایگی و محلی) به منظور تقویت سرمایه اجتماعی محلی و خویشاوندی و در نهایت تقویت روحیه دستگیری و امداد |
| ۳- راه کارهای قانونی و حقوقی | <ul style="list-style-type: none"> • تشکیل یک قانون جامع در زمینه آسیب های اجتماعی، حال با هر اسم و برجسی مانند قانون ملی آسیب های اجتماعی، قانون جامع مدیریت آسیب های اجتماعی، قانون جامع مبارزه با آسیب های اجتماعی، قانون جامع ساماندهی آسیب های اجتماعی و... • گنجاندن موضوع آسیب های اجتماعی در اسناد بالادستی و تصویب قوانین و مصوبات لازم الاجرا جهت مشارکت و همکاری بین بخشی در زمینه مداخله و ساماندهی متکدیان • تدوین شناسنامه ملی برای متکدیان • تصویب قوانین و مصوبات اجرایی مربوط به بیمه ها و حمایت های اقتصادی اجتماعی واقع بینانه (متناسب با نیازهای فردی و اوضاع اجتماعی) در زمان بیکاری، ورشکستگی، بلایای طبیعی و غیر طبیعی • گنجاندن موضوعات مربوط به تکدی و تکدی گری در برنامه توسعه کشور و مشخصاً سیاست های توسعه شهری • اعلام استعمار کودکان برای تکدی گری به عنوان یک تخلف جنایی و غیرقانونی بودن استعمار آنان توسط والدین برای فعالیت های تکدی، کار و درآمدزایی |
| ۴- راه کارهای سازمانی | <ul style="list-style-type: none"> • تعیین یک سازمان نظارتی مقتدر در کشور به عنوان یک مقام ارزیاب و کنترل گر • تثبیت نقش شهرداری در جمع آوری، نگهداری، تجهیز و مدیریت مجتمع ها • اعطای جایگاه قانونی به شهرداری به عنوان نهادی برابر و موازی با سازمان های دولتی • تعیین یک سازمان متولی و پاسخگویی واحد برای ساماندهی متکدیان • تشکیل یک اتاق فکر متشکل از صاحب نظران (رشته های مرتبط مانند جامعه شناسی، مدیریت و...)، کارشناسان و مسئولان • تثبیت نماینده سازمان های درگیر در امر تکدی گری به خصوص در جلسات ستاد ملی و استانی • شراکت بخش غیردولتی (NGOS) در مدیریت تکدی گری در جامعه • استفاده از رویکرد محله محوری در مبارزه با تکدی گری • هماهنگی با اداره امور اتباع وزارت کشور و سفارت های مرتبط • آموزش کارشناسان سازمان های درگیر در امر مبارزه با تکدی گری نسبت به وضعیت موجود، اقدامات و... متکدیان از طرف وزارت اطلاعات و نیروی انتظامی • تغییر ماهیت و کارکرد گرم خانه ها • تغییر نام "مجتمع اردوگاهی" در آیین نامه به "سامان سرا" • ایجاد واحدها و مراکز حمایت از کودکان تکدی با کمک NGOs • اجرای پروژه های پیوست اجتماعی برای طرح های مربوط به ساماندهی متکدیان |
| ۵- راه کارهای اقتصادی | <ul style="list-style-type: none"> • ایجاد اردوگاه کار |
| ۶- راه کارهای مالی | <ul style="list-style-type: none"> • انجام یک سری اقدامات اقتصادی پیشگیرانه مانند توزیع عادلانه منابع (مالی، انسانی، مدیریتی، تکنولوژی و توسعه ای) در مناطق مختلف کشور، سیاست های جلوگیری از مهاجرت از روستاها به شهرها و از شهرهای کوچک به کلان شهرها، تدوین و ارایه برنامه های کاهش فقر • اختصاص بودجه ای خاص با نام خاص ساماندهی متکدیان • استفاده از کمک های مردمی |

منابع

- آریان پور، لیلا (۱۳۷۹). بررسی گستره فقر و وضعیت متکدیان در استان کرمانشاه. همایش توسعه اجتماعی استان کرمانشاه.
- احمدی، حبیب (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی انحرافات. تهران: انتشارات سمت.
- ادیبی، حسین و انصاری، عبدالمعبود (۱۳۸۵). نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: انتشارات جامعه‌بهبشتیان لاین، مجید (۱۳۸۶). بررسی علل ارتکاب تکدی اطفال و نوجوانان پسر در مشهد و راه‌های پیشگیری از آن. دانشکده حقوق و علوم سیاسی و زبان دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد.
- حاجیان مطلق، محمود (۱۳۸۱). تأملی بر پدیده تکدی و ریشه‌های آن در ایران: روسپیگری، کودکان خیابانی و تکدی. مجموعه مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، خرداد، چاپ سوم، تهران: انتشارات آگاه.
- حاجیان مطلق، محمود (۱۳۸۵). امپراتوری تکدی: نگاهی به تکدی‌گری در دنیا و راه‌های مبارزه با آن. روزنامه شرق.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸). توسعه و تضاد، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۷). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۷). دیویزگان: پژوهشی در شناخت تکدی در شهر تهران. تهران: نشر کلمه.
- ستاری فرد، احسان (بی‌تا). چرایی و چگونگی ارزیابی عملکرد در سازمان‌های تعمیرات و بازسازی.
- <http://www.irma.ir/files/site1/pages/1065.pdf>
- شهرداری تهران (۱۳۸۸). لایحه برنامه ۵ ساله شهرداری تهران سال‌های ۹۲-۱۳۸۸.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۷۲). آسیب‌شناسی اجتماعی (جزوه درسی). دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۳). آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران: انتشارات آن.
- فتحی، شاهین و دیگران (۱۳۸۰). بررسی ویژگی‌های متکدیان شهر تهران. وزارت کشور، استانداری تهران: معاونت سیاسی و امنیتی.
- کوچکیان فرد، حسین (۱۳۸۱). مفهوم تکدی و اقدامات دولت و سازمان‌های غیردولتی در برخورد با آن. مجموعه مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، خرداد، چاپ سوم، تهران: انتشارات آگاه.
- کوچکیان فرد، حسین (۱۳۸۱). بازشناسی مفهومی تکدی و اقدامات دولتی در ساماندهی آن و نقش سازمان‌های غیردولتی در کاهش این پدیده در ایران. اولین همایش آسیب‌های اجتماعی در ایران، خرداد، تهران: انتشارات آگاه.
- کوزر، لیویس و روزنبرگ، برنارد (۱۳۷۸). نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناسی. ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.
- گروثز، چارلز (۱۳۷۸). جامعه‌شناسی مرتن. ترجمه زهره کسایی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- مظفری، علیرضا و محمدی، اکبر (۱۳۷۹). بررسی علل تکدی‌گری در استان آذربایجان غربی. استانداری

آذربایجان غربی، حوزه معاونت سیاسی و امنیتی، دفتر امور اجتماعی و انتخابات.
 معتمدی، حمید (۱۳۸۷). علل اقتصادی - اجتماعی مؤثر بر پدیده تکدی‌گری در شهر مشهد. پایان‌نامه
 کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
 منتظرقایم، مهدی (۱۳۸۶). تکدی‌گری در ایران. مجموعه تحلیل‌های آسیب‌شناسی اجتماعی در ایران، تهران:
 دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
 نریمانی، محمد (۱۳۸۰). بررسی پدیده تکدی‌گری و رابطه آن با فقر در استان اردبیل. استانداری اردبیل،
 مؤسسه مطالعات و تحقیقات استان.
 ورسل، پیتر (۱۳۷۸). نظم اجتماعی در نظریه‌های جامعه‌شناسی. ترجمه سعید معیدفر، تهران: موسسه فرهنگی
 انتشاراتی تیان.

Australian Institute of Criminology (2005). Preventing crime against older Australians. AICrime Reduction Matters, No. 29, 12 January.

Ellsworth, J. (2002). Embedding prevention in policy and practice, Report on the National Crime Prevention Council's Conference of State Partners, Phoenix, AZ, April 14-16.

jrf (2000). The links between begging, rough sleeping and The Big Issue in Glasgow and Edinburgh. <http://www.jrf.org.uk/sites/files/jrf/510.pdf>.

Kasperskaya, Yulia (2006). Essays on Causal Performance Measurement Models. Universitat Pompeu Fabra Department of Economics and Business, PhD Dissertation, December.

Ogunkan, David Victor (2011). Begging and almsgiving in Nigeria: The Islamic Perspective. International Journal of Sociology and Anthropology Vol. 3(4), pp. 127-131, April.

Public Beggary Survey (2011). A Public Survey on Beggary. People's Union For Civil Liberties, Bangalore Chapter, Jan-Feb, <http://puclकर्नातका.org/wp-content/uploads/2011/04/BeggarSurveyAnalysis.pdf>.

Weatherburn,D.(2004). Law and Order in Australia. Sydney: Federation Press.

Western Australian Council of Social Service Inc. (2005). The Role of Non-Government Organisations in Diverting Young People from Crime. November.

Western Australian Council of Social Service Inc. (2005). The Role of Non-Government Organisations in Diverting Young People from Crime. November

بررسی عملکرد شرکت‌های دولتی واگذار شده در بورس اوراق بهادار تهران

دکتر سید محمدرضا سپینورانی ۱

مسعود غلامزاده لداری ۲

چکیده

اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و خصوصی سازی صرفاً با انتقال مالکیت خاتمه نمی‌یابد. ضروری است که پیامدهای حاصل از آن نیز به دقت واکاوی شود. هدف اصلی این تحقیق بررسی وضع شرکت‌های واگذار شده نسبت به قبل از واگذاری و استخراج مهم‌ترین موانع و چالش‌های واگذاری و ارائه پیشنهاداتی برای ارتقای اثربخشی واگذاری‌های آتی است.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که عملکرد و وضع مالی و کارآیی شرکت‌های دولتی پس از واگذاری تفاوت معناداری با مقطع قبل از واگذاری نداشته است. از سوی دیگر، خبرگان معتقدند اگر چه تغییر ساختارها، بهبود عملکرد، وضع مالی و کارآیی شرکت‌های واگذار شده زمان‌بر و شاید با تأخیر و حتی مقاومت‌هایی همراه باشد، اما در همین مدت سپری شده از واگذاری بنگاه‌ها، مشکلاتی مشاهده شده است که بر عملکرد، وضع مالی و کارآیی آن‌ها تأثیر گذاشته است.

واژگان کلیدی: خصوصی سازی، عملکرد و وضعیت مالی و کارآیی، بورس اوراق بهادار تهران، ساختار

مالکیت، ساختار مدیریت.

۱. دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی

۲. دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه علامه طباطبایی و مدرس دانشگاه - masoud.gholamzade@gmail.com

مقدمه

اقتصادهای بازار محور از دهه ۱۹۷۰ میلادی اقدام به خصوصی سازی بسیاری از شرکت های دولتی و محدود کردن حوزه فعالیت دولت نمودند. هدف اصلی از خصوصی سازی ها، افزایش کار آیی و کاهش بار سنگین بودجه بر دولت ها بوده است. البته اهداف دیگری مانند افزایش درآمد، توزیع مالکیت، تأمین تقاضاهای سرمایه گذاران خارجی، کاهش بوروکراسی های دولتی و پاسخگو کردن بخش خصوصی نسبت به سرمایه گذاری های انجام شده نیز دنبال شد.

در ایران نیز کاهش تصدی گری دولت و واگذاری بخشی از فعالیت های دولت به بخش خصوصی، یکی از مهم ترین پدیده های اقتصادی طی دو دهه گذشته بوده است. به ویژه، طی سال های اخیر اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی به عنوان یکی از برنامه های مهم در اقتصاد کشور مطرح شده است. اما آنچه که ذهن اقتصاددان های دنیا و ایران را به خود مشغول کرده، این است که «آیا عملکرد و وضعیت مالی و کار آیی شرکت های دولتی بعد از واگذاری ارتقاء می یابد؟». این یک سؤال قدیمی در اقتصاد است که اقتصاددان ها پاسخ های متفاوتی به آن داده اند. از یک طرف، بسیاری از اقتصاددانان معتقدند که کار آیی شرکت های دولتی ذاتاً کم تر از شرکت های خصوصی مشابه است. از طرف دیگر، برخی ها بر این باورند که مسائلی از قبیل مقرون به صرفه نبودن نظارت گسترده بر مدیران شرکت های خصوصی (مشابه آنچه که در بخش دولتی وجود دارد) و مشکلات نمایندگی باعث می شود که بین اهداف و منافع مدیران بخش خصوصی و سهامداران شرکت های خصوصی واگرایی هایی به وجود آید و در نتیجه عملکرد این شرکت ها تحت تأثیر مسائلی از این دست، کاهش یابد.

در این تحقیق، عملکرد و وضعیت مالی و کار آیی شرکت های دولتی واگذار شده در ایران مورد بررسی قرار گرفته است تا مشخص شود که آیا وضعیت این شرکت ها بعد از واگذاری بهبود پیدا کرده است یا خیر. دیدگاه خبرگان و ارزیابی آن ها در خصوص واگذاری های انجام شده نیز اخذ شده است.

مبانی نظری

به طور کلی، طرفداران خصوصی سازی استدلال می کنند که مالکیت خصوصی کار آتر از مالکیت عمومی است. این استدلال ها بر این ادعا استوار است که تغییر مالکیت باعث پالایش اهداف و انگیزه های مدیران در جهت کاهش هزینه و افزایش سود می شود (شایرلی و نیلز، ۱۹۹۱). بعضی از بهبودهای مورد انتظار بعد از واگذاری شرکت های دولتی به تفکیک شاخص های عملکردی

مختلف به شرح زیر می‌باشد (لوک و همکاران، ۲۰۰۶):

الف- سودآوری: یکی از مشکلات اصلی شرکت‌های دولتی، نبود انگیزه‌های اقتصادی مؤثر برای مدیریت و نیاز به تعقیب اهدافی از قبیل به حداکثر رساندن تعداد کارکنان یا ارایه کالاها و خدمات با قیمت‌هایی یارانه‌ای است که هدف به حداکثر رساندن سود را مخدوش می‌کند. انتظار می‌رود مدیران شرکت‌های واگذار شده برای به حداکثر رساندن ارزش سهامداران و در نتیجه ثبات شغلی خود و سایر منافع، تأکید زیادی بر افزایش سودآوری داشته باشند. انتظار افزایش کارایی در شرکت‌های دولتی خصوصی شده دلیل دیگری بر این فرضیه است. بنابراین انتظار می‌رود که نسبت‌های سودآوری در شرکت‌های دولتی افزایش یابد.

ب- کارایی: شرکت‌های دولتی معمولاً با بازارهای ضابطه‌مند و شبه انحصاری مواجه هستند که فشارهای رقابتی در آن‌ها وجود ندارد. بنابراین در چنین محیطی انتظار می‌رود انگیزه چندانی برای تولید به روش‌هایی کارآ و وجود نداشته باشد. شاید این واقعیت که هدف اصلی شرکت‌های دولتی به حداکثر رساندن سود نیست، نیز در ناکارایی تولید این شرکت‌ها تأثیر داشته باشد. انتظار می‌رود که آزادسازی بعد از خصوصی‌سازی و افزایش رقابت باعث افزایش کارایی تولید شرکت‌های واگذار شده گردد.

ج- نیروی انسانی: فرض بر این است که تعداد نیروی انسانی مازاد در شرکت‌های دولتی زیاد است. تئوری تولید پیشنهاد می‌کند که شرکت‌ها در گام نخست، برای کمیته‌سازی ترکیب هزینه‌ها، اقدام به کاهش تعداد نیروی انسانی کنند و در بلندمدت کارایی بالاتر به لحاظ هزینه منجر به تقاضای بیش‌تر و در نتیجه افزایش تعداد نیروی کار می‌شود. در نتیجه انتظار می‌رود که تعداد نیروی انسانی شرکت‌های واگذار شده در کوتاه‌مدت کاهش یابد.

د- ساختار سرمایه: انتظار می‌رود بعد از خصوصی‌سازی، بانک‌ها ریسک بیش‌تری را برای اعطای تسهیلات مالی به این شرکت‌ها مطالبه کنند و در نتیجه نرخ سود اعطای تسهیلات به شرکت‌ها بعد از واگذاری افزایش یابد، در نتیجه فرض بر آن است که شرکت‌های واگذار شده تمایل کم‌تری برای دریافت وام‌های بانکی داشته باشند و نسبت اهرم (بدهی به دارایی) در این شرکت‌ها کاهش یابد. دسترسی ساده‌تر شرکت‌های واگذار شده به بازار سرمایه دلیل دیگر تمایل کم‌تر آن‌ها برای تأمین مالی از طریق سیستم بانکی است.

ه- سرمایه‌گذاری: انتظار می‌رود که تأکید بیش‌تر شرکت‌های واگذار شده بر روی کارایی منجر به این شود که شرکت‌های واگذار شده مخارج سرمایه‌ای خود را افزایش دهند. همچنین از شرکت‌های واگذار شده انتظار می‌رود که با توجه به دسترسی آسان‌تر به بازار سرمایه و سهولت انتشار اوراق بدهی (مثل اوراق مشارکت) انگیزه بیش‌تری برای انجام مخارج سرمایه‌ای بیش‌تر داشته باشند.

و- نقدینگی و جریان نقد حاصل از عملیات: اگر شرکت‌ها بعد از واگذاری، سهم از بازار بیش تری کسب نمایند، جایگاه رقابتی بالاتری را به دست آورند و در نتیجه در بازار محصول کارآتر عمل کنند، انتظار می‌رود که نقدینگی و جریان نقد حاصل از عملیات در این شرکت‌ها افزایش یابد.

پیشینه تحقیق

الف) مرور تحقیقات خارجی

با توجه به اهمیت موضوع، تحقیقات خارجی زیادی در رابطه با ارزیابی عملکرد شرکت‌های دولتی واگذار شده انجام شده است که در ادامه به برخی از این تحقیقات به اختصار اشاره می‌شود. نسور و همکاران (۲۰۰۷) در تحقیقی با عنوان «عملکرد شرکت‌های جدیداً خصوصی شده در کشورهای منتخب منا: نقش ساختار مالکیت، راهبری و خط‌مشی‌های آزادسازی»، با تجزیه و تحلیل شرکت‌های خصوصی شده در چهار کشور خاورمیانه و آفریقای شمالی (مصر، مراکش، تونس و ترکیه) به این نتیجه دست یافتند که این شرکت‌ها افزایش قابل توجهی را در سودآوری و کارآیی عملیات تجربه کردند و تعداد کارکنان و میزان اهرم در این شرکت‌ها بعد از خصوصی‌سازی کاهش قابل ملاحظه‌ای داشته است.

بوش و ورجز (۲۰۰۶)، در پژوهش خود با عنوان «اثرات خصوصی‌سازی بر عملکرد اقتصادی شرکت‌های اسپانیایی»، با ارزیابی اثرات خصوصی‌سازی بر روی کارآیی شرکت‌های دولتی اسپانیا که از سال ۱۹۹۰ به بعد واگذار شده‌اند، به این نتیجه دست یافتند که عملکرد اقتصادی شرکت‌ها بعد از خصوصی‌سازی در واقع بهبود نیافته است.

یافته‌های تحقیق لوك و همکاران (۲۰۰۶) با عنوان «تأثیر خصوصی‌سازی بر عملکرد شرکت‌ها در اقتصاد در حال گذر» که به مقایسه عملکرد مالی و عملیاتی شرکت‌های خصوصی شده در ویتنام در دو مقطع قبل و بعد از خصوصی‌سازی پرداختند، نشان می‌دهد که سودآوری، درآمد فروش، کارآیی و سرانه سود کارکنان بعد از خصوصی‌سازی افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته است.

داکتر و همکاران (۲۰۰۵) در تحقیقی با عنوان «عملکرد مالی و عملیاتی شرکت‌های خصوصی شده در اتریش» با مطالعه تغییر در عملکرد عملیاتی و مالی شرکت‌های خصوصی شده اتریش طی سال‌های ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۵ به این نتیجه دست یافتند که تفاوت معناداری بین عملکرد عملیاتی شرکت‌های دولتی و خصوصی وجود ندارد و از طرفی دیگر، عملکرد مالی شرکت‌های دولتی به طور معناداری از شرکت‌های خصوصی کم تر بوده است و در نهایت به این نتیجه رسیدند که

موفقیت خصوصی سازی در اتریش کم تر از تجربیات بین المللی بوده است. یافته های تحقیق گوپتا (۲۰۰۵) با عنوان «خصوصی سازی جزیی^۱ و عملکرد شرکت ها»، که با استفاده از داده های مربوط به شرکت های خصوصی شده طی سال های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۲ در هندوستان انجام شده است، نشان می دهد که خصوصی سازی جزیی؛ بر روی سودآوری، بهره وری و سرمایه گذاری این شرکت ها تأثیر مثبت داشته است.

وی و همکاران (۲۰۰۵) در تحقیقی با عنوان «ساختار مالکیت و ارزش مشارکت در شرکت های چینی طی سال های ۲۰۰۱-۱۹۹۱» به این نتیجه رسیدند که سهام شرکت های دولتی با نسبت عملکردی کیوتوین رابطه منفی معناداری دارد. همچنین، چن و همکاران (۲۰۰۸) در تحقیقی با عنوان «انتقال کنترل، خصوصی سازی، و عملکرد شرکت: افزایش کارآیی در شرکت های بورسی چین»، به این نتیجه دست یافتند که وقتی مالکیت شرکت های دولتی از طریق بازار سرمایه به بخش خصوصی واگذار می شود، عملکرد این شرکت ها بهبود می یابد، اما وقتی مالکیت از یک بخش دولتی به بخش دولتی دیگر منتقل می شود، تغییر اندکی در عملکرد رخ می دهد.

دی و نتر و همکاران (۲۰۰۱) در یک تحقیق بین المللی با عنوان «شرکت های دولتی و خصوصی: تجزیه و تحلیل تجربی سودآوری، اهرم و کثرت نیروی کار» به این نتیجه دست یافتند که سودآوری شرکت های دولتی بسیار کم تر از شرکت های خصوصی است. آن ها همچنین به این نتیجه رسیدند که اهرم (نسبت بدهی به دارایی ها) شرکت های دولتی بسیار بیش تر از شرکت های خصوصی و تعداد نیروی کار شرکت های دولتی کم تر از شرکت های خصوصی است.

یافته های تحقیق بوبکری و کوزت (۱۹۹۸) با عنوان «خصوصی سازی در کشورهای در حال توسعه»، که با بررسی عملکرد مالی و عملیاتی نمونه ای نسبتاً بزرگ از شرکت های خصوصی شده در کشورهای در حال توسعه انجام شده است، نشان می دهد که سودآوری، کارآیی عملیات، مخارج سرمایه ای و سایر شاخص های مالی و عملیاتی در شرکت های خصوصی شده، بعد از خصوصی سازی بهبود یافته است و نسبت اهرم در این شرکت ها کاهش یافته است.

1 partial privatization: در این نوع خصوصی سازی، سهام غیرکنترلی در بازار سرمایه به فروش می رسد و مدیریت به مالکان خصوصی جدید واگذار نمی شود.

ب) مرور تحقیقات داخلی

تحقیقات انجام شده در ایران در خصوص ارزیابی شرکت‌های واگذار شده، عمدتاً مربوط به واگذاری‌های چندین سال قبل و برای تعداد اندکی از شرکت‌ها است، در حالی که بخش عمده واگذاری‌های شرکت‌های دولتی در ایران در سال‌های اخیر انجام شده است. در ادامه به برخی از این تحقیقات اشاره می‌شود.

منطقی (۱۳۸۵) در تحقیقی با عنوان «بررسی عملکرد گروهی منتخب از شرکت‌های دولتی قبل و بعد از واگذاری در بورس» به بررسی ۷ شرکت واگذار شده در سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۲ پرداخته است و در آن از تکنیک تصمیم‌گیری فرآیند سلسله‌مراتبی استفاده شده است. براساس نتایج این تحقیق، وضعیت اقتصادی ۴ شرکت بعد از واگذاری بهبود و وضعیت سه شرکت نیز تنزل داشته است.

حسینی و همکاران (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان «بررسی و تحلیل نتایج خصوصی‌سازی در شرکت‌های واگذار شده بانک صنعت و معدن با رویکرد سنجش عملکرد» به بررسی وضعیت ۱۸ شرکت خصوصی شده از طرف بانک صنعت و معدن طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۲ با استفاده از مدل کارت ارزیابی متوازن پرداختند. نتیجه این تحقیق در مورد شرکت‌های تحت پوشش بانک صنعت و معدن نشان داد که اگرچه نتیجه واگذاری بعضی از شرکت‌های تحت پوشش بانک صنعت و معدن مثبت بوده است، اما آفت‌ها و یا پتانسیل بالایی برای تغییر وضعیت کنونی و منفی شدن اثرات خصوصی‌سازی وجود دارد که در صورت عدم کنترل صحیح آن‌ها، شرکت‌های واگذار شده با وضعیتی به مراتب بدتر از قبل از واگذاری به بانک صنعت و معدن عودت خواهند شد.

طالب‌نیا و محمدزاده سالطه (۱۳۸۲) در پژوهشی با عنوان «تأثیر خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بر بازده سهام آن‌ها»، با بررسی شرکت‌های واگذار شده تحت پوشش سازمان صنایع ملی ایران و سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران طی سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۸، به این نتیجه دست یافتند که بازده سهام شرکت‌ها پس از خصوصی‌سازی تغییر معناداری داشته است، منتها این تغییر در حالت کلی مثبت نبوده است.

آقاچانی (۱۳۸۰) در تحقیقی با عنوان «تأثیر خصوصی‌سازی بر ابعاد مالی جهت تداوم فعالیت شرکت‌ها» برای شرکت‌های واگذار شده در سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۸ نتیجه‌گیری کرد که وضعیت مالی شرکت‌های مورد بررسی بعد از خصوصی‌سازی نسبت به دوره قبل از آن، تفاوت زیادی نداشته است.

ضرورت انجام تحقیق

کشور ما نزدیک به دو دهه است که برای پیاده‌سازی سیاست‌های خصوصی‌سازی تلاش می‌کند. خصوصی‌سازی صرفاً با انتقال مالکیت خاتمه نمی‌یابد بلکه ضروری است که پیامدها، نتایج و دستاوردهای حاصل از واگذاری سهام شرکت‌های دولتی به دقت واکاوی شود تا در صورت نیاز، پیشنهادهای برای بهبود وضعیت شرکت‌های واگذار شده یا اتخاذ تصمیمات بهینه در واگذاری‌های جدید ارایه شود.

اطلاع از میزان اجرای صحیح سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی و بازنگری حسن جریان امور در این خصوص، یکی از وظایف خطیر سازمان بازرسی کل کشور می‌باشد که با عنایت به اینکه در این تحقیق بخش قابل ملاحظه‌ای از واگذاری‌های انجام شده در ایران طی سال‌های گذشته مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند به سازمان بازرسی کل کشور در ایفای مسئولیت مهم یاد شده یاری رساند.

همچنین نتایج حاصل از این تحقیق می‌تواند برای مجریان خصوصی‌سازی و به ویژه مدیران شرکت‌های دولتی و سازمان خصوصی‌سازی، و زارتخانه‌هایی که شرکت‌های دولتی زیر مجموعه آن‌ها در حال خصوصی شدن هستند یا این فرآیند را تا حدودی طی نمودند و نیز برای سازمان بورس و اوراق بهادار سودمند واقع شود.

اهداف تحقیق

اهداف اصلی این تحقیق عبارتند از:

- ۱- جمع‌آوری شواهد تجربی در مورد عملکرد و وضعیت مالی شرکت‌های دولتی واگذار شده در مقایسه با عملکرد و وضعیت مالی قبل از واگذاری.
- ۲- اخذ نظرات کارشناسانه خبرگان و مجریان و دست‌اندرکاران واگذاری به‌منظور بررسی وضعیت شرکت‌های واگذار شده نسبت به قبل از واگذاری و استخراج مهم‌ترین موانع و چالش‌های واگذاری.
- ۳- ارایه پیشنهادهای مؤثر برای ارتقای اثربخشی واگذاری‌های آتی.

سئوالات تحقیق

در این تحقیق با جمع‌آوری شواهد تجربی و گفتگوهای هدفمند با خبرگان به دنبال دستیابی به پاسخ دو سؤال اصلی زیر هستیم. بخشی از نتایج مربوط به سؤال ۲ می‌تواند به ارزیابی اعتبار نتایج به دست آمده از مرحله ۱ کمک کند.

سؤال اول: «آیا عملکرد شرکت‌های دولتی ایران بعد از واگذاری در ابعاد مختلف بهبود یافته است یا خیر؟» در این تحقیق عمدتاً بر عملکرد مالی تمرکز شده است، برای پاسخگویی به این سؤال کلی، ابعاد زیر مورد بررسی قرار گرفته است؟

• وضعیت شرکت‌های واگذار شده به لحاظ سودآوری بعد از واگذاری چه تغییراتی نسبت به قبل از واگذاری داشته است؟

• وضعیت شرکت‌های واگذار شده به لحاظ نقدینگی بعد از واگذاری چه تغییراتی نسبت به قبل از واگذاری داشته است؟

• وضعیت شرکت‌های واگذار شده به لحاظ ساختار سرمایه بعد از واگذاری چه تغییراتی نسبت به قبل از واگذاری داشته است؟

• وضعیت شرکت‌های واگذار شده به لحاظ سرمایه گذاری بعد از واگذاری چه تغییراتی نسبت به قبل از واگذاری داشته است؟

• وضعیت شرکت‌های واگذار شده به لحاظ کارآیی بعد از واگذاری چه تغییراتی نسبت به قبل از واگذاری داشته است؟

سؤال دوم: «دیدگاه خبرگان نسبت به واگذاری‌های انجام شده در خصوص موارد زیر چیست و ارزیابی آن‌ها چگونه است؟»

• از نظر خبرگان، عملکرد مالی و وضعیت مالی شرکت‌های واگذار شده نسبت به قبل از واگذاری چه تغییراتی داشته است؟

• از نظر خبرگان، مدیریت شرکت‌های واگذاری شده بعد از واگذاری دستخوش چه تحولاتی شده است؟

• از نظر خبرگان، ساختار مالکیت شرکت‌های واگذار شده بعد از واگذاری دچار چه تغییر و تحولاتی شده است؟

• موانع و مشکلات مختلف در واگذاری شرکت‌ها از نظر خبرگان چه بوده است؟ چگونه می‌توان این موانع و مشکلات را به منظور بهبود واگذاری‌ها در آینده برطرف کرد؟

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه‌های اصلی و فرعی مورد آزمون برای پاسخ‌گویی به سؤال اصلی اول تحقیق به شرح زیر می‌باشد.

فرضیه اصلی ۱: عملکرد و وضعیت مالی شرکت‌ها بعد از واگذاری بهبود یافته است.

فرضیه‌های فرعی مربوط به فرضیه اصلی ۱:

۱-۱- سودآوری شرکت‌ها بعد از واگذاری نسبت به قبل از آن افزایش یافته است.
 ۱-۲- سرمایه‌گذاری در دارایی‌های سرمایه‌ای در شرکت‌ها بعد از واگذاری نسبت به قبل از آن افزایش یافته است.

۱-۳- ساختار سرمایه شرکت‌ها بعد از واگذاری نسبت به قبل از آن بهبود یافته است.
 ۱-۴- نقدینگی شرکت‌ها بعد از واگذاری نسبت به قبل از آن افزایش یافته است.

فرضیه اصلی ۲: کارآیی شرکت‌ها بعد از واگذاری نسبت به قبل از آن بهبود یافته است.
 فرضیه‌های فرعی مربوط به فرضیه اصلی ۲:

۲-۱- سرانه سود شرکت‌ها بعد از واگذاری نسبت به قبل از آن افزایش یافته است.
 ۲-۲- سرانه فروش شرکت‌ها بعد از واگذاری نسبت به قبل از آن افزایش یافته است.
 ۲-۳- تعداد کل نیروی انسانی شرکت‌ها بعد از واگذاری نسبت به قبل از آن کاهش یافته است.

درخصوص سؤال اصلی ۲ به دنبال آزمون فرضیه نیستیم، بلکه نظرات خبرگان درخصوص علت ارتقا یا نزول عملکرد و وضعیت مالی شرکت‌های واگذار شده بعد از واگذاری اخذ خواهد شد. همچنین، نقاط قوت و ضعف واگذاری‌های انجام شده در زمینه ساختار مدیریت و مالکیت و موانع و چالش‌های واگذاری به منظور ارائه راهکارهایی مورد بررسی قرار گرفته است.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از حیث هدف کاربردی است. برای پاسخ به دو سؤال اصلی مطرح شده در بخش بیان مسأله، از روش‌های تحلیلی-توصیفی و پیمایشی استفاده شده است.

جامعه آماری و نمونه آماری

جامعه آماری درخصوص سؤال اصلی اول، شامل شرکت‌های دولتی واگذار شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۳ الی ۱۳۸۷ و درخصوص سؤال اصلی دوم، شامل خبرگان و دست‌اندرکاران و مجریان مرتبط با امر خصوصی سازی است.

نمونه آماری این تحقیق درخصوص سؤال اصلی اول، شامل آن دسته از شرکت‌های دولتی است که سهام آن‌ها از ابتدای سال ۱۳۸۳ تا قبل از پایان سال ۱۳۸۷ در بورس اوراق بهادار تهران عرضه عمومی شدند. همچنین، نمونه آماری درخصوص سؤال اصلی دوم، شامل ۱۵ خبره (از مسئولین و کارشناسان بورس، وزارت امور اقتصادی و دارایی، شرکت‌های واگذار شده و در

حال واگذاری، حساب‌رسان مستقل شرکت‌ها و اساتید دانشگاهی) است.

نحوه جمع‌آوری اطلاعات و روش آماری مورد استفاده
روش‌های جمع‌آوری داده‌ها برای هر یک از دو سؤال اصلی مورد بررسی در این تحقیق
به شرح زیر است:

درخصوص سؤال اصلی ۱: برای تدوین ادبیات موضوع از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. داده‌های مورد نیاز برای انجام تجزیه و تحلیل‌های لازم در این پژوهش از صورت‌های مالی و گزارش‌های هیئت مدیره سالانه شرکت‌های مورد بررسی در دو بازه زمانی قبل و بعد از واگذاری گردآوری شده‌اند. با جمع‌آوری این داده‌ها، عملکرد شرکت‌های واگذار شده، در قالب تجزیه و تحلیل‌های سری زمانی مقایسه شده‌اند. صورت‌های مالی و گزارش‌های هیئت مدیره سالانه شرکت‌ها در بانک اطلاعات مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران موجود است. همچنین برای دستیابی به برخی اطلاعات از سایت‌های اطلاع‌رسانی بورس اوراق بهادار تهران از جمله www.codal.ir و www.irbourse.com استفاده شده است. امیدنامه‌های پذیرش و درج شرکت‌ها (حاوی اطلاعات عمومی و ترازنامه و صورت سود و زیان دو تا سه سال قبل از پذیرش شرکت‌ها در بورس) منبع اطلاعاتی دیگری است که برای جمع‌آوری داده‌های مربوط به سؤال اصلی ۱ مورد استفاده قرار گرفته است.

برای مقایسه عملکرد شرکت‌های نمونه در دو بازه زمانی قبل و بعد از واگذاری، از «آزمون مقایسه زوج‌ها» استفاده گردید.

درخصوص سؤال اصلی ۲: اطلاعات مورد نیاز برای پاسخ دادن به آن، از طریق گفتگوهای هدفمند با خبرگان و توزیع پرسش‌نامه جمع‌آوری شده است.

تجزیه و تحلیل اطلاعات و ارایه یافته‌ها

-آمار توصیفی

ویژگی‌های مربوط به متغیرهای تحقیق مربوط به سؤال اول تحقیق در جدول ۱ ارایه شده است.

جدول ۱: نتایج آمار توصیفی متغیرهای تحقیق قبل و بعد از واگذاری

| متغیرهای تحقیق قبل و بعد از واگذاری | اندازه نمونه | مینیمم | ماکزیمم | میانه | انحراف استاندارد |
|--|--------------|----------|----------|---------|------------------|
| حاشیه سود قبل از واگذاری | ۸۴ | -۰.۱۸ | ۱.۲۱ | ۰.۳۱ | ۰.۲۸ |
| حاشیه سود بعد از واگذاری | ۸۴ | -۲۳۲.۰۱ | ۱۰.۵۴ | -۲.۴۸ | ۲۵.۴۳ |
| بازده حقوق صاحبان سهام قبل از واگذاری | ۸۴ | -۰.۰۵ | ۴.۲۲ | ۰.۴۴ | ۰.۵۳ |
| بازده حقوق صاحبان سهام بعد از واگذاری | ۸۴ | -۰.۱۰ | ۱.۳۴ | ۰.۳۱ | ۰.۲۵ |
| بازده دارایی‌ها قبل از واگذاری | ۸۴ | -۰.۰۴ | ۰.۵۱ | ۰.۱۴ | ۰.۱۱ |
| بازده دارایی‌ها بعد از واگذاری | ۸۴ | -۰.۳۰ | ۱.۴۳ | ۰.۱۴ | ۰.۲۰ |
| نسبت سرمایه‌گذاری‌ها قبل از واگذاری | ۸۴ | ۰.۰۰ | ۲.۰۲ | ۰.۱۸ | ۰.۲۸ |
| نسبت سرمایه‌گذاری‌ها بعد از واگذاری | ۸۴ | ۰.۰۰ | ۰.۶۸ | ۰.۱۰ | ۰.۱۴ |
| نسبت سرمایه‌گذاری به استهلاک قبل از واگذاری | ۸۴ | ۰.۰ | ۵۹۶.۴ | ۲۶.۵ | ۸۶.۳ |
| نسبت سرمایه‌گذاری به استهلاک بعد از واگذاری | ۸۴ | ۰.۰ | ۲۳۵.۸ | ۱۸.۳ | ۴۸.۶ |
| نسبت حقوق صاحبان سهام قبل از واگذاری | ۸۴ | ۰.۰۴ | ۰.۹۷ | ۰.۴۴ | ۰.۲۴ |
| نسبت حقوق صاحبان سهام بعد از واگذاری | ۸۴ | -۰.۸۶ | ۴.۱۴ | ۰.۴۹ | ۰.۵۸ |
| نسبت تسهیلات مالی دریافتی به کل دارایی‌ها قبل از واگذاری | ۸۴ | ۰.۰۰ | ۰.۵۸ | ۰.۱۴ | ۰.۱۶ |
| نسبت تسهیلات مالی دریافتی به کل دارایی‌ها بعد از واگذاری | ۸۴ | ۰.۰۰ | ۰.۷۲ | ۰.۱۶ | ۰.۱۷ |
| نسبت جاری قبل از واگذاری | ۸۴ | ۰.۰ | ۳۰.۳ | ۲.۰ | ۵.۱ |
| نسبت جاری بعد از واگذاری | ۸۴ | ۰.۲ | ۱۵.۵ | ۱.۸ | ۲.۳ |
| جریان نقد حاصل از عملیات قبل از واگذاری (میلیون ریال) | ۸۴ | -۴۴۸۳۱۲۶ | ۱۹۶۴۶۵۳ | ۷۱۸۶۱۹ | ۱۹۷۹۷۶۳ |
| جریان نقد حاصل از عملیات بعد از واگذاری (میلیون ریال) | ۸۴ | -۶۱۰۹۰۸۳ | ۲۸۰۴۶۹۰۹ | ۲۱۶۰۹۷ | ۴۹۰۸۰۸۲ |
| سرايه فروش قبل از واگذاری (میلیون ریال) | ۸۴ | ۹۴.۶ | ۱۰۹۶۰۹.۴ | ۹۳۱۷.۴ | ۲۰۷۹۷.۱ |
| سرايه فروش بعد از واگذاری (میلیون ریال) | ۸۴ | ۲.۴ | ۱۴۲۲۷۱.۷ | ۱۱۱۴۰.۴ | ۲۴۳۳۷.۹ |
| سرايه سود قبل از واگذاری (میلیون ریال) | ۸۴ | -۶۶.۸ | ۱۰۳۷۸۶.۵ | ۴۱۶۱.۹ | ۱۳۰۵۶.۸ |
| سرايه سود بعد از واگذاری (میلیون ریال) | ۸۴ | -۱۵۱۷۱.۸ | ۹۳۳۸.۲ | ۵۱۳۴.۷ | ۱۵۶۶۲.۵ |
| تعداد کارکنان قبل از واگذاری (نفر) | ۸۴ | ۷ | ۲۵۰۶۸ | ۲۰۷۱ | ۴۷۴۱ |
| تعداد کارکنان بعد از واگذاری (نفر) | ۸۴ | ۱۴ | ۲۹۳۶۱ | ۲۲۰۱ | ۵۲۱۶ |

نتایج آزمون کلموگروف اسمیرنوف

برای بررسی نرمال بودن متغیرهای تحقیق از آزمون کلموگروف اسمیرنوف استفاده شده است تا مشخص شود که آیا باید از آزمون پارامتری استفاده شود یا آزمون‌های ناپارامتری.

جدول ۲: نتایج آزمون کلموگروف اسمیرنوف

| نتیجه فرضیه | بعد از واگذاری | | قبل از واگذاری | | متغیرهای تحقیق |
|-------------|----------------|---------|----------------|---------|---|
| | سطح معناداری | آماره Z | سطح معناداری | آماره Z | |
| نرمال است | ۰/۹۶۵ | ۰/۴۴۹ | ۰/۲۶۹ | ۱/۱۰۱ | حاشیه سود |
| نرمال است | ۰/۹۹۴ | ۰/۴۲۱ | ۰/۴۹۱ | ۰/۸۳۳ | بازده حقوق صاحبان سهام |
| نرمال است | ۰/۹۷۰ | ۰/۴۷۰ | ۰/۴۶۸ | ۰/۸۴۸ | بازده دارایی‌ها |
| نرمال است | ۰/۴۴۸ | ۰/۸۶۱ | ۰/۲۶۴ | ۱/۰۹۷ | نسبت سرمایه‌گذاری‌ها |
| نرمال است | ۰/۲۳۱ | ۱/۰۳۹ | ۰/۲۷۲ | ۰/۹۹۸ | نسبت سرمایه‌گذاری به استهلاک |
| نرمال است | ۰/۰۶۲ | ۱/۲۴۰ | ۰/۴۴۸ | ۰/۸۶۱ | نسبت حقوق صاحبان سهام |
| نرمال است | ۰/۷۵۷ | ۰/۶۷۲ | ۰/۹۲۰ | ۰/۵۵۲ | نسبت تسهیلات مالی دریافتی به کل دارایی‌ها |
| نرمال است | ۰/۶۷۹ | ۰/۷۱۹ | ۰/۰۶۲ | ۱/۲۴۰ | نسبت جاری |
| نرمال است | ۰/۵۲۸ | ۰/۸۱۰ | ۰/۷۵۷ | ۰/۶۷۲ | جریان نقد حاصل از عملیاتی |
| نرمال است | ۰/۳۹۷ | ۰/۸۹۷ | ۰/۶۸۰ | ۰/۷۱۸ | سرانه فروش |
| نرمال است | ۰/۱۸۰ | ۱/۰۹۷ | ۰/۴۴۸ | ۰/۸۶۱ | سرانه سود |
| نرمال است | ۰/۶۷۹ | ۰/۷۱۹ | ۰/۲۳۱ | ۱/۰۳۹ | تعداد کارکنان |

بر اساس مقادیر ارایه شده در جدول ۲، از آن جایی که سطح معنی‌داری آزمون در تمامی متغیرها در هر دو مقطع قبل و بعد از واگذاری کم تر از ۰/۰۵ نیست، بنابراین فرض نرمال بودن متغیرهای تحقیق رد نمی‌شود و لازم است از آزمون تی زوجی استفاده شود.

۳- نتایج آزمون تی زوجی برای فرضیه‌های فرعی مطرح شده در خصوص سؤال اول تحقیق:

در این تحقیق، ارزیابی متغیرهای وابسته در دو مقطع قبل و بعد از واگذاری شرکت‌های دولتی، در سه سطح به شرح جدول ۳ انجام شده است. ابتدا وضعیت متغیرهای سطح سوم (دوازده متغیر) در دو مقطع قبل و بعد از واگذاری شرکت‌های دولتی مقایسه شده است. سپس، مقایسه وضعیت متغیرهای سطح دوم (پنج متغیر) در دو مقطع مزبور انجام شده است تا در نهایت بتوان در خصوص متغیرهای وابسته سطح اول (دو متغیر) نتیجه‌گیری کرد.

جدول ۳: سطوح مختلف متغیرهای وابسته مطرح شده برای سؤال اول تحقیق

| متغیرهای وابسته در سطح سوم | متغیرهای وابسته در سطح دوم | متغیرهای وابسته در سطح اول |
|--|--------------------------------------|----------------------------|
| <ul style="list-style-type: none"> • حاشیه سود • بازده حقوق صاحبان سهام • بازده دارایی‌ها | سودآوری شرکت‌ها | عملکرد و وضعیت مالی |
| <ul style="list-style-type: none"> • نسبت سرمایه‌گذاری • سرمایه‌گذاری به استهلاک | سرمایه‌گذاری در دارایی‌های سرمایه‌ای | |
| <ul style="list-style-type: none"> • نسبت حقوق صاحبان سهام • نسبت تسهیلات مالی دریافتی به کل دارایی‌ها | ساختار سرمایه | |
| <ul style="list-style-type: none"> • نسبت جاری • جریان نقد حاصل از عملیات | نقدینگی | |
| <ul style="list-style-type: none"> • سرانه فروش • سرانه سود • تعداد کارکنان | کارآیی | |

نتایج آزمون تی زوجی درخصوص ۱۲ متغیر مورد بررسی مرتبط با فرضیه‌های فرعی مطرح شده برای سؤال اول تحقیق (متغیرهای سطح سوم مندرج در جدول ۳) در جدول ۴ ارائه شده است.

براساس نتایج به دست آمده از آزمون تی زوجی، متغیرهای حاشیه سود، بازده دارایی‌ها، نسبت سرمایه‌گذاری به استهلاک، نسبت حقوق صاحبان سهام، نسبت تسهیلات مالی دریافتی به کل دارایی‌ها، نسبت جاری، سرانه فروش، سرانه سود و تعداد کارکنان تحت تأثیر واگذاری شرکت‌های دولتی قرار نگرفته‌اند و در تمامی این شاخص‌ها وضعیت شرکت‌های مورد مطالعه در مقطع قبل از واگذاری با مقطع بعد از واگذاری تفاوت معناداری نداشته است.

از طرف دیگر، متغیرهای بازده حقوق صاحبان سهام، نسبت سرمایه‌گذاری و جریان نقد حاصل از عملیات تحت تأثیر واگذاری شرکت‌های دولتی قرار گرفته‌اند و در تمامی این شاخص‌ها وضعیت شرکت‌های مورد مطالعه در مقطع قبل از واگذاری با مقطع بعد از واگذاری تفاوت معناداری داشته است.

کران پایین و بالا در دو متغیر:

(۱) نسبت حقوق صاحبان سهام

(۲) نسبت سرمایه‌گذاری‌ها، مقداری منفی شده است، لذا می‌توان نتیجه‌گیری کرد که مقدار

این متغیرها بعد از واگذاری نسبت به قبل از واگذاری کاهش یافته است و واگذاری شرکت‌های دولتی بر این متغیرها تأثیر منفی داشته است.

کران پایین و بالا درخصوص جریان نقد حاصل از عملیات هر دو مقداری مثبت شده است، لذا می‌توان نتیجه‌گیری کرد که مقدار این متغیرها بعد از واگذاری نسبت به قبل از واگذاری افزایش یافته است و واگذاری شرکت‌های دولتی بر این متغیرها تأثیر مثبت داشته است.

جدول ۴: نتایج آزمون تی زوجی درخصوص متغیرهای وابسته سطح سوم - سؤال اول تحقیق

| شرح | شاخص‌های تفاوت‌های زوجی | | | | | میانگین | انحراف استاندارد | تخمین خطای میانگین | فاصله اطمینان ۹۵ درصد برای میانگین اختلاف‌ها | | آماره t | درجه آزادی | سطح معناداری |
|---|-------------------------|-----------|------------|-----------|---------|---------|------------------|--------------------|--|--|---------|------------|--------------|
| | کران پایین | | کران بالا | | | | | | | | | | |
| | کران پایین | کران بالا | کران پایین | کران بالا | | | | | | | | | |
| حاشیه سود | -۲.۸ | ۲۵.۴ | ۲.۸ | -۸.۳ | ۲.۷ | -۱.۰۰۳ | ۸۳ | ۰.۳۱۹ | | | | | |
| بازده حقوق صاحبان سهام | -۰.۱۳ | ۰.۵۵ | ۰.۰۶ | -۰.۲۵ | -۰.۰۱ | -۲.۱۵۷ | ۸۳ | ۰.۰۳۴ | | | | | |
| بازده دارایی‌ها | -۰.۰۱ | ۰.۲۱ | ۰.۰۲ | -۰.۰۵۴ | ۰.۰۳۷ | -۰.۳۶۷ | ۸۳ | ۰.۷۱۴ | | | | | |
| نسبت سرمایه‌گذاری‌ها | -۰.۰۹ | ۰.۲۵ | ۰.۰۳ | -۰.۱۴ | -۰.۰۳ | -۳.۱۱۲ | ۸۳ | ۰.۰۰۳ | | | | | |
| نسبت سرمایه‌گذاری به استهلاک | -۸.۲ | ۶۸.۶ | ۷.۵ | -۲۳.۱ | ۶.۷ | -۱.۰۹۰ | ۸۳ | ۰.۲۷۹ | | | | | |
| نسبت حقوق صاحبان سهام | ۰.۰۴ | ۰.۵۳ | ۰.۰۶ | -۰.۰۷ | ۰.۱۶ | ۰.۷۷۵ | ۸۳ | ۰.۴۴۰ | | | | | |
| نسبت تسهیلات مالی دریافتی به کل دارایی‌ها | ۰.۰۲ | ۰.۲۰ | ۰.۰۲ | -۰.۰۲ | ۰.۰۶ | ۰.۹۷۵ | ۸۳ | ۰.۳۳۲ | | | | | |
| نسبت جاری | -۰.۲۵ | ۴.۹۲ | ۰.۵ | -۱.۳۲ | ۰.۸۲ | -۰.۴۵۹ | ۸۳ | ۰.۶۴۷ | | | | | |
| جریان نقد حاصل از عملیات | ۱۴۴۷۴۷۸ | ۴۸۰۰۳۳۰ | ۵۲۳۷۵۹ | ۴۰۵۷۴۳ | ۲۴۸۹۲۱۴ | ۲.۷۶۴ | ۸۳ | ۰.۰۰۷ | | | | | |
| سزانه فروش | ۱۸۲۳۰ | ۱۸۰۸۱.۵ | ۱۹۷۲.۹ | -۲۱۰۱.۰ | ۵۷۴۶.۹ | ۰.۹۲۴ | ۸۳ | ۰.۳۵۸ | | | | | |
| سزانه سود | ۹۷۲.۸ | ۹۵۰۱.۷ | ۱۰۳۶.۷ | -۱۰۸۹.۲ | ۳۰۳۴.۸ | ۰.۹۳۸ | ۸۳ | ۰.۳۵۱ | | | | | |
| تعداد کارکنان | ۱۳۰ | ۷۶۱ | ۸۳ | -۳۵ | ۲۹۵ | ۱.۵۶۹ | ۸۳ | ۰.۱۲۰ | | | | | |

بنابراین واگذاری شرکت‌های دولتی:

* تنها بر یک متغیر (جریان نقد حاصل از عملیات) از میان ۱۲ متغیر وابسته مورد بررسی در سطح سوم تأثیر مثبت داشته است.

* بر ۹ متغیر سطح سوم (حاشیه سود، بازده دارایی‌ها، نسبت سرمایه‌گذاری به استهلاک، نسبت حقوق صاحبان سهام، نسبت تسهیلات مالی دریافتی به کل دارایی‌ها، نسبت جاری، سرانه فروش، سرانه سود و تعداد کارکنان) تأثیر معنادار نداشته است.

* بر ۲ متغیر سطح سوم (بازده حقوق صاحبان سهام و نسبت سرمایه‌گذاری‌ها) تأثیر منفی داشته است. اگرچه بر اساس نتایج مزبور می‌توان در خصوص وضعیت متغیرهای سطح دوم نتیجه‌گیری کلی کرد، اما برای اطمینان، یک‌بار دیگر آزمون تی زوجی در سطح متغیرهای سطح دوم تکرار و نتایج آزمون آماری در این سطح در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵: نتایج آزمون زوجی در خصوص متغیرهای وابسته سطح دوم - سؤال اول تحقیق

| شرح | میانگین | انحراف استاندارد | خطای تخمین میانگین | فاصله اطمینان ۹۵ درصد برای میانگین اختلاف‌ها | | آماره t | درجه آزادی | سطح معناداری |
|---------------|---------|------------------|--------------------|--|-----------|---------|------------|--------------|
| | | | | کران پایین | کران بالا | | | |
| | | | | شاخص‌های تفاوت‌های زوجی | | | | |
| سودآوری | -۰.۹۷ | ۸.۵۰ | ۰.۹۲ | -۲.۸۲ | ۰.۸۷ | -۱.۰۴۸ | ۸۳ | ۰.۲۹۸ |
| سرمایه‌گذاری | -۴.۱ | ۲۴.۳ | ۳.۷ | -۱۱.۵۸ | ۳.۳۳ | -۱.۱۰۱ | ۸۳ | ۰.۲۷۴ |
| ساختار سرمایه | ۰.۰۳ | ۰.۳۰ | ۰.۰۳ | -۰.۰۳ | ۰.۱ | ۰.۹۸۹ | ۸۳ | ۰.۳۲۵ |
| نقدینگی | ۷۲۳۷۳۸ | ۲۴۰۱۶۴ | ۲۶۱۸۷۹ | ۲۰۲۸۷۱ | ۱۲۴۴۶۰۶ | ۲.۷۶۴ | ۸۳ | ۰.۰۰۷ |
| کارایی | ۹۷۵ | ۷۲۳۴ | ۷۸۹ | -۵۹۴ | ۲۵۴۵ | ۱.۲۳۶ | ۸۳ | ۰.۲۲۰ |

با توجه به اینکه سطح معناداری سودآوری، سرمایه‌گذاری، ساختار سرمایه و کارایی بزرگ‌تر از ۵ درصد است، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که وضعیت سودآوری، سرمایه‌گذاری، ساختار سرمایه و کارایی شرکت‌ها در مقطع بعد از واگذاری؛ تفاوت معناداری با مقطع قبل واگذاری نداشته است. از طرف دیگر، سطح معناداری در خصوص نقدینگی کم‌تر از ۵ درصد بوده است، لذا وضعیت نقدینگی شرکت‌ها در مقطع بعد از واگذاری تفاوت معناداری با مقطع قبل واگذار نداشته است. با توجه به اینکه هر دو کران پایین و بالای معیار نقدینگی در جدول ۲۰ مثبت شده است، می‌توان گفت وضعیت نقدینگی شرکت‌های دولتی بعد از واگذاری بهبود یافته است.

نتیجه اینکه از بین ۴ معیار در نظر گرفته شده در سطح دوم، وضعیت و عملکرد مالی شرکت‌های دولتی در مقطع بعد از واگذاری تنها از یک بُعد (وضعیت نقدینگی) بهبود پیدا کرده و از سه بُعد

دیگر (سودآوری، سرمایه گذاری و ساختار سرمایه) تفاوت معناداری با مقطع قبل از واگذاری نداشته است. از طرف دیگر، کارآیی شرکت‌های دولتی بعد از واگذاری تفاوت معناداری با مقطع قبل از واگذاری نداشته است.

جدول ۶: خلاصه نتایج آزمون فرضیات

| نتیجه | شرح فرضیه | ردیف |
|--------------|--|--------------|
| رد فرضیه | سودآوری شرکت‌ها بعد از واگذاری نسبت به قبل از آن افزایش یافته است. | فرضیه فرعی ۱ |
| رد فرضیه | سرمایه گذاری در دارایی‌های سرمایه‌ای در شرکت‌ها بعد از واگذاری نسبت به قبل از آن افزایش یافته است. | فرضیه فرعی ۲ |
| رد فرضیه | ساختار سرمایه شرکت‌ها بعد از واگذاری نسبت به قبل از آن بهبود یافته است. | فرضیه فرعی ۳ |
| عدم رد فرضیه | نقدینگی شرکت‌ها بعد از واگذاری نسبت به قبل از آن افزایش یافته است. | فرضیه فرعی ۴ |
| رد فرضیه | عملکرد و وضعیت مالی شرکت‌های دولتی بعد از واگذاری بهبود یافته است. | فرضیه اصلی ۱ |
| رد فرضیه | سرايه سود شرکت‌ها بعد از واگذاری نسبت به قبل از آن افزایش یافته است. | فرضیه فرعی ۱ |
| رد فرضیه | سرايه فروش شرکت‌ها بعد از واگذاری نسبت به قبل از آن افزایش یافته است. | فرضیه فرعی ۲ |
| رد فرضیه | تعداد کل نیروی انسانی شرکت‌ها بعد از واگذاری نسبت به قبل از آن کاهش یافته است. | فرضیه فرعی ۳ |
| رد فرضیه | کارآیی شرکت‌ها بعد از واگذاری نسبت به قبل از آن بهبود یافته است. | فرضیه اصلی ۲ |

نکات مهم در خصوص تحلیل یافته‌ها به شرح زیر است:

• متوسط سودآوری بخش قابل توجهی از شرکت‌های واگذار شده (حدود ۳۰ درصد از شرکت‌های مورد بررسی) بعد از واگذاری کاهش یافته است. حتی برخی از آن‌ها به مرحله زیان‌دهی رسیدند. این در حالی است که سودآوری شرکت‌های بورسی (بعد از واگذاری) به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی عملکرد مدیران و یکی از اصلی‌ترین شاخص‌های تعیین قیمت سهام به‌شمار می‌رود و ثروت سهامداران را دستخوش تغییر می‌کند یعنی علی‌رغم وجود انگیزه بالا برای سوددهی پس از واگذاری، شاهد این بودیم که در مجموع سودآوری شرکت‌های واگذار شده تفاوت معناداری با مقطع قبل از واگذاری نداشته است. این در حالی است که مبلغ فروش این شرکت‌ها افزایش خوبی داشته است. شاید عدم بهبود ساختار بهای تمام شده و استفاده از تکنولوژی‌ها و ساختارهای قبلی موجب شده است که حاشیه سود شرکت‌ها بعد از واگذاری افزایش معناداری نداشته باشد.

• جالب است که در ۴۶ درصد از شرکت‌های مورد بررسی، متوسط حجم سرمایه‌گذاری در دارایی‌های سرمایه‌ای بعد از واگذاری نه تنها افزایش نیافته، بلکه کاهش نیز داشته است و مبلغ افزایش سرمایه‌گذاری در شرکت‌های دیگر نیز چندان درخور توجه نبوده است. به نظر می‌رسد فقدان رویکرد بلندمدت‌نگری و عدم ثبات مدیریت در شرکت‌های ایرانی موجب می‌شود که علاقه چندانی به انجام مخارجی که عایدی کوتاه‌مدت قابل ملاحظه ندارند، وجود نداشته باشد.

• در ۴۳ درصد از شرکت‌های مورد بررسی متوسط سهم تسهیلات بانکی از تأمین مالی نسبت به قبل از واگذاری نه تنها کاهش نیافته است، بلکه افزایش هم یافته است. به نظر می‌رسد عادت مدیران شرکت‌ها به ساختارهای سنتی تأمین مالی در ایران (اخذ وام بانکی) از یک طرف و نبود روش‌های متنوع تأمین مالی در بازار سرمایه در قلمرو زمانی مورد بررسی از طرف دیگر، مهم‌ترین دلیل عدم تحقق هدف کاهش سهم تسهیلات بانکی از تأمین مالی در شرکت‌های واگذار شده باشد. تمایل سهامداران به تقسیم سود و عدم سرمایه‌گذاری مجدد سودهای حاصله در شرکت‌ها از طریق افزایش سرمایه و اندوخته‌گیری نیز می‌تواند دلیل دیگری بر عدم بهبود ساختار سرمایه در شرکت‌های واگذار شده باشد.

• بهبود نسبی وضعیت نقدینگی در شرکت‌های واگذار شده را شاید بتوان به تغییر در سیاست‌های فروش (فروش نقدی به جای فروش اعتباری) نسبت داد. افزایش مبلغ فروش شرکت‌های واگذار شده نیز عامل دیگری برای بهبود نسبی به‌شمار می‌رود.

• اگرچه کارکنان شرکت‌های مشمول واگذاری همواره نگران تعدیل نیروی انسانی پس از واگذاری بوده‌اند، اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که بالغ بر ۶۰ درصد شرکت‌های مورد بررسی بعد از واگذاری، به‌طور میانگین با افزایش نیروی انسانی مواجه بوده‌اند. تعداد نیروی انسانی نیز در مجموع شرکت‌های مورد بررسی به‌طور متوسط ۶ درصد افزایش داشته است. این افزایش نیروی انسانی موجب شده است که شاخص‌های کارآیی شرکت‌های واگذار شده بهبود معناداری نداشته باشند.

۴- یافته‌های حاصل از گفتگوهای هدفمند با خبرگان - پاسخ به سؤال دوم تحقیق

خلاصه دیدگاه‌های خبرگان در خصوص تحولات شرکت‌های واگذار شده به لحاظ عملکرد و وضعیت مالی و کارآیی، مدیریت و ساختار مالکیت و نیز موانع و چالش‌های واگذاری در جدول ۷ آمده است.

جدول ۷: خلاصه دیدگاه‌های خبرگان

| حوزه‌ها | دیدگاه‌های خبرگان |
|--|--|
| عملکرد و وضعیت مالی و کارایی شرکت‌های واگذار شده | <ul style="list-style-type: none"> • اگرچه تغییر ساختارها و در نتیجه بهبود عملکرد و وضعیت مالی و کارایی شرکت‌های واگذار شده زمان‌بر و شاید با تأخیر و حتی مقاومت‌هایی همراه باشد، اما مشکلاتی به شرح زیر در همین مدت سپری شده از واگذاری بنگاه‌ها مشاهده شده است که بر عملکرد و وضعیت مالی و کارایی آن‌ها تأثیر منفی گذاشته است: • عدم توجه کافی به بهبود فضای کسب و کار و محیط اقتصادی و مقرراتی در زمان واگذاری‌ها • حذف یکباره برخی امتیازات مهم شرکت‌های دولتی پس از واگذاری‌ها • استمرار مدیریت سنتی مشابه با دوران قبل از واگذاری و عدم انتقال واقعی مدیریت به بخش خصوصی • عدم حمایت کافی سهامداران جدید از برنامه‌های توسعه‌ای شرکت‌های واگذار شده |
| تحول در مدیریت شرکت‌های واگذار شده | <ul style="list-style-type: none"> • به دلیل حفظ مالکیت یا کنترل دولت یا شبه دولتی‌ها بر شرکت‌های واگذار شده، در بسیاری از شرکت‌های واگذار شده تغییر خاصی از نظر نحوه چینش و یکارگیری مدیران ایجاد نشده و مدیریت به بخش خصوصی منتقل نشده است. • تحول مدیریتی به لحاظ نگاه انتفاعی به فعالیت‌ها و حرکت در مسیر حداکثرسازی منافع شرکت و سهامداران تا حدودی محقق شده است. • جبران خدمات کارکنان با وضعیت قبل از واگذاری تفاوت چندانی ندارد. • تحول در فرهنگ سازمانی شرکت‌های مختلف، متفاوت بوده است. شرکت‌هایی که بعد از واگذاری مجبور به فعالیت در فضای رقابتی‌تر شدند، به منظور حفظ و افزایش سودآوری و پاسخگویی به سهامداران، فرهنگ سازمانی در آن‌ها پس از واگذاری تا حدودی بهبود یافته شده است. در مجموع، تا دستیابی به فرهنگ سازمانی مطلوب و متناسب با فضای خصوصی فاصله‌هایی وجود دارد. |
| ساختار مالکیت شرکت‌های واگذار شده | <ul style="list-style-type: none"> • استمرار حضور دولت در مالکیت شرکت‌ها، مطرح شدن سهام عدالت و حضور مالکین جدید شبه دولتی یا وابسته به دولت در ساختار مالکیت شرکت‌های واگذار شده، از جمله انتقادات مطرح شده توسط خبرگان در خصوص انتقال مالکیت در فرآیند واگذاری‌ها می‌باشد. خبرگان معتقدند پرداخت دیون دولت به شرکت‌ها، سازمان‌ها و نهاد‌های طرف حساب دولت در قالب واگذاری بخش عمده سهام شرکت‌های مشمول واگذاری (به جای تسویه از محل منابع حاصل از فروش سهام) موجب این چالش شده است. نبود بخش خصوصی قدرتمند در اقتصاد کشور هم در شکل‌گیری این ساختار مالکیتی جدید تأثیر به‌سزایی داشته است. • در بسیاری از عرضه‌های اولیه به مساله شناوری‌سازی سهام توجه کافی نشده است. |
| موانع و مشکلات مختلف در واگذاری شرکت‌ها | <ul style="list-style-type: none"> • عدم آماده‌سازی کافی شرکت‌ها به منظور واگذاری به بخش خصوصی • عدم به‌سزایی مناسب از لحاظ زیرساخت‌های قانونی برای فعالیت و انجام اصلاحات لازم در حین واگذاری و بعد از آن • نبود ساز و کار مناسب در بطن خود شرکت‌های مشمول واگذاری که تسهیل‌کننده امر واگذاری باشد نه مانع تراش و متوقف‌کننده واگذاری • نبود اعتماد متقابل کافی بین دولت و بخش خصوصی • محدود بودن حوزه اختیارات سازمان خصوصی‌سازی و یا نبود ضمانت اجرایی کافی برای پیاده‌سازی اختیارات |

نتیجه گیری و پیشنهادات

اگرچه رفع بخشی از موانع و مشکلات مطرح شده بسیار دشوار است، اما برخی دیگر را می توان چاره کرد تا واگذاری های بعدی به شکل مطلوب تری انجام شود. مهم ترین پیشنهادات به منظور بهبود واگذاری ها در آینده به شرح زیر است:

- تدوین نقشه جامع عملیاتی قبل از خصوصی سازی و پیگیری آن در سال های پس از خصوصی سازی جهت ردیابی دستیابی به اهداف خصوصی سازی در هر یک از شرکت های واگذار شده
- رویکرد دولت باید از کسب درآمد از محل واگذاری ها به رویکرد توسعه ای تغییر یابد یا به عبارت دیگر، باید نگاه بلندمدت مبتنی بر مزیت رقابتی را بر خصوصی سازی حاکم کرد و از توسعه ی بخش خصوصی واقعی و اهمه نداشت.

- پرداخت دیون دولت به شرکت ها، سازمان ها و نهادهای طرف حساب آن باید از محل منابع حاصل از فروش سهام شرکت های واگذار شده (و نه واگذاری بخش عمده سهام این شرکت ها) انجام شود.
- بسترسازی مناسب از لحاظ زیرساخت های قانونی برای فعالیت و انجام اصلاحات لازم در حین واگذاری و بعد از واگذاری انجام گیرد.

- اختیارات و قدرت سازمان خصوصی سازی در امر واگذاری گسترش یابد.
- از ایجاد سازمان ها و نهادهای موازی اجتناب گردد و سیاست های کلی در بالاترین سطح در شورای اصل ۴۴ قانون اساسی و توسط سازمان خصوصی سازی با اختیار تام اجرایی تعیین و ابلاغ گردد.
- اقدامات لازم به منظور رفع سیاست های تحمیلی، تعرفه های دولتی و کلیه موانع کسب و کار که بر شرکت ها مترتب است قبل از واگذاری ها صورت گیرد و شرکت ها به صورت شفاف و قابل رقابت در محیط به بخش خصوصی واگذار شوند.

- حمایت های بعدی از شرکت های واگذار شده در قالب یک برنامه خصوصی سازی در دستور کار باشد تا کارنامه موفق برای عملکرد خصوصی سازی در توسعه اقتصادی رقم زده شود.

- اعمال نظام راهبری شرکتی (Corporate Governance) مؤثر در شرکت های خصوصی شده
- در نظر گرفتن تسهیلات و مشوق هایی برای خریداران استراتژیک شرکت ها به تناسب شرایط شرکت های مشمول واگذاری

- در نهایت اینکه، ساختارهای فعلی حاکم بر فرآیند خصوصی سازی را تا حد امکان باید به گونه ای بهبود داد که منجر به شکل گیری شرکت های قابل رقابت در سطح ملی و منطقه ای گردد.

منابع و مآخذ:

- آقاجانی، ناصر (۱۳۸۰). تأثیر خصوصی سازی بر ابعاد مالی جهت تداوم فعالیت شرکت‌ها. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- حسینی، سید محمود، و همکاران (۱۳۸۷). بررسی و تحلیل نتایج خصوصی سازی در شرکت‌های واگذار شده بانک صنعت و معدن با رویکرد سنجش عملکرد. فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی شماره ۴۸.
- طالب‌نیا، قدرت و محمدزاده سالطه، حیدر (۱۳۸۴). تأثیر خصوصی سازی شرکت‌های دولتی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بر بازده سهام آن‌ها. تحقیقات مالی. شماره ۱۹.
- منطقی، خسرو (۱۳۸۵). بررسی عملکرد گروهی منتخب از شرکت‌های دولتی قبل و بعد از واگذاری در بورس اوراق بهادار «گروه منتخب». پژوهشنامه اقتصادی. شماره ۲۰.

Bosch, T., & Vergés, J. (2006). The effects of privatization on companies' economic performance: The Spanish case».

Boubakri, N., & Cosset, J. (1998), Privatization in Developing Countries An analysis of the performance of newly privatized firms. The World Bank Group, Finance, Private Sector, and Infrastructure Network.

Dewenter, K.L., & Malatesta, P.H. (2000). state-owned and privately owned firms: an empirical analysis of profitability, leverage, and labor intensity. American economic review, 91(1), 320-334.

Dockner, E. J., Mosburger, G., & Schaffhauser-Linzatti, M. (2005). The Financial and Operating Performance of Privatized Firms in Austria.

Gupta, N. (2005). Partial Privatization and Firm Performance. The Journal of Finance, LX(2).

Loc, T. D., Lanjouw, G., & Lensink, R. (2006). The impact of privatization on firm performance in a transition economy, The case of Vietnam. Economics of Transition, 14 (2), 349-389.

Naceur, S.B., Ghazouani, S., & Omran, M. (2007). The performance of newly privatized firms in selected MENA countries: The role of ownership structure, governance and liberalization policies. *International Review of Financial Analysis*, 16 , 332–353.

Shirely, M., & Nellis, J. (1991). *Public Enterprise Reform: The lessons of Experience*. Washington D. C: World Bank.

Wei , Z., Xie, F., & Zhang, SH. (2005). Ownership structure and firm value in china`s privatized firms: 1991-2001. *journal of financial and quantitative analysis*, 40(1), 87-108.

بررسی نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در کاهش عوامل موثر بر بروز فساد اداری در سازمان ثبت اسناد و املاک استان لرستان از دید کارکنان آن سازمان

رضا سپهوند ۱

محمود رضا اسماعیلی ۲

حمیدرضا خدام باشی امامی ۳

چکیده

این تحقیق به بررسی نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در کاهش عوامل موثر بر بروز فساد اداری پرداخته است. هدف این است که تاثیر چهار سیستم الکترونیکی ثبت اسناد و املاک، حسابداری، بایگانی و رسیدگی به شکایات بر کاهش فساد اداری مشخص شود. این تحقیق از لحاظ هدف کاربردی، و از لحاظ ماهیت و روش توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری کلیه مدیران و کارشناسان اداره کل ثبت اسناد و املاک استان لرستان و اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان خرم آباد به تعداد ۱۰۰ نفر می باشد؛ روش نمونه گیری، احتمالی طبقه بندی شده است که با توجه به آن، حداقل تعداد نمونه ۸۰ نفر به دست آمد. نتایج نشان داد که مواردی مانند تسهیل بازیابی اسناد و مدارک، افزایش پاسخگویی واحد بایگانی به استعلام های مربوطه و کاهش دسترسی افراد غیر مسئول به پرونده ها از طریق سیستم الکترونیکی بایگانی، کاهش دسترسی افراد غیر مسئول به مدارک حسابداری و افزایش کنترل بر فرایند حسابداری از طریق سیستم حسابداری الکترونیکی و همچنین افزایش دسترسی ارباب رجوع به اطلاعات مورد نیاز از طریق سیستم الکترونیکی ثبت اسناد و املاک، بیشترین نقش را در کاهش عوامل بروز فساد اداری دارند.

واژگان کلیدی: فساد اداری، فناوری اطلاعات و ارتباطات، عوامل موثر بر بروز فساد اداری، شفافیت، دولت الکترونیک

۱. دکتری مدیریت، عضو هیئت علمی دانشگاه لرستان

۲. دکتری مدیریت، عضو هیئت علمی دانشگاه لرستان

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دانشگاه لرستان - hamid.reza.khodambashi@gmail.com

مقدمه

فساد اداری کم و بیش گریبان گیر همه‌ی کشورهای می‌باشد (زرنندی و عابدی جعفری، ۱۳۸۶: ۱)، (بلکبورنا و دیگران، ۲۰۰۶: ۲۴۴۷) و به عنوان یکی از مهم ترین دغدغه‌های کنونی جامعه‌ی جهانی است (زرنندی و عابدی جعفری، ۱۳۸۶: ۱). در واقع هیچ کشور پاکی به لحاظ فساد اداری در دنیا وجود ندارد (خضری، ۱۳۸۷: ۳). از هنگامی که فعالیت‌های بشر شکل سازمان یافته به خود گرفته، فساد اداری نیز در نتیجه‌ی تعاملات درونی با محیط، از متن سازمان ظهور کرده است. فساد اداری در جهان به خصوص در کشورهای در حال توسعه رو به افزایش است و دولت مردان به دنبال راه حل‌هایی برای کاهش و یا احتمالاً حذف آن می‌باشند. در ایران نیز همانند کشورهای دیگر، هر از گاهی مواردی از فساد اداری، اختلاس^۱، رشوه خواری^۲ و غیره در دستگاه‌های دولتی مشاهده می‌شود (عباسی شاهکوه، ثقفی و عبدالهی، ۱۳۸۶: ۱).

آمار منتشر شده از طرف سازمان شفافیت جهانی (TI)^۳ نشان می‌دهد که ایران از نظر سلامت اداری^۴ در سال ۲۰۱۰، از کل ۱۷۸ کشور در رده‌ی ۱۴۶ قرار داشته است. (-corruptionpercep tionindex, 2010) رده‌ی ایران در سال ۲۰۰۹ از کل ۱۸۰ کشور، ۱۶۸ (-corruptionpercep tionindex, 2009) و در سال ۲۰۰۸ از کل ۱۸۰ کشور، ۱۴۱ بوده است (-corruptionpercep tionindex, 2008) که این نشان دهنده‌ی وضعیت بد ایران از نظر سلامت اداری است. اجماع کلی در میان اقتصاددانان و سیاست گذاران به وجود آمده که وجود دولتی پاک و به دور از فساد برای توسعه امری ضروری و قطعی است (صادقی، ۱۳۸۷: ۲).

در ادامه به بررسی مفاهیم فناوری اطلاعات و ارتباطات و فساد اداری و تأثیر این فناوری بر فساد اداری پرداخته شده است.

فناوری اطلاعات و ارتباطات

یکی از جدیدترین شیوه‌های مورد بحث برای کاهش فرصت‌های فساد، بکارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات^۵ در سازمان‌ها است. می‌توان فناوری اطلاعات را بعنوان مجموعه‌ای از سیستم‌های رایانه‌ای مورد استفاده‌ی یک سازمان تعریف کرد. در تعریفی دقیقتر، فناوری

1 Embezzlement

2 Bribery

3 Transparency International

4 Health Administration

5 Information and Communication Technology

اطلاعات به جنبه‌ی تکنولوژیکی سیستم اطلاعات^۱ اشاره دارد و شامل سخت افزار^۲، نرم افزار^۳، پایگاه‌های داده^۴، شبکه‌ها و دیگر تجهیزات الکترونیک است. فناوری اطلاعات رami توان یک نظام فرعی از یک سیستم اطلاعات به حساب آورد. گاهی واژه‌ی فناوری اطلاعات و سیستم اطلاعات به جای یکدیگر نیز بکار برده می‌شوند (توربن و دیگران، ۱۳۸۸: ۵۰).

دولت الکترونیک به معنی بکارگیری فن آوری‌های اطلاعات و ارتباطات برای کسب اطلاعات و تکمیل کردن خدمات دولت است (شریفی و مانیان، ۶۳: ۲۰۱۰). به عبارتی دیگر دولت الکترونیک را توسعه‌ی سریع و انتشار فن آوری اطلاعات و ارتباطات منجر به ایجاد دولت الکترونیک شده است که سریعاً توسط بسیاری از دولت‌ها پذیرفته شده است. با رشد اینترنت و فناوری‌های وابسته، دولت‌ها در حال حرکت به سوی ارابه‌ی آن لاین^۵ خدمات هستند که به طور کلی دولت الکترونیک نامیده می‌شود (گیلگارسیا و مارتینز مویانو، ۲۶۶: ۲۰۰۷). می‌توان به شکل ارابه‌ی خدمات و اطلاعات دولتی به عموم با استفاده از وسایل الکترونیک تعریف کرد (بویان، ۵۶: ۲۰۱۱).

به طور کلی ویژگی‌های زیر برای دولت الکترونیک در نظر گرفته شده است:

۱. کوچک بودن: دولت الکترونیک نباید بیش از حد گسترده باشد تا از اتلاف سرمایه و نیروی انسانی جلوگیری نماید، بنابراین بهتر آن است که دولت‌های بزرگ به دولت‌های محلی و کوچک تر تقسیم شود.
۲. مقید به اخلاق: دولت الکترونیک بایستی حریم اطلاعاتی و خصوصی افراد جامعه را رعایت نموده و به اخلاق مقید باشد.
۳. جوابگو بودن: دولت الکترونیک بایستی جوابگوی فعالیت‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که انجام می‌دهد باشد، به طوری که مردم بتوانند از روند فعالیت‌ها و پیشرفت‌های مورد نظر اطلاع و آگاهی یابند.
۴. پاسخگو بودن: دولت الکترونیک بایستی در صورتی که در فعالیتش مشکلاتی بروز نماید به مردم پاسخگو باشد.
۵. شفاف بودن: دولت الکترونیک بایستی در رابطه با امور شهروندان از مواضع شفاف برخوردار نماید (دهقان، سازمان بازرسی کل کشور).

1 Information Systems

2 Hardware

3 Software

4 Database

5 Online

می توان فعالیت های دولت الکترونیک را به دو گروه اصلی تقسیم کرد:

-از دیدگاه خدمات ارائه شده

• تحویل الکترونیکی خدمات به شهروندان و کسب و کارها با هدف کمک به تحویل آنلاین خدمات

• دموکراسی الکترونیکی با هدف کمک به ایجاد رأی گیری الکترونیکی

• مدیریت الکترونیک با هدف کمک به ایجاد حمایت برای خط مشی ها و تصمیم گیرندگان

و کار تیمی بین آن ها و خبرگان

-از دیدگاه تعاملات بخش های مختلف با یکدیگر

۱• ارتباطات دولت با دولت (G2G): شامل ارتباطات درونی نمایندگی ها و ارتباطات بین

دولت ها است (شریفی و زارعی، ۴: ۲۰۰۴). این طبقه در جهت بهبود کارایی تحویل زمان انتقال

اطلاعات درون خود دولت و یا با دیگر دولت ها کوشش می کند. این طبقه به دولت اجازه ی برقراری

ارتباط مؤثر را از طریق حذف تکرارها و اضافه کاری ها می دهد (فیسمن و گاتی، ۳۳۲: ۲۰۰۲).

۲• ارتباطات دولت با شهروندان (G2C): شامل ارتباطات دولت با استفاده کنندگان خدمات در

بخش های غیر تجاری است (شریفی و زارعی، ۴: ۲۰۰۴). این طبقه بر توانایی دولت و شهروندان

در دادن اطلاعات به همدیگر به صورت الکترونیکی و مؤثر تمرکز دارد. شهروندان از این گونه

ارتباطات منافع زیادی می برند. یکی از این منافع مربوط به ارسال ساده ی فرم ها و ثبت نام هایی

که قبلاً باید شخص مدت زیادی در صف می ایستاد، می باشد (فیسمن و گاتی، ۳۳۲: ۲۰۰۲).

۳• ارتباطات دولت با کسب و کارها (G2B): شامل ارتباطات دولت با بخش های تجاری و

خصوصی است (شریفی و زارعی، ۴: ۲۰۰۴). این طبقه بر کاهش هزینه ها و جمع آوری بهتر اطلاعات

تمرکز دارد. این شکل از ارتباطات به دولت ها اجازه می دهد که اقلام مورد نیاز را خریداری کند،

صورت حساب ها را پرداخت کند و با تجارت مؤثر و کم هزینه ارتباط برقرار کند (فیسمن و گاتی،

۳۳۲: ۲۰۰۲).

• دولت با کارمندان (G2E): برای فراهم کردن اطلاعات برای کارمندان بخش عمومی با

استفاده از اینترنت یا شبکه خصوصی طراحی شده است تا آن ها به اطلاعات منابع انسانی مانند

مزایای پرسنلی و بازنشستگی دسترسی داشته باشند (دهقان، سازمان بازرسی کل کشور).

1 Government-to-Government

2 Government-to-Citizen

3 Government-to-Business

4 Government-to-Employees

• شهروندان با شهروندان (G2C): به شرطی که تعامل بین شهروندان مرتبط با دیگر طبقه های دولت الکترونیک باشد (بلدیز، ۲۰۰۷:۶۵۰).

• درون دولتی: این طبقه بر سیستم های تحویل درون سیستم دولت الکترونیک تمرکز دارد. این طبقه به دولت اجازه می دهد که زنجیره ی تأمین خود را مدیریت کند تا موجودی را به حداقل برساند (فیسمن و گاتی، ۲۰۰۲:۳۳۳).

سازمان های بین المللی مانند سازمان توسعه و همکاری اقتصادی و سازمان ملل همانند محققان و سیاست مداران، مزیت هایی برای دولت الکترونیک بیان کرده اند:

۱. دولت الکترونیک وسیله ای برای اثربخشی بیش تر و مدیریت بهتر خواهد بود.
 ۲. دولت الکترونیک هماهنگی و همکاری دولت را افزایش و بهبود می دهد.
- دولت الکترونیک مشارکت عمومی در کارهای دولتی و فرایندهای دموکراتیک را افزایش داده و افراد و دولت را به همدیگر نزدیک تر می کند (گیلگاریا و مارتینز مویانو، ۲۰۰۷:۲۶۶).

فساد اداری

آژانس توسعه ی بین المللی ایالات متحده ی آمریکا^۱، فساد را به سوءاستفاده از اقتدار برای منافع شخصی تعریف کرده است (خلفخانی، ۱۳۸۹: ۸۸). بانک جهانی^۲ و سازمان بین المللی شفافیت، فساد را سوءاستفاده از اختیارات دولتی (قدرت عمومی) برای کسب منافع شخصی (خصوصی) می دانند این تعریف مورد توافق عمومی در جهان است (عباس زادگان، ۱۳۸۳: ۱۷). تحقیقات در مورد رفتار کارمندان فاسد نشان داده است که فساد می تواند به گونه های مختلفی باشد. مانند خرابکاری های عمدی، دزدی و رفتارهای ضد شهروندی (کساکای و گلری، ۲۰۰۵: ۲۵۳). در یک تقسیم بندی، فساد را می توان به چهار دسته ی فساد سیاسی، فساد اداری، فساد اقتصادی و فساد فرهنگی تقسیم کرد (صالحی، ۱۳۸۸: ۳).

به طور کلی فساد اداری عبارت است از:

الف) اقدامات ماموران دولتی که با هدف انتفاع و بهره برداری برای خود یا اشخاص دیگر یا در قبال دریافت مال برای خود یا اشخاص دیگر از راه های زیر انجام می پذیرد:

۱. نقض یا تعبیر و تفسیر قوانین و مقررات و ضوابط کاری
۲. تغییر در قوانین و مقررات و ضوابط کاری
۳. خودداری، کند کاری و یا کوتاهی در انجام وظایف قانونی در قبال ارباب رجوع

1 Consumer-to-Consumer

2 United States Agency for International Development (USAID)

3 World Bank

۴. تسهیل یا تسریع غیر عادی در انجام کار برای اشخاص معین در مقایسه با دیگران
 ب) اقدامات اشخاص حقیقی و حقوقی که با هدف انتفاع و بهره برداری برای خود یا اشخاص دیگر یا در قبال پرداخت مال به مأموران دولت به منظور برخورداری از مزایا و امتیازات از راه های غیر صحیح انجام می پذیرد. باین تعریف، تخلفات مأموران دولتی که از مصادیق فساد تلقی می شود به شرح زیر است:

۱. دریافت هر نوع مال یا تقاضای دریافت یا توافق برای دریافت و یا پیشنهاد دریافت آن برای خود یا هر شخص دیگر، مستقیم یا با واسطه، به صورت انفرادی یا مشترک با شخص یا اشخاص دیگر برای:

- انجام کاری یا چشم پوشی از انجام کاری در ارتباط با وظایف سازمانی و شغلی؛
- تسریع، تسهیل، توجه خاص و کمک در انجام کاری یا معامله ای؛
- تأخیر، کند کاری، کم توجهی و ممانعت از انجام کاری یا معامله ای؛
- عدم رعایت منافع و مصالح دولت و سازمان متبوع در محاکم و مراجع با اعلام و رأی غیر واقعی؛
- ارائه ی گزارش های غیر واقعی و یا مجبور کردن دیگر کارکنان به ارائه ی گزارش غلط و غیر واقعی

۲. پرداخت هر نوع مال یا توافق برای پرداخت آن به دیگر مأموران دولتی برای کسب موفقیت های اداری و سازمانی برای انتفاع خود یا اشخاص دیگر به صورت مستقیم یا با واسطه

۳. پرداخت هر نوع مال، توافق یا پیشنهاد برای پرداخت آن از محل منابع دولتی و اموال عمومی و هم چنین اختصاص امتیازات و موقعیت های اداری در اختیار دستگاه مطبوع به مأموران دولتی شاغل در دیگر دستگاه ها با هدف انتفاع دستگاه یا تسریع غیر متعارف در انجام امور یا چشم پوشی از انجام کاری

۴. سوءاستفاده از مقام و موقعیت اداری و سازمانی به منظور انتفاع یا بهره مندی غیر متعارف اشخاص از امتیازات و موقعیت های اداری

۵. به دست آوردن هر نوع مال یا تقاضای دریافت یا توافق یا استفاده از امتیازات و موقعیت های اداری دیگر دستگاه های اجرایی توسط مأموران دولتی

۶. هر نوع مشارکت در انجام معاملات و اجرای قراردادها با اشخاص حقیقی و حقوقی و دستگاه های اجرایی دیگر که مستقیماً با وظایف دستگاه متبوع مأمور دولتی مرتبط باشد (عباس زادگان، ۱۳۸۳: ۱۹).
 فساد همیشه با حرکات غیر قانونی متبلور نمی شود، ممکن است تصمیماتی در جهت انجام وظایف قانونی صورت گیرد، ولی در مقطعی باشد که منافع آن شامل افراد خاصی گردد. از این دیدگاه، فساد اداری به دو دسته ی فساد اداری قانونی و فساد اداری غیر قانونی تقسیم می شود (صالحی، ۱۳۸۸:

۵. آژانس توسعه‌ی بین‌المللی ایالات متحده‌ی آمریکا، از دو نوع فساد غالب شامل فساد اجرایی یا فساد اداری و فساد وسیع^۱ نام می‌برد (خلفخانی، ۱۳۸۹: ۸۸).
 آستراتیفلد^۲ فساد اداری را به دو نوع فساد اداری بین‌بخشی^۳ و فساد اداری در درون دولت^۴ تقسیم کرده است (خلفخانی، ۱۳۸۹: ۸۸). آمولسن^۵ معتقد است فساد انواع متعددی چون رشوه، اختلاس، کلک‌های اقتصادی یا فریب، باج‌گیری، امتیاز دهی به دوستان و اقوام دارد (رفع‌پور، ۱۳۸۶: ۲۱).

فساد صرفاً پیامدهای منفی ندارد، بلکه در شرایط نامساعد اقتصادی و اجتماعی، فساد و پیامدهای آن می‌تواند هم از لحاظ اجتماعی و هم از لحاظ فردی کارساز باشد (عباس‌زادگان، ۱۳۸۳: ۲۰). طرفداران مکتب کارآمدی فساد اداری مانند لَف^۶، بایلی^۷، هانتینگتون^۸ و لویی با تأکید بر ناکارآمدی قوانین و نهادها در کشورهای در حال توسعه، فساد اداری را روشی برای غلبه بر ناکارآمدی قوانین و مقررات می‌دانند و معتقدند که فساد نقش روغن را برای چرخ‌های خشک این نظام‌های اداری و اقتصادی ایفا کرده و رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری را تسهیل میکند. بنابراین طرفداران مکتب کارآمدی فساد، آن را یک هزینه کسب و کار می‌دانند که در کشورهای در حال توسعه منفعت آن بیش‌تر از هزینه‌اش است (علیزاده‌ثانی و فانی، ۱۳۸۶: ۲). اما اکثر محققان برای فساد پیامدهای منفی را در نظر گرفته‌اند و آن را برای رشد و توسعه، مخرب دانسته‌اند (باردان، ۱۳۷۸: ۴). فساد باعث کاهش رشد و سرمایه‌گذاری خصوصی می‌شود، ایجاد خط‌مشی اقتصادی را محدود می‌کند، باعث تخصیص نامناسب استعدادهای می‌شود، باعث تضعیف اعتماد عمومی می‌شود و منجر به اختلال در قوانین می‌گردد. هرچه فساد بیش‌تر باشد، گرایش به چنین اعمالی بیش‌تر است (آلجاندر و گوئررو و رودریگز، ۲۰۰۸: ۳۵۷). سطوح بالای فساد باعث کاهش سودمندی خدمات دولتی می‌شود (سیوچینی و دیگران، ۲۰۰۳: ۵۰۴). فساد منجر به عدم ثبات سیاسی و بحران مشروعیت سیاسی برای حکومت می‌شود. مشروعیت سیاسی نیازمند حمایت عمومی است، در حالی که حمایت عمومی بر اساس توانایی دولت در تهیه‌ی کالاهای عمومی و بهبود زندگی شهروندان است (هیگز، ۲۰۰۱: ۴).

1 Grand Corruption

2 Stratified

3 Dual Sector Corruption

4 Public Sector Corruption

5 Amnuldson

6 Lef

7 Bayley

8 Huntington

بررسی های تجربی و تئوریک، عوامل بسیاری را پیدا کرده اند که با فساد رابطه دارد که در زیر به آن ها اشاره می شود.

عوامل اداری و مدیریتی

• قوی نبودن فرهنگ سازمانی و عدم دلبستگی کارکنان و مدیران به سازمان و اهداف آن
 • مسایل و مشکلات اقتصادی کارکنان و بی توجهی به وضع زندگی کارکنان و نیز بیم از افزایش تورم و عدم اطمینان به آینده ی شغلی

• عدم ثبات مدیریتی و ابهام در سیاست ها

• توزیع نامناسب درآمد بین گروه ها در سازمان و بین کارکنان بخش های دولتی و غیر دولتی (عباس زادگان، ۱۳۸۳: ۲۱). کشورهای که میزان اختلاف دستمزدها بین دو بخش خصوصی و دولتی زیاد است، سطح بالاتری از فساد را دارا می باشند (وو، ۲۰۰۳: ۲۱). جبران خدمات مناسب کارکنان دولتی یکی از عوامل پایین آمدن سطح فساد در ادارات دولتی است (قلی پور و نیک رفتار، ۱۳۸۵: ۴).

• اعطای اختیارات بیش از حد و قدرت زیاد و سوء استفاده از آن ساختار سازمانی که به مأموران میزان زیادی اختیار می دهد، متحمل سطوح بالاتر فساد می شود (عباس زادگان، ۱۳۸۳: ۲۱). زمانی که مأموران توانایی انحراف از قوانین و فرایندها را دارند، آن ها قادر خواهند بود که از طریق تخصیص منابع سازمانی به طور متفاوت در برابر گرفتن رشوه، منافع به دست آورند (هیگز، ۲۰۰۱: ۵).

• نقصان و پیچیدگی قوانین و مقررات و عدم تطابق با واقعیت های ملموس: چیزی که در نظام اداری کنونی واقعیت دارد این است که واحدهای اداری معمولاً با تعداد زیادی از قوانین و مقررات غیر واقعی و یا غیر ضروری مواجه هستند و ابهامات موجود در رویه های اداری و استانداردهای جاری کار، امکان هر گونه تصمیم و اقدامات خود سرانه را به کارگزاران آن ها می دهد (عباس زادگان، ۱۳۸۳: ۲۱).

• عدم توجه به شایسته سالاری و واگذاری فعالیت های حساس به افراد غیر متعهد و بی تجربه (عباس زادگان، ۱۳۸۳: ۲۱). ویژگی های شایسته سالاری نقش مهمی در کاهش فساد بازی می کند، واژه های کلیدی شایسته سالاری، آزمایش های رقابتی در استخدام، استخدام سخت گیرانه، سیاست های اخراج در مقابل وظایف سیاسی، دوره ی بلند مدت تصدی شغلی و ارتقاء از داخل است. در این راستا حرفه ای گری در مدیریت دولتی، اهمیت بسزایی دارد.

بی تردید حضور حرفه ای ها در مناسب دولتی، سبب کاهش فساد می شود (قلی پور و نیک رفتار، ۱۳۸۵: ۴).

• عدم انگیزه ی ناشی از نبود نظام تشویق و تنبیه مناسب

• انحصار فعالیت های اداری برای گروه های خاص

• ضعف ساختارهای نظارتی و فقدان هماهنگی های لازم در بعد نظارت

• نبود شفافیت و پاسخگویی در فعالیت های نظام اداری (عباس زادگان، ۱۳۸۳: ۲۲). اساسی ترین علت و زمینه ی وقوع فساد در هر کشوری می تواند وجود نقاط ضعف متعدد در مستندسازی فعالیت های سیاسی و اقتصادی و وضعیت مالی اشخاص حقیقی و حقوقی باشد. نتیجه ی مستقیم این نقصان (عدم مستند سازی)، عدم امکان ایجاد شفافیت در فعالیت های انجام شده و وضعیت مالی اشخاص است که این امر (عدم ایجاد شفافیت در فعالیت های اقتصادی، سیاسی، اداری، اجتماعی و فرهنگی) علت اساسی وقوع فساد است (قلی پور و نیک رفتار، ۱۳۸۵: ۴).

• حکومت قانونی: بعضی از محققان معتقداند که حکومت قانونی قوی تر در یک کشور، منجر به سطوح پایین تر فساد می شود. مأموران فاسد برای گرفتن رشوه انگیزه ی کم تری خواهند داشت اگر احتمال دستگیر شدن بالا باشد و یا اگر جریمه ها شدید و محکم باشد (وو، ۲۰۰۳: ۲۱).

عوامل فرهنگی و اجتماعی

• فقدان وجدان کاری، انضباط اجتماعی و عدم توجه به مبانی ارزشی جامعه

• ناآگاهی یا آگاهی کم افراد از حدود وظایف و فعالیت های دستگاه های گوناگون

• نظام تأمین اجتماعی ناکارآمد به ویژه برای حمایت از کارمندان دولت (عباس زادگان، ۱۳۸۳: ۲۲).

• بعضی از محققان فرض را بر این گذاشته اند که فرهنگ هایی که گرایش به خانواده دارند، متمایل تر به فساد هستند زیرا اعضای خانواده به همدیگر کمک می کنند (وو، ۲۰۰۳: ۲۲).

عوامل سیاسی

• ساختار سیاسی اجتماع، میزان قدرت و مسئولیت سیاستمداران را مشخص می کند، آنان از

این طریق بر منافع و هزینه هایی نظارت می کنند. سه متغیر عمده ی سیاسی که می توانند بر میزان فساد تاثیر بگذارند عبارتند از: نحوه ی تقسیم قدرت سیاسی، میزان آزادی سیاسی به ویژه قدرت نقد حاکمیت، میزان ثبات سیاسی (عباس زادگان، ۱۳۸۳: ۲۲).

عوامل اقتصادی

در کشورهای پیشرفته نقش دولت به سیاست گذاری های کلان محدود شده است، اما در کشورهای در حال توسعه دولت با تمام ابعاد زندگی مردم نه تنها به عنوان کارفرما، بلکه به عنوان تنظیم کننده ی امور و تولید کننده ی بزرگ ارتباط دارد و به دلیل فقدان بخش خصوصی، دامنه ی فعالیت های دولت در این کشورها روز به روز افزایش می یابد. این امر به علاوه ی محدودیت هایی که از جانب دولت در زمینه های مختلف برای تنظیم امور اقتصادی و اجتماعی جامعه ایجاد می شود، زمینه ساز فساد است (عباس زادگان، ۱۳۸۳: ۲۲). کشورهایی که میران بالاتری از رقابت را در بخش های صنعتی دارند و آزادی تجارت بالا است، سطح فساد در آن ها پایین تر است (وو، ۲۰۰۳: ۲۲) و فساد به عنوان یکی از مشکلات ناشی از ضعف اقتصادی دیده می شود (قلی پور و نیک رفتار، ۱۳۸۵: ۴).

برای مطالعه ی فساد و اثرات آن در اول باید فعالیت های فاسد را شناخت و آن ها را اندازه گیری کرد.

سه مورد از روش های اندازه گیری فساد عبارت اند از:

۱. شاخص ادراک فساد (CPI): سازمان بین المللی شفافیت به دولت ها در شناخت مضرات فساد و تشویق آن ها به بکارگیری برنامه های ضد فساد کمک می کند، این شاخص از صفر تا ده طبقه بندی می شود و هر سال به روز می شود.
 ۲. شاخص کنترل فساد (CCI): این شاخص به طور سالانه توسط بانک جهانی منتشر می شود، CCI از ۲/۵- تا ۲/۵+ طبقه بندی می شود و دارای میانگین صفر و انحراف معیار یک است. ارزش های بالاتر نشانگر کنترل فساد بیش تر است.
 ۳. شاخص فساد (CI): این شاخص توسط سازمان خدمات ریسک سیاسی ایجاد شده است و از صفر تا شش طبقه بندی می شود، شش به معنی فساد کم و صفر به معنی فساد زیاد است (کافمن، ۱۹۹۷: هشتمین کنفرانس بین المللی مقابله با فساد).
- در مورد رفع و درمان تمام عیار و نهایی فساد اداری دو دیدگاه متعارض شکل گرفته است. گروهی رفع فساد را غیر ممکن و فساد را قسمتی از خصوصیات و رفتارهای انسانی و سازمانی می دانند که عموماً طیف ساختار گرایان را تشکیل می دهند و گروه دیگر طیف خوشبینان هستند که معتقدند با

1 Corruption Perception Index

2 Control of Corruption index

3 Corruption Index

بهره گیری از راهکارهای متعدد نهادی، ترتیبات مناسب حقوقی، تدابیر مناسب فرهنگی، توسعه ی اخلاق عمومی و اصلاح رویکردهای فرهنگی مردم نسبت به امور، می توان فساد را محدود و کنترل کرد (خلفخانی، ۱۳۸۹: ۸۲).

عوامل کاهش فساد

• عوامل اقتصادی

عوامل اقتصادی بر روی اقتصاد کلان تمرکز دارد. فرض پایه ای بر این است که مؤسسات اقتصادی انگیزه های مالی را برای فساد تهیه کرده و یا تحمیل می کنند تا این که آن اتفاق بیافتد برای مثال بر اساس مطالعات صورت گرفته گزارش داده اند که تولید ناخالص داخلی کل کشور برای هر نفر رابطه ای منفی با فساد دارد. به این معنی که تنگ دستی باعث می شود که اشخاص تمایل به گرفتن رشوه پیدا کنند. بنابراین سطح توسعه ی اقتصادی یک کشور به طور سیستماتیک می تواند با فساد مرتبط باشد. عامل اقتصادی دیگری که می تواند بر فساد مؤثر باشد، میزان آزادی اقتصاد است مثلاً آزادی بیش تر اقتصاد و رقابت در این زمینه منجر به کاهش فساد می شود. رقابت می تواند به عنوان وسیله ای عمل کند که مانع خلاف کاری شود. عوامل اقتصادی دیگر عبارت اند از: برابری اقتصادی، نرخ مالیات، کارایی اقتصادی و گستردگی منابع طبیعی.

• عوامل سیاسی یا قانونی

مطالعات انجام شده در این زمینه به بررسی و موازنه کردن قدرت دولتی و پاسخگویی دولت تمرکز دارند.

• عوامل فرهنگی - اجتماعی

این عوامل بر هنجارهای غیر رسمی اجتماعی و مؤسسات غیر رسمی برای توضیح فساد تمرکز دارند. هاستد^۱ دریافت که در مطالعه ی هافستد^۲، مقیاس های مردانگی^۳ و اجتناب از عدم اطمینان^۴ به طور سیستماتیک با فساد مرتبط است. ولی پارک^۵ دریافت که مردانگی و فاصله ی قدرت^۶

1 Hosted

2 Hofstede

3vManhood

4 Avoid Uncertainty

5 Park

6 Power Distance

فساد را پیش بینی می کند ولی اجتناب از عدم اطمینان، خیر. در زمینه ی فرهنگی محققان دریافتند که پروتستانسیم^۱ و تنوع مذاهب بر فساد تأثیر می گذارند (کافمن، ۱۹۹۷: هشتمین کنفرانس بین المللی مقابله با فساد).

برنامه توسعه ی سازمان ملل مثال های متعددی درباره چگونگی استفاده ی دولت ها از فناوری اطلاعات و ارتباطات بیان می دارد، یک نمونه از آن دولت هند است که برنامه ای برای رایانه ای کردن همه ی ۲۵۰۰ دادگاه هند در دست اجرا دارد که پایگاه داده ای برای موارد جدید و در جریان ایجاد می کند. مثال دیگر سیستمی است که شهرداری سئول با نام اُپن بکار می برد. این سیستم شهروندان را قادر می سازد که بر فرایند درخواست خود نظارت کنند (یلدیز، ۶۵۱:۲۰۰۷). مکانیسمی که از آن طریق دولت الکترونیک فساد را کاهش می دهد این است که دولت الکترونیک تعامل بین مأمورین فاسد و شهروندان را کاهش داده و شفافیت و قابلیت پاسخگویی را افزایش می دهد (دانایی فرد، ۱۳۸۴:۱۰۴)، (بارنیک اندرسون، ۲۰۲:۲۰۰۹). از طریق بهبود و افزایش توانایی شهروندان برای گرفتن تصمیمات و عملیات؛ شفافیت و دسترسی به اطلاعات دولت به عنوان یک ضرورت برای ایجاد دموکراسی، اعتماد در دولت، مقابله با فساد، صحت اطلاعات دولتی و تهیه ی اطلاعات برای عموم، شرکت ها و روزنامه نگاران و دیگر فعالیت های ضروری در اجتماع، مورد توجه قرار گرفته است (برتوت، جاگر و گرایمز، ۲۶۶:۲۰۱۰).

مدل مفهومی تحقیق

با در نظر گرفتن هدف تحقیق که عبارت است از تعیین نقش فناوری اطلاعات در کاهش عوامل بروز فساد اداری و با توجه به فرضیات تحقیق، مدلی مفهومی برای تحقیق در نظر گرفته شده، که در شکل شماره ی ۱ نشان داده شده است.

کاهش عوامل بروز فساد اداری



شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق

| بکارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات در سازمان | | | |
|---|---|---|---|
| سیستم الکترونیکی ثابت اسناد و املاک | سیستم حسابداری الکترونیکی | سیستم الکترونیکی بایگانی | سیستم الکترونیکی رسیدگی به شکایات |
| افزایش دسترسی ارباب رجوع به اطلاعات مورد نیاز | شفاف سازی اطلاعات مالی و حسابداری | کاهش دسترسی افراد غیر مسئول به پرونده ها | تسریع رسیدگی به شکایات ارباب رجوع |
| افزایش شفافیت فرایندها | افزایش کنترل بر فرایند حسابداری | تسهیل بازیابی اسناد و مدارک | افزایش تمایل ارباب رجوع به طرح شکایت |
| کاهش ارتباط رو در رو بین کارمندان و ارباب رجوع | کاهش دسترسی افراد غیر مسئول به اسناد و مدارک حسابداری | افزایش کنترل بر فرایند بایگانی اسناد و پرونده ها | ایجاد نگرش مثبت در ارباب رجوع نسبت به مؤثر بودن شکایت |
| کاهش تشریفات اداری | تضمین بکارگیری استانداردهای حرف های حسابداری | افزایش پاسخگویی واحد بایگانی نسبت به استعلام های مربوطه | دریافت اطلاعات در رابطه با کل سازمان |
| افزایش مسئولیت پذیری کارمندان افزایش کنترل بر مراحل انجام کار | افزایش پاسخگویی کارمندان حسابداری | | |

روش تحقیق

با توجه به این که هدف از انجام این تحقیق بررسی نقش فناوری اطلاعات در کاهش عوامل بروز فساد اداری است و با استفاده از نتایج این تحقیق سعی در کاهش عوامل بروز فساد اداری است که این امر نهایتاً منجر به کاهش فساد اداری می شود، لذا می توان عنوان کرد که این تحقیق از لحاظ هدف، یک تحقیق کاربردی است و از آن جایی که در این تحقیق از روش های مطالعه ی کتابخانه ای و نیز روش های میدانی نظیر پرسشنامه، استفاده شده است در نتیجه می توان گفت که تحقیق حاضر بر اساس ماهیت و روش یک تحقیق توصیفی است.

فرضیه ی اصلی و فرضیه های فرعی عبارت اند از:

فرضیه ی اصلی: فناوری اطلاعات و ارتباطات در کاهش عوامل بروز فساد اداری مؤثر است.

فرضیه ی فرعی ۱: سیستم الکترونیکی ثبت اسناد و املاک در کاهش عوامل بروز فساد اداری مؤثر است.

فرضیه ی فرعی ۲: سیستم حسابداری الکترونیکی در کاهش عوامل بروز فساد اداری مؤثر است.

فرضیه ی فرعی ۳: سیستم الکترونیکی بایگانی در کاهش عوامل بروز فساد اداری مؤثر است.

فرضیه ی فرعی ۴: سیستم الکترونیکی رسیدگی به شکایات در کاهش عوامل بروز فساد اداری مؤثر است.

(در جدول شماره ی ۴ سوالات مرتبط با هر یک از فرضیه ها آورده شده است).

متغیرهای مستقل این تحقیق عبارت اند از: سیستم الکترونیکی ثبت اسناد و املاک، سیستم حسابداری الکترونیکی، سیستم الکترونیکی بایگانی، سیستم الکترونیکی رسیدگی به شکایات. متغیر وابسته در این تحقیق عوامل بروز فساد اداری می باشد. برای جمع آوری اطلاعات راجع به ادبیات تحقیق از روش کتابخانه ای (مطالعه کتب و مقالات و سایت های اینترنتی) و برای آزمون فرضیه ها، از پرسشنامه استفاده شده است. برای سنجش پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. برای محاسبه ی این ضریب، در یک مطالعه ی مقدماتی و نمونه گیری اولیه، تعداد ۳۰ پرسشنامه توزیع شد و با استفاده از بسته ی نرم افزاری SPSS مقدار ضریب محاسبه گردید که مقدار آن در جدول شماره ی ۱ نشان داده شده است. با توجه به این که در تحقیقات علوم انسانی، ضریب آلفای بالاتر از ۰/۸ قابل قبول است، لذا می توان پرسشنامه ی مذکور را از لحاظ پایایی، خوب ارزیابی کرد.

جامعه ی آماری این تحقیق ۱۰۰ نفر، متشکل از مدیران و کارشناسان اداره کل ثبت اسناد و املاک استان لرستان و اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان خرم آباد است. از این تعداد، ۳۰ نفر مربوط به مدیران و کارشناسان اداره کل ثبت اسناد و املاک استان لرستان و ۷۰ نفر مربوط به اداره ی ثبت اسناد و املاک شهرستان خرم آباد هستند.

جدول ۱: ضریب آلفای کرونباخ سوالات پرسشنامه

| شماره ی سوالات | ضریب آلفای کرونباخ |
|----------------|--------------------|
| ۱-۶ | ۰/۸۵۸ |
| ۷-۱۱ | ۰/۹۳۵ |
| ۱۲-۱۵ | ۰/۸۸۸ |
| ۱۶-۱۹ | ۰/۸۵۳ |
| ۱-۱۹ | ۰/۸۹۷ |

به دلیل این که افراد جامعه ی مورد نظر از تجانس و همگونی برخوردار نیستند، جامعه به زیربخش های خاصی که از تجانس درون گروهی برخوردارند، تقسیم می شود. در مرحله ی بعد با استفاده از روش نمونه گیری احتمالی طبقه بندی شده از میان جامعه ی مورد نظر تعداد نمونه ی برآورد شده انتخاب می شود. با توجه به معلوم بودن تعداد جامعه ی آماری، از فرمول کوکران برای برآورد حجم نمونه استفاده شد که تعداد آن ۸۰ نفر به دست آمد. در این تحقیق برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از آزمون T تک نمونه ای، آزمون T برای گروه های مستقل، آزمون تحلیل واریانس یک عامله، آزمون توکی و آزمون فریدمن استفاده شد.

بررسی و آزمون فرضیه های تحقیق

آزمون فرضیه ی اول

جهت آزمون این فرضیه، فرض های H_0 و H_1 به صورت زیر تعریف می شوند:

H_0 : سیستم الکترونیکی ثبت اسناد و املاک در کاهش عوامل بروز فساد اداری مؤثر نیست ($\mu \geq 3$)

H_1 : سیستم الکترونیکی ثبت اسناد و املاک در کاهش عوامل بروز فساد اداری مؤثر است ($\mu > 3$)

با توجه به جدول شماره ۲، مشاهده شده معنی دار است ($Sig > 0.01$)؛ بنابراین فرض H_0 رد می شود و فرض مقابل آن یا H_1 مورد تایید است.

جدول ۲: آزمون T مربوط به فرضیه ی اول

| فرضیه ی اول | میانگین | انحراف معیار | t | درجه ی آزادی | Sig |
|--|---------|--------------|-------|--------------|--------|
| سیستم الکترونیکی ثبت اسناد و املاک در کاهش عوامل بروز فساد اداری مؤثر است. | ۳/۴۹۴۱ | ۰/۹۱۱۵۸ | ۴/۹۹۷ | ۸۴ | ۰/۷۰۰۰ |

آزمون فرضیه ی دوم

فرض های H_0 و H_1 به صورت زیر تعریف می شوند:

H_0 : سیستم حسابداری الکترونیکی در کاهش عوامل بروز فساد اداری مؤثر نیست ($\mu \geq 3$)

H_1 : سیستم حسابداری الکترونیکی در کاهش عوامل بروز فساد اداری مؤثر است ($\mu > 3$)

همان طور که در جدول شماره ۳ نشان داده شده است، t مشاهده شده معنی دار است ($t > 0.01$)؛ بنابراین فرض H_0 رد شده و فرض مقابل آن یا H_1 مورد تایید است.

جدول ۳: آزمون T مربوط به فرضیه ی دوم

| Sig | درجه ی آزادی | t | انحراف معیار | میانگین | فرضیه ی دوم |
|-------|--------------|-------|--------------|---------|--|
| ۰/۰۰۰ | ۸۳ | ۷/۷۹۹ | ۰/۷۵۱ | ۳/۶۳۹۳ | سیستم حسابداری الکترونیکی در کاهش عوامل بروز فساد اداری مؤثر است |

آزمون فرضیه ی سوم

جهت آزمون این فرضیه، فرض های H_0 و H_1 به صورت زیر تعریف می شوند:

H_0 : سیستم الکترونیکی بایگانی در کاهش عوامل بروز فساد اداری مؤثر نیست ($\mu \geq 3$)

H_1 : سیستم الکترونیکی بایگانی در کاهش عوامل بروز فساد اداری مؤثر است ($\mu > 3$)

با توجه به جدول شماره ۵، t مشاهده شده معنی دار است ($t > 0.01$)؛ بنابراین فرض H_0 رد می شود و فرض مقابل آن یا همان H_1 مورد تایید است.

جدول ۵: آزمون T مربوط به فرضیه ی سوم

| Sig | درجه ی آزادی | t | انحراف معیار | میانگین | فرضیه ی سوم |
|-------|--------------|--------|--------------|---------|---|
| ۰/۰۰۰ | ۸۴ | ۱۰/۲۳۹ | ۰/۷۸۹ | ۳/۸۷۶۵ | سیستم الکترونیکی بایگانی در کاهش عوامل بروز فساد اداری مؤثر است |

آزمون فرضیه ی چهارم

برای آزمون فرضیه ی چهارم فرضیه های H_0 و H_1 به صورت زیر نشان داده می شوند:

H_0 : سیستم الکترونیکی بایگانی در کاهش عوامل بروز فساد اداری مؤثر نیست ($\mu \geq 3$)

H_1 : سیستم الکترونیکی بایگانی در کاهش عوامل بروز فساد اداری مؤثر است ($\mu > 3$)

با توجه به این که t مشاهده شده معنی دار است ($t > 0.01$)؛ فرض H_0 رد شده و فرض H_1 پذیرفته می شود (جدول ۶).

جدول ۶: آزمون T مربوط به فرضیه ی چهارم

| Sig | درجه ی آزادی | t | انحراف معیار | میانگین | فرضیه ی چهارم |
|-------|--------------|-------|--------------|---------|--|
| ۰/۰۰۰ | ۸۵ | ۳/۶۲۹ | ۰/۸۰۹ | ۳/۳۱۸۶ | سیستم الکترونیکی رسیدگی به شکایات در کاهش عوامل بروز فساد اداری مؤثر است |

جدول ۴: سئوالات مرتبط با فرضیه ها

| فرضیه ها | سئوالات |
|-----------|---|
| فرضیه ی ۱ | سیستم الکترونیکی ثبت اسناد و املاک، دسترسی ارباب رجوع به اطلاعات مورد نیاز را افزایش می دهد. سیستم الکترونیکی ثبت اسناد و املاک، شفافیت فرایندها را افزایش می دهد. سیستم الکترونیکی ثبت اسناد و املاک ارتباط رودررو بین کارمندان و ارباب رجوع را کاهش می دهد. سیستم الکترونیکی ثبت اسناد و املاک، باعث کاهش تشریفات اداری می شود. سیستم الکترونیکی فرایند ثبت اسناد و املاک، مسئولیت پذیری کارمندان را افزایش می دهد. سیستم الکترونیکی ثبت اسناد و املاک، منجر به کنترل بیش تر مراحل انجام کارها می شود. |
| فرضیه ی ۲ | سیستم حسابداری الکترونیکی، منجر به شفاف سازی اطلاعات مالی و حسابداری می شود. سیستم حسابداری الکترونیکی، کنترل بر فرایند حسابداری را افزایش می دهد. سیستم حسابداری الکترونیکی، دسترسی افراد غیر مسئول به مدارک حسابداری را کاهش می دهد. سیستم حسابداری الکترونیکی، بکارگیری استانداردهای حرف های حسابداری را تضمین می کند. سیستم حسابداری الکترونیکی، پاسخگویی کارمندان حسابداری را افزایش می دهد. |
| فرضیه ی ۳ | الکترونیکی کردن واحد بایگانی، دسترسی افراد غیر مسئول را به پرونده ها کاهش می دهد. الکترونیکی کردن واحد بایگانی، بازیابی اسناد و مدارک را تسهیل می کند. الکترونیکی کردن واحد بایگانی، کنترل بر فرایند بایگانی اسناد و پرونده ها را افزایش می دهد. الکترونیکی کردن واحد بایگانی، پاسخگویی واحد بایگانی به استعلام های مربوطه را افزایش می دهد. |
| فرضیه ی ۴ | سیستم الکترونیکی رسیدگی به شکایات، باعث تسریع در رسیدگی به شکایات ارباب رجوع می شود. سیستم الکترونیکی رسیدگی به شکایات، تمایل ارباب رجوع را به طرح شکایت افزایش می دهد. سیستم الکترونیکی رسیدگی به شکایات، نگرش ارباب رجوع را نسبت به موثر بودن شکایت، در جهت مثبت تغییر می دهد. سیستم الکترونیکی رسیدگی به شکایات منبع خوبی برای دریافت اطلاعات در رابطه با کل سازمان است. |

بررسی دیدگاه پاسخ دهندگان بر اساس جنسیت

به منظور بررسی این موضوع که آیا بین نظرهای پاسخ دهندگان، با توجه به جنسیت آن‌ها، در مورد نقش فناوری اطلاعات در کاهش عوامل بروز فساد اداری تفاوت معنی داری وجود دارد یا خیر، از آزمون T با گروه‌های مستقل استفاده شده است. به منظور بررسی همسانی واریانس‌ها از آزمون لوین استفاده شده است. نتایج آزمون لوین نشان داد که همسانی واریانس‌ها در تمامی فرضیه‌ها مورد تأیید است.

در این آزمون، فرض‌های آماری H_0 و H_1 به صورت زیر مطرح شده اند:

H_0 : بین میانگین نظرات پاسخ دهندگان با توجه به جنسیت آن‌ها تفاوت معنی داری وجود ندارد (2μ)
($= 1\mu$)

H_1 : بین میانگین نظرات پاسخ دهندگان با توجه به جنسیت آن‌ها تفاوت معنی داری وجود دارد
($2\mu \neq 1\mu$)

با توجه به جدول شماره ۷، t به دست آمده معنی دار نیست ($Sig > 0.01$)، در نتیجه فرض H_0 پذیرفته می‌شود.

جدول ۷: آزمون T با گروه‌های مستقل جهت مقایسه‌ی نظرات پاسخ دهندگان بر اساس جنسیت

| فرضیه‌ها | جنسیت | میانگین | انحراف معیار | t | درجه معنی داری | Sig | نتیجه |
|----------|-------|---------|--------------|--------|----------------|-------|-------------|
| ۱ | مرد | ۳/۵۷۵۵ | ۰/۹۷ | ۱/۰۶ | ۸۳ | ۰/۲۹۲ | پذیرش H_0 |
| | زن | ۳/۳۵۹۴ | ۰/۸۰ | | | | |
| ۲ | مرد | ۳/۷۱۵۴ | ۰/۷۴۶ | ۱/۱۸۶ | ۸۲ | ۰/۲۳۹ | پذیرش H_0 |
| | زن | ۳/۵۱۵۶ | ۰/۷۵۳ | | | | |
| ۳ | مرد | ۳/۸۵۳ | ۰/۸۷ | -۰/۳۳۹ | ۸۳ | ۰/۷۳۵ | پذیرش H_0 |
| | زن | ۳/۹۱۴۱ | ۰/۶۴۳ | | | | |
| ۴ | مرد | ۳/۳۳۶۵ | ۰/۹۹ | ۰/۲۶ | ۸۳ | ۰/۷۹۵ | پذیرش H_0 |
| | زن | ۳/۲۸۹۱ | ۰/۵۹۶ | | | | |

بررسی دیدگاه پاسخ دهندگان بر اساس میزان تحصیلات

به منظور بررسی معنی دار بودن تفاوت میانگین نظرات پاسخ دهندگان بر اساس میزان تحصیلات آن‌ها، در مورد هر فرضیه، از آزمون تحلیل واریانس تک عاملی استفاده شده است. در این آزمون، فرض های آماری H_0 و H_1 به صورت زیر مطرح می شوند:

H_0 : بین میانگین نظرات پاسخ دهندگان با توجه به میزان تحصیلات آن‌ها تفاوت معنی داری وجود ندارد.

H_1 : بین میانگین نظرات پاسخ دهندگان با توجه به میزان تحصیلات آن‌ها تفاوت معنی داری وجود دارد.

جدول شماره ۸ نشان دهنده آزمون تحلیل واریانس تک عاملی جهت مقایسه ی نظرات پاسخ دهندگان بر اساس میزان تحصیلات است. با توجه به این جدول و F مشاهده ای حاصل از آزمون تحلیل واریانس تک عاملی، تفاوت میانگین نمره ی نظرات پاسخ دهندگان بر اساس میزان تحصیلات، در خصوص تأثیر سیستم الکترونیکی بایگانی بر کاهش عوامل بروز فساد اداری معنی دار است ($Sig < 0.01$).

جدول ۸: آزمون تحلیل واریانس تک عاملی جهت مقایسه ی نظرات پاسخ دهندگان بر اساس میزان تحصیلات

| فرضیات | F مشاهده ای | Sig | نتیجه |
|--------|-------------|-------|-------------|
| ۱ | ۰/۳۱۹ | ۰/۸۱۲ | پذیرش H_0 |
| ۲ | ۰/۸۶۲ | ۰/۴۶۴ | پذیرش H_0 |
| ۳ | ۳/۴۶۸ | ۰/۰۰۷ | رد H_0 |
| ۴ | ۱/۲۵۳ | ۰/۲۹۶ | پذیرش H_0 |

به منظور مقایسه ی زوجی میانگین نظرات هر یک از پاسخ دهندگان با توجه به میزان تحصیلات آن‌ها در مورد تأثیر سیستم الکترونیکی بایگانی بر کاهش عوامل بروز فساد اداری، از آزمون توکی استفاده شد. نتایج نشان داد که به طور معنی داری میانگین نظرات افرادی که دارای مدرک دیپلم هستند، از میانگین نظرات افرادی که دارای مدرک تحصیلی فوق دیپلم هستند، در خصوص تأثیر سیستم الکترونیکی بایگانی بر کاهش عوامل بروز فساد اداری کم تر است. به عبارت دیگر، افرادی که دارای تحصیلات دیپلم هستند، تأثیر سیستم الکترونیکی بایگانی بر کاهش عوامل بروز فساد اداری را کم تر می دانند.

بررسی دیدگاه پاسخ دهندگان بر اساس سابقه ی کار

به منظور بررسی این موضوع که آیا بین میانگین نظرات افراد با توجه به سابقه ی کار آن ها در مورد هر فرضیه تفاوت معنی داری وجود دارد یا خیر، از آزمون تحلیل واریانس تک عاملی استفاده شده است. در این آزمون، فرض های آماری H_0 و H_1 به صورت زیر مطرح می شوند:

H_0 : بین میانگین نظرات افراد با توجه به سابقه ی کار آن ها در مورد هر فرضیه تفاوت معنی داری وجود ندارد.

H_1 : بین میانگین نظرات افراد با توجه به سابقه ی کار آن ها در مورد هر فرضیه تفاوت معنی داری وجود دارد.

با توجه به جدول شماره ۹، مشخص می شود که بین میانگین نمره نظرات افراد بر اساس سابقه ی کار آن ها در مورد هر فرضیه، تفاوت معنی داری وجود ندارد ($Sig > 0.01$).

جدول ۹: آزمون تحلیل واریانس تک عاملی جهت مقایسه ی نظرات افراد بر اساس سابقه ی کار

| نتیجه | Sig | F مشاهده ای | فرضیات |
|-------------|-------|-------------|--------|
| H_0 پذیرش | ۰/۲۲۶ | ۱/۴۴۷ | ۱ |
| H_0 پذیرش | ۰/۹۷۲ | ۰/۱۲۸ | ۲ |
| H_0 پذیرش | ۰/۵۸۹ | ۰/۷۰۸ | ۳ |
| H_0 پذیرش | ۰/۶۹۱ | ۰/۵۶۲ | ۴ |

رتبه بندی سؤالات پرسشنامه و فرضیات تحقیق

برای رتبه بندی سؤالات تخصصی پرسشنامه و همچنین فرضیات تحقیق بر اساس اهمیت آن ها در کاهش عوامل بروز فساد اداری از آزمون فریدمن استفاده شده است، نتایج این آزمون در جدول های شماره ۱۰ و ۱۱ نشان داده شده است.

جدول ۱۰: رتبه بندی سؤال های پرسشنامه بر اساس آزمون فریدمن

| سؤال ها | میانگین |
|---------|---------|
| سؤال ۱ | ۱۱.۲۳ |
| سؤال ۲ | ۱۰.۳۳ |
| سؤال ۳ | ۸.۳۲ |
| سؤال ۴ | ۸.۳۹ |
| سؤال ۵ | ۹.۲۱ |
| سؤال ۶ | ۱۰.۷۶ |
| سؤال ۷ | ۹.۷۸ |
| سؤال ۸ | ۱۱.۲۷ |
| سؤال ۹ | ۱۱.۴۲ |
| سؤال ۱۰ | ۹.۸۰ |
| سؤال ۱۱ | ۸.۳۱ |
| سؤال ۱۲ | ۱۱.۶۶ |
| سؤال ۱۳ | ۱۲.۴۴ |
| سؤال ۱۴ | ۱۱.۴۰ |
| سؤال ۱۵ | ۱۲.۱۴ |
| سؤال ۱۶ | ۸.۷۱ |
| سؤال ۱۷ | ۸.۵۶ |
| سؤال ۱۸ | ۷.۶۶ |
| سؤال ۱۹ | ۸.۶۲ |

| Test Statistics ^a | |
|------------------------------|---------|
| N | ۸۰ |
| Chi-Square | ۱۳۶.۷۴۵ |
| df | ۱۸ |
| Asymp. Sig. | .۰۰۰ |

جدول ۱۱: رتبه بندی فرضیات تحقیق با توجه به اهمیت نقش آن ها در کاهش عوامل بروز فساد اداری

| رتبه | فرضیات | رتبه بندی میانگین |
|------|--|-------------------|
| ۱ | سیستم الکترونیکی بایگانی در کاهش عوامل بروز فساد اداری مؤثر است. | ۳/۰۹ |
| ۲ | سیستم حسابداری الکترونیکی در کاهش عوامل بروز فساد اداری مؤثر است. | ۲/۵۲ |
| ۳ | سیستم الکترونیکی ثبت اسناد و املاک در کاهش عوامل بروز فساد اداری مؤثر است. | ۲/۳۶ |
| ۴ | سیستم الکترونیکی رسیدگی به شکایات در کاهش عوامل بروز فساد اداری مؤثر است. | ۲/۰۳ |

نتیجه گیری

با توجه به نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل اطلاعات، می توان چنین نتیجه گیری کرد:

۱. در جدول شماره ۲، نتایج آزمون T تک نمونه ای مربوط به فرضیه ی اول نشان داده شده است و با توجه به این نتایج، فرضیه ی اول تحقیق با ۹۹٪ اطمینان پذیرفته می شود. در نتیجه می توان ادعا کرد که سیستم الکترونیکی ثبت اسناد و املاک در کاهش عوامل بروز فساد اداری مؤثر است.
۲. آزمون T تک نمونه ای مربوط به فرضیه ی دوم در جدول شماره ۳ نشان داده شده است. نتایج نشان دهنده پذیرش فرضیه ی دوم است. پس با ۹۹٪ اطمینان می توان گفت که سیستم حسابداری الکترونیکی در کاهش عوامل بروز فساد اداری مؤثر است.
۳. طبق نتایج مندرج در جدول شماره ۵ که نشان دهنده نتایج حاصل از آزمون T تک نمونه ای مربوط به فرضیه ی سوم تحقیق است، فرضیه ی سوم تحقیق با ۹۹٪ اطمینان پذیرفته می شود، در نتیجه می توان گفت که سیستم الکترونیکی بایگانی در کاهش عوامل بروز فساد اداری مؤثر است.
۴. نتایج حاصل از آزمون فرضیه ی چهارم در سطح اطمینان ۹۹٪ در جدول شماره ۶ نشان داده شده است. با توجه به این جدول، فرضیه ی چهارم تحقیق پذیرفته می شود، به عبارت دیگر می توان گفت که سیستم الکترونیکی رسیدگی به شکایات در کاهش عوامل بروز فساد اداری مؤثر است.
۵. طبق نتایج مندرج در جدول شماره ۷ که نشان دهنده آزمون T با گروه های مستقل جهت مقایسه ی نظرات پاسخ دهندگان بر اساس جنسیت است تفاوت معنی داری بین میانگین نظرات پاسخ دهندگان با توجه به جنسیت آن ها وجود ندارد به عبارت دیگر، هر دو گروه مردان و زنان تأثیر سیستم الکترونیکی ثبت اسناد و املاک، سیستم حسابداری الکترونیکی، سیستم الکترونیکی بایگانی و سیستم الکترونیکی رسیدگی به شکایات را بر کاهش عوامل بروز فساد اداری به یک میزان می دانند.
۶. جدول شماره ۸ نشان دهنده آزمون تحلیل واریانس تک عاملی جهت مقایسه نظرات پاسخ

دهندگان بر اساس میزان تحصیلات است. با توجه به این جدول، مشخص است که میانگین نمره ی نظرات افراد بر اساس میزان تحصیلات، در خصوص تاثیر سیستم الکترونیکی بایگانی بر کاهش عوامل بروز فساد اداری، معنی دار است. با توجه به نتایج حاصل از مقایسه ی زوجی میانگین نظرات هر یک از پاسخ دهندگان با توجه به میزان تحصیلات آن ها در مورد تأثیر سیستم الکترونیکی بایگانی بر کاهش عوامل بروز فساد اداری، مشخص شد که به طور معنی داری میانگین نظرات افرادی که دارای مدرک دیپلم هستند، از میانگین نظرات افرادی که دارای مدرک تحصیلی فوق دیپلم هستند، در خصوص تاثیر سیستم الکترونیکی بایگانی بر کاهش عوامل بروز فساد اداری کم تر است. به عبارت دیگر، افرادی که دارای تحصیلات دیپلم هستند، تأثیر سیستم الکترونیکی بایگانی بر کاهش عوامل بروز فساد اداری را کم تر می دانند.

۷. با بررسی دیدگاه پاسخ دهندگان بر اساس سابقه ی کار که نتایج آن در جدول شماره ۹ نشان داده شده است، مشخص شد که تفاوت معنی داری بین میانگین نظرات پاسخ دهندگان با توجه به سابقه ی کار آن ها وجود ندارد. به عبارت دیگر هر ۵ گروه، تأثیر سیستم الکترونیکی ثبت اسناد و املاک، سیستم حسابداری الکترونیکی، سیستم الکترونیکی بایگانی و سیستم الکترونیکی رسیدگی به شکایات را بر کاهش عوامل بروز فساد اداری به یک میزان می دانند.

۸. با توجه به نتایج آزمون فریدمن، مواردی مانند تسهیل بازیابی اسناد و مدارک، افزایش پاسخگویی واحد بایگانی به استعلام های مربوطه و کاهش دسترسی افراد غیر مسئول به پرونده ها از طریق سیستم الکترونیکی بایگانی، کاهش دسترسی افراد غیر مسئول به مدارک حسابداری و افزایش کنترل بر فرایند حسابداری از طریق سیستم حسابداری الکترونیکی و همچنین افزایش دسترسی ارباب رجوع به اطلاعات مورد نیاز از طریق سیستم الکترونیکی ثبت اسناد و املاک، بیش ترین نقش را در کاهش عوامل بروز فساد اداری دارند. همچنین مواردی مانند ایجاد نگرش مثبت در ارباب رجوع نسبت به مؤثر بودن شکایات از طریق سیستم الکترونیکی رسیدگی به شکایات، کاهش ارتباط رودررو بین کارمندان و ارباب رجوع و کاهش تشریفات اداری از طریق سیستم الکترونیکی ثبت اسناد و املاک و افزایش پاسخگویی کارمندان حسابداری از طریق سیستم حسابداری الکترونیکی، کم ترین نقش را در کاهش عوامل بروز فساد اداری دارند. همچنین از بین چهار سیستم الکترونیکی ثبت اسناد و املاک، حسابداری، بایگانی و رسیدگی به شکایات، سیستم الکترونیکی بایگانی بیش ترین نقش و سیستم الکترونیکی رسیدگی به شکایات کم ترین نقش را در کاهش عوامل بروز فساد اداری دارند.

مقایسه‌ی نتایج تحقیق با نتایج سایر محققان

نتایج تحقیق نشان داد که فناوری اطلاعات و یا به عبارت بهتر سیستم‌های الکترونیکی اطلاعات در کاهش عوامل بروز فساد اداری مؤثر هستند که این نتایج با نتایج حاصل از تحقیق گیتی جهانبخش با عنوان بررسی رابطه‌ی بین استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات و کاهش فساد اداری در بانک رفاه، کلثوم عباسی شاهکوه و همکاران، اندرسن و سونگ چول کیم و همکاران سازگاری دارد؛ ولی نتایج این تحقیق با نتایج به دست آمده در مطالعه‌ی حسن دانایی فرد مغایرت دارد، وی نتیجه گرفته است که فناوری اطلاعات و ارتباطات نمی‌تواند منجر به فساد اداری شود که این امر به نظر می‌رسد می‌تواند به خاطر عواملی مانند طرح نظام‌های اطلاعاتی و تصمیم‌های مدیریتی و عوامل سازمانی و محیطی باشد که نیازمند به تحقیقات بیش‌تری است.

پیشنهادهای

با در نظر گرفتن نتایج تحقیق پیشنهادهای زیر ارائه می‌شوند:

۱. نتایج تحقیق نشان دهنده مؤثر بودن سیستم الکترونیکی ثبت اسناد و املاک در کاهش عوامل بروز فساد اداری است؛ از آن جایی که فرایند ثبت اسناد و املاک سازمان مورد بررسی جدیداً و نه به صورت کامل به صورت الکترونیکی درآمده است پیشنهاد می‌شود که سازمان مربوطه نسبت به تکمیل سیستم الکترونیکی ثبت اسناد و املاک خود اقدام کند و فرایندهای دستی، تا آن جا که امکان دارد به صورت الکترونیکی انجام شوند. یکی از دلایلی که ممکن است پاسخ دهندگان را نسبت به مؤثر نبودن سیستم الکترونیکی ثبت اسناد و املاک در جهت کاهش تشریفات اداری و کاهش ارتباط رو در رو بین کارمندان و ارباب رجوع بدبین کرده باشد، می‌تواند همین کامل نبودن سیستم الکترونیکی ثبت باشد.

۲. براساس نتایج به دست آمده از این تحقیق، نقش سیستم حسابداری الکترونیکی در کاهش عوامل بروز فساد اداری مورد تایید قرار گرفته است. لذا به سازمان مربوطه توصیه می‌شود که سیستم سنتی حسابداری را کنار گذاشته و به طور کامل از سیستم‌های الکترونیکی حسابداری مانند برنامه‌هایی که برای همین منظور طراحی شده‌اند، استفاده کنند تا زمینه‌ی فعالیت‌های فسادآمیز کاهش یابد.

۳. همان طور که نتایج نشان داد، الکترونیکی کردن واحد بایگانی باعث تسهیل بازایی اسناد و مدارک می‌شود. همچنین باعث افزایش کنترل بر فرایند بایگانی اسناد و پرونده‌ها و همین‌طور افزایش پاسخگویی به استعلام‌های مربوطه شده و دسترسی افراد غیر مسئول را به پرونده‌ها کاهش می‌دهد. به بیان دیگر، الکترونیکی کردن واحد بایگانی، منجر به کاهش عوامل بروز فساد اداری می‌شود.

بدر نظر گرفتن این مزایا، توصیه می‌شود که سازمان، واحد بایگانی خود را به صورت الکترونیکی درآورد و از نرم افزارهای بایگانی برای بایگانی اسناد و مدارک استفاده کند؛ این امر نه تنها منجر به کسب مزایای مذکور می‌شود، بلکه نگهداری حجم زیادی از اسناد و پرونده‌ها را تسهیل کرده و از هزینه‌ی آن می‌کاهد.

۴. یکی از منابع کسب اطلاعات در مورد سازمان و پی بردن به کاستی‌ها، ارباب رجوع است. هر سازمانی که بخواهد از این منبع استفاده لازم را ببرد، لازم است واحدی را برای کسب نظرات ارباب رجوع تشکیل دهد تا آن‌ها از طریق این واحد بتوانند پیشنهادهای خود را بیان کنند. نتایج تحقیق نشان دهنده نظرات موافق افراد در خصوص این مورد است. همچنین، اگر ارباب رجوع تخلفی در سازمان مشاهده کرد باید بتواند از طریق واحد مذکور و بدون هیچ گونه واهمه‌ای، آن را اطلاع دهد. با توجه به نتایج مشخص است که سیستم الکترونیکی رسیدگی به شکایات، بستر امنی برای طرح شکایات ایجاد می‌کند. همچنین باعث می‌شود به شکایات سریع‌تر رسیدگی شود و تمایل ارباب رجوع را به طرح شکایت افزایش می‌دهد. با توجه به این موارد، توصیه می‌شود که سازمان سیستمی را طراحی کند که ارباب رجوع بتواند به صورت الکترونیکی و بدون نیاز به مراجعه‌ی مستقیم به سازمان، شکایات خود را مطرح کند.

منابع و مأخذ

- باردان، پرتاب (۱۳۷۸). «فساد اداری و توسعه»، ترجمه‌ی جواد روانی رصاف، مجله‌ی برنامه و بودجه، سال چهارم، شماره‌ی ۴۲.
- توربن و دیگران (۱۳۸۸). فناوری اطلاعات برای مدیریت؛ دگرگون‌سازی اقتصاد دیجیتال، ترجمه‌ی اصغر صراف‌زاده، تهران، انتشارات ترمه.
- خضری، محمد (۱۳۸۷). «آسیب شناسی روش‌های مبارزه با فساد اداری در ایران»، مطالعات راهبردی، سال یازدهم، شماره چهارم.
- خلفخانی، مهدی (۱۳۸۹). «رویکرد اجتماعی در تدوین شاخص‌های اندازه‌گیری فساد اداری»، دانش ارزیابی، سال دوم، شماره سوم.
- دانایی فرد، حسن (۱۳۸۴). «استراتژی مبارزه با فساد: آیا فناوری اطلاعات فساد اداری را کاهش می‌دهد؟»، فصلنامه‌ی مدرس علوم انسانی، دوره‌ی نهم، شماره دوم.
- دهقان، سعید. «دولت الکترونیک و سلامت نظام اداری»، سازمان بازرسی کل کشور. قابل دسترس در سایت:

رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۶). سرطان اجتماعی فساد. تهران، شرکت سهامی انتشار.
 زرنندی، سعید؛ عابدی جعفری، عابد (۱۳۸۶). «شهرداری الکترونیک راهی برای کاهش فساد
 اداری، مطالعه ی موردی شهرداری الکترونیک سنول»، اولین کنفرانس بین المللی شهرداری
 الکترونیکی، ۲۴ و ۲۵ مهرماه ۱۳۸۶. قابل دسترس در سایت:

http://www.civilica.com/Paper-EMUN01-EMUN01_009.html

صادقی، حسین؛ صباغ کرمانی، مجید؛ شقاقی شهری، وحید (۱۳۸۷). «بررسی اثرات تمرکز
 زدایی مالی بر کنترل فساد»، تحقیقات اقتصادی، دوره ی ۴۳، شماره ی ۸۵.
 صالحی، جواد (۱۳۸۸). «فساد اداری، مفهوم، علل و آثار آن»، ماهنامه ی کانون، شماره ی ۱۰۲.
 عباس زادگان، محمد (۱۳۸۳). فساد اداری، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی، چاپ اول.
 عباسی شاهکوه، کلثوم؛ تقی، فاطمه؛ عبدالمهی، علی (۱۳۸۶). «نقش دولت الکترونیک
 در کاهش فساد اداری در ایران»، چهارمین کنفرانس بین المللی مدیریت فناوری اطلاعات و ارتباطات،
 ۲۹ و ۳۰ بهمن ماه ۱۳۸۶، قابل دسترس در سایت:

http://www.civilica.com/Paper-ICTM04-ICTM04_018.html

علیزاده ثانی، محسن؛ فانی، علی اصغر (۱۳۸۶). «تاثیر فساد اداری بر توسعه ی انسانی جوامع»،
 فصلنامه ی اخلاق در علوم و فناوری، سال دوم، شماره های ۱ و ۲.
 قلی پور، رحمت الله؛ نیک رفتار، طیبه (۱۳۸۵). «فساد اداری و راهکارهای مناسب برای مبارزه
 با آن»، مجلس و پژوهش، سال ۱۳، شماره ۵۳.

Alejandro Guerrero, M; Rodriguez-Oreggia, E (2008). «On the individual decisions to commit corruption: A methodological complement», Journal of Economic Behavior & Organization Vol. 65 (2008).

Barnebeck Andersen, T. (2009). «E-Government as an anti-corruption strategy», Information Economics and Policy, 21(2009).

Bertot, J.C; Jaeger, P.T; Grimes, J.M (2010). «Using ICTs to create a culture of transparency: E-government and social media as openness and anti-corruption tools for societies», Government Information Quarterly 27 (2010).

Bhuiyan, S.H. (2011). «Modernizing Bangladesh public adminis

tration through e-governance: Benefits and challenges», *Government Information Quarterly* 28 (2011).

Blackburna, K. et all (2006). «The incidence and persistence of corruption in economic development», *Journal of Economic Dynamics & Control*, 30 (2006).

Ciocchini, F. et all (2003). «Does corruption increase emerging market bond spreads?», *Journal of Economics and Business* 55(2003).

Csaki, C; Gelleri, Peter (2005).« Conditions and benefits of applying decision technological solutions as a tool to curb corruption within the procurement process: The case of Hungary», *Journal of Purchasing & Supply Management* 11 (2005).

Fisman, R; Gatti, R (2002). «Decentralization and corruption: evidence across countries». *Journal of Public Economics* 83(2002).

Gil-garcia, J.R.; Martinez-Moyano, I.J. (2007).«Understanding the evolution of e-government: The influence of systems of rules on public sector dynamics», *Government Information Quarterly* 24 (2007).

Heeks, R. (2001). «Understanding e-governance for development», i-government working paper series, paper No. 11. Manchester, Uk: IDPM, university of Manchester.

Kaufmann, D. (1997). «Economic Corruption: Some Facts» The 8th International Anti - Corruption Conference. Available at: <http://8iacc.org/papers/kaufmann>

Lizada, L.; Kocenda, E. (2001). «State of corruption in transition: case of theCzech Republic», *Emerging Markets Review* 2 (2001).

Sharifi, H.; Zarei, B. (2004). «An adaptive approach for implementing e-government in I.R. Iran», *Journal of Government Information* 30 (2004).

Sharifi, M.; Manian, A. (2010). «The study of the success indicators for pre-implementation activities of Iran's E-Government development projects», *Government Information Quarterly* 27 (2010).

Wu, Thomas. (2003). «Corruption in china: Effects on Economic Development and Remedial Policies», *Independent Studies*. The Hong Kong Polytechnic University. MGT682.

Yildiz, M. (2007). «E-government research: Reviewing the literature, limitations, and ways forward», *Government Information Quarterly* 24 (2007).

2010 corruption perception index. Available at: http://www.transparency.org/policy_research/surveys_indices/cpi/2010/results

2009 corruption perception index. Available at: http://www.transparency.org/policy_research/surveys_indices/cpi/2009/cpi_2009_table

2008 corruption perception index. Available at: http://www.transparency.org/news_room/in_focus/2008/cpi2008/cpi_2008_table

نظام پاسخگویی مطلوب در مدیریت دولتی با تأکید بر مدل حکمرانی خوب

وحید آرابی^۱

چکیده

پاسخگویی یکی از چالش‌هایی است که دولت‌ها با آن مواجه‌اند. دولت‌ها با بستن نسبت به سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات خود پاسخگو باشند. هر دولتی نیازمند یک سیستم پاسخگو است و لازمه مردم‌سالاری، داشتن یک سیستم پاسخگویی مناسب است. سازمان‌های دولتی توسط مردم و برای مردم ایجاد می‌شوند و می‌بایست در برابر آن‌ها پاسخگو باشند. در نظام سیاسی اسلام نیز با توجه به این که اختیارات دولت بر مبنای قانون الهی کسب می‌شود، دولت و دولتمردان باید بر مبنای قانون الهی برابر خدا و مردم پاسخگو باشند و نیز پاسخگو بودن در مقابل مردم نه تنها متعارض با پاسخگویی در مقابل خداوند نیست بلکه مکمل آن است. پاسخگویی در چارچوب الگوی حکمرانی خوب تضمینی است برای این که مدیریت دولتی با بیش‌ترین درجه ممکن از کارآیی، کارآمدی، تأثیرگذاری، تناسب، آینده‌نگری و تدبیر به سوی اهداف ملی پذیرفته شده حرکت کند.

واژگان کلیدی: پاسخگویی، حکمرانی خوب، دستگاه‌های اداری، مدیریت دولتی

مقدمه

نظام پاسخگویی که هم زمان با استقرار نظام های سیاسی مردم سالار ایجاد شده است، ریشه در فلسفه سیاسی دارد و مفهوم امروزی آن بر ارکانی نظیر پذیرش «حق دانستن حقایق» و «حق پاسخ خواهی» برای مردم استوار است. در جوامعی که دارای نظام های سیاسی مردم سالار هستند، مردم با انتخابات، قدرت قانونی خود را به نمایندگان خویش واگذار می نمایند لیکن حق داشتن حقایق و پاسخ دهی را برای خود محفوظ می دارند. در این جوامع، مقامات منتخب در قبال اعمالی که انجام می دهند، در برابر شهروندان مسئولیت پاسخگویی دارند و شهروندان نیز به عنوان صاحبان حق، حقایق را در مورد اعمال مسئولین و بر مبنای حقوق طبیعی دانستن و پاسخ خواهی به طور علنی و مستقیم یا از طریق نمایندگان قانونی خود، پیگیری و مطالبه می کنند. پاسخگویی یکی از سرمایه های اجتماعی و از شاخص های اصلی حکمرانی خوب است که وحدت را در سیستم های اجتماعی ایجاد و حفظ می نماید، ارزش های دموکراتیک را پرورش می دهد، شهروندان را به نهادهایی که نمایندگان آن ها هستند پیوند می دهد و از این طریق، مقبولیت و اثربخشی دولت دموکراتیک افزایش می یابد. هر دولتی نیازمند یک سیستم پاسخگو و شفاف است و لازمه دموکراسی، داشتن یک نظام پاسخگویی مطلوب است. سازمان های دولتی، به وسیله مردم و برای مردم ایجاد می شوند و می بایست در برابر آن ها پاسخگو باشند. برنامه توسعه سازمان ملل متحد، پاسخگویی را مطرح کردن اطلاعات و روند کار به شیوه ای باز و واضح می داند که به سهامداران اجازه می دهد تا اطلاعاتی که ممکن است برای آشکار ساختن سوء استفاده ها و دفاع از منافع خود مهم باشد را جمع آوری کنند. دسترسی آزاد به اطلاعات مرتبط، دقیق و کامل نقش مهمی در ارتقای پاسخگویی ایفا می کند. شهروندان با دسترسی به اطلاعات مربوطه در یک نظام پاسخگو می توانند از فعالیت ها و سوء تدبیرهایی که دولت انجام می دهد و آن ها با آن موافق نیستند، جلوگیری نمایند. اهمیت پاسخگویی تا آنجا است که در سیاست های کلی نظام اداری که در تاریخ ۱۳۸۹/۱/۳۱ از سوی مقام معظم رهبری (مدظله العالی) ابلاغ شده است و نمونه کاملی از حکمرانی خوب است به؛ الف) عدالت محوری، شفافیت و روز آمدی در تنظیم و تنقیح قوانین و مقررات اداری ب) شفاف سازی و آگاهی بخشی نسبت به حقوق و تکالیف متقابل مردم و نظام اداری با تأکید بر دسترسی آسان و ضابطه مند مردم به اطلاعات صحیح ج) قانون گرایی، اشاعه فرهنگ مسئولیت پذیری اداری و اجتماعی، پاسخگویی و تکریم ارباب رجوع و شهروندان

و اجتناب از برخورد سلیقه ای و فردی در کلیه فعالیت ها اشاره شده است. در این مقاله، ضمن تعریف و مروری بر مفاهیم و چارچوب نظری، به ویژگی های نظام پاسخگویی مطلوب در بستر حکمرانی خوب و رهنمودها و توصیه های سیاسی در این خصوص می پردازیم.

مفهوم شناسی (پاسخگویی، حکمرانی خوب، مدیریت دولتی)

دستیابی به نظام پاسخگویی مناسب از اهداف کلی اکثر اصلاحات بخش دولتی است. هر صاحب نظری به فراخور برداشت، تجربه و تحلیل خود، جنبه های مشخصی از آن را بررسی می نماید. نظام پاسخگویی اشاره به مسئولیت ها، نتایج و پیامدهای خاص آن دارد. «کات و ماری» پاسخگویی را اساس و ملاک اندازه گیری عملکرد، گزارش دهی و ارزیابی در سازمان های دولتی و غیرانتفاعی می دانند (Cutt & Murray, 2000). پاسخگویی عکس العمل به موقع نشان دادن نسبت به تغییرات در منافع و ارجحیت ها طی زمان و ضرورت تغییر در اهداف است که سبب اعتماد عمومی می گردد (الوانی و دانایی فرد، ۱۳۸۰). پاسخگویی نیروی پیش برنده ای است که بر بازیگران کلیدی فشار وارد می سازد تا در قبال عملکرد خود مسئول باشند و از «خوب بودن عملکرد» در بخش خدمات عمومی اطمینان حاصل کنند (هیوز، ۱۳۸۰: ۲۸۸). بنابراین، عمل مسئول ساختن فرد یا افرادی مشخص در قبال وظایف محوله و یا دلیل آوردن و دلیل خواستن برای کارهای انجام شده و وظایف انجام نشده را پاسخگویی می گویند.

مفهوم «حکمرانی خوب»^۱ اصولاً در منشور سازمان ملل متحد و حقوق بین الملل ایجاد شده و در سایه حمایت های سازمان ملل متحد پرورش یافته است. از نظر واژه شناسی، حکمرانی به واژه یونانی (Kubernan) به معنای هدایت یا اداره کردن بر می گردد که توسط افلاطون در ارتباط با نحوه طراحی نظام حکومتی مطرح شده است که شامل وضع قواعد برای اعمال قدرت و حل و فصل تعارضات در چارچوب آن قواعد است (Anne, 2004: 1-2). بانک جهانی به عنوان یکی از نهادهای بین المللی معتبر در گزارشی که در سال ۱۹۸۹ منتشر نموده است، برای اولین بار حکمرانی خوب را به عنوان ارایه خدمات عمومی کارآمد، نظام قضایی قابل اعتماد و نظام اداری پاسخگو تعریف نموده است (Stowe, 1992). سازمان ملل متحد حکمرانی را بدین صورت تعریف می کند: «حکمرانی مجموعه ای از اقدامات فردی و نهادی، عمومی و خصوصی برای برنامه ریزی و اداره مشترک امور است و فرایند مستمری از ایجاد تفاهم میان منافع متفاوت و متضاد است که در قالب اقدامات مشارکتی و سازگار حرکت می کند و

1Accountability

2 Good Governance

شامل نهادهای رسمی و تریبیت غیر رسمی و سرمایه اجتماعی شهروندان است» (UN-HABITAT, 2002: 5). برنامه توسعه سازمان ملل متحد حکمرانی را همان اعمال قدرت سیاسی، اقتصادی و اداری برای مدیریت امور کشور در کلیه سطوح می‌داند (UNDP, 1992). حکمرانی خوب بر اساس تعریف این نهاد شامل ساز و کارها، فرآیندها و نهادهایی است که به واسطه آن‌ها شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی منافع خود را دنبال، حقوق قانونی را اجرا، تفاوت‌ها را تعدیل می‌نمایند و تعهداتشان را برآورده می‌سازند. از این رو، حکمرانی خوب شامل مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها، پاسخگویی و شفافیت، حاکمیت قانون، مسئولیت‌پذیری دولت برای نهادهای ساز و کار مردم‌سالاری در جامعه می‌باشد. مدیریت از ریشه Manus به معنی «کنترل کردن و دستیابی به نتایج» است (هیوز، ۱۳۸۰) که فرایند بکارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی مورد قبول صورت می‌گیرد (رضائیان، ۱۳۸۳: ۷). به عبارت دیگر، مهارت‌ها و روش‌های مدیریتی مربوط به مدیریت سازمان‌های بخش عمومی و دولتی را مدیریت دولتی می‌نامند.

تعریف مذکور، مفاهیم کلیدی زیر را در بر دارد:

- مدیریت یک فرآیند است.
- مفهوم نهفته مدیریت، هدایت تشکیلات انسانی است.
- مدیریت مؤثر، تصمیم‌های مناسبی می‌گیرد و به نتایج مطلوبی دست می‌یابد.
- مدیریت کارا به تخصیص و مصرف مدبرانه می‌گویند.
- مدیریت بر فعالیت‌های هدفدار تمرکز دارد.

حکمرانی خوب؛ ویژگی‌ها، دیدگاه‌ها و ایدئولوژی‌های مربوط

در سال‌های اخیر، حکمرانی خوب تبدیل به موضوعی داغ در مدیریت دولتی شده است و این به واسطه نقش مهمی است که در تعیین سلامت اجتماع ایفا می‌کند. بدین جهت است که دبیرکل سابق سازمان ملل «کوفی عنان» ابراز می‌دارد: «حکمرانی خوب، احتمالاً مهم‌ترین عامل در ریشه کن کردن فقر و عامل رشد و توسعه است». از زمان زایش و استقلال رشته مدیریت دولتی از رشته‌های با پیشینه طولانی تر نظیر حقوق و علوم سیاسی، نظریه‌های مختلفی جهت نحوه مدیریت بخش دولتی و فراهم آوردن رفاه بیش تر برای شهروندان ارائه شده است که در چارچوب انگاره‌های زمان خود، به اظهار نظر و ارائه راه حل پرداخته‌اند. با فرارسیدن

دهه ۱۹۸۰، تفکرات سنتی به شکلی اساسی مورد تردید قرار گرفت و در دهه ۱۹۹۰، انگاره های کاملاً متفاوتی مطرح شد. از این رو، در حالی که در دهه ۱۹۷۰ بر اداره عمومی تأکید می شد، در دهه ۱۹۸۰ مدیریت دولتی و در دهه ۱۹۹۰ کارآفرینی یا دولت کارآفرین مورد توجه قرار گرفت. در کنار ارزش های کلاسیک نظیر کارایی، اثربخشی، بهره وری، پاسخگویی و مسئولیت پذیری، ارزش های مدیریت دولتی نوین مانند مشارکت کارکنان و شهروندان در مدیریت سازمان، گسترش دامنه انتخاب شهروندی، عدالت اجتماعی، پاسخگویی بوروکراتیک و توجه به اصول اخلاقی، عدم تمرکز و بوروکراسی زدایی و مسئولیت اداری نسبت به اثربخشی برنامه و توجه به زمینه های سرمایه اجتماعی و اعتماد نیز باید مورد توجه اساسی قرار گیرد (منوریان، ۱۳۷۹: ۱۰-۹). دگرگونی فوق تغییری همه جانبه در نقش مدیریت جامعه و رابطه بین دولت و شهروندان ایجاد کرده است که به صورت تغییر از دولتی بوروکرات و غیر کارآمد به دولتی کارآفرین و مشارکت جو می باشد. حکمرانی خوب در قالب مدیریت دولتی نوین، اشاره به نقش مشترک و تعریف شده سه بخش دولتی، خصوصی و جامعه مدنی دارد. بر این اساس، در خدمات عمومی نوین، به جای اینکه دولت به عنوان تسهیل کننده و محرک نیروهای بازار عمل کند (هدایت کردن)، به توانمندسازی شهروندان و ایجاد ارزش های مشترک میان آن ها می پردازد (خدمت کردن)؛ بر ایجاد ائتلافی از سازمان های دولتی، سازمان های خصوصی و نهادهای مدنی تأکید می ورزد؛ منافع عمومی از گفتمان پیرامون ارزش های مشترک حاصل می شود و مدیران دولتی خود را به طور چندجانبه در قبال قوانین اساسی و عادی، ارزش های اجتماعی، هنجارهای سیاسی، استانداردهای حرفه ای و حقوق شهروندی پاسخگو می دانند (وارث، ۱۳۸۰: ۷۶). به این ترتیب، دیدگاه نوظهور گرایبی که در دهه ۱۹۹۰ ظاهر شد، حکمرانی را پیشنهاد می دهد که به جای ساختارهای نهادی پر حجم، بر فرایندهای همکاری و مشارکت، نقش نهادهای غیردولتی از جمله ساختارهای شبکه ای غیررسمی که برخاسته از جامعه مدنی هستند و هم اندیشی و چاره جویی در مسایل با مشارکت تمامی کنشگران تأکید می نماید (Herschel, 2002:32).

حکمرانی خوب از دو ایدئولوژی سیاسی عمده نشأت گرفته است: دیدگاه نئولیبرالیسم که حداقل دخالت دولت و حداکثر دخالت سازمان بازار را تجویز می کند و دیدگاه سوسیال دموکراتی که در پی شناخت و بهره گیری از کارایی بازار در شرایطی است که بر استانداردهای عدالت اجتماعی و بهبود اقتصادی دراز مدت استوار است و به ایجاد زیرساخت های سیاسی و نهادی و توانمندی های اجتماعی توجه دارد. این دو ایدئولوژی متفاوت، در رابطه با مدیریت عمومی (به ویژه در سطح محلی) از اصطلاح حکمرانی با مفهوم و معنای متفاوت استفاده می کنند. معنای اول متضمن

در هم آمیختگی بخش خصوصی و عمومی در یک شراکت کم رنگ و سست است. در این دیدگاه نئولیبرالیستی، حاکمیت منطقه کلان شهری در پی جابه جایی تقابل بین منافع بخش خصوصی و عمومی با رقابت بین آن ها برای حل مسایل محلی با یک رویکرد تکنوکراتیک است. در این رویکرد هر آنچه را برای بنگاه های اقتصادی محلی خوب است، برای کل منطقه شهری هم خوب است.

دومین مفهوم ناظر بر حکمرانی که نهاد گرایانه تر است، آن را مجموعه پیچیده ای از تعامل نهادی و سازمانی در قبال مسایل گسترده فراروی سازگاری اجتماعی-اقتصادی در روند پیدایش سیستم جهانی-محلی می داند که بر ایجاد هماهنگی فراسوی مقیاس های جغرافیایی تأکید می نماید (Scott, 2001: 22-29).

همچنین دیوید هلد^۱ با برشمردن یازده نوع دموکراسی، معتقد است پایداری یک نظام سیاسی، مستلزم حمایت شهروندان است. در یک جامعه دموکراتیک حمایت تمامی شهروندان به تداوم آن کمک می کند و این تداوم جز از طریق قبول هنجارها، ارزش ها و اهداف آن نظام میسر نمی باشد. وی فهرستی از معیارهای حکومت مردم سالار را به شرح زیر ارائه می دهد که در راستای حکمرانی خوب است:

- مشارکت شهروندان در تصمیم گیری ها در مورد قوانین عمومی و مسائل سیاست های کلی.
- حاکمان وظیفه دارند که اعمال خود را برای شهروندان توجیه کنند، در چارچوب منافع شهروندان عمل نمایند و توسط مردم قابل عزل باشند.
- حاکمان باید در برابر نمایندگان مردم پاسخگو باشند.
- حاکمان باید توسط شهروندان یا نمایندگان مردم انتخاب شوند (هلد، ۱۳۶۹).

به طور کلی هلد، برابری شهروندان از جهت سیاسی و اقتصادی، مشارکت سیاسی شهروندان برای ایجاد شهروندانی آگاه و مسئول، آزادی بیان، آزادی تشکیلات سیاسی و مدنی، حق مساوی برای تکامل شهروندان و تأمین منافع آنان، ایجاد فرصت هایی برای شهروندان جهت بروز ظرفیت ها و استعداد های خود، دسترسی آزاد و همگانی به اطلاعات را برای ایجاد حکومت خوب و دمکراتیک ضروری می داند.

حکمرانی خوب را از یک جهت در چارچوب دولت رفاه هم می‌توانیم تحلیل کنیم. دولت رفاه^۱ دولتی است که نهادهای قدرت از طریق قانون، وظیفه تهیه و بهبود رفاه عمومی را وظیفه مقدم خود می‌شمارند. بدین ترتیب دولت یا از طریق تضمین یک حداقل درآمد ثابت (به عنوان مثال حقوق بیکاری، بیمه سالخوردگی) یا از طریق کمک‌های نقدی دیگر، در هنگام سوانح کاری، ناتوانی جسمی و روحی، بیماری، سالخوردگی و فشارهای اقتصادی و ناتوانی در امرار معاش موقعیت افراد را تضمین می‌کند (رحیق اغصان، ۱۳۸۴: ۴۰۳). در ادبیات موجود در زمینه دولت رفاه بر دو اصل اساسی به عنوان اصول کلیدی تأکید شده است نخست؛ تأمین خدمات رفاهی برای تضمین بقا در شرایط اقتصاد آزاد (سرمایه‌داری) و دوم؛ وجود دولت دموکراتیک. چنین دولتی وظیفه دارد برای همگان، امکانات پرستاری درمانی، بیمه بیماری و بیکاری، بازنشستگی، اعانه خانوادگی و مسکن و خدمات آموزشی و... را فراهم کند (آشوری، ۱۳۷۳: ۱۶۴). در واقع مطابق با ایده دولت رفاه، دولت علاوه بر برنامه‌ریزی و کنترل در زمینه بی‌نظمی‌ها و اغتشاشات داخلی و تجاوازت خارجی، تأمین امنیت و فعالیت‌های حمایتی و پلیسی، باید در جهت بهبود امنیت اقتصادی و گسترش تعلیم و تربیت و باز توزیع درآمد و بهبود رفاه مردم اقدام‌های لازم را انجام دهد.

مرکز سکونت‌گاه‌های انسانی (هابیتات) سازمان ملل متحد، حکمرانی خوب را دارای ویژگی‌های ذیل می‌داند:

مشارکت^۲: سنگ بنای اصلی حکمرانی خوب به شمار می‌رود، مشارکت مردم می‌تواند به صورت مستقیم و یا از طریق نهادهای مشروع واسط میان دولت و یا نمایندگان منتخبان باشد. البته باید دقت کرد که ایجاد دموکراسی الزاماً به معنای دخیل ساختن توقعات و انتظارات اقشار آسیب پذیر در اتخاذ سیاست هانیست بلکه مشارکت باید سازماندهی شده باشد و از طریق ابزارهای تعریف شده محقق گردد.

حاکمیت قانون^۳: حکمرانی خوب نیازمند چارچوب‌های قانونی بی‌طرفانه است که غیر مغرضانه اجرا شوند و توجه به حقوق شهروندی و در رأس آن حقوق اقشار ضعیف و اقلیت‌ها حفظ گردد. اجرای بی‌طرفانه قانون تنها با وجود سیستم قضایی مستقل و نیروی پلیس سالم انجام پذیر است.

1 Welfare State

2 Participation

3 Rule of Law

شفافیت^۱: شفافیت به معنای اتخاذ تصمیمات و اجرای آن‌ها مطابق قوانین و مقررات است. همچنین به معنای دسترسی آزاد مردم به اطلاعاتی است که می‌تواند بر زندگی آن‌ها تأثیر گذار باشد. در این راستا باید اطلاعات کافی تهیه گردد و به صورت قابل فهم در اختیار عموم قرار داده شود.

مسئولیت پذیری^۲: در حکمرانی خوب سازمان‌ها و نهادها باید در خدمت ذینفعان باشند و در قبال وظایف محوله مسئول باشند، هر مشکل یا بحران در سطح جامعه می‌بایست توسط سازمان بخش مربوطه مدیریت شود و هیچ معضلی وجود نداشته باشد که کسی خود را در قبال آن مسئول نداند. بی‌توجهی به مسئولیت‌ها و عدم پاسخگویی نسبت به وظایف محوله در دین اسلام نیز با توجه به حدیث «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت» پذیرفته شده نیست.

اجماع محوری^۳: در سطح جامعه کنشگران زیادی با نقطه نظرات مختلف حضور دارند. حکمرانی خوب می‌بایست منافع متفاوت گروه‌های گوناگون را با دستیابی به یک اجماع گسترده فراهم نماید. تصمیم‌گیری مبتنی بر اجماع فرایندی است که در آن قدرت شخصی و کنترل اطلاعات تابع بحث باز و صادقانه پیرامون موضوعات است. اجماع محوری نیازمند درک درستی از دورنمای بلند مدت توسعه انسانی پایدار و شیوه رسیدن به اهداف در این نوع از توسعه است.

تساوی حقوق و جامعیت^۴: رفاه و سلامت در یک جامعه زمانی به وجود می‌آید که تمام اعضای آن احساس کنند در جریان تحولات آن قرار دارند و به نوعی خود را عضو تأثیر گذار پندارند. این موضوع جز با ایجاد فرصت برای اقشار آسیب پذیر جهت بهبود وضعیت رفاه و آسایش خود میسر نمی‌گردد.

کارآیی و اثربخشی^۵: حکمرانی خوب به معنای آن است که فرایندها و نهادها در راستای نیاز جامعه عمل کنند و از منابع به بهترین نحو استفاده نمایند. مفهوم کارآیی در زمینه حکمرانی خوب در برگیرنده استفاده صحیح از منابع طبیعی در جهت توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست نیز هست و فقط به معنای فنی کارآیی نیست (UN-HABITAT, 2006).

1 Transparency

2 Responsiveness

3 Consensus oriented

4 Inclusiveness

5 Efficiency and Effectiveness

پاسخگویی^۱: پاسخگویی یک نیاز کلیدی برای حکمرانی خوب به شمار می‌رود. نه تنها نهادهای دولتی، بلکه بخش خصوصی و سازمان‌های غیرانتفاعی و غیردولتی نیز باید به عموم مردم و ذینفعان خود، پاسخگو باشند. اینکه پاسخگویی از طرف چه کسی و به چه فردی است بر حسب نوع تصمیمات و فعالیت‌های سازمان‌ها و افراد متغیر است. در حالت کلی هر سازمانی در قبال کسانی که به وسیله کارهای انجام شده توسط سازمان تأثیر می‌پذیرند، پاسخگو است. نکته مهم اینجا است که پاسخگویی تنها از طریق اعمال شفافیت و حاکمیت قانون اجرایی می‌شود.

حکمرانی خوب، فساد را از طریق افزایش آگاهی و تقویت قوانین ضدفساد کاهش می‌دهد. همچنین فساد، توانایی حکمرانی خوب را تحلیل برده و زمینه انحراف تصمیمات و اجرای سیاست‌ها را میسر می‌سازد. با توجه به موارد مذکور، در رویکرد حکمرانی خوب، تشکیلات دولتی باز حداقل خواهد بود لکن دولت باید به ایجاد تشکیلات سازمانی غیردولتی جامعه مدنی پرداخته و نهادهایی جهت ایجاد پاسخگویی دولت فراهم آورد.

ویژگی‌های نظام پاسخگویی در بستر حکمرانی خوب

مدیریت دولتی همچون سایر نهادها در دنیای معاصر در معرض دگرگونی‌ها و تحولات چشمگیری قرار گرفته است. تغییر و تحولات محیطی، ذهنی، فرهنگی و دانشی، مدیریت دولتی را در شرایطی قرار داده است که ادامه حیات آن جز با مدیریت صحیح این تحولات میسر نیست، مدیریتی که نیاز به تحول ذهن و اندیشه مدیران و تغییرات ساختاری در خود دارد تا بتواند بر چالش‌های پیش روی خود غلبه نماید یعنی یک مدیریت پویا و متکی بر اراده ملی جهت اصلاح ساختارها و فرآیندها از این رو، ابداعات خارق‌العاده تکنولوژیک به ویژه در بعد تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات، ایجاد سازمان‌های دانشی مبتنی بر تربیت کارکنان دانشی^۲، جهانی شدن، تنوع و نفوذ فرهنگی و کاهش اعتماد به نهادهای دولتی از مهم‌ترین چالش‌هایی است که مدیریت دولتی با آن‌ها روبرو است. بنابراین برای حفظ بقا باید استراتژی‌های مناسب در چارچوب حکمرانی خوب و مبتنی بر اصل پاسخگویی اتخاذ نمود. ضمن اینکه جایگزینی استراتژی شهروند محوری (الوانی، ۱۳۷۹) به عنوان یک بعد برون‌بورو کراسی به جای پرداختن صرف به مسایل درون‌بورو کراسی و ایجاد دیدگاه مشارکت جویانه به جای دیدگاه سلسله‌مراتبی در دنیای معاصر خود شاهدی بر مدعای ما مبنی بر ضرورت پاسخگویی است. اگر از مدیریت کلاسیک به سمت مدیریت روابط انسانی حرکت کنیم، اهمیت نیروی انسانی جلوه‌گر شده و در صورت

1 Accountability

2 Knowledge Worker

ادامه این حرکت، به طوری که به ترتیب به سمت مدیریت دولتی نوین (حکمرانی خوب) نزدیک شویم، چیزی که بیش تر از همه اهمیت آن نمایانگر است، عوامل محیطی و استراتژیک است و مهم ترین عوامل محیطی در بخش دولتی و خدماتی که علت وجودی سازمان ها را نیز تشکیل می دهد، همان مردم و ارباب رجوع است. در اصل، این مردم و صاحبان اصلی هستند که انجام کارهای خود را به سازمان های دولتی و دولت تفویض کرده اند. همان طور که «اون هیوز»^۱ اشاره دارد، رابطه دولت و شهروندان سیستم پاسخگویی را شکل می دهد که به موجب آن سازمان های دولتی وظایف مربوط را انجام می دهند و شهروندان اجازه می دهند که وظایف محوله انجام شوند مشروط بر اینکه وکیل از حد خود تجاوز نکند و پاسخگو باشد (هیوز، ۱۳۸۰: ۲۸۳).

بررسی اجمالی سیر تاریخی نظام سیاسی و اداری در جهان نشان می دهد که حاکمیت استبداد و دیکتاتوری، مجالی برای طرح مفاهیمی نظیر پاسخگویی عمومی فراهم نمی کرده است. در اواخر قرن نوزدهم، هم زمان با ظهور دولت های قانونی و سازمان ها به صورت امروزی، بحث پاسخگویی حکومت ها چهره ای دیگر گرفت (قلی پور و طهماسبی، ۱۳۸۵: ۱۱۹). در الگوی مدیریت دولتی سنتی، مدیران نقش دیوان سالارانه دارند و نگرش نسبت به مردم در مقام ارباب رجوع مطرح و سازو کارهای اجرایی به صورت دیوانسالارانه تعریف می شود. همچنین استخدام مادام العمر، مالکیت به صورت ملی و دولتی و همراه با حداکثر مداخله دولت و حداقل نقش بازار مطرح است. در این الگو، شخص حکمران از فرودستان حکومتی سئوال می کند و در بهترین حالت اگر با حکمران وارسته و عاقل سرو کار داشته باشیم، از دیگران خواهد خواست که بنا بر احکام عقل برای تأمین مصالح مردم بکوشند لکن وی پاسخگوی فکر و عمل و فرمان خویش نیست و لازمه اداره امور دولتی تفکیک صریح میان کسانی است که دستور می دهند و آن هایی که دستور را اجرا می کنند و در قبال نتایج آن مسئولیتی ندارند. با گذر از الگوی مدیریت سنتی نوعی نگرش نوین یا پارادایم جدید مدیریت دولتی از دهه ۱۹۸۰ به وجود می آید که به جای مدیریت حکومت به حکمرانی مدیریت می پردازد. بر این اساس، مدیران نقش کارآفرینی دارند و نگرش به مردم در مقام مشتری و سازو کارهای اجرایی به صورت سازو کارهای بازار تعریف می شود. دولت در جایگاه هدایت گر و ناظر عمل می کند. لذا پاسخگویی مستقیم در مقابل مشتریان وجود خواهد داشت و دولت به سمت دولت پاسخگو سیر خواهد کرد و به توانمندسازی شهروندان و خلق ارزش های مشترک میان آن ها می پردازد. پاسخگویی به صورت چندجانبه و در قبال رعایت قوانین اساسی و عادی، هنجارهای سیاسی، استانداردهای حرفه ای و احترام به حقوق

شهروندان است. آزادی عمل اداری ضروری، اما محدود و توأم با پاسخگویی است و همچنین مرجع پاسخگویی شهروندان است و ساختارهای سازمانی مبتنی بر همکاری و رهبری مشترک است و مبنای انگیزش مدیران دولتی آرزوی کمک به جامعه و خدمت به مردم است (Audit commis-sion, 2003:8).

پاسخگویی عمومی لازمه عملی کردن فرایند حکمرانی خوب محسوب می شود. این مفهوم پاسخگویی عمومی، تصویری از امانت داری، وظیفه شناسی، عدالت، شفافیت، تلاش برای بهبود و شایستگی اخلاقی مدیران دولتی را ارائه می کند و ارتقای آن مدیران دولتی را در برابر انتقادات مصون می سازد و جلوه‌هایی از دموکراسی را به نمایش می گذارد. ابعاد پاسخگویی مدیران دولتی شامل پاسخگویی سازمانی، سیاسی، اداری، قانونی و حرفه‌ای است و پاسخگویی سیاسی بر پیچیدگی پاسخگویی بخش عمومی در مقایسه با بخش خصوصی می افزاید. مدیران دولتی باید در پنج سطح راهبرد، برنامه (اثر بخشی)، عملکرد (کارایی و صرفه اقتصادی)، فرایند (برنامه ریزی، تخصیص و اداره امور) و التزام و مشروعیت (رعایت مقررات) پاسخگو باشند. تلاش جهت افزایش سطح پاسخگویی در جامعه از طریق افزایش اطلاعات در دسترس عموم و به تبع آن افزایش سطح پاسخ‌خواهی مردم، انتظارات برای بهبود خدمات بخش عمومی را افزایش داده و فشار ناشی از آن منجر به اصلاح بخش عمومی می شود.

از دیدگاه حکمرانی خوب، مدیران دولتی باید در زمینه‌های مختلفی پاسخگو باشند یعنی آن‌ها در برابر دیدگان دیگران قرار دارند. چشم‌های زیادی عملکرد مدیران دولتی را می بینند، مهم آن است که مدیران دولتی به چه کسی باید پاسخ دهند و پاسخ خواهان با چه معیاری در مورد عملکرد آن‌ها قضاوت می کنند. در یک سیستم مبتنی بر حکمرانی خوب و مردم سالاری، مدیران دولتی دست کم با پنج نوع پاسخ‌خواهی روبه رو هستند که در برابر هر کدام باید بر اساس هنجارها و انتظارات متفاوتی پاسخگو باشند. ابعاد پنج‌گانه پاسخگویی مدیران دولتی را می توان به شرح زیر بیان کرد:

پاسخگویی سازمانی: مهم‌ترین وجه پاسخگویی مدیران دولتی، پاسخگویی سازمانی است. مدیران ارشد سازمان‌ها گاهی اوقات به صورت رسمی نظیر بررسی گزارش عملکرد سالانه و در بیش تر موارد در جلسات غیررسمی روزانه از طرف مسئولان بالاتر خود مورد سؤال قرار می گیرند و باید در مورد تکالیف خود پاسخگو باشند. این نوع از پاسخگویی برای سلسله مراتب سازمانی تعریف پذیر است. البته این پاسخگویی عمومی نیست زیرا صورت حساب‌ها و بخش‌زایدی از اطلاعات در اختیار عموم قرار نمی گیرد.

پاسخگویی سیاسی: پاسخگویی سیاسی مدیران دولتی در نظام های پارلمانی از حقایق مهم زندگی آن ها است به عنوان مثال، وزرا در مجلس حاضر می شوند و به سئوالات نمایندگان پاسخ می دهند. شخصیت متغیر و ناشناخته نمایندگان مجلس این نوع پاسخگویی را برای مدیران دولتی بسیار سخت می کند همچنین مجلس می تواند عملکرد وزارتخانه ها و سازمان های دولتی را مورد تحقیق و تفحص قرار دهد.

پاسخگویی قانونی: مدیران دولتی را می توان برای پاسخگویی در برابر اعمال آن ها به دادگاه فراخواند. پاسخگویی قانونی آشکارترین نوع پاسخگویی است زیرا رسیدگی قانونی بر اساس استانداردها و موازین قانونی صورت می گیرد.

پاسخگویی اداری: حسابرسان، بازرسان و ذیحسابان بعد از دادگاه ها پاسخ خواهی شبه قانونی دارند و به صورت مستقل به نظارت بر مسایل مالی و عملیاتی (کارایی و اثربخشی) می پردازند. بنابراین مدیران دولتی باید در برابر این پاسخ خواهی که بر اساس معیارهای خاصی صورت می گیرد، پاسخگو باشند.

پاسخگویی حرفه ای: برخی از مدیران دولتی افراد حرفه ای و متخصص هستند و باید استانداردهای حرفه ای را رعایت کنند، آن ها ممکن است از طرف انجمن های حرفه ای در مورد رعایت استانداردهای حرفه ای مورد سؤال قرار گیرند و باید استانداردهای حرفه را رعایت کرده و پاسخگو باشند (بزرگی، ۱۳۸۴: ۴۱).

همچنین پاسخگویی مدیران دولتی ممکن است شامل سطوح زیر باشد:

الف) پاسخگویی راهبرد: مدیران دولتی باید در برابر سیاست هایی که برگزیده اند، پاسخگو باشند. ب) پاسخگویی برنامه: مدیران دولتی باید درباره اجرای برنامه ها و میزان دستیابی به اهداف برنامه ها (اثربخشی) پاسخگو باشند.

ج) پاسخگویی عملکرد: مدیران دولتی باید درباره چگونگی اجرای برنامه ها (کارایی و صرفه اقتصادی) پاسخگو باشند.

پ) پاسخگویی فرایند: مدیران دولتی باید درباره فرایندهای کاری، روش های اجرایی و معیارهای اندازه گیری برای اجرای وظایف تعیین شده (برنامه ریزی، تخصیص و اداره امور) پاسخگو باشند.

ت) پاسخگویی التزام و مشروعیت: مدیران دولتی باید درباره مصرف وجوه طبق بودجه

مصوب و یا ارقام مصوب (رعایت مقررات) پاسخگو باشند (کردستانی، ۱۳۸۶: ۲۱-۲۰). از این رو در یک نظام مبتنی بر حکمرانی خوب فرض بر آن است که کلیه اقدامات دولت، در نهایت همان اقدامات شهروندان است که از طریق نمایندگان آن‌ها انجام می‌شود و لازمه تأمین منافع عمومی، طراحی دقیق یک ساختار پاسخگو است تا به این ترتیب شهروندان اطمینان حاصل کنند که نهایت تلاش از طرف کسانی به عمل آمده است که به نام آن‌ها اقدام می‌کنند.

در نظام سیاسی اسلام هم با توجه به اینکه اختیارات دولت بر مبنای قانون الهی کسب می‌شود، دولت باید بر مبنای قانون الهی برابر خدا و مردم مسئول و پاسخگو باشند و نیز پاسخگو بودن در مقابل مردم نه تنها متعارض با پاسخگویی در مقابل خداوند نیست بلکه مکمل آن است. از این رو، دین مبین اسلام که حکومت را امانتی در دست حاکمان و کارگزاران حکومت می‌داند، نظارت بر چگونگی استفاده و نگهداری از این امانت و ضرورت پاسخگویی در قبال این امانت را از ضروریات مبانی سیاسی اسلام به شمار می‌آورد. در اسلام، حکومت برای مردم و در راستای احقاق حقوق مردم است و مفهومی جز مدیریت، محبت، مشارکت، هدایت و خدمت ندارد. خداوند در قرآن کریم، کارگزاران حکومت اسلامی را چنین توصیف می‌کند: «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّا هُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (حج، ۴۱)؛ «یاران خدا کسانی هستند که هرگاه در زمین به آن‌ها قدرت بخشیدیم، نماز را به پی‌امی دارند و زکات را ادا می‌کنند و امر به معروف و نهی از منکر می‌نمایند و پایان همه کارها از آن خداست». امام علی (ع) در باب ضرورت پاسخگویی؛ به مالک اشتر می‌فرماید: «به کسانی که به تو نیاز دارند، زمانی معین کن که در آن فارغ از هر کاری به آنان بپردازی. برای خدایی که آفریدگار توست، در برابرشان فروتنی نمای و بفرمای تا سپاهیان و یاران و نگهبانان و پاسبانان به یک سو شوند تا سخنگوییشان بی‌هراس و بی‌لکنت زبان سخن خویش بگویند که من از رسول الله (ص) بارها شنیدم که می‌گفت: پاک و آراسته نیست امتی که در آن امت، زیر دست نتواند بدون لکنت زبان حق خود را از قوی دست بستاند» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). نامه حضرت علی علیه السلام به «اشعث بن قیس» در تبیین دیدگاه اسلام راجع به حکومت و پاسخگو بودن دولت در خور توجه است: «وَأَنْ عَمَلِكُمْ لَيْسَ لَكُمْ بَطْعَمَةٌ وَلَكِنَّهُ فِي عُنُقِكُمْ أَمَانَةٌ وَأَنْتُمْ مَسْتَرَعُونَ لِمَنْ فَوْقَكُمْ لَيْسَ لَكُمْ أَنْ تَقْتَاتَ فِي رِعْيَةٍ وَلَا تَخَاطِرَ إِلَّا بَوَاقِيَةً وَفِي يَدَيْكُمْ مَالٌ مِنْ مَالِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَانْتُمْ مِنْ خَزَائِنِهِ حَتَّى تَسَلِّمَهُ إِلَيْنَا وَلَعَلَّيْنَا أَنْ لَا أَكُونَ شَرُّؤُنَا لَكُمْ وَالسَّلَامُ»؛ (نهج البلاغه، نامه ۵) «همانا کاری که به عهده توست، طعمه‌ای برایت نیست، بلکه امانتی است بر گردنت؛ و آنکه تو را بدان کار گمارده، نگهبانی امانت را به عهده‌ات گذارده و تو پاسخگوی آنی نسبت

به آنکه فرادست توسل و این حق برای تو نیست که در میان مردمان به استبداد و خودرایی عمل کنی و به کاری دشوار جز با دستاویز محکم در آیی و در دست تو مالی از خداوند عزوجل است، و تو آن را خزانه داری تا آن را به من بسپاری، امیدوارم برای تو بدترین و الیان نباشم». در این نامه، امام علی (ع) مفهوم درست حکومت را به اشعث بن قیس و دیگران می آموزد و آن اینکه زمامداران و کارگزاران در حیطه عمل خود پاسخگو هستند یعنی حکومت مسئولیت پذیری است نه سلطه گری. همچنین آن حضرت تکلیف اموال و امکانات را نیز روشن می کند تا مورد حیف و میل قرار نگیرد و زمامداران باید بدانند که اموال و دارایی ها در اصل از آن خدا است که به طور امانت در اختیار همه مردمان، نه گروهی، نهاده است تا در راه رفاه و آسایش همگانی و به گونه ای خردمندانه و با تدبیری درست استفاده شود. پس خزانه داران، و کیلان مردم هستند و حاکمیت مطلقه ندارند. در این نامه حکمت آموز، پاسخگویی دولت اسلامی در تمامی جنبه های آن مطرح است. مهم تر آنکه، امام (ع) اجازه انتقاد از خود و پاسخگو بودن خود را در هر شرایطی چنین ابراز می دارد: «فلا تثنوا علیّ بجمل ثناء لاخراجی نفسی الی الله سبحانه و الیکم من التقیه فی حقوق لم افرغ من ادائها و فرائض لا بدمن امضائها فلا تکلمونی بما تکلم به الجبارة و لا تحفظوا منی بما یتحفظ به عند اهل البادرة و لا تخالطونی بالمصانعة و لا تظنوا بی استقالاً فی حق قیل لی و لا التماس اعظام لنفسی فانه من استقل الحق أن یقال له او العدل یرض علیه کان العمل بهما اثقل علیه» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶، فراز ۲۲). «من از شما می خواهم که مرا با سخنان زیبای خود ستایش نکنید تا از عهده و وظایفی که نسبت به خدا و شما دارم برآیم و حقوقی که مانده است بپردازم. واجباتی که بر عهده من است و باید انجام گیرد، ادا کنم. پس با زبانی که با گردنکشان سخن می گویند، با من سخن مگویید و چنانکه از حاکمان تندخو کناره می جویند، از من کناره مجوید و برایم ظاهر سازی و خودنمایی نکنید. گمان مبرید که اگر حرف حقی بگویید بر من گران آید و خیال نکنید که من می خواهم که بزرگم شمارید؛ چه آن کسی که شنیدن سخن حق و یا نمایاندن عدل بر او سنگین آید، اجرای حق و عدل بر وی سنگین تر می نماید». از دیدگاه حضرت علی (ع) در یک نظام سیاسی مطلوب و پاسخگو، رهبران استیضاح از خود را قانونی دانسته و هر لحظه برای پاسخگویی به مردم حتی در مورد کوچک ترین مسایل آماده اند. اگر مردم کوچک ترین بدگمانی نسبت به حاکمان و انجام وظیفه آنان داشته اند، حاکمان باید با پیش قدمی میان مردم حاضر شوند و به شبهات موجود پاسخ دهند و مسایل را روشن کنند. از این رو، در دین مبین اسلام در حوزه اقتصاد، سیاست،

فرهنگ و اجتماع که مصداق کاملی از حکمرانی خوب به شمار می رود، مسئولان در برابر مردم مکلف به حسن اجرای امور هستند و باید پاسخگو باشند. با توجه به مطالب مذکور، توجه به نظام پاسخگویی مطلوب در چارچوب حکمرانی خوب برای کارآمدسازی دولت در امور اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی از اهمیت بسزایی برخوردار است لذا:

- از آنجایی که افراد دارای نقش در یک جامعه به نحوی دارای مسئولیت هستند، پس هم می توانند پرسشگر باشند و هم پاسخگو از این رو، طراحی یک سیستم عادلانه و کارآمد پرسش و پاسخ برای جمع آوری، ثبت و هدایت پرسش های افراد به معجری صحیح آن و طراحی یک مکانیسم صحیح برای رسیدگی به پیشنهادها، پرسش ها و شکایات و پاسخگویی به آن ها برای تضمین نظم اجتماعی و کاهش هرج و مرج و فساد ضروری به نظر می رسد.

- جهت جلوگیری از به هدر رفتن منابع نیروی انسانی متخصص و در راستای عقلانی نمودن کارها وجود یک چنین سیستمی ضروری است.

- تنوع و تشتت پرسش ها و شکایات و نظرهای ارباب رجوع، یک نظام مبتنی بر متخصص و خبره برای پاسخگویی می طلبد.

- پاسخگویی مبنای رشد و پیشرفت است و نشانه توسعه و تکامل، داشتن یک سیستم پاسخگویی مناسب است.

- جهت تقویت رابطه دولت و شهروندان و احقاق حقوق شهروندان و ایجاد فرهنگ مشتری مداری در ارائه خدمات توسط سازمان های دولتی و عمل کردن بر مبنای خواسته ها و تقاضاهای مردم، فرهنگ پاسخگویی باید حاکم گردد.

رهنمودها و توصیه های سیاستی جهت نظام پاسخگویی مطلوب

پاسخگویی زمانی که مسئولیتی واگذار شده و اختیار تفویض می گردد، الزامی است. پاسخگویی تعهدی است برای جواب دادن به اجرای مسئولیت هایی که به یک شخص واگذار شده است. مسئولیت با واژه نتایج مورد انتظار تشریح می شود. سازمان ها اختیار را تفویض می نمایند که به نتایج مورد انتظار همراه با محدودیت هایی برسند که برای آن ها وجود دارند. در یک محیط کنترل شده و آمرانه، تصمیمات در سطوح بالای سازمان اتخاذ می شوند ولی در محیطی که اختیار تفویض شده و توانمندسازی مورد تأکید است، وزیران مسئولیت ها را تفویض می کنند و

کنترل مستقیم کم تری دارند. این امر باعث می شود که وزیران به طور بالقوه کم تر مطمئن باشند که مسئولیت های آن ها اجرا و اهدافشان محقق می گردد. بنابراین، زمانی که کنترل مرکزی کاهش یافته یا از بین رفته باشد، چارچوب پاسخگویی مؤثر مورد نیاز است.

ویژگی های اصلی اطلاعات پاسخگویی در چارچوب حکمرانی خوب عبارتند از: قابل درک بودن، مرتبط بودن، پایایی و قابل مقایسه بودن و همچنین هزینه فراهم کردن اطلاعات پاسخگویی نبایستی از منفعت موردنظر بیش تر باشد. این اطلاعات باید دارای ویژگی های زیر باشد:

قابل درک بودن: اطلاعات باید به نحوی فراهم شوند که کاربران بتوانند این اطلاعات را بفهمند و به درک مناسبی از عملکرد یک سازمان دست یابند. تشریح استفاده مناسب از اطلاعات، چگونگی ترکیب این اطلاعات و نفوذ غیر قابل کنترل عواملی هستند که در درک اطلاعات دخیل اند.

مرتبط بودن: اطلاعات ارایه شده برای ارزیابی ها و تصمیماتی که اتخاذ می شود، اهمیت دارد. مرتبط بودن یعنی اینکه اطلاعات به هنگام است.

پایایی: اطلاعات باید به دور از خطای ابزاری، بدون جهت گیری و قابل تصدیق باشد. کاربر باید یقین کند که این اطلاعات همان چیزی است که آن ها خواهان آن هستند و یا اینکه این اطلاعات می توانند با دلیل و به صورت قابل قبولی ارایه گردد.

قابل مقایسه بودن: استفاده کنندگان از این اطلاعات قادر هستند اطلاعات را از یک سال به سال دیگر یا میان سازمان های مشابه به هم مقایسه کنند.

سودمندی هزینه: فراهم کردن اطلاعات هزینه ای دارد، هزینه به دست آوردن اطلاعات نباید بیش از منافع آن باشد، تجزیه و تحلیل منافع نبایستی محدود به منافع یک سازمان باشد و همچنین باید دربرگیرنده منافع قابل لمس توسط استفاده کنندگان اصلی اطلاعات باشد. همه گزارش های پاسخگویی بایستی اطلاعاتی درباره برون داده ها ارایه کنند. نتایج موردانتظار باید به صورت شفاف و قابل اندازه گیری بیان شوند (رشیدپور و رحیمی کیا، ۱۳۸۴). گزارش های پاسخگویی باید ارتباطی بین هزینه های سیاستگذاری و اطلاعات مربوط به تأثیرات سیاست ها برقرار سازد. گزارش پاسخگویی یک وزارتخانه بایستی همه سازمان هایی که زیرمجموعه وزارتخانه بوده و باید به وزیر پاسخگو باشند را شامل شود. هر سازمان و مجموعه پاسخگو به وزیر، بایستی گزارش های عملکردی و برنامه ای (شامل بودجه ها) مهیا کند. برنامه ها بایستی توسط کسانی تهیه شود که

مسئولیت‌ها به آن‌ها واگذار شده است. همچنین، گزارش‌های عملکردی (نظیر بیانیه‌های مالی، گزارش‌های سالانه) بایستی نتایج واقعی را با نتایج برنامه‌ریزی شده مقایسه کنند.

از این رو، جهت ایجاد نظام پاسخگویی مطلوب در چارچوب مدل حکمرانی خوب، توجه به ابعاد سیاستی ذیل ضروری به نظر می‌رسد:

۱- بعد اداری- مدیریتی: عبارت است از ایجاد اصلاحات نهادی در سیستم‌ها، روش‌ها، فرایندها، قوانین و مقررات و تشکیلات جهت توسعه کیفی مدیریت و نیروی انسانی دولت بر اساس معیارهای استاندارد جهانی و تسهیل در امر اطلاع‌رسانی و مبارزه با فساد اداری با استفاده از راهبردهای ذیل:

- اجرای سیاست بهینه‌سازی اندازه دولت و منطقی نمودن آن جهت کاهش حجم دولت؛
- برابری امکان بهره‌مندی تمام شهروندان از استخدام‌های دولتی (شفاف نمودن استخدام‌ها) و اطلاعات و تصمیمات نظام اداری؛

- ایجاد شفافیت در قوانین و مقررات اداری و دسترسی عموم مردم به آن‌ها؛

- طراحی نظام پاسخگویی به شکایات ارباب رجوع در نظام اداری برای تقویت ارتباط ملت با دولت و ارتقا و حفظ کرامت مردم در نظام اداری و کشف نقاط قوت و ضعف دولت؛

- ایجاد عنصر رقابت بین سازمان‌های دولتی جهت ارتقای کیفیت کاری آنان؛

- ایجاد شفافیت در نقش‌ها و مسئولیت‌ها جهت تسهیل در امر پاسخگویی و تعیین مرجع پاسخگو؛

- ساماندهی و یکپارچگی و تقویت نهادهای نظارتی و بازرسی؛

۲- بعد اقتصادی: عبارت است از اطلاع‌رسانی حقیقی و همه‌جانبه و روشن بودن سازوکارهای حاکم بر روابط اقتصادی یعنی چگونگی تولید و توزیع ثروت با استفاده از راهبردهای ذیل:

- بودجه بندی و تهیه بودجه باز و شفاف و تعیین کسری یا مازاد بودجه؛

- ایجاد اقتصاد غیردولتی و رهاسازی اقتصاد از حیطه دولت و خصوصی‌سازی (مدیریت و نظارت به جای تصدی‌گری)؛

- اجرای سیاست‌های اصلاح اقتصادی در زمینه اشتغال، واردات و صادرات و اصلاح سیاست‌های

پولی و ارزی؛

- بهبود و توسعه اقتصادی کشور به همراه اصلاح قوانین مربوط به اقتصاد و توسعه امنیت و ثبات اقتصادی؛
- مبارزه با فساد اقتصادی و نظام طبقاتی و رانت خواری از طریق شفاف سازی و اطلاع رسانی در راستای توسعه عدالت اجتماعی؛
- شفاف سازی در معاملات دولتی (اعم از داخلی و خارجی) و امکان دسترسی عموم مردم به اطلاعات و تصمیمات اقتصادی دولت؛
- ۳- بعد سیاسی - مدنی: عبارت است از آشکار بودن مبنای تصمیمات سیاسی و قضایی و سازوکارهای حاکم بر توزیع قدرت از طریق اجرای راهبردهای ذیل:
 - ایجاد احزاب مستقل و ترویج رقابت سالم بین آن ها برای تقویت بعد مردم سالاری نظام؛
 - ایجاد و تقویت اطلاع رسانی جمعی به وسیله رسانه ها و مطبوعات آزاد و مستقل برای نقد و اصلاح صاحب منصبان و آزاد سازی جریان اطلاعات؛
 - نهادینه کردن مردم سالاری از طریق بهبود فرآیندهای دموکراتیک نظیر انتخابات در راستای تقویت مردم سالاری دینی؛
 - نهادینه کردن مشارکت مردمی در امر نظارت بر دولت، دستگاه ها و سازمان های آن به ویژه در زمینه مبارزه با فساد؛
 - ایجاد شفافیت در قوانین مربوط به قضا و تصمیم گیری ها و محاکمه ها و پرهیز از هرگونه سیاسی کاری و رودربایستی و حفظ اقتدار و استقلال در مبارزه با فساد؛
 - تقویت وفاداری و اعتماد عمومی به نظام با رفع ابهامات و مشکلات و احقاق حقوق شهروندان (سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۸۱ و مؤسسه مطالعاتی مهر فرهنگ، ۱۳۷۸).
- ۴- بعد فرهنگی - اجتماعی: عبارتست از آشکار بودن مبنای تصمیمات متصدیان فرهنگیان کشور و سازوکارهای حاکم بر فرهنگ سازی در جامعه برای حفظ و تقویت فرهنگ ایرانی - اسلامی حاکم بر جامعه (حبیبی، ۱۳۸۵: ۱۲) از طریق اجرای راهبردهای ذیل:
 - سازماندهی و ایجاد انسجام ملی بین مراکز فرهنگی کشور؛
 - ترویج فرهنگ پاسخگویی و مسئولیت پذیری در جامعه از بالا به پایین و برعکس؛
 - ایجاد فرهنگ صحیح ابراز شکایت در مقابل ضعف ها و انتقال آن به مسئولین؛

- ترویج فرهنگ بازرسی و نظارت و فرهنگ خود ارزیابی و خود کنترلی (نظارت بر خویشتن)؛
- ایجاد فرهنگ عدم تحمل فساد و رشوه و مبارزه با آن (ایجاد یک حرکت و اراده ملی در مبارزه با فساد)؛

- ایجاد فرهنگ مسئولیت خواهی و نقادی و انتقادپذیری و احیای ارزش های اخلاقی؛
- افزایش آگاهی های عمومی مردم و کارکنان دولت در مورد مبارزه با فساد با استفاده از روش های آموزشی و بهره گیری از رسانه ها و مطبوعات و امکانات بین المللی (سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۸۱ و مؤسسه مطالعاتی مهر فرهنگ، ۱۳۷۸).

نتیجه گیری

هر دولتی نیازمند یک سیستم پاسخگو و شفاف است و لازمه مردم سالاری، داشتن یک نظام پاسخگویی مطلوب است. سازمان های دولتی، به وسیله مردم و برای مردم ایجاد می شوند و می بایست در برابر آن ها پاسخگو باشند. لذا، جهت تقویت رابطه دولت و شهروندان و احقاق حقوق شهروندان و ایجاد فرهنگ مشتری مداری در ارائه خدمات توسط سازمان های دولتی و عمل کردن بر مبنای خواسته ها و تقاضاهای مردم، فرهنگ پاسخگویی باید حاکم گردد. پاسخگویی در چارچوب الگوی حکمرانی خوب تضمینی است برای این که مدیریت دولتی با بیش ترین درجه ممکن از کارایی، کارآمدی، تأثیرگذاری، تناسب، آینده نگرایی و تدبیر به سوی اهداف ملی پذیرفته شده حرکت کند. از این رو، جهت رسیدن به نظام پاسخگویی مطلوب در مدیریت بخش دولتی، می بایست آن را در قالب الگوی حکمرانی خوب مورد مذاقه قرار داد و ضمن توجه به ویژگی های اطلاعات پاسخگویی (نظیر قابل درک بودن، مرتبط بودن، پایایی، قابل مقایسه بودن و سودمندی هزینه)، مؤلفه های ابعاد مختلف اداری- مدیریتی، اقتصادی، سیاسی- مدنی و فرهنگی- اجتماعی پیش گفته را شناسایی و سیاستگذاری های لازم را اتخاذ نمود.

منابع

- آشوری، داریوش (۱۳۷۳). «دانشنامه سیاسی»، تهران، مروارید.
الوانی، سید مهدی (۱۳۷۹). «افق های نو در مدیریت دولتی»، مدیریت دولتی، شماره ۵۰.

- بزرگی، فرزاد (۱۳۸۳). «اهداف فردی سازمانی و اجتماعی»، ماهنامه تدبیر، شماره ۱۴۴.
- حیبی، سید ابوالفضل (۱۳۸۵). «راهکارهای بهبود نظام پاسخگویی در ایران»، روزنامه ایران، شماره ۳۵۳۹، ۱۳ دی.
- رحیق اغصان، علی (۱۳۸۴). «دانشنامه در علم سیاست»، تهران، فرهنگ صبا.
- رشیدپور، علی و رحیمی کیا، امین (۱۳۸۴). «پاسخگویی و دولت پاسخگو»، ماهنامه تدبیر، شماره ۱۶۰.
- رضائیان، علی (۱۳۸۳). «اصول مدیریت»، انتشارات سمت.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور ۱۳۸۱. «نگاهی به شفافیت و پاسخگویی در نظام اداری» کردستانی، غلامرضا (۱۳۸۶). «پاسخگویی در بخش عمومی و اطلاعات حسابداری»، سال نهم، شماره ۳۹.
- مؤسسه مطالعاتی مهر فرهنگ ۱۳۷۸. «طرح ملی مطالعاتی طراحی و تدوین نظام پاسخگویی دولت در مقابل شهروندان و احقاق حقوق ارباب رجوع».
- منوریان، عباس (۱۳۷۹). «از دولت خوب تا حکومتمداری خوب»، فصلنامه مدیریت دولتی، شماره ۴۸ و ۴۹.
- هلد، دیوید (۱۳۶۹). «مدل های دمکراسی»، ترجمه عباس مخبر، تهران، روشنگران و مطالعات زنان.
- هیوز، آون (۱۳۸۰). «مدیریت دولتی نوین»، ترجمه سید مهدی الوانی، سهراب خلیلی شورینی و غلامرضا معمارزاده، انتشارات مروارید.
- وارث، سید حامد (۱۳۸۰). «نگرش فرایارادایمی به مدیریت دولتی»، دانش مدیریت، شماره ۵۵.

Cutt J. and Murray V 2000. «Accountability and effectiveness evaluation in Non-profit organization», London: Rout Ledge

Herschel, Newman, 2002. «Governance of Europe's city regions», London, Routledge.

Scott, Allen, (Ed), 2001. «Global city regions, trends, theory, policy», oxford university press.

The Audit commission, 2003. «corporate Governance: improvement and trust in local public services», London.

UNHABITAT, 2006. «the urban governance index: a tool of the quality of urban governance», Beirut.

مالیات و رشد اقتصادی:

مطالعه موردی در کشورهای ایران، OPEC و OECD با استفاده از الگوی های هم جمعی و VAR-Panel

ایوب فرامرزی^۱

حجت حسین زاده^۲

رخساره محمود زاده^۳

چکیده

این تحقیق به بررسی رابطه بین مالیات و رشد اقتصادی در ایران، کشورهای منتخب OECD و OPEC می پردازد. نتایج نشان می دهد؛ در ایران طی سال های ۸۹-۱۳۴۲ هیچ رابطه تعادلی بلند مدت بین مالیات و رشد اقتصادی وجود نداشت. می توان یکی از عمده ترین دلایل این امر را اتکای بیش از حد به درآمدهای نفتی و مشکلات ساختار نظام مالیاتی کشور دانست. همچنین در ۲۶ کشور عضو OECD طی دوره ۲۰۱۱-۱۹۹۸ رابطه تعادلی بلند مدت و رابطه ای علی بین مالیات و رشد اقتصادی وجود داشت. مالیات در این کشورها تأثیر منفی بر رشد اقتصادی داشته است. اما بررسی در کشورهای منتخب اوپک طی سال های ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۱ با استفاده از آزمون های هم جمعی پدرونی و کاتو نشان می دهد؛ هیچ رابطه تعادلی بلند مدت و هم جمعی بین مالیات و رشد اقتصادی نبوده و مالیات تأثیری بر رشد اقتصادی این کشورها نداشته است که این نیز نشان دهنده اتکای این کشورها به درآمدهای نفتی می باشد.

واژگان کلیدی: مالیات، رشد اقتصادی، آزمون علی گرنجر، ایران، کشورهای OECD

۱. کارشناس دفتر شاخص های قیمت مرکز آمار ایران و دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه اصفهان

۲. کارشناس ارشد علوم اقتصادی دانشگاه اصفهان و کارشناس سیاسی و قضایی اداره کل بازرسی استان آذربایجان شرقی

۳. کارشناس ارشد ریاضی محض دانشگاه پیام نور تبریز

مقدمه

در هر نظام اقتصادی، مالیات یکی از مهم ترین ارکان آن نظام محسوب می شود، گسترش و تنوع فعالیت های اقتصادی از یک سو و نقش روبه افزایش دولت ها از سوی دیگر، در جهت ایجاد و گسترش خدمات عمومی، تأمین اجتماعی و گسترش تعهدات دولت در عرصه های اقتصادی و اجتماعی و تلاش در جهت تحقق رشد اقتصادی و توزیع عادلانه درآمد، پرداخت و دریافت مالیات را به مسأله مهم و تأثیر گذار تبدیل کرده است.

دولت ها با استفاده از این ابزار، توانایی تأمین بخش قابل توجهی از هزینه های مختلف خود را به دست آورده و متناسب با حجم مالیات ستانی قادر خواهند بود که منبع در اختیار را بر اساس اولویت های مورد نظر تخصیص دهند. همین طور بر نامه ریزان اقتصادی بر مبنای درآمدهای قابل کسب (از طریق به کارگیری این ابزار) می توانند ارزیابی مؤثری نسبت به سطح قابل تصور منابع مورد نیاز برای سرمایه گذاری آینده به عمل آورند.

در ایران واقعیت های آماری نشان می دهد که طی ۴۰ سال گذشته درآمدهای مالیاتی، کم تر از ۳۰ درصد کل درآمدهای دولت را تشکیل داده است و هنوز هم در سطحی نیست که بتواند دست کم نیمی از هزینه های جاری دولت را پوشش دهد (نماگرهای اقتصادی، بانک مرکزی ایران). این درآمد در مقایسه با درآمد مالیاتی سایر کشورهای در حال توسعه سهم ناچیزی از درآمد ملی را تشکیل می دهد.

وجود سیستم مالیاتی پیشرفته و اتکای دولت ها به این گونه درآمدها حکایت از سلامت اقتصاد آن کشورها دارد. اما سؤالی که این جا می توان مطرح کرد این است که وجود سیستم پیشرفته مالیاتی و درآمدهای مالیاتی چه تأثیری بر رشد اقتصادی دارند و یا چه رابطه ای بین این دو وجود دارد (هر چند این سئوال جدیدی برای کشورهای صنعتی به شمار نمی رود، ولی این سئوال همچنان در کشورهای تک محصولی و وابسته به درآمدهای نفتی مانند ایران و کشورهای صادرکننده نفت همچون کشورهای اوپک به قوت خود باقی مانده و همچنان به عنوان یکی از مسائل مهم در اقتصاد این کشورها به شمار می رود).

مالیات ها به علت اثری که بر بازده سرمایه گذاری های فیزیکی و انسانی دارند، می توانند بر تصمیم گیری های اقتصادی و در نهایت بر رشد اقتصادی تأثیر بگذارند. در خلال قرن حاضر، در اغلب کشورهای توسعه یافته سطح مالیات ها به طور چشمگیری افزایش یافته است (مالیات ها از حدود ۵ تا ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی در آغاز قرن گذشته به ۲۰ تا ۳۰ درصد تولید ناخالص

داخلی در زمان حاضر، افزایش یافته اند) چنین افزایش معنی داری در مالیات ها سبب طرح پرسش هایی در مورد اثر مالیات بر رشد اقتصادی شده است (Lee and Gordon, 2005). سؤال اصلی و جدید مقاله بررسی رابطه علی بین مالیات و رشد اقتصادی در ایران طی سال های ۸۹-۱۳۴۲ می باشد. در کنار این هدف، به بررسی رابطه این دو متغیر در کشورهای OECD و OPEC پرداخته می شود. با بررسی ادبیات موضوع در بخش دوم مقاله، مشخص می شود که کارشناسان بسیاری در خارج از کشور در زمینه رابطه بین مالیات و رشد اقتصادی تحقیق کرده اند، اما استفاده از الگوی VAR-Panel برای کشورهای OECD موضوع جدیدی است که در این مقاله از آن استفاده شده است. همچنین تاکنون تحقیقی در این زمینه برای ایران و کشورهای کوچک انجام نگرفته است که در این مقاله با استفاده از آزمون های هم جمعی این امر انجام شده است، لذا بدین منظور این مقاله از بخش های زیر تشکیل شده است:

بخش دوم به ادبیات موضوع و بخش سوم به مبانی نظری الگو می پردازد. بخش چهارم شامل داده ها، تخمین الگوها و نتایج حاصل از آن است و بخش پنجم نیز نتیجه گیری و ارایه پیشنهادها را شامل می شود.

ادبیات موضوع

۱- آشنایی با ساختار نظام مالیاتی کشور

وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام و وجود انحصارات و رانت های ناشی از آن در بخش های مختلف اقتصاد، باعث شده است تا مالیات ها همواره سهم اندکی از درآمدهای دولت را تشکیل دهند. آمارها نشان می دهد که بیش از ۶۰ درصد درآمدهای دولت متأثر از فروش نفت خام یا سایر درآمدهایی بوده است که آن ها از طریق به درآمدهای نفت وابسته بوده است (نماگرهای اقتصادی، بانک مرکزی ایران). جدول ۱ منابع مالی مورد استفاده دولت طی سال های ۱۳۴۲ تا ۱۳۸۸ را نشان می دهد. همان گونه که ملاحظه می شود، سهم درآمدهای مالیاتی در مقایسه با سهم مجموع درآمدهای نفت و گاز و سایر درآمدها از کل درآمدهای عمومی دولت همواره بخش کوچک تری از هزینه های دولت را پوشش داده است.

جدول ۱: منابع مالی مورد استفاده دولت در سال های ۱۳۸۸-۱۳۴۲

| دوره | سهم درآمد نفت و گاز از کل درآمدهای دولت | سهم درآمد مالیاتی از کل درآمدهای دولت | سهم سایر درآمدها از کل درآمدهای دولت |
|--|---|---------------------------------------|--------------------------------------|
| برنامه سوم و چهارم عمرانی کشور قبل از انقلاب (۵۰-۱۳۴۲) | ۴۹/۴ | ۳۴/۸ | ۱۵/۸ |
| برنامه پنجم عمرانی کشور قبل از انقلاب (۵۷-۱۳۵۱) | ۷۱/۷ | ۲۲/۶ | ۵/۷ |
| بعد از انقلاب و دوران جنگ (۶۷-۱۳۵۸) | ۵۲/۴ | ۳۵/۲ | ۱۲/۴ |
| برنامه اول توسعه (۷۳-۱۳۶۸) | ۵۹/۲ | ۳۰/۶ | ۱۰/۲ |
| برنامه دوم توسعه (۷۸-۱۳۷۴) | ۵۶/۷ | ۲۴/۵ | ۱۸/۸ |
| برنامه سوم توسعه (۸۳-۱۳۷۹) | ۵۵/۲ | ۳۰/۵ | ۱۴/۳ |
| برنامه چهارم توسعه (۸۸-۱۳۸۴) | ۵۰/۹ | ۳۱/۹ | ۱۷/۲ |

منبع: نماگرهای اقتصادی، بانک مرکزی ایران

در شناخت ساختار مالی کشور، در اکثر موارد از دو شاخص عمده کمی استفاده می شود. شاخص اول مالیات بر تولید ناخالص داخلی کشور است. طبق برآوردهای انجام شده (جدول ۲)، در متوسط برنامه چهارم، این مهم حدود ۶/۷ درصد تا ۸/۴ درصد در نوسان بوده است (نماگرهای اقتصادی، بانک مرکزی ایران). این شاخص در ایران نسبت به شاخص های جهانی متفاوت و به بیان دیگر بسیار اندک است. این شاخص حتی در کشورهای در حال توسعه جهان سوم که منابعی چون نفت و گاز ندارند دو رقمی است. در کشورهای پیشرفته فرضاً در اروپای مرکزی، این شاخص عمدتاً در اکثر سال ها حدود ۲۵ تا ۳۰ درصد برآورد شده است و در کشورهای پیشرفته، به خصوص کشورهای حوزه اسکانندیناوی که اقتصاد رفاه بالایی دارند، این رقم در عمده سال ها به ۴۰ تا ۴۵ درصد و در برخی موارد، حتی به ۵۰ درصد نیز رسیده است. این بدان معنی است که بیش از نیمی از محصول ملی کشور مجدداً توسط دولت توزیع می شود. همچنین، این شاخص در گروهی از کشورها مثل آمریکا، ایتالیا، کانادا و استرالیا حدود ۲۰ درصد است (Lee and Gordon, 2005).

جدول ۲: شاخص های مالیاتی ایران طی سال های ۸۹-۱۳۴۲

| دوره | نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی | نسبت درآمدهای مالیاتی به هزینه های جاری دولت |
|--|---|--|
| برنامه سوم و چهارم عمرانی کشور قبل از انقلاب (۵۰-۱۳۴۲) | ۷/۶ | ۴۹/۶ |
| برنامه پنجم عمرانی کشور قبل از انقلاب (۵۷-۱۳۵۱) | ۷/۹ | ۳۱/۴ |
| بعد از انقلاب و دوران جنگ (۶۷-۱۳۵۸) | ۶ | ۳۱/۵ |
| برنامه اول توسعه (۷۳-۱۳۶۸) | ۴/۹ | ۳۸/۳ |
| برنامه دوم توسعه (۷۸-۱۳۷۴) | ۵/۵ | ۳۴ |
| برنامه سوم توسعه (۸۳-۱۳۷۹) | ۶ | ۴۰/۱ |
| برنامه چهارم توسعه (۸۸-۱۳۸۴) | ۷/۲۳ | ۴۲/۸۶ |
| سال ۱۳۸۹ | ۶/۶ | ۴۳/۱۵ |

منبع: نماگرهای اقتصادی، بانک مرکزی ایران

شاخص دوم، نسبت مالیات به هزینه های جاری است. این شاخص بدان معنی است که دولت می تواند بخشی از هزینه های جاری اش را با منابع مالیاتی تأمین کند. این شاخص در کشورهایی که منابع طبیعی اندک دارند، به سمت ۱۰۰ درصد میل می کند. اما در ایران در طول برنامه چهارم، این شاخص حدود ۴۲/۸۶ درصد برآورد شده است. در سال ۱۳۸۳، با وجود افزایش درآمدهای مالیاتی و تاثیر آن در بودجه کشور که عمده دلیل آن نیز تغییر در طبقه بندی مالیات ها و خلق مالیات با منشأ نفت بوده است، این نسبت به ۳۶/۵ درصد رسیده بود (نماگرهای اقتصادی، بانک مرکزی ایران). اما با این همه، ایران از این نقطه آرمانی که تمامی هزینه های جاری خود را بتواند از منابع مالیاتی تأمین کند فاصله زیادی دارد از این رو، هدف سیاستی در برنامه توسعه ای کشور تا پایان سال ۱۳۸۸ بر این قرار بود که دولت بایستی بتواند حدود ۸۰ درصد از هزینه های جاری اش را با مالیات تأمین نماید که چنین امری محقق نشد. برای رسیدن به این هدف، باید اصلاحاتی در کارکردهای درونی نظام مالیاتی کشور رخ دهد. مؤلفه هایی که در این اصلاحات می تواند مفید واقع شود عبارتند از:

الف- بحث مدرن سازی سیستم های اجرایی اصول مالیات کشور مثل فن آوری اطلاعات، آموزش نیروی انسانی، مهندسی مجدد منابع و غیره در جهت افزایش کارایی.

ب- افزایش مشارکت عمومی در جامعه که البته پیش نیاز این امر نیز عقلایی کردن ساختار درونی نظام مالیاتی کشور است.

ج- بهبود یا اصلاح ترکیب منابع مالیاتی؛ به طور نمونه انتخاب سبد مطلوب و متنوعی از منابع مالیاتی در کشور به طور کل، ترکیب پایه های مالیاتی در اقتصاد کشور شامل سه جزء درآمد، ثروت و مصرف است. از این رو، دست یابی به یک ترکیب مطلوب می تواند نوعی بهینه سازی به شمار آید. اما رسیدن به این هدف ها، شرایطی را نیز می طلبد، فرضاً مالیات بر درآمد دارای دو بعد منفی و مثبت است. مالیات بر درآمد جنبه عدالتی خوبی دارد (بعد مثبت) به طوری که با تعیین نرخ های صعودی می توان توزیع درآمد را بهبود بخشید. این مهم می تواند جامعه را به سمت تعدیل شکاف درآمدی هدایت کند. اما این امر جنبه منفی هم دارد، زیرا بالقوه این امر باعث تهدید یا محدودیت پس انداز یا سرمایه گذاری اقتصادی محسوب می شود. پس باید در زمان تعریف پایه مالیاتی بر مبنای مالیات بر درآمد، به منظور جلوگیری از توقف روند سرمایه گذاری و پس انداز، انواع معافیت ها، تخفیف ها، ترجیح ها و تبعیض ها در نظر گرفته شود که مصداق این امر در دو دهه اخیر در ایران مشهود است. یکی دیگر از عیب های مالیات بر درآمد نیز هزینه وصول بالای آن است. مالیات دیگر، مالیات بر مصرف است که دارای جنبه عدالتی کم تر و تأثیر تنازلی، اما هزینه وصول بسیار اندک است اما این مالیات برای سرمایه گذاری و پس انداز تهدیدی به شمار نمی رود و از نظر ثبات اقتصادی، این نوع مالیات درجه ثبات بیش تری دارد. مالیات بر ارزش افزوده به عنوان نوع دیگری از مالیات بر مصرف به شمار می آید. مبحث مالیات بر ارزش افزوده با در نظر گرفتن دو بعد مهم آغاز می شود، یکی ملاحظه اقتصادی - اجتماعی و دیگر ملاحظات اجرایی.

از بعد اقتصادی - اجتماعی، این مهم در راستای هدف قانون برنامه چهارم یعنی هدف توزیع درآمد و اصلاح آن است. از آن جایی که این رویکرد سیاستی دارای اجزای بهم وابسته ای است که باید با هم پیش روند، از این رو، هم زمان با حرکت پایه مالیاتی به سمت مالیات بر مصرف، فرضاً مالیات بر ارزش افزوده، می بایست ظرفیت های مالیات بر درآمد را نیز در نظام مالیاتی کشور افزایش داده و کیفیت وصول را ارتقاء داد. در این چارچوب، اصلاح سه ضلع مثلث نظام سنتی مالیات (شامل ممیزی با نقش پلیس، نظام مالیاتی مبتنی بر ممیز سالاری و مودیان مالیاتی با هزینه بالای تمکین) می تواند نقش ویژه ای در کاهش فرار مالیاتی و شفافیت اقتصادی در بستر مالیات بر ارزش افزوده داشته باشد و در مقابل روش نوع اخذ این نوع مالیات می تواند بسته به کشش کالایی بر مصرف کنندگان نهایی تحمیل شود.

مالیات بر مشاغل، به عنوان مهم ترین هسته مالیات بر درآمد دارای ظرفیت های بسیاری است که می توان از این مهم در جهت حرکتی مؤثر به سوی تغییر پایه مالیاتی کشور استفاده کرد. طبق برآوردهای صورت گرفته، طی سال ۱۳۸۹ حجم مالیات بر مشاغل نسبت به کل مالیات،

با توجه به اهمیت آن، حدود ۵ درصد بوده است. طی این سال، مالیات بر کالا و خدمات به عنوان مالیات بر مصرف، حدود ۱۳/۳ درصد بوده است و سهم مالیات بر ارزش افزوده نیز ۷ درصد در این سال است.

مبحث مالیات تجمع عوارض، به عنوان نوع دیگری از مالیات بر مصرف باعث شده است تا پذیرش این مالیات از سوی صاحبان صنایع هزینه های هنگفتی را به همراه آورد. از این رو در بهره گیری از مالیات بر مصرف به عنوان یک پایه مالیاتی مؤثر بایستی برخی ملاحظات، از جمله ملاحظات سیاسی-اجتماعی را در نظر گرفت تا پیامدهای مطلوب آن در میان همگان احساس شود.

بعد دوم، یعنی همان بعد اجرایی به مؤلفه هایی چون افزایش کارایی، استفاده از فن آوری ها، آموزش نیروی انسانی و غیره باز می گردد که هر کدام از این موارد دارای اهمیت ویژه ای هستند. در کل می توان گفت که مجموعه اصلاحاتی که در نظام مالیاتی کشور باید به اجرا درآیند، تماماً دارای پیوندی ارگانیک و هدفمند باشند. نکته ای که در این جا حایز اهمیت است ارتباط مباحث بیان شده با موضوع مورد تحقیق است. این مباحث از این حیث بیان شده اند که مباحث ادبیات موضوع در واقع پیش در آمدی هستند بر این که مالیات چگونه می تواند بر درآمد فرد، جامعه و بالتبع رشد اقتصادی کشور تأثیر بگذارد.

۲- شواهد تجربی

مطالعات نظری، دامنه وسیعی از اثرات مالیات بر رشد را مطرح می کند از این رو برخی شواهد تجربی نیز در این جا آورده شده است. هم چنان که در جدول ۳ نشان داده شده است تمام مطالعات اشاره شده مربوط به کشورهای خارجی و اکثر آن ها مربوط به کشورهای صنعتی و کشورهای عضو OECD می باشد. با مروری که بر مطالعات انجام شده در داخل به عمل آمده است هیچ مطالعه داخلی به بررسی رابطه مالیات و رشد اقتصادی نپرداخته است و تنها مطالعه آقایان (جعفری صمیمی و حسن زاده جزدانی) در سال ۱۳۸۳ است که تنها به صرف بررسی و مرور مطالعات تجربی در کشورهای صنعتی و پیشرفته پرداخته است. نکته حایز اهمیت دیگر در جدول ۱۳ این است که در این جدول، مالیات بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب دارای تأثیر منفی است.

جدول ۳. اثر مالیات بر رشد اقتصادی در مطالعات بین کشوری

| مطالعه | تعداد کشورها در دوره زمانی | متغیر مالیاتی به کار رفته | اثر مالیات بر نرخ رشد |
|---|---|--|-----------------------|
| مارسدن (۱۹۸۳) | ۲۰ کشور (۷۹-۱۹۷۰) | نسبت درآمد مالیاتی به GDP | منفی |
| ماناس-آنتون (۱۹۸۷) | ۳۹ کشور (۸۲-۱۹۷۳) | نسبت مالیات بر درآمد به کل درآمد مالیاتی یا به GDP | منفی یا بی معنی |
| اسکینر (۱۹۸۷) | ۳۱ کشور (۸۲-۱۹۶۵) | نسبت درآمد مالیاتی به GDP | منفی |
| کوستر- کورمندی (۱۹۸۹) | ۶۳ کشور (۷۹-۱۹۷۰) | نرخ متوسط و نهایی مالیات | بی معنی |
| مارتین- فردمنش (۱۹۹۰) | ۷۶ کشور (۸۱-۱۹۷۲) | نسبت درآمد مالیاتی به GDP | منفی |
| انجن- اسکینر (۱۹۹۲) | ۱۰۷ کشور (۸۵-۱۹۷۰) | تغییر در نسبت درآمد مالیاتی به GDP | منفی |
| ایستری-ریلو (۱۹۹۳a) | ۵۳ کشور (۸۸-۱۹۷۰) | نرخ نهایی مالیات بر درآمد | منفی |
| ایستری-ریلو (۱۹۹۳b) | ۳۲ کشور (۸۸-۱۹۷۰) | میانگین موزون نرخ نهایی مالیات بر درآمد | منفی |
| کاشین (۱۹۹۵) | ۲۳ کشور OECD (۸۸-۱۹۷۱) | نسبت مالیات به GDP | منفی |
| انجن و اسکینر (۱۹۹۶) | کشورهای منتخب OECD | نسبت مالیات به GDP | منفی |
| OECD- لیب فریتز- دورنتون و بیب بی (۱۹۹۷) | کشورهای OECD (۹۵-۱۹۶۵) | نسبت مالیات به GDP | منفی |
| OECD (۱۹۹۷) | اتحادیه اروپا | مالیات بر نیروی کار | منفی |
| بلاتی، گمل و نلر | ۱۷ کشور OECD (۹۴-۱۹۷۰) | درآمد مالیاتی | منفی |
| فلوستر و هنرکسون (۲۰۰۰) | کشورهای ثروتمند منتخب OECD و کشورهای غیر OECD (۹۵-۱۹۷۰) | نسبت مالیات به GDP | منفی |
| باسینی و اسکاریتا (۲۰۰۱) | ۲۱ کشور OECD (۹۸-۱۹۷۱) | نسبت مالیات به GDP | منفی |
| لی و گوردن (۲۰۰۵) | ۷۰ کشور منتخب دنیا (۱۹۹۷-۱۹۷۰) | نرخ مالیات بر شرکت ها | منفی |
| می های اون و همکاران (۲۰۰۷) | ۲۵ کشور اتحادیه اروپا (۲۰۰۵-۱۹۹۵) | مالیات های مستقیم | منفی |
| باری و جولوژ (۲۰۰۸) | دولت های ایالتی طی سال های ۲۰۰۴-۱۹۶۴ | درآمد مالیاتی | منفی |
| وزارت اشتغال رشد پایدار و امور مالی اسکاتلند (۲۰۱۱) | کشور اسکاتلند | درآمد مالیاتی | منفی |
| مک پراید (۲۰۱۲) | کشور آمریکا | مالیات بر دستمزد | بی معنی |

۳- مبانی نظری

یکی از مهم ترین موضوعات بحث برانگیز در اقتصاد، رابطه مالیات با رشد اقتصادی و این که مالیات چگونه رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می دهد. اغلب مطالعاتی که در این زمینه انجام شده است حاکی از آن دارد که اثر مالیات بر رشد اقتصادی منفی است. تئوری های اقتصادی، چگونگی این رابطه منفی بین مالیات و رشد اقتصادی را بیان می کند. بر اساس تئوری اقتصادی، مالیات ها، هزینه فعالیت هایی که مشمول مالیات می شوند را افزایش و بازده و سود آن ها را کاهش می دهند به همین منظور افراد و بنگاه های کوچک به فعالیت هایی روی می آورند که بتوانند بار مالیاتی را حداقل کند یعنی آن ها فعالیت هایی که مشمول نرخ پایین تری از مالیات می شوند را جانشین فعالیت هایی که نرخ بالای مالیاتی دارند، می کنند به همین منظور افراد و بنگاه ها به فعالیت تولیدی کم تری رو آورده و لذا منجر به نرخ های پایین تری از رشد اقتصادی می شوند. امروزه اقتصاددانان مطالعات تجربی و نظری بسیاری درباره تأثیر مالیات ها بر رشد اقتصادی کشورهای مختلف انجام داده اند. بر اساس الگوی رشد نو کلاسیک ها (الگوی های رشد برون زا)، هر چند سیاست های دولت و من جمله مالیات ها می تواند بر نرخ رشد اقتصادی تأثیر داشته باشد، ولی این تأثیر کوتاه مدت است و در بلند مدت استمرار نخواهد داشت. در چارچوب الگویی که توسط نظریه پردازان رشد اقتصادی ارایه شده و به الگوهای رشد درون زا موسوم است، تغییرات دایمی در متغیرهایی مانند مالیات ها که به صورت بالقوه تحت تأثیر سیاست های دولت قرار دارند، می تواند تغییرات دایمی در نرخ رشد اقتصادی ایجاد نماید. گذشته از این موارد ادبیات گسترده ای وجود دارد که حاکی از تأثیر منفی بسیاری از برنامه های عمومی دولت بر پس انداز و انباشت سرمایه است که از سیستم مالیاتی سرچشمه می گیرد.

تأثیر مالیات بر رشد اقتصادی را نمی توان از قیل مشخص کرد، زیرا بستگی دارد که سایر عوامل مانند سرمایه انسانی که در کنار سرمایه فیزیکی به کار گرفته می شود، چگونه شامل مالیات شوند. شواهد تجربی نیز در مورد اثر سیاست مالیاتی بر رشد اقتصادی، گرچه اغلب حاکی از وجود رابطه منفی بین مالیات بر درآمد و رشد اقتصادی می باشد، متفاوت بوده است. مالیات بر درآمد شخصی و مالیات بر شرکت ها، جدا از مقدار و انواع آن، انگیزه تولید را کاهش و رشد بالقوه تولید ناخالص داخلی را به شدت کند می کند. آثار مالیات بر عرضه کار و پس انداز (لذا رشد اقتصادی) حتی در اقتصادهای ساده نیز بسیار پیچیده است به طور کلی، پس از وضع مالیات دو اثر درآمدی و جانشینی ایجاد می شود. اثر درآمدی از طریق بالا

بردن مطلوبیت نهایی در آمد بر اثر کاهش در آمد حقیقی مالیات دهنده، عرضه کار را افزایش می دهد و اثر جانیشینی تغییرات ارزش نهایی تفریح و استراحت را نسبت به مزد کار می سنجد این دو اثر همواره در جهت مخالف یکدیگر عمل می کنند. همان گونه که گفته شد، وضع هر گونه مالیات، در آمد قابل خرج حقیقی مالیات دهنده را کاهش خواهد داد و کاهش در آمد حقیقی، پس انداز را به میزانی بیش تر از مصرف کاهش می دهد. این مسأله حتی در حالتی که عرضه کار نیز افزایش یابد، صادق است. اما کاهش پس انداز، هنگامی که عرضه کار در بخش پولی، کاهش یافته، تشدید خواهد شد. حتی در اقتصادهای توسعه یافته نیز مالیات باعث کاهش پس انداز بخش خصوصی می شود و این امر می تواند باعث تأثیر منفی بر رشد اقتصاد شود.

به طور کلی ساختار مالیات ها می تواند اثرات مهمی بر رشد اقتصاد داشته باشد به عنوان مثال در یک سطح معین مالیات، انتقال از مالیات بر در آمد به مالیات بر مصرف انگیزه پس انداز را افزایش داده و انباشت سرمایه را تشویق می کند. علاوه بر تأثیر ساختار نظام مالیاتی بر انباشت منابع، ساختار نظام مالیاتی می تواند اثرات دیگری هم بر رشد اقتصادی داشته باشد و برای مثال، تأکید بیش از حد بر مالیات های گمرکی می تواند تهدیدی برای امکان جذب فناوری های جدید باشد، زیرا صنایع داخلی را از مواجهه با بازارهای جهانی و رقابت باز می دارد. بنابراین تأثیر مالیات بر رشد منفی خواهد بود. از دیگر سو، هر گاه اعمال سیاست های مالی دولت منجر به بروز نا اطمینانی در ساختار مالیاتی و یا مخارج دولتی شود، بازدهی نهایی سرمایه گذاری های بخش خصوصی بانوسان مواجه شده و در نتیجه با افزایش بی اعتمادی بخش خصوصی نسبت به بازدهی آتی سرمایه گذاری ها و نوسان پذیری بازدهی نهایی بخش خصوصی، بخش عمده ای از سرمایه گذاری های این بخش کاهش یافته و رشد اقتصادی نیز کاهش خواهد یافت.

نوع هزینه کرد منابع حاصل از اخذ مالیات نیز نقشی مهم در تأثیر گذاری مالیات بر رشد اقتصادی ایفا می نماید. چنانچه خدمات دولتی به صورت مجانی و کالای عمومی در تابع مطلوبیت خانوارها وارد شود می تواند به عنوان جانشین کالاهای خصوصی عمل کرده و بستر فعالیت بخش خصوصی را محدود نماید و نتیجه آن در اشتغال و رشد اقتصادی منفی باشد. در مقابل خدمات دولتی به عنوان نهادی در فرایند تولید خصوصی، می تواند نقش مهمی در افزایش رشد اقتصادی ایفا نماید. در عین حال روند دایمی مخارج دولت عامل مهمی است که می تواند تأثیرات مالیات (با در نظر گرفتن انواع مالیات و روش های اخذ آن) را بر رشد اقتصادی ترسیم نماید. تأثیر مالیات بر ثبات و پایداری عرضه نیروی کار، اثرات کوتاه مدت و بلند مدت بر سرمایه، در کنار نا اطمینانی ها

از نوع سیاست مالی نقش مالیات بر رشد اقتصادی را ترسیم می کند، چنین ساز و کاری به خوبی در ساختار الگوهای رشد درونزا و دیدگاه های نئو کلاسیک مشهود است.

بحث متفاوت بودن علایم مالیات ها بر رشد اقتصادی از دیدگاه نظریات اقتصادی روشن است. اما در ابتدا شدت تأثیر این دو عامل در کشورهای منتخب یکسان نیست و اطلاع از میزان تأثیر آن ها برای کشورها حایز اهمیت است. دوم، سؤال دیگری که معمولاً در این رابطه مطرح می شود، آن است که با توجه به دسترسی آسان کشورهای صادر کننده نفت و به خصوص کشورهای عضو اوپک به درآمدهای قابل دسترسی (که در نهایت موجب کوچک شدن سهم درآمدهای مالیاتی در کل دریافت های دولت می شود) آیا نحوه تأثیر متغیرهای درآمدهای مالیاتی به همان صورت خواهد بود که نظریه پیش بینی می نماید؟ این سئوالی است که در بخش بعدی بدان جواب داده خواهد شد. برای پاسخ به این سئوال از الگوی VAR برای ایران و الگوی VAR-Panel برای کشورهای OECD و OPEC استفاده خواهد شد.

الگوی VAR از رایج ترین الگوهای سری زمانی است که در تحقیقات مختلف اقتصادی مورد استفاده قرار می گیرد. این الگو از الگوهای چند معادله ای محسوب می شود که در مقایسه با الگوهای دیگر دارای مزایای متعددی است، با استفاده از الگوی VAR می توان روابط تعادلی و بلندمدت بین متغیرها را مورد بررسی قرار داده و ضرایب بلند مدت را به دست آورد. به این منظور بعد از تأیید رابطه تعادلی و بلند مدت می توان رابطه علت و معلولی (رابطه علی گرنجر) را بین دو متغیر بررسی کرد. برای بررسی همگرایی، آزمون های مختلفی وجود دارد که از آن میان می توان از آزمون جوهانسون، آزمون انگل - گرنجر، آزمون ARDL و آزمون کرانه ها نام برد. در این تحقیق از آزمون جوهانسون که برای چنین مواردی استفاده از آن بسیار معمول است، استفاده شده است.

۴- داده ها، تخمین الگوها و ارایه نتایج

در این مقاله جامعه آماری شامل ایران، کشورهای اوپک و کشورهای OECD است. علت انتخاب این کشورها در کنار ایران به این علت می باشد که آیا تأثیر مالیات بر رشد اقتصادی در اقتصاد تک محصولی و وابسته به نفت همچون ایران شبیه کشورهای اوپک (که ساختار اقتصادی مشابه ایران دارند) می باشد؟ علت انتخاب کشورهای OECD نیز تا حدی به همین منوال بوده است که بیان شد. آیا در کشورهای پیشرفته (که عمده درآمد آن ها از درآمدهای

مالیاتی است) مالیات بر رشد اقتصادی همان تأثیر را می‌گذارد که در کشورهایی که ۲۰ تا ۳۰ درصد از بودجه دولتی آن‌ها را تشکیل می‌دهد؟

۱-۴ - ایران

۱-۴-۱ داده‌ها

اقتصاددانان از داده‌های تولید ناخالص داخلی (GDP) به عنوان معیار توسعه اقتصادی و از رشد آن به عنوان رشد اقتصادی استفاده می‌کنند. (Bodie, Alex & Alan, 2001). در این تحقیق نیز از رشد تولید ناخالص داخلی به عنوان رشد اقتصادی استفاده شده است. داده‌های تولید ناخالص داخلی از داده‌های سالنامه بانک مرکزی ایران طی سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۸۹ به دست آمده است. در این تحقیق، سهم مالیات‌ها از GDP به عنوان شاخص مالیات‌ها (Tax Ratio) از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۸۹ در نظر گرفته می‌شود که از سالنامه‌های آماری کشور به دست آمده است.

۱-۴-۲ برآورد الگو و آرایه نتایج

آزمون همجبری و ریشه واحد

انگل و گرنجر (Engle & Granger, 1987) و اندرس (Enders, 1995) بیان می‌کنند زمانی که متغیرها ناپایا یا دارای ریشه واحد هستند، نتایج حاصل از فرایند تکنیک اقتصادسنجی ممکن است درست نباشد، گرنجر و نیولد (Granger & Newbold, 1974). به وسیله مقادیر بحرانی مک‌کینون (Mackinnons, 1991)، فرضیه صفر که وجود ریشه واحد و فرضیه مقابل که پایا بودن سری زمانی را نشان می‌دهد، آزمون می‌شوند. نتایج این آزمون‌ها نشان می‌دهد که می‌توان پایایی متغیرها را در سطح رد کرد یا به عبارت دیگر داده‌های رشد اقتصادی و مالیات در مرتبه اول پایا هستند.

جدول ۴: آزمون ریشه واحد RGDP و Taxratio

| متغیرها | ADF | Prob | PP | Prob |
|-------------------|---------------|--------|---------------|--------|
| RGDP | (۳) -۲/۶۰۲۱۳۶ | ۰/۱۸۴۰ | (۲) -۲/۳۵۶۵۸۷ | ۰/۱۵۵۱ |
| Δ RGDP | (۲) -۲/۹۱۶۲۹۴ | ۰/۰۳۵۲ | (۲) -۴/۴۰۲۵۸۲ | ۰/۰۱۳۶ |
| Taxratio | (۱) -۳/۲۴۳۵۱۰ | ۰/۰۷۱۲ | (۱) -۳/۲۲۱۴۷۸ | ۰/۰۶۶۰ |
| Δ Taxratio | (۱) -۵/۱۴۱۳۲۸ | ۰/۰۰۰۱ | (۲) -۶/۸۹۶۵۵۸ | ۰/۰۰۰۱ |

در جدول (۴)، تفاضل مرتبه اول متغیرها، ADF آزمون دیکی فولر تعمیم یافته^۱، PP فیلپس و پرون، Prob احتمال نشان می دهند و اعداد داخل پرانتز نشان دهنده تعداد وقفه های بهینه است. برای آزمون روابط بلند مدت بین متغیرهای رشد اقتصادی و مالیات در ایران، از روش توسعه یافته توسط جوهانسن (Johanson, 1988-1991) و جوهانسن و جوسلیوس (Johan-son & Juselius, 1990) که بر اساس الگوی خود توضیح برداری (VAR)^۲ می باشند، استفاده می شود. روش جوهانسن که شامل دو آزمون نسبت درست نمایی^۳ (آزمون اثر^۴ و آزمون حداکثر مقدار ویژه^۵) است، برای آزمون تعداد روابط همجمعی به کار می رود. جدول ۵ نتایج آزمون همجمعی بین رشد اقتصادی و مالیات در ایران را نشان می دهد. زمانی که مقدار آماری اثر (trace) و حداکثر مقدار ویژه $(\lambda + r | 2)$ نسبت به مقادیر بحرانی اوستروالد-لنوم (Osterwald-lenom, 1992) بزرگ تر باشند؛ فرضیه صفر - وجود ۲ بردار همجمعی - در برابر فرضیه مقابل - بیش از ۲ بردار هم جمعی - رد می شود. جدول ۵، نشان می دهد که هیچ معادله هم جمعی بین دو متغیر وجود نداشته و لذا براساس آزمون همجمعی جوهانسن، یک رابطه تعادلی بلند مدت بین رشد اقتصادی و مالیات در ایران وجود ندارد.

عدم وجود رابطه بلند مدت پایدار (روابط همجمعی) بین رشد اقتصادی و مالیات بنا به نظر انگل و گرنجر (۱۹۸۷) و گرنجر (۱۹۸۷) (مبنی بر این که اگر دو متغیر سری زمانی همجمع باشند، حداقل یک رابطه مستقیم علی گرنجر وجود دارد) اشاره بر این دارد که هیچ رابطه مستقیم علی گرنجری بین متغیر رشد اقتصادی و مالیات در ایران وجود ندارد. با این وجود، آزمون علی گرنجر برای متغیرهای رشد اقتصادی و مالیات در ایران انجام شده است که نتایج این آزمون نیز حاکی از آن دارد که در سطح معناداری ۵ درصد هیچ رابطه مستقیم علی گرنجری بین متغیر رشد اقتصادی و مالیات در ایران وجود ندارد (جدول ۶).

1 Augmented Dicky- Fuller Test (ADF)

2 Vector Auto regression

3 Likelihood Ratio Test

4 Trace Test

5 Maximum Eigen value test

جدول ۵-۱: آزمون همجمعی بین رشد اقتصادی و مالیات، آزمون اثر

| Prob | 0.05 Critical Value | Trace Statistic | Eigenvalue | فرضیه صفر (T تعداد بردار همجمعی) |
|--------|------------------------|--------------------|------------|--|
| ۰/۲۳۵۷ | ۱۴/۳۳۹۷۱ | ۹/۹۹۷۵۸ | ۰/۱۸۶۳۶۹ | $r=0$ |
| ۰/۱۲۶۴ | ۳/۷۳۶۵۶ | ۲/۴۳۹۵۶۸ | ۰/۰۵۱۲۶۵ | 1 r |

منبع: یافته های تحقیق

جدول ۵-۲: آزمون همجمعی بین رشد اقتصادی و مالیات، آزمون حداکثر مقدار ویژه

| Prob | 0.05 Critical Value | Max-Eigen Statistic | Eigenvalue | فرضیه صفر (T تعداد بردار همجمعی) |
|--------|------------------------|------------------------|------------|--|
| ۰/۳۱۲۳ | ۱۳/۱۲۱۴۳۲ | ۸/۴۲۸۵۱۲ | ۰/۱۷۵۰۶۴ | $r=0$ |
| ۰/۱۰۳۴ | ۳/۷۷۸۳۴۵ | ۲/۵۵۶۷۸۹ | ۰/۰۵۱۴۶۸ | 1 r |

منبع: یافته های تحقیق

جدول ۶: آزمون علی گرنجر بین متغیرهای رشد اقتصادی و مالیات در ایران

| جواب فرضیه صفر | وقفه بهینه | Probability | F-Statistic | فرضیه صفر |
|-------------------|---------------|-------------|-------------|-----------------------------------|
| رد نمی شود | ۱* | ۰/۷۱۵۷۸ | ۰/۰۵۲۰۶ | Taxratio عامل علی گرنجر RGDP نیست |
| رد نمی شود | ۱* | ۰/۱۰۸۲۷ | ۲/۷۵۶۰۱ | RGDP عامل علی گرنجر Taxratio نیست |

* وقفه بهینه بر اساس ضابطه اطلاعات آکانیک و ضابطه شوارز بیژن ۱ می باشد منبع: یافته های تحقیق

۲-۴- کشورهای OECD

مبانی نظری در این بخش همانند بخش پیشین است به طوری که از دو متغیر رشد اقتصادی و مالیات برای آزمون همجمعی و بررسی رابطه علی استفاده می شود. اما تفاوتی که در این جا با بخش قبلی مشهود است وجود ۳۰ کشور عضو OECD است. البته نمونه آماری، به علت نبود داده ها شامل ۲۶ کشور است (کشورهای ایرلند، ژاپن، جمهوری اسلواکی و ترکیه از نمونه آماری حذف شده اند). دوره زمانی از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۱ مورد بررسی قرار گرفته است، با توجه به وجود دو متغیر رشد اقتصادی و مالیات (لذا دوتا معادله در الگوی VAR) و ۲۶ کشور عضو OECD، الگوی مورد استفاده به صورت الگوی VAR-Panel است.

به خاطر آزمون رابطه تعادلی بلند مدت بین مالیات و رشد اقتصادی در کشورهای OECD، ابتدا از آزمون های ریشه واحد داده های تابلویی که توسط نرم افزار E views 7 قابل اجرا است،

استفاده می شود. جدول ۷ خلاصه آزمون های ریشه واحد داده های تابلویی در نرم افزار E views 7 را نشان می دهد.

جدول ۷: خلاصه آزمون های ریشه واحد داده های تابلویی

| آزمون | فرضیه صفر | فرضیه مقابل | جزء قطعی ممکن | روش تشخیص همبستگی |
|----------------------------|----------------|--|---------------|--------------------------|
| Levin, Lin and Chu | وجود ریشه واحد | عدم وجود ریشه واحد | None, F, T | وقفه ها |
| Breitung | وجود ریشه واحد | عدم وجود ریشه واحد | None, F, T | وقفه ها |
| IPS (Im, Pesaran and Shin) | وجود ریشه واحد | عدم وجود ریشه واحد در تعدادی از بخشهای مقطعی | F, T | وقفه ها |
| Fisher-ADF | وجود ریشه واحد | عدم وجود ریشه واحد در تعدادی از بخشهای مقطعی | None, F, T | وقفه ها |
| Fisher-PP | وجود ریشه واحد | عدم وجود ریشه واحد در تعدادی از بخشهای مقطعی | None, F, T | روش کرنل (Kernel Method) |
| Hadri | عدم ریشه واحد | وجود ریشه واحد | F, T | روش کرنل |

None: عدم وجود متغیرهای برون زا F: اثر ثابت T: روند و اثر انفرادی منبع: E views 6 Help

برای آزمون ریشه واحد داده های تابلویی بین متغیرهای رشد اقتصادی و مالیات در کشورهای عضو OECD از آزمون های جدول ۷ استفاده می شود که جدول زیر نتایج این آزمون ها را نشان می دهد.

جدول ۸: آزمون ریشه واحد رشد اقتصادی و مالیات در کشورهای OECD¹

| Hadri Z-stat | Fisher-PP | Fisher-ADF | IPS | Breitung t-stat | Levin, Lin and Chu | |
|---------------------|---------------------|---------------------|----------------------|---------------------|----------------------|-----------|
| ۲۵/۲۲۰۱ (۰/۰۰۰۰) | ۷۲/۴۷۴۸ (۰/۰۵۴۸) | ۳۶/۱۳۰۰ (۰/۹۸۹۵) | ۰/۹۸۷۰۴ (۰/۷۶۸۲) | ۱/۶۵۴۸ (۰/۹۲۴۶) | -۱/۴۱۵۹۰ (۰/۰۵۴۸) | RGDP |
| ۲۴/۰۵۳۵ (۰/۰۰۰) | ۹۴/۷۶۸۶ (۰/۰۰۰۱) | ۵۶/۳۶۹۷ (۰/۳۲۴۹) | -۰/۶۳۹۳۰ (۰/۲۴۴۵) | ۱/۲۳۳۰۳ (۰/۸۹۱۲) | -۱/۴۸۱۴ (۰/۰۴۴۷) | Taxratio |
| عدم ریشه واحد | وجود ریشه واحد | وجود ریشه واحد | وجود ریشه واحد | وجود ریشه واحد | وجود ریشه واحد | فرضیه صفر |

منبع: یافته های تحقیق

با توجه به نتایج جدول ۸ در سطح معنی داری ۵ درصد، می توان از آزمون های همجمعی استفاده کرد. جدول ۹ نتایج آزمون همجمعی بین رشد اقتصادی و مالیات در کشورهای OECD را نشان می دهد (لازم به ذکر است که آزمون فیشر یا جوهانسون ترکیب شده به علت عدم کافی بودن داده های سری زمانی قابل محاسبه نبود).

جدول ۹-۱: آزمون همجمعی بین رشد اقتصادی و مالیات، آزمون پدرونی

| Prob | Weighted Statistic | Prob | Statistic | |
|--------|--------------------|--------|-----------|---------------------|
| ۰/۰۰۰۰ | ۷/۴۷۶۱۴۷ | ۰/۰۰۰۰ | ۷۳/۶۱۸۳۹ | Panel v-Statistic |
| ۰/۰۰۰۰ | ۴/۷۴۳۰۶۹ | ۰/۰۰۰۲ | ۳/۹۶۷۰۲۲ | Panel rho-Statistic |
| ۰/۰۰۴۶ | -۲/۹۹۱۱۰۱ | ۰/۰۰۴۸ | -۲/۹۷۵۲۵۱ | Panel PP-Statistic |
| ۰/۰۰۰۰ | -۷/۹۸۴۲۲۲ | ۰/۰۰۰۰ | -۶/۴۶۱۱۴۵ | Panel ADF-Statistic |

منبع: یافته های تحقیق

جدول ۹-۲: آزمون همجمعی بین رشد اقتصادی و مالیات، آزمون کائو

| Prob | t-Statistic | |
|--------|-------------|-----|
| ۰/۰۰۱۲ | -۳/۰۴۰۶۲۸ | ADF |

منبع: یافته های تحقیق

آزمون های همجمعی پدرونی و کائو برای کشورهای عضو OECD نشان می دهد که در سطح معنی دار ۵ درصد، رابطه تعادلی بلندمدت و همجمعی بین متغیر رشد اقتصادی و مالیات وجود دارد.

آزمون علی گرنجر

انگل و گرنجر در سال ۱۹۸۷ نشان دادند که اگر دو متغیر سری زمانی همجمع باشند، حداقل یک رابطه مستقیم علی گرنجر وجود دارد. وجود رابطه تعادلی بلندمدت (روابط همجمعی) بین رشد اقتصادی و مالیات در کشورهای OECD نشان می دهد که دو متغیر حداقل در یک جهت به صورت علی با هم ارتباط دارند. به عنوان گام نهایی، برای جواب دادن به جهت علیت بین متغیرهای رشد اقتصادی و مالیات از آزمون علی گرنجر استفاده می شود.

در داده های تابلویی برای این که مشخص شود داده ها با استفاده از روش ترکیبی^۱، مورد برآورد قرار می گیرند یا با استفاده از روش داده های تابلویی^۲، از آزمون F استفاده می شود. این آماره مبتنی بر صحت همگنی بین کلیه کشورها استوار است. در آزمون F فرضیه صفر، یکسان بودن عرض از مبدأ (روش ترکیبی) و فرضیه مقابل ناهمسانی عرض از مبدأ (روش داده های تابلویی) را نشان می دهد.

1Pool

2Panel

با توجه به این که در این تحقیق متغیر وابسته و توضیحی مشخص نیست، لذا یک بار متغیر مالیات به عنوان متغیر وابسته و بار دیگر متغیر رشد اقتصادی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته می شود، به همین علت دو آماره F به دست می آید که در جدول ۱۰ آورده شده است.

جدول ۱۰-۱: آزمون F برای کشورهای OECD زمانی که متغیر وابسته رشد اقتصادی باشد

| آزمون | Statistic | d.f | Prob. |
|-------------|------------|---------|--------|
| آزمون F | ۲۶۰/۱۴۹۸۹۵ | ۲۵ ۱۵۵، | ۰/۰۰۰۰ |
| آزمون خی دو | ۶۸۴/۳۶۷۶۰۲ | ۲۵ | ۰/۰۰۰۰ |

جدول ۱۰-۲: آزمون F برای کشورهای OECD زمانی که متغیر وابسته مالیات باشد

| آزمون | Statistic | d.f | Prob. |
|-------------|------------|---------|--------|
| آزمون F | ۲۱۶/۳۹۶۴۶۲ | ۲۵ ۱۵۵، | ۰/۰۰۰۰ |
| آزمون خی دو | ۶۵۱/۷۰۷۶۴۸ | ۲۵ | ۰/۰۰۰۰ |

منبع: یافته های تحقیق

با توجه به جدول ۱۰، فرضیه صفر مبنی بر اینکه داده ها به صورت ترکیبی هستند به نفع فرضیه مقابل مبنی بر اینکه داده ها به صورت تابلویی هستند، رد می شود. لذا هر دو معادله باید از روش داده های تابلویی برآورد گردد. با توجه به همگنی بین داده ها، از روش اثرات ثابت^۱ برای برآورد داده های تابلویی استفاده می شود. لذا الگوی مورد استفاده برای تعیین جهت علیّت برای کشورهای OECD به صورت الگوی VAR-PANEL است.

آزمون علیّت بین رشد اقتصادی و مالیات، شامل تخمین رگرسیون دو طرفه زیر است:

$$RGDP_t = \mu_1 + \sum_{i=1}^l \alpha_{1i} RGDP_{t-i} + \sum_{i=1}^l B_{1i} Taxratio_{t-i} + e_{1t} \quad (1)$$

$$Taxratio_t = \mu_2 + \sum_{i=1}^l \alpha_{2i} Taxratio_{t-i} + \sum_{i=1}^l B_{2i} RGDP_{t-i} + e_{2t} \quad (2)$$

در اینجا ضریب معین (ثابت)، نوفه سفید^۳ هستند.

1Fixed Effects

۲ لازم به ذکر است که برای انتخاب بین روش اثرات ثابت و اثرات تصادفی برای هر دو معادله از آزمون هاسمن نیز استفاده شده است که با توجه به ماهیت همگنی بین داده ها و انتخاب روش اثرات ثابت و محدودیت حجم مقاله از آوردن این آزمون صرف نظر شده است.

3White Noise

در یک سیستم معادلات که متغیرها انباشته از یک درجه هستند، فرضیه صفر برای معادله اول این است که مالیات (TAX RATIO) سبب علی گرنجر رشد اقتصادی (RGDP) نیست. یعنی:

$$H_0 : \beta_1 = \beta_2 = \dots = \beta_{1l} = 0 \quad (3)$$

در معادله دوم، فرضیه صفر این است که رشد اقتصادی (RGDP) سبب علی گرنجر مالیات (TAX RATIO) نیست یعنی:

$$H_0 : \beta_{21} = \beta_{22} = \dots = \beta_{2l} = 0 \quad (4)$$

فرضیه های فوق، به وسیله آماره F استاندارد آزمون می شوند، همچنین وقفه بهینه توسط مقدار ضابطه اطلاعات آکائیک^۱ و ضابطه شوارز بیزین^۲ به دست می آید. مقدار وقفه بهینه بر اساس ضابطه های اطلاعات آکائیک و شوارز بیزین^۳ است.

جدول ۱۱ نتایج آزمون علی گرنجر الگوی VAR-Panel را نشان می دهد. این نتایج نشان می دهد که فرضیه صفر، مبنی بر این که رشد اقتصادی عامل علی گرنجر مالیات نیست در سطح معنی داری ۵ درصد رد نمی شود. همچنین، فرضیه صفر دیگر مبنی بر این که مالیات عامل علی گرنجر رشد اقتصادی نیست، در سطح معنی داری ۵ درصد رد می شود. لذا یک رابطه علی یک طرفه از مالیات به رشد اقتصادی در کشورهای OECD وجود دارد.

جدول ۱۱: آزمون علی گرنجر بین متغیرهای رشد اقتصادی و مالیات

| فرضیه صفر Taxratio عامل علی گرنجر RGDP (نیست) | Probability | F- Statistic | وقفه بهینه |
|---|-------------|--------------|------------|
| رد می شود | ۰/۰۳۷۵۵ | ۳/۳۴۴۳۹ | ۳* |
| فرضیه صفر (RGDP عامل علی گرنجر) Taxratio (نیست) | Probability | F- Statistic | وقفه بهینه |
| رد نمی شود | ۰/۲۹۶۲۹ | ۱/۲۲۴۹۰ | ۳* |

* وقفه بهینه بر اساس ضابطه اطلاعات آکائیک و ضابطه شوارز بیزین ۳ می باشد منبع: یافته های تحقیق

1Akaike Information Criterion

2Schwarz Bayesian Criterion

برای تعیین علامت و میزان تأثیر مالیات بر رشد اقتصادی در کشورهای OECD، نتایج حاصل از الگوی VAR-Panel در جدول ۱۲ آورده شده است. نتایج حاصل از این الگو نشان می‌دهد که در سطح معنی داری ۵ درصد مالیات، تأثیر منفی بر رشد اقتصادی داشته است و به ازای یک درصد افزایش در مالیات، ۰/۳۴ درصد رشد اقتصادی کشورهای OECD کاهش می‌یابد.

جدول ۱۲: نتایج حاصل از الگوی VAR-Panel

| متغیر | مقدار ضریب | خطای استاندارد | آماره T |
|--------------|------------|----------------|----------|
| C | -۰/۰۰۴۰۳۵ | ۰/۱۲۴۸۴ | -۰/۰۳۲۳۲ |
| Taxratio | -۰/۳۳۷۳۰۱ | ۰/۱۶۶۸۸ | -۲/۰۲۱۱۷ |
| Taxratio(-1) | ۰/۱۵۳۶۶۶ | ۰/۱۷۱۱۵ | ۰/۸۹۷۸۳ |
| Taxratio(-2) | -۰/۱۷۲۰۲۹ | ۰/۱۷۱۶۱ | -۱/۰۰۲۴۱ |
| Taxratio(-3) | -۰/۰۸۶۴۶۱ | ۰/۱۶۹۵۲ | -۰/۵۱۰۰۲ |
| RGDP(-1) | ۰/۰۴۶۴۰۳ | ۰/۰۷۶۱۳ | ۰/۶۰۹۵۳ |
| RGDP(-2) | -۰/۱۱۸۶۷۳ | ۰/۰۷۵۶۳ | -۱/۵۶۹۰۵ |
| RGDP(-3) | -۰/۱۸۴۳۱۹ | ۰/۰۷۵۵۵۹ | -۲/۴۳۸۲۶ |

منبع: یافته‌های تحقیق

۳-۴- کشورهای OPEC

نتایج به دست آمده تا این بخش از تحقیق دلالت بر این دارد که بین مالیات و رشد اقتصادی در ایران هیچ رابطه بلند مدت و هم‌جمعی وجود نداشته و این در حالی است که در کشورهای عضو OECD بین مالیات و رشد اقتصادی یک رابطه تعادلی بلند مدت وجود داشته و مالیات تأثیر منفی بر رشد اقتصادی این کشورها داشته است (همان طوری که شواهد تجربی بیان می‌کنند) این بخش از تحقیق به بررسی رابطه مالیات و رشد اقتصادی در کشورهای عضو اوپک می‌پردازد.

از ۱۱ کشور عضو اوپک به علت فقدان اطلاعات مربوط به شاخص‌های اصلی مورد استفاده در تحقیق حاضر، کشورهای عراق، لیبی، نیجریه، قطر و عربستان سعودی مورد استفاده قرار نگرفته‌اند؛ دوره مورد بررسی نیز از سال ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۱ می‌باشد.

به خاطر آزمون رابطه تعادلی بلند مدت بین مالیات و رشد اقتصادی در کشورهای OPEC، ابتدا از آزمون‌های ریشه واحد داده‌های تابلویی که توسط نرم افزار Eviews7 قابل اجرا است، استفاده می‌شود.

برای تحقق این امر از آزمون لوین، لین و چاو استفاده شده است که جدول زیر نتایج این آزمون را نشان می دهد.

جدول ۳۱: آزمون ریشه واحد RGDP و Taxratio^۱

| Hadri Z-stat | Fisher-PP | Fisher-ADF | IPS | Breitung t-stat | Levin, Lin and Chu | |
|---------------------|---------------------|---------------------|----------------------|----------------------|----------------------|-----------|
| ۵/۲۰۱۸۰ (۰/۰۰۰۰) | ۲۴/۸۱۹۹ (۰/۰۱۵۷) | ۲۶/۴۷۱۲ (۰/۰۰۹۲) | -۱/۸۰۶۵۷ (۰/۰۳۵۴) | -۰/۴۵۵۴۴ (۰/۳۲۴۴) | -۶/۳۵۶۴۴ (۰/۰۰۰۰) | RGDP |
| ۵/۹۴۲۵۲ (۰/۰۰۰۰) | ۲۶/۳۶۷۴ (۰/۰۰۹۵) | ۱۸/۱۸۵۹ (۰/۱۱۰۲) | -۰/۸۹۵۴۹ (۰/۱۸۵۳) | -۱/۵۰۰۵۴ (۰/۰۶۶۷) | -۳/۸۸۰۹۸ (۰/۰۰۰۱) | Taxratio |
| عدم ریشه واحد | وجود ریشه واحد | وجود ریشه واحد | وجود ریشه واحد | وجود ریشه واحد | وجود ریشه واحد | فرضیه صفر |

منبع: یافته های تحقیق

جدول ۱۴: نتایج آزمون همجمعی بین رشد اقتصادی و مالیات در کشورهای OPEC را نشان می دهد^۲.

جدول ۱۴-۱: آزمون همجمعی بین رشد اقتصادی و مالیات، آزمون پدرون

| Prob | Weighted Statistic | Prob | Statistic | |
|--------|--------------------|--------|-----------|---------------------|
| ۰/۳۲۰۱ | -۰/۶۶۳۷۷۰ | ۰/۲۶۱۳ | -۰/۹۲۰۰۹۳ | Panel v-Statistic |
| ۰/۳۵۲۰ | ۰/۵۰۰۳۳۱ | ۰/۳۳۶۲ | ۰/۵۸۵۰۲۱ | Panel rho-Statistic |
| ۰/۳۹۳۸ | -۰/۱۶۰۴۸۴ | ۰/۳۴۰۰ | -۰/۵۶۵۷۰۱ | Panel PP-Statistic |
| ۰/۳۹۲۶ | ۰/۱۷۸۹۹۷ | ۰/۳۹۴۷ | -۰/۱۴۶۴۵۵ | Panel ADF-Statistic |

منبع: یافته های تحقیق

جدول ۱۴-۲: آزمون همجمعی بین رشد اقتصادی و مالیات، آزمون کائو

| Prob | t-Statistic | |
|--------|-------------|-----|
| ۰/۴۶۲۵ | -۰/۰۹۴۱۳۷ | ADF |

منبع: یافته های تحقیق

آزمون های همجمعی پدرونی و کائو برای کشورهای عضو اوپک نشان می دهد که در سطح معنی دار ۵ درصد، هیچ معادله همجمعی و رابطه تعادلی بلند مدت بین متغیر رشد

۱ اعداد جدول، آماره آزمون (Statistic) و اعداد داخل پرانتز احتمال (prob) را نشان می دهند.

۲ لازم به ذکر است که آزمون فیشر یا جوهانسون ترکیب شده به علت عدم کافی بودن های سری زمانی قابل محاسبه نبود.

اقتصادی و مالیات وجود ندارد.

عدم وجود رابطه بلند مدت پایدار (روابط همجمعی) بین رشد اقتصادی و مالیات، بنا به نظر انگل و گرنجر (۱۹۸۱) (مبنی بر این که اگر دو متغیر سری زمانی همجمع باشند، حداقل یک رابطه مستقیم علی گرنجر وجود دارد). اشاره بر این دارد که هیچ رابطه مستقیم علی گرنجر بین متغیر رشد اقتصادی و مالیات در کشورهای عضو اوپک وجود ندارد.^۱

نتیجه گیری و پیشنهادها

درآمدهای مالیاتی در اقتصاد بسیاری از کشورهای جهان، یکی از مهم ترین منابع تأمین مالی دولت ها به شمار رفته و به عنوان یک ابزار مؤثر جهت سیاستگذاری های مالی محسوب می شوند. اما سؤالی که همواره برای اقتصاددانان و دولت مردان مطرح بوده، این است که آیا درآمدهای مالیاتی همواره باعث رشد اقتصادی می شود؟

تأثیر مالیات ها بر رشد اقتصادی را نمی توان از قبل مشخص کرد، زیرا بستگی دارد که سایر عوامل مانند سرمایه انسانی که در کنار سرمایه فیزیکی به کار گرفته می شود، چگونه شامل مالیات شوند. شواهد تجربی نیز در مورد اثر سیاست مالیاتی بر رشد گرچه اغلب حاکی از وجود رابطه منفی بین مالیات بر درآمد و رشد است، متفاوت بوده است. به این منظور در این تحقیق به بررسی رابطه علی بین شاخص مالیات (نسبت درآمدهای مالیاتی به GDP) و رشد اقتصادی در کشورهای ایران، کشورهای OECD و OPEC پرداخته شد.

نتایج حاصل از این تحقیق برای ایران طی سال های ۸۹-۱۳۴۲ حاکی از آن است که هیچ رابطه تعادلی بلند مدت و همجمعی بین مالیات و رشد اقتصادی وجود ندارد. این امر نشان می دهد که، علی رغم اهمیت درآمدهای مالیاتی به عنوان منابع بالقوه درآمدی دولت، متأسفانه این نوع درآمدها جایگاه واقعی خود را در ساختار اقتصادی کشور ما دارا نیستند. عمده ترین دلایل این امر را می توان در اتکای بیش از حد به درآمدهای نفتی و مشکلات موجود در ساختار نظام مالیاتی کشور دانست به همین خاطر در برنامه چهارم بیان شده است که دولت باید بتواند تا پایان برنامه چهارم بخش عمده ای از هزینه های جاری اش را از محل درآمدهایی که بخش عمده آن از مالیات است تأمین کند و دیگر به درآمدهای سرمایه ای اتکایی نداشته باشد که چنین امری محقق نشد. بنابراین، این یک هدف کمی است که می بایست در رویکردهای سیاستی مالی-اقتصادی کشور، به خصوص در بخش بودجه، مورد

۱ نتایج آزمون علی گرنجر برای کشورهای اوپک نیز دلالت بر این دارد که هیچ رابطه مستقیم علی گرنجر بین متغیر رشد اقتصادی و مالیات در کشورهای عضو اوپک وجود ندارد که به علت محدودیت حجم مقاله از آوردن این نتایج صرف نظر شده است.

توجه قرار گیرد. مشخصاً مالیات نیز یک هدف در آمدی است و بالتبع، نقش آن به عنوان یک منبع در آمدی بایستی در رویکردهای سیاستی کشور پررنگ شود.

همچنین نتایج این تحقیق نشان می دهد که بین مالیات و رشد اقتصادی در ۲۶ کشور عضو OECD طی سال های ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۱ یک رابطه تعادلی بلند مدت و رابطه علی، بین مالیات و رشد اقتصادی وجود داشته و مالیات در این کشورها تأثیر منفی بر رشد اقتصادی این کشورها داشته است. اما همین بررسی در کشورهای منتخب اوپک طی سال های ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۱ با استفاده از آزمون های همجمعی پدرونی و کائو نشان می دهد که هیچ رابطه تعادلی بلند مدت و همجمعی، بین مالیات و رشد اقتصادی وجود نداشته و مالیات نیز تأثیری بر رشد اقتصادی این کشورها نداشته است که این امر در واقع نشان دهنده اتکای اقتصاد این کشورها بر درآمدهای نفتی است. لذا با توجه به مطالعات انجام شده برای کشورهای OECD (که هم محققین خارجی انجام داده اند و هم از نتایج این تحقیق به شمار می رود) یکی از ملاک کارایی سیستم مالیاتی، آن است که بر رشد اقتصادی تأثیر منفی داشته باشد و در واقع هدف ما از انتخاب کشورهای OECD و مقایسه آن با ایران و اوپک این بوده است تا ملاکی برای نتایج به دست آمده برای تأثیر مالیات بر رشد اقتصادی در ایران و کشورهای اوپک داشته باشیم تا به این وسیله بتوانیم بیان کنیم که سیستم مالیاتی در ایران و اوپک کارایی لازم را ندارد و مالیات نیز تأثیری بر رشد اقتصادی ندارد نه به منزله این که تلقی کنیم که دیگر به مالیات در این کشورها نیازی نیست، بلکه باید سیستم مالیاتی در این کشورها به گونه ای باشد که بتواند همانند کشورهای OECD و پیشرفته عمل کند.

این نتایج به صورت کلی برای ایران نشان می دهد که سهم مالیات در سبد در آمدی افراد جامعه ایران بسیار اندک بوده، به طوری که بر خلاف کشورهای پیشرفته بر رشد اقتصادی کشور تأثیر منفی نداشته و بی تأثیر است. لذا این امر نشان می دهد که مالیات نمی تواند وظیفه عدالتی خود را در ایران درست انجام دهد و بالتبع باعث می شود مالیات کارکرد اصلی خود که توزیع عادلانه درآمد است را از دست دهد و باعث افزایش شکاف درآمدی در جامعه شود. در واقع اگر مالیات دارای کارکرد صحیح باشد به احتمال زیاد باید همانند سایر کشورهای پیشرفته و صنعتی بر رشد اقتصادی تأثیر منفی بگذارد. لذا مهم ترین توصیه سیاستی حاصل از این مقاله این است که زمانی می توانیم بیان کنیم که نظام مالیاتی و کارکردهای درونی آن در ایران می تواند در مسیر صحیح خود قرار گیرد که بتواند بر رشد اقتصادی جامعه تأثیر گذار باشد. لذا مالیات باید به عنوان یک هدف در آمدی مدنظر قرار گیرد و بالتبع نقش آن به عنوان یک منبع در آمدی باید در رویکردهای سیاستی کشور پررنگ شود.

منابع

- اسماعیل زاده، رضا (۱۳۸۵). رشد بهینه اقتصادی پایا و هزینه های عمومی در ایران: یک تحلیل پویا، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، اصفهان.
- پاریزی، محمد (۱۳۸۴). نشست ویژه مباحث اقتصادی، پژوهشکده امور اقتصادی، هفته پژوهش و فناوری، تهران.
- تاری، فتح الله و ستاری، رسول (۱۳۸۴). بررسی تاثیر مخارج دولت و مالیات ها بر رشد اقتصادی کشورهای عضو اوپک، پژوهش های اقتصادی ایران، شماره ۱۶، صص ۱۸۳-۱۵۳.
- ترازنامه های اقتصادی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، شماره های مختلف.
- جعفری صمیمی، احمد و حسن زاده جزدانی، علیرضا (۱۳۸۳). اثر مالیات بر رشد اقتصادی: مروری بر تحلیل های نظری و تجربی، پژوهش های اقتصادی، شماره ۲، صص ۶۷-۴۱.
- صبری بقایی، آذرخش و محمدزاده اصل، نازی (۱۳۸۲). شناخت جنبه های مختلف اثر بخشی مالیات در اقتصاد ایران، پژوهش های اقتصادی ایران، شماره ۸، صص ۱۹۸-۱۷۳.
- نماگرهای اقتصادی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره بررسی ها و سیاست های اقتصادی، شماره های مختلف.

Barry, W. P. & Jules G. K. (2008). State Income Taxes and Economic Growth. Cato

Journal. 28 (1): 53-71.

Bodie, Z., Alex, K., & Alan, M. J. (2001). Essentials of Investments (5th ed.), McGraw Hill, New York.

Dickey, D. A., & Fuller, W. A. (1981). Likelihood Ratio Statistics for Autoregressive Time Series With a Unit Root, *Econometrica*, 49(4), PP.1057-1071

Engle, R. F., & Granger, C. W. J. (1987). Cointegration and Error Correction: Representation, Estimation and Testing, *Econometrica*, No.50, PP.987-1007.

Enders, W. (1995). Applied Econometric Time Series, Wiley, New York .

Eviews 6 User Guide, www.Eviews.com

Funke, Michael and Strulik, Holger. (2003). Taxation, Growth and Welfare: Dynamic Effects of Estonia's 2000 Income Tax Act. Bank of Finland Institute for Economies in Transition, BOFIT, No.10.

Granger, C. W. J., & Newbold, P. (1974), Spurious Regressions in Econometrics, *Journal of Econometrics*, No.2, PP.111–120.

Gordon, Roger.H and Li, Wei. (2002). Taxation and Economic Growth in China , *Development Economics Working Papers*, No 187, PP 1-25.

IMF. (2003). *International Finance Statistics*, IFS CD-ROM.

Johansen, S. (1988). *Statistical Analysis of Cointegration Vectors*, *Journal of Economic Dynamics and Control*, No.12, PP.231–254.

Johansen, S. (1991). Estimation and Hypothesis Testing of Cointegration Vectors in Gaussian Vector Autoregressive Models, *Econometrica*, No.59, PP.1551–1580.

Johansen, S., & Juselius, K. (1990). Maximum Likelihood Estimation and Inference on Cointegration with Application to the Demand for Money, *Oxford Bulletin of Economics and Statistics*, No.52, PP.169–209

Lee, young & Gordon,H, Roger.(2005). Tax Structure and Economic Growth, *Journal of Public Economics*, Vol 89, PP 1027-1043.

Leach, Graeme. (2003). *The Negative Impact of Taxation on Economic Growth*, New Edition, REFORM, Institute of Directors , London .

McBride, William.(2012). *Global Evidence on Taxes and Economic Growth*, Tax Foundation Fiscal Fact No. 290.

MacKinnon, J. G. (1991). Critical Values for Cointegration Tests, In R. F. Engle, & C. W. J. Granger (Eds.), *Long-run Economic Relationships: Readings in Cointegration* (PP. 267–276). Oxford : Oxford University Press.

Ministry of Finance, Employment and Sustainable Growth of Scottish Government (2011). *Corporation Tax . Discussion Paper*. www.scot-

land.gov.uk

Myles, G.D. (2000). Taxation and Economic Growth, Fiscal Student, Vol 21, No.1, PP 141-168.

Mihai loan, Mutascu and et.al. (2007). The Taxes Impact on the Economic Growth: the Case of European Union , MPRA Paper, No 6143, PP. 211-219.

Osterwald-Lenum, M. (1992). A Note with Quantiles of the Asymptotic Distribution of the ML Cointegration Rank Test Statistics, Oxford Bulletin of Economics and Statistics, No.54, PP.461-472.

Phillips, P., & Perron, P. (1988), Testing for a Unit Root in Time Series Regression, Biometrika, Vol 75(2), PP.335-346.

Rohac, Dalibor.(2005). Taxation and Economic Growth: Reconciling Intuition and Theory, forthcoming in: Journal des Economistes et des Etudes Humaines.

Tatom, John.(2007). Is Tax Policy Retarding Growth in Morocco , MPRA Paper, No.6011, PP 1-25.

World Bank. (2006). World Development Report, CD-ROM.

بررسی وضعیت حقوق شهروندی در نظام اداری ایران و عوامل مؤثر بر آن

سید ضیاء هاشمی

مجید فولادیان

حسن رضایی بحرآباد

زینب فاطمی امین

چکیده

اساس حقوق شهروندی در این تحقیق بر مبنای تئوریک شهروندی، نظریات اسلامی، قانون اساسی و قوانین جاری در کشور است. بر پایه این مبانی، چارچوب نظری صورت بندی شده و بر اساس مدل نظری، فرضیه‌های تحقیق طراحی شدند. روش تحقیق از نوع پیمایش و مشاهده به صورت سیستماتیک است. در بخش پیمایش واحد مشاهده فرد و واحد تحلیل سازمان در نظر گرفته شده است و در بخش مشاهده، نامه واحد مشاهده و همچنین تحلیل سازمان است. جامعه آماری کارمندان و ارباب رجوع اداره های دولتی دو شهر تهران و مشهد است. حقوق شهروندی به عنوان متغیر اصلی تحقیق با دو شاخص و هر شاخص نیز با یک روش مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج بررسی شاخص اول یعنی رضایت ارباب رجوع از خدمات سازمانی و رعایت حقوق شهروندی در سطح نظام اداری نشان می‌دهد که؛ ۵۰٫۷ درصد ارباب رجوع به میزان کم، ۶۴٫۶ درصد به میزان متوسط و ۲۹٫۷ درصد به میزان زیاد از خدمات سازمانی و رعایت حقوق شهروندی رضایت داشتند. نتایج مشاهده نامه‌ها در بررسی امکانات محیطی سازمان در اداره ها نیز بیانگر آن است که در کل، سطح برخورداری از امکانات محیطی سازمانی به ترتیب در ادارات ثبت احوال، شرکت گاز و صنایع و معادن نسبت به سایر اداره ها بهتر بوده است.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی، نظام اداری، رضایت سیاسی، گرانباری نقش، رضایت

شغلی، امکانات محیطی سازمانی

مقدمه

سازمان بازرسی کل کشور، سند چشم‌انداز ۲۰ ساله خود را (در افق ۱۴۰۴) با تکیه بر فرامین و دستورهای بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره)، مقام معظم رهبری و سیاست‌های کلی نظام تدوین کرده است. "از جمله مهم‌ترین اهداف این سند تقویت حقوق شهروندی و قانون‌مداری، ارتقای کارآمدی نظام اداری و ایفای نقش محوری در مبارزه با فساد است." (نیازی، ۱۳۸۷). آگاهی از میزان رعایت حقوق شهروندی در ساخت نظام اداری کشور و اطلاع از کم و کیف و آسیب‌شناسی آن از اولویت‌های اصلی این سازمان در برنامه‌های طولیل مدت خود است تا بتواند با اطلاع از وضعیت نظام اداری کشور و رصد آن در حوزه شهروندی، سیاست‌های کلی نظام را پی‌گیری و تقویت کند زیرا رعایت حقوق شهروندی از شاخص‌های اصلی جوامع توسعه یافته و بالنده محسوب می‌شود و جوامعی که می‌خواهند بر مدار انسانی حرکت کنند و جایگاه و کرامت انسانی را پاس بدارند، باید حقوق شهروندی را ارج نهند (پور محمدی، ۱۳۸۷).

از سوی دیگر برای دست یافتن به اهداف کیفی و کلان در سطح جامعه ابتدا نیاز به اطلاعات دقیق از وضعیت حیطه‌ای است که قصد برنامه‌ریزی و تغییر در آن را داریم. سپس روند برنامه‌ریزی و ایجاد تحول انجام می‌گیرد و پس از آن دوباره می‌بایست وضعیتی که در آن تحولات انجام گرفته است مورد بازسنجی و رصد قرار بگیرد تا به این وسیله مسئول یا برنامه‌ریز بتواند تأثیر اجرای برنامه را در سطح جامعه بسنجد و بر اساس وضعیت رصد شده برنامه‌های خود را تغییر یا استمرار بخشد. برای دستیابی به این توانایی بازسنجی و رصد مداوم جامعه در حوزه رعایت حقوق شهروندی در اداره‌ها احتیاج به الگویی ثابت و استاندارد است تا بتوان در زمان‌های مختلف وضعیت جامعه را در آن حوزه مورد بررسی قرار داد.

بر همین اساس مقاله حاضر به بررسی وضعیت رعایت حقوق شهروندی در کشور در حال حاضر پرداخته است. اساس حقوق شهروندی در این تحقیق بر مبنای تئوریک شهروندی، نظریه‌های اسلامی و قانون اساسی و دیگر قوانین جاری در کشور است.

اصولاً مهم‌ترین حق شهروندان به عنوان ارباب رجوع در اداره‌های (دولتی و غیردولتی) این است که با آن‌ها طبق مقررات رفتار شود و نه از موضع بالاتر؛ تا مردم احساس کنند به آنان خدمت می‌شود و کرامت انسانی ایشان در جریان روند امور اداری رعایت شده و با همه‌ی مردم یکسان رفتار می‌شود. بنابراین هرگونه نقض مقررات و عدم رعایت موازین در مورد کارهای ارباب رجوع

نقض حقوق شهروندی ایشان محسوب می‌شود، مواردی مانند کاغذبازی، سردواندن‌های بی‌مورد، غیبت ناموجه از محل کار و مختل شدن روند امور اداری و... شاید بتوان مصادیق دیگری از نقض حقوق شهروندی توسط سازمان‌های دولتی را نیز برشمرد که البته بررسی آن‌ها از حیطه مورد انتظار این تحقیق خارج است؛ مواردی مثل نقض مالکیت خصوصی شهروندان، آلودگی محیط زیست، سد معبر و ایجاد ترافیک و... نقض حقوق شهروندی در اداره‌ها می‌تواند عوامل گوناگونی داشته باشد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها عوامل ساختاری است. عوامل ساختاری تمام آن محدودیت‌هایی است که در یک نظام اداری برای رعایت حقوق شهروندی وجود دارد. این محدودیت‌ها می‌تواند شامل قوانین اداری جاری در سازمان و یا تعدد تعداد ارباب رجوع و... باشد. بررسی عوامل ساختاری و غیرساختاری مؤثر بر عدم رعایت حقوق شهروندی از اهداف این پژوهش به شمار می‌رود.

بر این اساس پژوهش حاضر اهداف ذیل را دنبال می‌کند:

- تعیین وضعیت موجود نظام اداری کشور به لحاظ احترام به حقوق شهروندی
- تعیین رتبه بندی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر عدم رعایت حقوق شهروندی در ادارات کشور
- تعیین نقاط آسیب‌زا و تنگناها و مشکلات رعایت حقوق شهروندی در ادارات دولتی کشور
- ارایه راهکارها بر اساس نتایج تحقیق برای افزایش میزان رعایت حقوق شهروندی در نظام اداری کشور

سوابق تجربی و نظری شهروندی

۱- سوابق نظری

۱-۱- شهروندی چیست؟

شهروندی معادل لغت لاتین Citizenship، وضع رابطه‌ی موجود میان یک شخص طبیعی و یک جامعه‌ی سیاسی موسوم به دولت است که بر اثر آن اولی ملزم به وفاداری و دومی موظف به حمایت است (گولد، ۱۳۷۶: ۵۵۱). در علوم اجتماعی، شهروند کسی است که از حقوق مدنی برخوردار است (شایان مهر، ۱۳۷۷: ۳۸۲۹). در این مفهوم، برخورداری از حقوق و پذیرش تکالیف در ازای زندگی در شهر و ایفای نقش شهروندی نهفته است (جمشیدیان، ۱۳۸۳: ۶ و ۵).

عقاید مدرن شهروندی ارتباط نزدیکی با توسعه دولت لیبرال دارد که بنیان‌هایش تا پایان قرن شانزدهم ایجاد شده بودند. مفهوم مدرن شهروندی این است که کلیه افراد جایگاه ثابتی در کلیت

آن یافته اند، هر کس نقشی دارد که مطابق استعدادهایش مستحق آن است و وظایف و حقوقی که رشد کامل شخصیت و امنیت همگان را ممکن سازد تضمین می شود. نظریه حقوق فردی در قرن ۱۷ و ۱۸ با ستایش فرد و حقوق و آزادی های او همراه است، ولی در نوشته های معاصر هدف، حفظ منافع عمومی است. هدف اصلی آسایش انسان است، اما چون فرد نمی تواند دوازده اجتماع زندگی کند هر چه اجتماع منظم تر باشد آسایش او فراهم تر است (کاتوزیان، ۱۳۶۵: ۹۵). و بالاخره گردن نهادن به وظایفی که ناشی از شهروندی و برخورداری از حقوق شهروندی است مفهوم «شهروندی» به معنای امری را پدید آورده است (پیران، ۱۳۷۶: ۴۸).

حقوق شهروندی

حقوق شهروندی به عنوان حقوق افراد در جامعه که به وسیله دولت حفظ و تأمین می شود تعریف شده است، اما این خصلت و ویژگی منحصر به فرد حقوق شهروندی نیست. به طور کلی حقوق، تکالیفی را برای هر شخصی که آن ها را اعمال می کند دربردارد اما بعضی از حقوق، تکالیف و وظایف را از دیگران مطالبه می کنند. حقوق شهروندی محدودیت های معینی را بر قدرت حاکمیت دولت تحمیل می کند. در این زمینه «اچ. آر. جی. گریوز» می گوید: «حقوق شهروندی بهتر است که تکالیف و وظایف دولت در برابر اعضایش نامیده شود.» (گریوز، ۱۹۶۶). از آنجا که پژوهش حاضر معطوف به بخشی از حقوق شهروندی (که به سازمان ها مربوط است) می باشد، در این قسمت به ذکر آن دسته از نظریاتی می پردازیم که ناظر به رعایت حقوق شهروندی در اداره ها است، بخشی از عوامل مؤثر بر این مفهوم به کارمندان و برخی دیگر به ویژگی های ارباب رجوع مربوط است.

رفتار شهروندی سازمانی

مفهوم رفتار شهروندی سازمانی (OCB=ORGANIZATIONAL CITIZENSHIP BEHAVIOR) اولین بار توسط «باتمان» و «ارگان» در اوایل دهه ۱۹۸۰ ارائه شد و برای شناسایی مسئولیت ها و رفتارهایی بود که کارکنان در سازمان داشتند، اما اغلب نادیده گرفته می شد. این رفتارها با وجود اینکه در ارزیابی های سنتی عملکرد شغلی به طور ناقص اندازه گیری می شدند و یا حتی گاهی اوقات مورد غفلت قرار می گرفتند، اما در بهبود اثربخشی سازمانی مؤثر بودند (بینستوک و همکاران، ۲۰۰۳: ۳۶۰). این اعمال که در محل کار اتفاق می افتند را این گونه تعریف می کنند:

«مجموعه ای از رفتارهای داوطلبانه و اختیاری که بخشی از وظایف رسمی فرد نیستند، اما با این وجود توسط وی انجام و باعث بهبود مؤثر وظایف و نقش های سازمان می شوند» (اپل بام و همکاران، ۲۰۰۴: ۱۹). با این تعریف، از انسان به عنوان شهروند سازمانی انتظار می رود بیش از الزامات نقش خود و فراتر از وظایف رسمی، در خدمت اهداف سازمان فعالیت کند. به عبارت دیگر ساختار رفتار شهروندی سازمانی به دنبال شناسایی، اداره و ارزیابی رفتارهای فراتر از کارکنانی است که در سازمان فعالیت می کنند و در اثر این نوع رفتارها اثربخشی سازمانی بهبود می یابد (بینستوک و همکاران، ۲۰۰۳: ۳۶۱).

انواع رفتار شهروندی در سازمان

گراهام (۱۹۹۱)، معتقد است که رفتارهای شهروندی در سازمان سه نوع اند:

۱. اطاعت سازمانی: این واژه توصیف کننده رفتارهایی است که ضرورت و مطلوبیتشان شناسایی و در ساختار معقولی از نظم و مقررات پذیرفته شده اند. شاخص های اطاعت سازمانی رفتارهایی نظیر احترام به قوانین سازمانی، انجام وظایف به طور کامل و انجام دادن مسئولیت ها با توجه به منابع سازمانی است.
 ۲. وفاداری سازمانی: این وفاداری به سازمان از وفاداری به خود، سایر افراد و واحدها و بخش های سازمانی متفاوت است و بیان کننده میزان فداکاری کارکنان در راه منافع سازمانی و حمایت و دفاع از سازمان است.
 ۳. مشارکت سازمانی: این واژه با درگیر بودن در اداره سازمان ظهور می یابد که از آن جمله می توان به حضور در جلسات، به اشتراک گذاشتن عقاید خود با دیگران و آگاهی به مسائل جاری سازمان، اشاره کرد.
- این رفتارها مستقیماً تحت تأثیر حقوقی قرار دارد که از طرف سازمان به فرد داده می شود. در این چارچوب حقوق شهروندی سازمانی شامل عدالت استخدامی، ارزیابی و رسیدگی به شکایات کارکنان است. بر این اساس وقتی که کارکنان شاهد این موضوع اند که دارای حقوق شهروندی سازمانی هستند به احتمال بسیار زیاد از خود، رفتار شهروندی (از نوع اطاعت) نشان می دهند. از سوی دیگر کارکنان وقتی می بینند که دارای حقوق اجتماعی سازمانی (مانند امنیت و رضایت شغلی، حقوق و مزایای کافی و...) هستند به سازمان وفادار خواهند بود و رفتار شهروندی (از نوع وفاداری) از خود بروز می دهند و سرانجام وقتی که کارکنان می بینند به حقوق سیاسی آن ها

در سازمان احترام گذاشته می شود و به آن ها حق مشارکت و تصمیم گیری در حوزه های سیاستگذاری سازمان داده می شود، باز هم رفتار شهروندی (از نوع مشارکت) از خود نشان می دهند.

ابعاد رفتار شهروندی سازمانی

ارگان پنج بعد رفتار شهروندی را اینگونه بیان می دارد: وظیفه شناسی، نوع دوستی، فضیلت شهروندی (مدنی)، جوانمردی (تحمل پذیری)، احترام و تکریم (اپل بام و همکاران، ۲۰۰۴: ۱۹). بعد وظیفه شناسی نمونه های مختلفی را در بر می گیرد و در آن اعضای سازمان رفتارهای خاصی را انجام می دهند که فراتر از حداقل سطح وظیفه ای مورد نیاز برای انجام آن کار است (ارگان، ۱۹۸۸: ۹). ارگان همچنین معتقد است افرادی که دارای رفتار شهروندی مترقی هستند، در بدترین شرایط و حتی در حالت بیماری و ناتوانی هم به کار ادامه می دهند، که این نشان دهنده وظیفه شناسی بالای آن ها است.

دومین بعد رفتار شهروندی یعنی نوع دوستی به رفتارهای مفید و سودبخشی از قبیل ایجاد صمیمیت، همدلی و دلسوزی میان همکاران اشاره دارد که خواه به شکل مستقیم و یا غیرمستقیم به کارکنانی که دارای مشکلات کاری هستند کمک می کند. البته برخی از صاحب نظران رفتار شهروندی مانند پودساکف، ابعاد نوع دوستی و وظیفه شناسی را در یک طبقه قرار می دهند و از آن ها به عنوان «رفتارهای کمکی» نام می برند.

بعد سوم رفتار شهروندی که فضیلت مدنی نام دارد، شامل رفتارهایی از قبیل حضور در فعالیت های فوق برنامه و اضافی، آن هم زمانی که این حضور لازم نباشد، حمایت از توسعه و تغییرات ارایه شده توسط مدیران سازمان و تمایل به مطالعه کتاب، مجلات و افزایش اطلاعات عمومی و اهمیت دادن به نصب پوستر و اطلاعیه در سازمان برای آگاهی دیگران، می شود. براین اساس گراهام معتقد است که یک شهروند سازمانی خوب نه تنها باید از مباحث روز سازمان آگاه باشد بلکه باید درباره آن ها اظهار نظر کند و در حل آن ها نیز مشارکت فعالانه داشته باشد (ارگان، ۱۹۸۸: ۱۲).

جوانمردی یا تحمل پذیری چهارمین بعد رفتار شهروندی است که به شکلیایی در برابر موقعیت های نامطلوب و نامساعد، بدون اعتراض، نارضایتی و گلایه مندی اشاره می کند. و آخرین بعد رفتار شهروندی سازمانی، احترام و تکریم است، این بعد بیان کننده نحوه رفتار افراد با

همکاران، سرپرستان و مخاطبان سازمان است. افرادی که در سازمان با احترام و تکریم با دیگران رفتار می کنند دارای رفتار شهروندی مترقی هستند (کاسترو، آرماریو و رویز، ۲۰۰۴: ۳۰). البته تقویت رفتار شهروندی، مانند هر رفتار دیگری که از افراد سر می زند، نیاز به ترغیب و تشویق دارد و مدیران سازمانی می توانند با وضع سیاست ها و راهبردهای مناسب، در جهت شکوفاتر شدن رفتارهای شهروندی در سازمان تلاش کنند. برخی از این اقدام ها عبارتند از دقت و وسواس در فرایند جذب و گزینش کارمندان بر مبنای التزام به رفتار شهروندی سازمانی، اجرای برنامه های مستمر آموزشی برای کارکنان، ایجاد سیستم هایی منظم و منطقی برای ارایه پاداش و ارزیابی عملکرد و جبران خدمات در ازای حسن انجام کار و نیز رفتار شهروندی سازمانی و ...

نظریه فرهنگ و جو سازمانی

فرهنگ سازمانی مجموعه ای مسلط و بهم پیوسته از باورهای مشترک است که توسط نهادها انتقال می یابند. فرهنگ سازمانی را می توان بر روی یک پیوستار از نیرومند تا ضعیف قرار داد. در سازمان هایی که فرهنگ نیرومندی وجود دارد افراد به گونه ای ناخود آگاه از مفروضه های مشترک آگاهی دارند، ارزش ها و باورهای سازمانی را می دانند و با این مفروضه ها، ارزش ها و باورها موافقت و همانگونه که انتظار می رود رفتار می کنند. از این رو رضایت آنان از کار در سازمان مربوطه به صورت چشمگیر است اما در فرهنگ سازمانی ضعیف، افراد با این باورها موافق و همراه نیستند و از این رو نسبت به فرهنگ سازمانی خود متمرد شده در مقابل آن حالت تدافعی یا خصومت می گیرند. از سوی دیگر از فواید اساسی یک فرهنگ سازمانی نیرومند می توان ارتباطات آسان تر، همکاری بیش تر و رضایت شغلی افزون تر را نام برد (هومن، ۱۳۸۱: ۷۱). به اعتقاد کورمن (۱۳۷۸) جو سازمانی مجموعه ای از ادراک های توصیفی و غیر ارزشی از خصوصیت سازمانی (رهبری، خط مشی های سازمانی، خصوصیات شغلی) است. اما برخی از متخصصان جو سازمانی را صرفاً نام دیگری برای نگرش های شغلی می دانند، به نظر آن ها بیان این مطلب که یک سازمان از لحاظ حمایت از شخصیت کارکنان در سطح بالایی قرار دارد به معنای آن است که جو آن بسیار مطلوب و خوب است و کارکنان رضایت شغلی دارند، اما اگر برعکس باشد و حمایت از شخصیت کارکنان در سطح پایینی قرار داشته باشد افراد رضایت شغلی کمی دارند (هومن، ۱۳۸۱: ۷۳).

حاکمیت مشتری در فرهنگ سازمانی

مشتری مداری رویکردی نوین است که مبین مجموعه ای از ارزش های مشترک است که مورد توافق تمامی کارکنان سازمان قرار گرفته و معرف تعهد جمعی نسبت به اولویت دادن به مشتری در همه تصمیم گیری های عملیاتی و مدیریتی است. این مفهوم از همه کارکنان در سازمان می خواهد که راجع به شغل خود بر اساس چگونگی ارایه ارزش برتر به مشتری فکر کنند. فرهنگ سازمان؛ مشتری مدار، انعطاف پذیر، انطباق پذیر و پاسخگو است. فرهنگی که از سکون دوری می جوید، به طور مستمر بهبود می بخشد، می آموزد و به دنبال ایده های تازه است. بدین لحاظ ایده ها و افکار جدید از همه طرف، از سوی کارکنان و به ویژه از طرف مشتریان به تشکیلات سرازیر می شود و سازمان را همواره پویا و پیشرو نگه می دارد. از ویژگی های فرهنگ انعطاف پذیر این است که از مجرای انعطاف پذیری و از نظر استراتژیک به محیط خارجی توجه دارد و کوشش می کند تا نیازهای مشتریان تأمین گردد (دفت، ۱۳۷۴: ۶۳۴). نکته اساسی، نحوه بررسی شکایت مشتری است که بایستی در زمان مناسب و به صورت مؤثری انجام شود در این راستا بایستی مکانیزمی درون سازمانی ایجاد و اجرا شده باشد که شکایت مشتری توسط مدیریت ارشد مشاهده شود.

برخی از روش های نهادینه کردن حاکمیت مشتری (ارباب رجوع) عبارتند از: خلق فرهنگ مشتری مدار، توانمندسازی کارکنان، سنجش مستمر کیفیت عملکرد، شناخت نیازهای مشتریان، مدیریت شکایات و تأمین رضایت شغلی کارکنان (جعفری، ۱۳۸۲).

نظریه رضایت شغلی

ویکتور وروم در زمینه رضایت شغلی می گوید: «رضایت شغلی یک نوع برداشت ذهنی است که فرد نسبت به شغلش دارد و انجام کار، یک نوع رفتار سازمانی است.» بنابراین رضایت کار در اثر عوامل کاملاً متفاوتی به وجود می آید (شفیع پور، ۱۳۷۹).

نظریه های زیادی هستند که عوامل مؤثر بر رضایت شغلی را نشان می دهند مانند نظریه اختلاف، نظریه سیستم ها، نظریه دو عاملی هرزبرگ، نظریه امنیت شغلی، نظریه برابری و ... همچنین در زمینه رضایت شغلی متغیرهای زیادی وجود دارد که در چهار گروه کلی بدین شرح هستند:

عوامل سازمانی مانند حقوق و مزایا، پاداش، ترفیع، سلامت و امنیت، تناسب بین توانایی های فرد و شغل مورد نظر، سازگاری شغلی و خط مشی سازمانی (کوهن و کول، ۲۰۰۴).

عوامل محیطی مانند سبک سرپرستی و رفتار دوستانه با کارکنان، گروه کاری، اندازه گروه کاری و کیفیت ارتباطات متقابل شخصی، شرایط کاری مثل دما، رطوبت، تهویه، روشنایی، سروصدا و... (مهدوی و روحی عزیزی، ۱۳۷۹: ۵۰).

ماهیت کار که دارای دو جنبه است: یکی محدوده شغل است که شامل میزان مسئولیت، اقدام های کاری و بازخورد است. هر چه این عوامل وسیع تر باشد باعث افزایش حیطه شغلی می شود که آن نیز به نوبه خود رضایت شغلی را فراهم می آورد. دومین جنبه عبارتست از تنوع کاری؛ تحقیقات نشان می دهد که تنوع کاری متوسط مؤثرتر است. تنوع وسیع باعث ابهام و استرس می شود و از طرف دیگر تنوع کم نیز باعث یکنواختی و خستگی می شود که در نهایت منجر به عدم رضایت شغلی می گردد. ابهام در نقش و تضاد در نقش همواره از سوی کارکنان مورد اجتناب قرار گرفته است زیرا اگر کارکنان، کاری که انجام می دهند و انتظاری که از آن ها می رود را نشانند، موجبات ناخشنودی آن ها فراهم می گردد و سرانجام عوامل فردی مانند صفات و ویژگی های کارمند مانند نگرش به کار، سن، ارشدیت و سابقه و... (مهدوی و روحی عزیزی، ۱۳۷۹: ۵۰).

نظریه نقش

نقشی که یک کارمند در یک سازمان انجام می دهد می تواند به وسیله عوامل مختلفی مختل گردد، این عوامل یا شرایط که به آن ها عوارض نقش می گوئیم در سه عنوان کلی قابل بررسی هستند:

تعارض نقش: جوامع هر چه دارای ساخت پیچیده تری باشند، پدیده تعدد نقش ها بیش تر مشاهده می گردد. نتیجه تعدد نقش ها، پدیده دیگری است که اصطلاحاً آن را تضاد، یا ستیز یا تعارض نقش ها گویند، تضاد نقش ها بدین معناست که در نتیجه تعدد نقش ها بین برخی از نقش های اجتماعی فرد با نقش های دیگر وی تضاد در می گیرد. بعضی از نقش های فرد با یکدیگر سازگار نبوده و در مواردی نیز حتی یک نقش واحد ممکن است به تنهایی بقیه نقش های فرد را تحت الشعاع قرار دهد.

گرانباری نقش: عبارت است از فراوانی وظایف یک موقعیت یا به عبارت دیگر سنگین بودن و زیاد بودن وظایف یک موقعیت اجتماعی. گرانباری نقش در واقع ناهماهنگی میان نظام اجتماعی و ارگانیزم است. این مشکل برای افرادی که نقش های متعددی بر عهده دارند و ارگانیزم آن ها هم زمان تحت سیطره چند نظام اجتماعی است، بیش تر پیش می آید. بررسی ها نشان می دهد که گرانباری

نقش دارای رابطه معکوس با رضایت می باشد (جهانیان، ۱۳۷۵؛ رحمانی، ۱۳۷۵؛ طالبان، ۱۳۷۴).

ابهام نقش: به روشن و مشخص نبودن اهداف، مسئولیت ها و محدودیت ها اطلاق شده و به عواملی مثل پیچیدگی تکالیف، تکنولوژی و تغییر سریع و مداوم سازمان مربوط می باشد. به بیان دیگر ابهام نقش موقعی رخ می دهد که انتظاراتی که در محیط کار از یک فرد وجود دارد نامشخص باشد و ممکن است به خاطر عدم درک انتظار، عدم آشنایی با نحوه انجام کار و یا عدم اطلاع از نتایج آن باشد؛ اگر واقعاً مطمئن نباشیم از ما چه انتظاری می رود یا چگونه باید آن را انجام دهیم، در موقعیتی مبهم قرار داریم (میچل، ۱۳۷۳: ۲۴۸ به نقل از بارتل، ۲۰۰۶: ۷۴).

نظریه اعتماد و رضایت سیاسی

اعتماد سیاسی عبارت از تمایلات عاطفی فرد نسبت به نظام سیاسی و اعتماد به حکومت و برنامه ها و سیاست های دولت است. اعتماد سیاسی محرک رفتار سیاسی فرد است. اعتماد سیاسی همانند اعتماد اجتماعی، بازتاب شرایط بیرونی و عینی است. اعتماد کم تر نشان می دهد که نظام سیاسی (سیاستمداران، نهادها یا هر دو) اشکال دارد. ممکن است عملکرد آن ها ضعیف باشد یا انتظارات مردم بیش از حد بالا باشد، اما در هر حال، کمبود اعتماد نشان می دهد که یک جای کار عیب دارد. اعتماد سیاسی می تواند به عنوان نوعی جهت گیری نسبت به حکومت تلقی شود به گونه ای که بدبینی و بدگمانی سیاسی بیان این عقیده است که حکومت به طرز صحیحی عمل نمی کند و دستاورد ها، مطابق توقعات و انتظارات فردی تحقق پیدا نمی کنند. برداشت از دولت و اعتماد به آن ناشی از برآیند برداشت ها از سازمان های دولتی است. در این نظریه فرض می شود که کیفیت عملکرد به رضایت مندی از دولت منجر می شود (دیان، ۲۰۰۲: ۱۰). اعتماد و رضایت سیاسی هم بر رضایت و عملکرد کارکنان و هم بر رضایت ارباب رجوع در یک سازمان دولتی تأثیر می گذارد.

ب- سوابق تجربی

پدیده شهروندی در ایران آنچنانکه باید مورد توجه جامعه شناسان قرار نگرفته است، با این وجود به مرور چند مورد از پژوهش هایی که نگاهی جامعه شناختی به بررسی پدیده شهروندی و وضعیت آن در ایران داشته اند، می پردازیم. این پژوهش ها دو دسته اند:

نخستین دسته شامل مطالعاتی است که با رویکرد نظری به مباحث شهروندی پرداخته اند

مانند حقوق شهروندی در اسلام و لیبرالیسم (آذرنیا، ۱۳۸۶)، مدنیت و شهروندی در جامعه (پژوهنده، ۱۳۷۹)، واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران (توسلی و نجاتی، ۱۳۸۳)، بررسی جامعه‌شناختی مفهوم شهروندی با رویکرد دین اسلام (صارمی، ۱۳۸۵)، بررسی معیارهای سیاسی مؤثر بر رعایت حقوق شهروندی در سازمان‌های دولتی (طهماسبی، ۱۳۸۶)، قانون اساسی و حقوق شهروندان (وردی نژاد، ۱۳۷۷ و امین، ۱۳۷۷)، نهاد ملی حقوق شهروندی (مقامی، ۱۳۸۶)، نظریه شهروندی در فرهنگ و تمدن ایرانی (تقی زاده، ۱۳۸۱). این مطالعات که عمدتاً به روش‌های اسنادی و کتابخانه‌ای صورت گرفته‌اند حاوی نتایجی هستند که مهم‌ترین آن‌ها به اجمال چنین است:

- در ایران در حوزه شهروندی سیاسی، نوعی مشارکت منفعلانه به سود دولت وجود دارد اما در حوزه اجتماعی این قوانین تعامل بیش‌تری با مفهوم شهروندی دارد (توسلی و نجاتی، ۱۳۸۳).

- مفهوم شهروندی بازتاب کم‌رنگی در برنامه‌های توسعه داشته است و برای پیشرفت در این زمینه نیاز به قوانین موضوعه روشن و شفاف و به دور از ابهام احساس می‌شود (توسلی و نجاتی).

- مشکل عمده مجموعه قوانین مرتبط با حقوق شهروندی در ایران، فقدان پیش‌بینی لازم برای برخورد قانونی با دستگاه‌هایی است که از اجرای این اصول سرباز می‌زنند و یا زمینه لازم را برای تحقق آن فراهم نمی‌نمایند و لذا هیچ مکانیسمی وجود ندارد که شهروند ایرانی بتواند حق خود را بگیرد.

- مدیران و کارکنانی که به حزب حاکم گرایش دارند رفتار شهروندی بالاتری از دیگران دارند و بالعکس (طهماسبی، ۱۳۸۶).

دومین دسته از سوابق تجربی مربوط به شهروندی در ایران شامل آن دسته از پژوهش‌های نظری- عملی است که به روش‌های میدانی و پیمایشی انجام شده‌اند. این پژوهش‌ها را می‌توان در دو بخش تقسیم‌بندی کرد. نخست آن‌هایی که به بررسی وضعیت متغیرهایی مانند وضعیت شهروندی، آگاهی و عمل شهروندی، رعایت حقوق شهروندی، عوامل مؤثر بر رفتار شهروندی سازمانی و ... در شهرهای مختلف کشور و سازمان‌ها و اداره‌های گوناگون پرداخته‌اند و دیگر آن دسته از پژوهش‌هایی که مشخصاً به سنجش ارزیابی عملکرد و تعیین عوامل مؤثر بر اجرای طرح تکریم ارباب رجوع در ادارات شهرهای مختلف ایران پرداخته‌اند.

مهم ترین نتایج حاصله از این پژوهش‌ها که مرتبط با موضوع پژوهش حاضر هستند به اختصار در ذیل آمده‌اند:

- عدم توازن میان ارزش‌های عام گرایانه و خاص گرایانه و نیز منافع خودخواهانه، فرقه‌ای و دسته‌ای بزرگ‌ترین چالش در مقابل ایجاد شهروندی در ایران است (ذکایی، ۱۳۸۰).
- آگاهی شهروندان موجب رسیدن ایشان به حقوق شهروندی‌شان است (باغستانی برزکی، ۱۳۸۷).
- آگاهی بیش تر از حقوق شهروندی منجر به انجام بیش تر وظایف و تعهدات شهروندی می‌شود (حاجی‌نیا، ۱۳۸۶).
- رفتار شهروندی سازمانی بر روی کیفیت خدمات سازمان اثر مثبت دارد (فتاحی، ۱۳۸۶).
- رابطه مثبت و معنی داری بین عدالت سازمانی و شهروندی سازمانی وجود دارد و بخش زیادی از تغییرات رفتار شهروندی سازمانی را می‌توان با عدالت سازمانی تبیین کرد (مرادی چالشری، ۱۳۸۷).
- بین اجرای طرح تکریم ارباب رجوع و رضایت مراجعین رابطه معنی داری وجود دارد (شکری، ۱۳۸۴ و رضایی، ۱۳۸۳).
- با تغییر ملاک‌های تشویق و تنبیه کارکنان و مدیران، شاهد اجرای موفق تر طرح تکریم خواهیم بود (محرابیان، ۱۳۸۴).
- عوامل اطلاع‌رسانی و موقعیت شغلی کارکنان دارای اولویت بالا برای نیل به رضایت ارباب رجوع هستند (عباسپور، ۱۳۸۵).
- لازم به توضیح است که بخش زیادی از نتایج بالا در تهیه مدل و شاخص‌های تحقیق حاضر به کار رفته است^۱.

چارچوب نظری تحقیق

هدف اصلی این تحقیق سنجش میزان رعایت حقوق شهروندی در نظام اداری ایران و بررسی عوامل آن است. به زعم محقق و بر اساس پیشینه نظری و تجربی، ابعاد اصلی این متغیر در ایران در طرحی که شورای عالی اداری کشور با عنوان «طرح تکریم مردم و جلب رضایت ارباب رجوع در نظام اداری» تهیه و ابلاغ کرده است تجلی پیدامی‌کند. بنابراین از آنجا که طرح «تکریم ارباب رجوع» به عنوان یک الگوی بومی شده از حقوق شهروندی در سازمان‌ها مطرح است، سنجش میزان تحقق آن می‌تواند تا حد زیادی میزان رعایت حقوق شهروندی در نظام اداری را نشان دهد.

۱) متغیرهایی مثل گرایش سیاسی، میزان آگاهی، رضایت شغلی، اطلاع‌رسانی محیطی، عام‌گرایی و ...

در یک نگاه کلی منویات اصلی طرح مذکور را می توان در دو عنوان اصلی تقسیم بندی کرد: (۱) تأمین امکانات محیطی - سازمانی (مثل ابزارهای اطلاع رسانی، روش های دریافت و رسیدگی به شکایات و...)

(۲) تأمین و سنجش مستمر رضایت ارباب رجوع در سازمان ها بنابراین متغیر وابسته این تحقیق نیز دارای همین دو بعد است: وجود امکانات محیطی - سازمانی و تأمین رضایت ارباب رجوع، با این توضیح که بعد اول این متغیر، خود دارای اثرگذاری بر بعد دوم بوده و به نوعی یک متغیر مستقل برای آن به شمار می رود.

اکنون به ذکر متغیرهای مستقل تحقیق (که بر بعد دوم متغیر وابسته یعنی رضایت ارباب رجوع تأثیر می گذارد) و نحوه اثر گذاری آن ها بر متغیر وابسته می پردازیم:

- رضایت شغلی کارمند: رضایت ارباب رجوع تأمین نخواهد شد مگر آنکه قبل از آن رضایت کارمندان یک سازمان تأمین شده باشد. رضایت کارمندان بر انگیزه خدمت و به تبع آن حسن انجام وظیفه آنان تأثیر گذاشته موجب تأثیر گذاری بر رضایت ارباب رجوع می شود. به عبارت دیگر رضایت کارمند و ارباب رجوع رابطه مستقیم و مثبت با یکدیگر دارند. البته رضایت شغلی یک سازه پیچیده و چند بعدی است که سنجش دقیق و همه جانبه آن یک تحقیق مستقل می طلبد لذا به دلیل محدودیت، ما در این تحقیق تنها برخی از ابعاد اصلی این سازه مثل حقوق و مزایا، امنیت شغلی، گرانباری شغلی و ... را سنجیده ایم.

- عوارض نقش: منظور از عوارض نقش، نارسایی های مربوط به نقش است که کارمند یک سازمان در راه ایفای نقش کارمندی با آن روبرو می شود. تعارض نقش، گرانباری نقش و ابهام نقش سه بعد عوارض نقش را تشکیل می دهند. می توان چنین گفت که هرچه عوارض نقش یک کارمند بیش تر باشد اجرای وظیفه برای او دشوارتر و موانع بر سر راه آن بیش تر خواهد بود و هنگامی که کارمند وظایف خود را به درستی انجام ندهد قطعاً رضایت ارباب رجوع نیز حاصل نخواهد شد.

- آگاهی کارمند: منظور از آگاهی کارمند، میزان شناخت او از ویژگی ها، خواسته ها و حقوق ارباب رجوع است. هرچه آگاهی کارمند به معنای یاد شده بیش تر باشد، امکان خدمت رسانی وی به ارباب رجوع و در نتیجه تأمین خواسته ها و رضایت آن ها بیش تر می شود. این آگاهی به نوبه خود

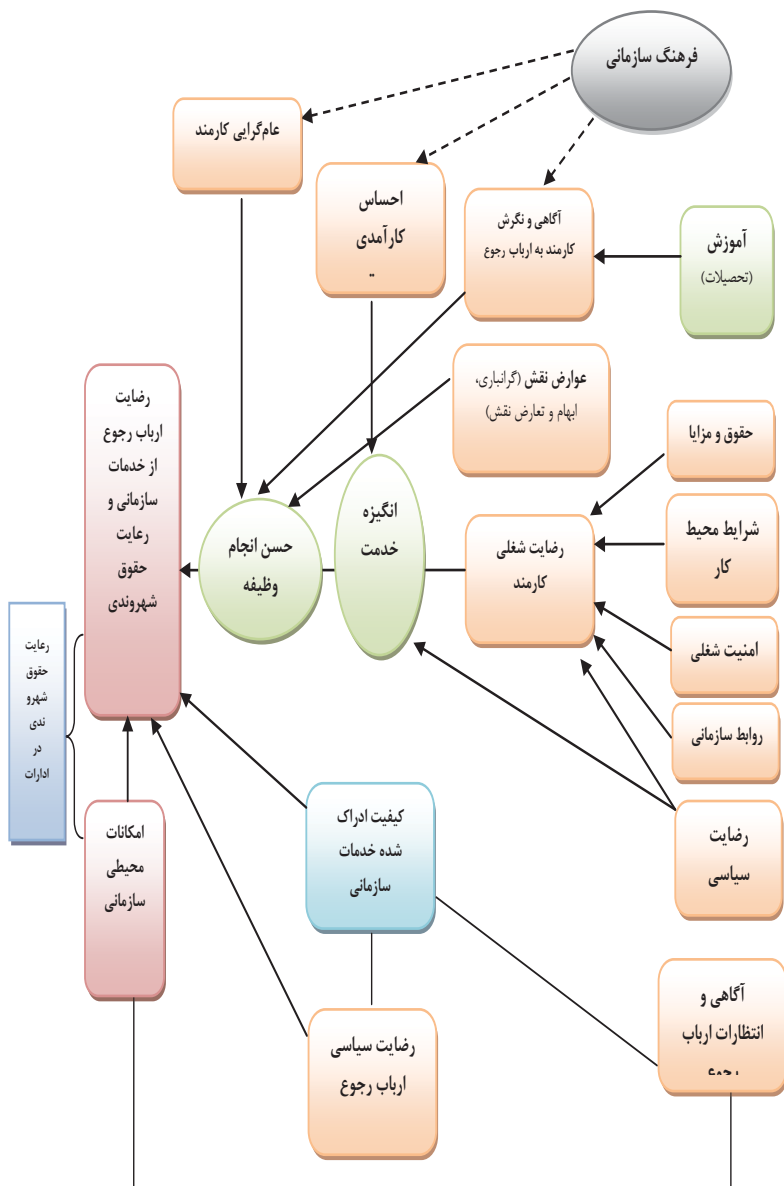
متأثر از متغیرهای دیگری مثل فرهنگ سازمانی، آموزش، نگرش وی نسبت به ارباب رجوع و... است. آگاهی و انتظارات ارباب رجوع: آگاهی ارباب رجوع نسبت به حقوق شهروندی خویش سبب بالا رفتن انتظارات وی از سازمان می‌شود و این انتظارات در رابطه با کیفیت ادراک شده خدمات، به نوبه خود بر میزان رضایت ارباب رجوع از سازمان تأثیر می‌گذارد. آگاهی ارباب رجوع، خود متأثر از شیوه‌های اطلاع‌رسانی است که بخشی از آن بعد نخست متغیر وابسته تحقیق را تشکیل می‌دهد، به عبارت دیگر یکی از مکانیسم‌های تأثیرگذاری بعد نخست متغیر وابسته (امکانات محیطی - سازمانی) بر بعد دوم آن (رضایت ارباب رجوع) همین آگاهی ارباب رجوع است.

- رضایت سیاسی کارمندان و ارباب رجوع: با توجه به نظریات مطرح شده و همانگونه که در پیشینه تحقیق نیز آمد، رضایت سیاسی از متغیرهای تأثیرگذار بر رضایت ارباب رجوع است. رضایت سیاسی کارمندان از طریق تأثیرگذاری بر رضایت شغلی از یک سو و از سوی دیگر با تأثیر بر روی انگیزه خدمت و حسن انجام وظیفه، بر رضایت ارباب رجوع تأثیر می‌گذارد. رضایت سیاسی ارباب رجوع نیز بر نگرش آن‌ها (مثبت یا منفی) نسبت به سازمان و کیفیت ادراک شده خدمات آن تأثیر گذاشته و موجب افزایش یا کاهش رضایت آن‌ها از سازمان می‌شود.

- عام‌گرایی کارمند: عام‌گرایی زمینه‌ساز احساس مسئولیت، مشارکت و تعادل اجتماعی است و بالعکس روابط خاص گرایانه پیامدهای زیان‌باری چون فساد اداری، کم‌کاری، بی‌نظمی و از هم پاشیدگی سازمان اجتماعی را به دنبال خواهد داشت. منظور از میزان خاص‌گرایی - عام‌گرایی در سازمان، جهت‌گیری کارمند نسبت به تعمیم قوانین و رفتارهای سازمانی به دیگران است. هرچه او وظایفش را نسبت به همه ارباب رجوع یکسان انجام دهد و قوانین را برای همه محترم بشمارد و فرقی میان آشنایان و دوستان با دیگرانی که آن‌ها را نمی‌شناسد نگذارد، میزان عام‌گرایی او بیش‌تر است و بالعکس. می‌توان گفت هرچه میزان عام‌گرایی کارمندان بیش‌تر باشد، رضایت ارباب رجوع بیش‌تر خواهد شد.

- سیستم پاداش دهی به ازای رفتار شهروندی: اگر کارمندان یک سازمان به ازای انجام رفتار شهروندی از جمله جلب رضایت ارباب رجوع، پاداش مناسب دریافت کنند، انگیزه خدمت آنان بالا رفته و در نتیجه رضایت ارباب رجوع نیز افزایش می‌یابد.

شکل ۱: نمودار فرهنگ سازمانی



روش تحقیق

در پژوهش حاضر، با توجه به شرایط و موضوع بررسی دوروش «پیمایش» و «مشاهده» انتخاب شده است. برای بررسی نگرش‌ها و نظرات کارمندان و ارباب رجوع از روش پیمایش و برای بررسی وضعیت هر سازمان از نظر امکانات محیطی و سازمانی از روش مشاهده استفاده شد. از آنجا که امکانات سازمانی و محیطی جزء عوامل ساختاری است آن را تنها می‌توان با روش مشاهده مورد بررسی قرار داد. از این رو ما پس از بررسی مقدماتی و به‌دست آوردن اطلاعات مقدماتی لازم و ساخت مشاهده‌نامه‌ای با معرف‌های دقیق، روش مشاهده غیرمشارکتی سیستماتیک در محیط را برای انجام تحقیق به کار گرفتیم^۱.

جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه تحقیق

جامعه آماری در این تحقیق شامل تمام اداره‌های دولتی دو شهر تهران و مشهد است. در این راستا ابتدا با استفاده از نمونه‌گیری قضاوتی یا تعمدی، از میان اداره‌های دولتی کشور تعداد ۴۹ اداره به عنوان نمونه انتخاب شدند، سپس از آنجا که ما فهرست دقیقی از تعداد کارکنان و مراجعین اداره‌های انتخاب شده را در اختیار نداشتیم مجبور شدیم از شیوه نمونه‌گیری غیراحتمالی استفاده کنیم. به این منظور با استفاده از نمونه‌گیری سهمیه‌ای ابتدا از میان کارکنان اداره‌های فوق، تعدادی را بر حسب رده سازمانی انتخاب کردیم و سپس از میان ارباب رجوع اداره‌های فوق، تعدادی را بر حسب جنس و سن به وسیله نمونه‌گیری زمانی انتخاب نمودیم. در نهایت تعداد ۱۰۴۲ نفر از میان کارمندان دو شهر تهران و مشهد و ۸۹۲ نفر از میان ارباب رجوع این سازمان‌ها انتخاب نمودیم. در تمام این ۴۹ سازمان مشاهده‌نامه‌های مربوط به امکانات محیطی سازمانی توسط دو مشاهده‌گر ثابت برای هر سازمان تکمیل گردید.

۱. مهم‌ترین و حساس‌ترین قسمت این مرحله ایجاد یک سیستم مقوله‌بندی مناسب برای ثبت مشاهدات است (قاضی طباطبایی، ۱۳۷۴: ۷۷).

برای این منظور ابتدا ما یک طرح مشاهده (مشاهده‌نامه) تهیه می‌کنیم که در آن ابتدا:

الف- موارد (Items) مشاهده را آماده می‌کنیم.

ب- سپس هر Item مشاهده را به طبقات (Categories) تقسیم می‌کنیم.

ج- در پایان واحدهای مشاهده‌مان را مشخص می‌نماییم (رفیع پور، ۱۳۸۷).

یک مقوله‌بندی خوب یک سیستم اشتراکی مشاهده اشیاء را ایجاد می‌کند و شانس اینکه مشاهده‌گران متفاوت همان فضا را به گونه‌ای دیگر ثبت کنند را به حداقل می‌رساند (قاضی طباطبایی، ۱۳۷۴: ۷۷) و نیز مقوله‌ها باید هر بعد را بطور کامل توصیف کند و از یکدیگر مجزا و مانع سازد که این خود مشروط به صراحت آنها است (اتسلندر، ۱۳۷۵: ۱۶۶).

شیوه تکمیل پرسشنامه

یکی از مشکلات بسیار مهمی که پژوهشگران در این طرح تحقیقاتی با آن روبرو بودند؛ شیوه جمع آوری پرسشنامه‌ها بود چرا که در سازمان‌ها بر عکس کوچه و خیابان (که افراد گمنام هستند)، با افرادی (کارمندی) کاملاً مشخص سرو کار داشتیم و همین امر پاسخگویی به برخی از سئوال‌های حساس موجود در پرسشنامه را مشکل کرد. لذا اگر به شیوه‌های معمول اقدام به جمع آوری پرسشنامه‌ها می‌شد احتمال عدم پاسخگویی و یا دادن پاسخ‌های اشتباه افزایش می‌یافت. برای کاهش این سوگیری مهم در تحقیق دو راهکار مورد توجه قرار گرفت؛ الف) هر چند برای هماهنگی با هر اداره برای تکمیل پرسشنامه‌ها از نامه سازمان بازرسی استفاده شد اما هنگام جمع آوری اطلاعات، پرسشگران نامه‌های مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران را به پاسخگویان ارایه می‌کردند، که این به پاسخگویی بدون سوگیری کمک می‌کرد. ب) دومین استراتژی برای جمع آوری پرسشنامه‌ها استفاده از صندوقی مانند صندوق رأی بود. برای این امر مؤسسه اقدام به طراحی صندوق سفیدی برای هر سازمان کرده بود که روی آن کاملاً بی علامت بود. سپس هنگام ارایه پرسشنامه به هر کارمند، نشانی این صندوق سر بسته به وی ارایه داده می‌شد که او می‌باید پرسشنامه را شخصاً در آن بیاندازد. در این بخش به پرسشگران تأکید شده بود که از هر گونه نگاه به پرسشنامه تکمیل شده حذر کنند تا بتوانند گمنامی و اطمینان خاطر را تا سر حد امکان برای پاسخگویان فراهم کنند. البته این شیوه معایبی هم داشت از جمله آنکه تعداد زیادی پرسشنامه ناقص داشتیم و برای فایق آمدن بر این نقص، تعداد پرسشنامه‌ها به میزان ۲۰ درصد افزایش یافت. برای تکمیل پرسشنامه‌های ارباب رجوع نیز پرسشگر با استفاده از نمونه گیری زمانی هر ۱۵ دقیقه نفر مراجعه کننده را که از داخل سازمان بیرون می‌آمد، انتخاب نموده است.

شیوه تبدیل سطح فردی تحقیق به سطح سازمانی

پس از تکمیل پرسشنامه‌های کارمندان و ارباب رجوع و همچنین مشاهده نامه‌ها ابتدا اطلاعات هر کدام به طور جداگانه در یک فایل SPSS وارد شدند. خروجی‌های بخش توصیفی با استفاده از همین فایل‌های مقدماتی گرفته شده است. اما برای اینکه بتوان در بخش تحلیل، این داده‌ها را از سطح فردی به سطح سازمانی تبدیل کرد فرایندی چندمرحله‌ای شکل گرفته است، بدین ترتیب که ابتدا نمره میانگین هر سازمان در هر کدام از شاخص‌ها در هر پرسشنامه و مشاهده نامه (۱. کارمندان، ۲. ارباب رجوع، ۳. مشاهده نامه) به طور جداگانه به دست آمد. سپس یک فایل

Spss که دارای ستون‌هایی از تمام شاخص‌های هر سه نوع فرم بود، ساخته شد، در سطرها نیز عنوان سازمان‌ها قرار گرفت. سپس نمره میانگین هر سازمان در هر شاخص (از هر سه فرم) جلوی نام سازمان وارد شد. بدین ترتیب فایلی را ساختیم که دارای ۴۹ سطر (۲۹ سازمان مشهد و ۲۰ سازمان تهران) بود و همچنین تمام شاخص‌های هر سه فرم (پرستشنامه کارمندان، ارباب رجوع و مشاهده‌نامه) در قسمت ستون‌ها قرار گرفت. بدین ترتیب ما این امکان را پیدا می‌کنیم تا در سطح تحلیل سازمان بتوانیم در بین تمام شاخص‌های تحقیق رابطه همبستگی و علی بگیریم.

نتایج توصیفی تحقیق

نتایج بررسی شاخص اول یعنی «رضایت ارباب رجوع از خدمات سازمانی و رعایت حقوق شهروندی» در سطح نظام اداری دو شهر تهران و مشهد به عنوان متغیر وابسته تحقیق نشان می‌دهد که؛ ۵،۷ درصد ارباب رجوع به میزان کم، ۶،۶ و ۶۴،۶ درصد به میزان متوسط و ۲۹،۷ درصد به میزان زیاد از خدمات سازمانی و رعایت حقوق شهروندی رضایت داشتند. میزان رضایت ارباب رجوع از خدمات سازمانی و رعایت حقوق شهروندی به طور کلی و در شهر تهران در اداره بیمه و خدمات درمانی و در شهر مشهد در اداره اوقاف و امور خیریه بیش تر از دیگر اداره‌ها بوده است. نتایج مشاهده‌نامه‌ها در بررسی امکانات محیطی سازمان در اداره‌های دو شهر تهران و مشهد نیز بیانگر آن است که در کل، سطح برخورداری از امکانات محیطی سازمانی به ترتیب در ادارات ثبت احوال، شرکت گاز و صنایع و معادن نسبت به سایر اداره‌ها بهتر بوده و سطح برخورداری از امکانات محیطی سازمانی اداره‌های کار و امور اجتماعی، کل زندان‌ها و سازمان خدمات شهری نسبت به سایر اداره‌ها نامناسب تر بوده است. در شهر مشهد سطح برخورداری از امکانات محیطی سازمانی به ترتیب در اداره‌های ثبت احوال، سازمان بهزیستی و پست نسبت به سایر اداره‌ها بهتر بوده و سطح برخورداری از امکانات محیطی سازمانی اداره کل زندان‌ها، سازمان خدمات شهری و سازمان اتوبوسرانی نسبت به سایر اداره‌ها نامناسب تر بوده است. همچنین در شهر تهران سطح برخورداری از امکانات محیطی سازمانی به ترتیب در اداره‌های صنایع و معادن، شرکت گاز و مخابرات نسبت به سایر اداره‌ها بهتر بوده و سطح برخورداری از امکانات محیطی سازمانی کمیته امداد امام (ره)، کار و امور اجتماعی و سازمان حج و زیارت نسبت به سایر اداره‌ها نامناسب تر بوده است.

نتایج تحلیلی تحقیق

در قسمت تحلیلی پژوهش، نتایج ضرایب همبستگی نشان می‌دهد که بین میزان آگاهی کارمند و رضایت ارباب رجوع رابطه معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد. این رابطه مثبت و نسبتاً قوی است؛ بدین معنی که هر چه میزان آگاهی کارمند بیش تر باشد، رضایت ارباب رجوع نیز بیش تر خواهد بود. همچنین نتایج نشان می‌دهد که هر چه میزان رضایت سیاسی کارمند بیش تر باشد، رضایت ارباب رجوع نیز بیش تر خواهد بود. بر اساس اطلاعات به دست آمده می‌توان دریافت که بین میزان گرانباری نقش کارمند و رضایت ارباب رجوع رابطه معکوس وجود دارد. بدین معنی که هر چه میزان گرانباری نقش کارمند بیش تر باشد، رضایت ارباب رجوع کم تر خواهد بود. همچنین هر چه میزان تعارض نقش کارمند بیش تر باشد، رضایت ارباب رجوع کم تر خواهد بود. از طرفی می‌توان دریافت که بین میزان عوارض نقش کارمند و رضایت ارباب رجوع رابطه معکوس وجود دارد بدین معنی که هر چه میزان عوارض نقش کارمند کم تر باشد، رضایت ارباب رجوع بیش تر خواهد بود. بین میزان رضایت شغلی کارمند و رضایت ارباب رجوع رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. بدین معنی که هر چه میزان رضایت شغلی کارمند بیش تر باشد، رضایت ارباب رجوع بیش تر خواهد بود. در تحلیل نتایج مشخص شد که هر چه عوارض نقش کارمندان کم تر باشد، رضایت شغلی آنان نیز بیش تر خواهد بود. بر اساس این اطلاعات می‌توان دریافت که در کل بین عام‌گرایی کارمند و رضایت ارباب رجوع رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. بدین معنی که هر چه عام‌گرایی کارمند بیش تر باشد، رضایت ارباب رجوع بیش تر است. نتایج حاکی از آن است که هر چه امکانات محیطی سازمانی بیش تر فراهم باشد، رضایت ارباب رجوع بیش تر است. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد هر چه میزان رضایت سیاسی ارباب رجوع بیش تر باشد میزان رضایت وی از سازمان بیش تر می‌شود.

جدول شماره (۱) نتایج مدل رگرسیونی چند متغیره برای تبیین رضایت ارباب رجوع و عوامل آن را نشان می‌دهد.

جدول ۱: مدل رگرسیون چند متغیره برای تبیین رضایت ارباب رجوع

| متغیرهایی که وارد معادله شده اند | | | | | |
|----------------------------------|------------|---------------------|----------------|---------|---------------------------------------|
| Sig | مقدار t | ضرایب غیر استاندارد | | متغیرها | |
| | | Beta | خطای استاندارد | | |
| ۰.۰۰۰ | ۴.۰۵۶ | ۰.۴۶۵ | ۰.۱۳۸ | ۰.۵۶۱ | ۱- رضایت سیاسی کارمند |
| ۰.۰۰۲ | ۳.۲۸۹ | ۰.۳۷۷ | ۰.۳۳۴ | ۱.۰۹۸ | ۲- شناخت کارمند از نیازهای ارباب رجوع |
| ۰.۰۱۸ | ۲.۲۹۴ | ۰.۱۱۶ | ۰.۲۳۵ | ۰.۲۰۳ | ۳- امکانات محیطی سازمانی |
| ۰.۰۵۵ | -۱.۹۷۱ | --- | ۲۳.۳۶۱ | -۴۶.۰۴۶ | مقدار ثابت |

جدول ۲: شاخص ها و آماره های تحلیل رگرسیونی برای تبیین رضایت ارباب رجوع

| | |
|-------|----------------------|
| ۰.۶۳۸ | ضریب همبستگی چندگانه |
| ۰.۴۰۷ | ضریب تعیین |
| ۰.۳۸۱ | ضریب تعیین تعدیل شده |
| ۶.۷۶ | خطای استاندارد |

همانگونه که در جدول (۲) ملاحظه می شود، ضریب تعیین^۱ مساوی ۰.۴۰۷، $R^2 = 0$ است و ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۰.۳۸۱ است و بیانگر این مطلب است که ۳۸ درصد از واریانس و تغییرات رضایت ارباب رجوع توسط متغیرهای موجود در معادله تبیین می شود. با توجه به اینکه در تحلیل رگرسیونی فوق از روش (stepwise) استفاده شده است، ابتدا متغیری که بیشترین قدرت تبیین کنندگی را دارد وارد معادله رگرسیونی می شود و سپس، متغیرهای دیگری که دارای بیشترین تأثیر بر روی متغیر وابسته هستند وارد معادله می شوند. آماره های موجود در جدول (۱) گویای این واقعیت است که متغیر رضایت سیاسی کارمند با بتای ۰.۴۶۵، بیش تر از همه متغیرهای مستقل دیگر به طور مستقیم بر رضایت ارباب رجوع تأثیر می گذارد، جهت تأثیر این متغیر نیز مثبت و مستقیم است و بیانگر این مطلب است که با افزایش رضایت سیاسی کارمند، میزان رضایت ارباب رجوع از سازمان نیز افزایش پیدا می کند. بعد از متغیر رضایت سیاسی کارمند، متغیر شناخت کارمند از نیازهای ارباب رجوع و امکانات محیطی سازمانی به ترتیب با بتای ۰.۳۷۷، ۰.۱۱۶، بیشترین تأثیر را بر رضایت ارباب رجوع از سازمان دارند.

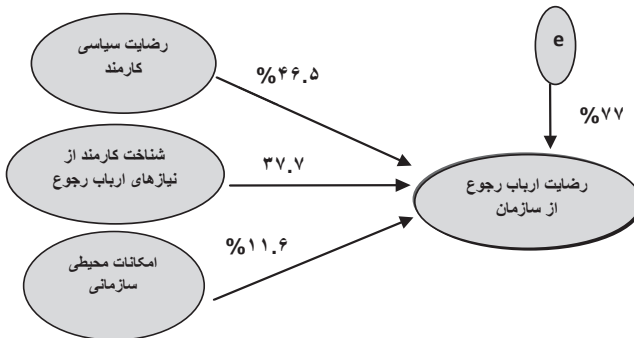
نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی چند گانه متغیرهای فوق را می توان به صورت استاندارد شده و به شکل ریاضی چنین نوشت:

$$Y = \beta_1 Z_{1i} + \beta_2 Z_{2i} + \dots + \beta_k Z_{ki} + E_i$$

رضایت ارباب رجوع = (۰٫۴۶۵) رضایت سیاسی کارمند + (۰٫۳۷۷) شناخت کارمند از نیازهای ارباب رجوع + (۰٫۱۱۶) امکانات محیطی سازمانی + (۰٫۰۷۰) e

بنابراین دیاگرام مدلی مربوط به عوامل مؤثر بر رضایت ارباب رجوع بر حسب میزان تأثیر (بتا) به شکل زیر است:

شکل ۲: دیاگرام مدلی مربوط به عوامل مؤثر بر رضایت ارباب رجوع



برای تحلیل و پردازش مدل از طریق تحلیل مسیر، می توانیم یک مدل رگرسیونی تشکیل دهیم که در آن مؤثرترین متغیر مستقل (رضایت سیاسی کارمند) در مدل، به عنوان متغیر وابسته و سایر متغیرهای مستقل به عنوان متغیرهای مستقل مدل رگرسیونی جدید وارد مدل می شوند. به همین ترتیب در مرحله بعد دومین متغیری که بیشترین تأثیر را در مدل اولیه بر رضایت ارباب رجوع از سازمان داشته (شناخت کارمند نسبت به وظایف در قبال ارباب رجوع) را به عنوان متغیر وابسته قرار داده و سایر متغیرهای مستقل را نیز به عنوان متغیر مستقل معادله در نظر گرفته و وارد مدل می کنیم. مراحل را به همین ترتیب بالحاظ نمودن دیگر متغیرهای مستقلی که در مدل اولیه بر رضایت ارباب رجوع مؤثر بوده اند به نوبت به عنوان متغیر وابسته در مدل ادامه می دهیم تا به دیاگرام مسیر مورد نظر برسیم.

اکنون با در اختیار داشتن مدل علی فوق می توانیم اثرات مستقیم، غیر مستقیم و نیز اثرات کل متغیرهای

مستقل مؤثر بر رضایت ارباب رجوع را مشخص کنیم که نتایج تأثیرات آن به قرار زیر است:

جدول ۳: میزان اثر متغیرهای مستقل بر متغیر رضایت ارباب رجوع (درصد)

| متغیر | اثر مستقیم | اثر غیرمستقیم | اثر کل |
|------------------------------------|------------|---------------|--------|
| رضایت سیاسی کارمند | ۴۶.۵ | ندارد | ۴۶.۵ |
| شناخت کارمند از نیازهای ارباب رجوع | ۳۷.۷ | ندارد | ۳۷.۷ |
| گرا‌نباری نقش | ندارد | -۱۳.۷ | -۱۳.۷ |
| امکانات محیطی سازمانی | ۱۱.۶ | ندارد | ۱۱.۶ |
| ابهام نقش | ندارد | -۱۰.۵ | -۱۰.۵ |
| تعارض نقش | ندارد | -۳.۸ | -۳.۸ |
| رضایت شغلی کارمند | ندارد | ۳.۷ | ۳.۷ |

بر اساس اطلاعات جدول فوق می‌توان دریافت که رضایت سیاسی کارمند با اثر کل ۴۶.۵ درصد مؤثرترین متغیر تأثیرگذار بر میزان رضایت ارباب رجوع بوده است؛ بدین معنا که هر چه رضایت سیاسی کارمند بیشتر تر باشد، رضایت ارباب رجوع از سازمان نیز بیشتر تر خواهد بود. بعد از این متغیر، شناخت کارمند از نیازهای ارباب رجوع با اثر کل ۳۷.۷ درصد رتبه دوم، گرا‌نباری نقش با اثر منفی ۱۳.۷- درصد در رتبه سوم و امکانات محیطی سازمانی با اثر کل ۱۱.۶ در رتبه چهارم مؤثرترین متغیرها قرار دارند. متغیرهایی چون ابهام نقش و تعارض نقش با اثر منفی به ترتیب در مراتب بعدی، اثرگذارترین متغیرها بر رضایت ارباب رجوع قرار دارند و نهایتاً متغیر رضایت شغلی کارمند با اثر کل مثبت ۳.۷ بر رضایت ارباب رجوع مؤثر بوده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادهای

آگاهی از میزان رعایت حقوق شهروندی در ساخت نظام اداری کشور و اطلاع از کم و کیف و آسیب شناسی آن از اولویتهای اصلی سازمان بازرسی کل کشور است. با اطلاع از وضعیت نظام اداری کشور و رصد آن در حوزه شهروندی، می‌توان سیاست‌های کلی نظام را در این حوزه پیگیری و تقویت نمود؛ زیرا رعایت حقوق شهروندی جزء شاخص‌های اصلی جوامع رشد یافته و بالنده محسوب می‌شود و جوامعی که می‌خواهند بر مدار انسانی حرکت کنند و جایگاه و شرافت انسانی را پاس بدارند، باید حقوق شهروندی را ارج نهند. بر همین اساس تحقیق حاضر بر اساس اهداف سازمان بازرسی کل کشور به بررسی وضعیت «رعایت حقوق شهروندی در نظام اداری» پرداخته است. اساس حقوق شهروندی در این تحقیق بر مبنای تئوریک، نظریات

اسلامی، قانون اساسی و دیگر قوانین جاری در کشور است. بر پایه این مبانی چارچوب نظری تحقیق صورت بندی شده است، سپس بر اساس مدل نظری فرضیات تحقیق طراحی شدند. در این تحقیق از دو روش برای بررسی موضوع استفاده شده است که روش اصلی بکار رفته تحقیق پیمایش است. واحد تحلیل در بخش پیمایش فرد بوده است که سپس در هنگام تحلیل به سطح سازمانی تبدیل شده است. جامعه آماری تمام کارمندان و ارباب رجوع اداره های دولتی دو شهر تهران و مشهد بوده است. نمونه این تحقیق ۱۰۴۲ نفر از کارمندان و ۸۹۲ نفر از ارباب رجوع بوده است و در مجموع ۴۹ سازمان دولتی مورد بررسی قرار گرفتند.

۱- نتایج تحقیق نشان می دهد که رضایت ارباب رجوع از عملکرد سازمان ها در نمونه مشخص شده در سال ۱۳۸۹، متوسط به بالاست به عبارت دیگر اکثر ارباب رجوع از این سازمان ها راضی بیرون آمده اند. شاخص های تولید شده و به دست آمده در تحقیق حاضر می تواند به منزله یک معیار استاندارد برای سنجش میزان رضایت ارباب رجوع (به عنوان یکی از دو رکن رعایت حقوق شهروندی در اداره ها) در سایر مکان ها و زمان ها نیز بکار رود. به این معنا که به کمک آن هم می توان وضعیت این شاخص ها در اداره و شهرهای دیگر با هم مقایسه کرد و هم روند افزایش یا کاهش این شاخص ها را در سال های مختلف دید و سنجید.

۲- بر اساس نتایج به دست آمده، حدود ۹۵ درصد کارمندان، سیستم پاداش دهی را در نظام اداری مناسب و کار آمد نمی دانند، حال آنکه این متغیر از طریق بالا بردن انگیزه خدمت و به تبع آن حسن انجام وظیفه، نقش بسزایی در تأمین رضایت ارباب رجوع دارد. بررسی دلایل این ناکارآمدی یا احساس آن، مجال پژوهشی دیگری را می طلبد و می تواند خود موضوع تحقیقات و مطالعات مستقل قرار گیرد، اما به هر حال رفع یا کاهش آن می بایست به طور جد در دستور کار مسئولان امر قرار گیرد.

۳- عوارض نقش (گرانباری، ابهام و تعارض نقش) کارمندان رابطه معکوس با رضایت ارباب رجوع دارد. در حقیقت این شاخص از طریق تحت تأثیر قرار دادن رضایت شغلی و نیز ایجاد اختلال در حسن انجام وظیفه کارمندان، بر رضایت ارباب رجوع تأثیر می گذارد. در این تحقیق، اگرچه ۴۲ درصد از کارمندان عوارض نقش کارمندی خود را کم ارزیابی کرده اند اما حدود ۶۰ درصد این میزان را متوسط و بالا دانسته بودند و از آنجا که این شاخص به عنوان یکی از عوامل ساختاری مؤثر بر میزان رعایت حقوق شهروندی، می بایست در کم ترین حد خود باشد لذا باید میزان عوارض نقش کارمندی در سازمان های مختلف به حداقل ممکن برسد.

۴- برای شاخص های امنیت شغلی و رضایت سیاسی کارمندان نیز می بایست مانند مورد بالا سخن گفت. تنها حدود ۲۰ درصد پاسخگویان هستند که امنیت شغلی و رضایت سیاسی

بالایی دارند، در مقابل بیش از یک سوم آنان این دو شاخص را در مورد خود پایین ارزیابی کرده‌اند. مبانی تئوریک و نیز نتایج آزمون فرضیات این تحقیق نشان می‌دهند که با بالا رفتن این دو شاخص، میزان رضایت ارباب رجوع به طور معنی‌داری بالا می‌رود. همچنین باید افزود که اگرچه رضایت سیاسی کارمندان تابعی از میزان رضایت سیاسی عموم شهروندان و معلول عوامل گوناگون است، اما در مورد متغیر امنیت شغلی می‌توان با وضع قوانین حمایتی و ضمانت‌های اجرایی، در عین حفظ تعهد سازمانی و مسئولیت‌پذیری، میزان امنیت شغلی کارمندان را افزایش داده و از این طریق رضایت ارباب رجوع را به ارمغان آورد.

۵- برگزاری مستمر دوره‌های آموزشی در زمینه مهارت‌های مختلفی که به کار شناخت و ایفای بهتر وظایف کارمندان و شناخت نیازهای ارباب رجوع می‌آیند می‌تواند کمک بسزایی در افزایش رضایتمندی ارباب رجوع داشته باشد زیرا طبق نتایج تحقیق، کارمندانی که آگاهی و شناخت بیش تری نسبت به وظایف خود و نیازهای مراجعین داشته باشند بهتر می‌توانند وظایف محوله را انجام داده و در نتیجه رضایت ارباب رجوع را بالا می‌برند.

۶- رواج ارزش‌های عام گرایانه و پرهیز از اعمال سلیقه‌ها و علایق شخصی یا گروهی در نظام اداری کشور از طریق روش‌هایی مثل پاداش‌دهی مناسب و فرهنگ‌سازی می‌تواند تا حدود زیادی از راه کسب رضایت ارباب رجوع به نفع‌اندین شدن حقوق شهروندی در اداره‌ها و سازمان‌های انجامد.

۷- می‌توان با تدوین مقررات و آیین‌نامه‌های دقیق و مشروح و نیز سیاست‌های تشویقی و تنبیهی، سازمان‌های دولتی و غیردولتی را ملزم به تأمین و تجهیز امکانات محیطی - سازمانی (به شرحی که در مشاهده‌نامه این تحقیق موجود است) نمود، چرا که این متغیر یعنی امکانات محیطی - سازمانی (از قبیل سیستم راهنمایی ارباب رجوع یا امکانات مناسب برای زمان انتظار آنان)، ضمن اینکه خود یکی از دو رکن رعایت حقوق شهروندی در اداره‌ها به شمار می‌رود، به گواهی نتایج تحقیق تأثیر مستقیم و مثبتی نیز بر میزان رضایت ارباب رجوع دارد. همچنین در تحقیق مشخص شده است وجود فضای سازمانی مناسب می‌تواند بر رضایت شغلی کارمند تأثیر بگذارد و از این طریق نیز بر رضایت ارباب رجوع مؤثر واقع شود.

۸- در سطح شخصیتی، رعایت حقوق شهروندی تأثیر زیادی از رضایت شغلی کارمند می‌گیرد به همین دلیل باید شرایطی فراهم شود که فضای کاری خسته‌کننده و ملال آور نباشد و کارکنان شغل خود را جالب، خوشایند و مسرت بخش بدانند.

۹- در سطح سازمانی، تقویت هویت سازمانی بیش‌ترین تأثیر را می‌تواند بر افزایش رعایت حقوق شهروندی داشته باشد، به همین دلیل باید تلاش کرد نفع سازمانی به نحوی با نفع افراد و

کارکنان گره بخورد که با تحقق اهداف و منافع سازمان، منافع کارکنان نیز تأمین شود. در چنین شرایطی احساس تعلق کارکنان به سازمان افزایش می یابد و احساس مسئولیت و رعایت حقوق شهروندی آن ها بالا می رود.

برای تقویت هویت سازمانی باید هم زمان در دو حیطه فرهنگ سازمانی و اجتماع سازمانی، تمهیداتی متناسب با امکانات و مضایق سازمان به عمل آید. در حیطه فرهنگ سازمانی، شایسته است وفاق سازمانی را در میان اعضای سازمان به نحوی افزایش داد، به طوریکه اعضا به صورت داوطلبانه و بر اساس اصل معجب سازی در سطوح مختلف، اهداف و منافع سازمانی را به وضوح درک کرده باشند و آن ها را حتی المقدور در راستای منافع و اهداف فردی خود ببینند.

در حیطه اجتماع سازمانی می توان کوشش کرد تا متناسب با مقدمات سازمانی، اعضا را در سطوح مختلف سازمانی به صورت رسمی و غیررسمی به انحاء مختلف درگیر روابط سازمانی کرد. علاوه بر مشارکت افراد در سازمان، اجرای مناسک سازمانی به طور متناوب امکان وصل افراد را به سازمان افزایش می دهد و از این طریق دلبستگی و تعلق خاطر افراد به سازمان افزایش و میزان هم ذات پنداری اعضا با سازمان متبوعه شان ارتقا می یابد.

۱۰- عدالت سازمانی از جمله دیگر متغیرهایی است که نقشی قابل توجه در افزایش رعایت حقوق شهروندی افراد دارد. سازمان ها می توانند با ایجاد فرصت های برابر در ارتقا و تحرک شغلی و بهره مندی عادلانه کارکنان از حقوق، مزایا، پاداش و دیگر خدمات، احساس عدالت سازمانی کارکنان را تقویت کنند و در نهایت رعایت حقوق شهروندی توسط شاعلی را بالا ببرند. به علاوه عدالت سازمانی اعم از عدالت اطلاعاتی، عدالت رویه ای و عدالت توزیعی، نه تنها به طور مستقیم تعهد سازمانی را افزایش می دهد، بلکه افزایش نسبی آن ها اثر مستقیم بر هویت سازمانی افراد دارد. بنابراین، برای تقویت هویت سازمانی، باید تعهد سازمانی افزایش یابد و این کار از طریق بسط عدالت سازمانی میسر است. جا دارد یادآوری شود که احساس عدالت سازمانی رابطه مستقیم با احساس خشنودی و رضایت از کار دارد. احساس رضایت شغلی به نوبه خود، اثر علی مستقیم بر رعایت حقوق شهروندی دارد بنابراین با افزایش احساس عدالت سازمانی در سازمان و به واسطه آن، افزایش رضایت شغلی، بهبود در رعایت حقوق شهروندی صورت می گیرد.

منابع:

- آذرنیا، مالک (۱۳۸۶). مبانی حقوق شهروندی: حقوق سیاسی در اسلام و لیبرالیسم. به راهنمایی: عباسعلی کدخدایی. دانشگاه تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی
- اتسلندر، پیتز (۱۳۷۵). روش های تجربی تحقیق اجتماعی. (بیژن کاظم زاده، مترجم). مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی
- باغستانی برزکی، حوریه (۱۳۸۷). بررسی تأثیر آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی بر توسعه شهروندی فعال، پاسخگویی و شفافیت شهرداری. به راهنمایی: علی اصغر پور عزت. تهران: پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده مدیریت دانشگاه تهران
- پژوهنده، محمدحسین (۱۳۷۹). مدنیت و شهروندی در جامعه. تهران: اندیشه حوزه ودانشگاه، سال سوم، شماره دوم و سوم.
- تقی زاده، محمد (۱۳۸۱). نظریه شهروندی در فرهنگ و تمدن ایرانی، اطلاعات سیاسی-اقتصادی. تهران: انتشارات مؤسسه اطلاعات، سال هفدهم، شماره سوم و چهارم.
- توسلی، غلامعباس و نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۸۳). واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران. تهران: مجله جامعه شناسی ایران، شماره دوم.
- جعفری، مصطفی (۱۳۸۲). مدیریت دانش در سازمان. ماهنامه تدبیر. شماره ۱۴۲
- حاجی نیا، احمد نور (۱۳۸۶). بررسی عوامل مؤثر بر آگاهی و عمل شهروندی جوانان (۱۸-۲۹ سال) شهر بندرعباس. به راهنمایی: غلامعباس توسلی، پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران
- دفت، ریچارد (۱۳۷۴). تئوری سازمان و طراحی ساختار. (علی پارسائیان و محمد اعرابی، مترجمان). تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی
- ذکائی، محمد سعید (۱۳۸۰). اخلاق شهروندی: رابطه هویت یابی جمعی و ارزش های دیگر خواهانه. تهران: نامه انجمن جامعه شناسی ایران، شماره ۵
- رضایی، عبدالمحمد (۱۳۸۳). بررسی طرح تکریم ارباب رجوع بر رضایت مردم در وزارت بازرگانی. به راهنمایی: خدابخش داشگرزاده. پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشکده مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۷). تکنیک های خاص تحقیق. تهران: شرکت سهامی انتشار
- شایان مهر، علیرضا (۱۳۷۷). دایره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی. تهران: انتشارات کیهان

شکری، احسان (۱۳۸۴). ارزیابی عملکرد اجرای طرح تکریم ارباب رجوع در شرکت مخابرات استان تهران. به راهنمایی: امیربابک مرجانی. پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشکده مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی

صارمی، مسعود (۱۳۸۵). بررسی جامعه‌شناختی مفهوم شهروندی با رویکرد دین اسلام. به راهنمایی: باقر ساروخانی. پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشکده علوم اجتماعی و روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی

طهماسبی، رضا (۱۳۸۶). بررسی تأثیر وفاداری حزبی بر رفتار شهروندی سازمانی در سازمان‌های دولتی، به راهنمایی: آرین قلی پور، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

عباسپور، اصغر (۱۳۸۵). بررسی تأثیر اقدامات منابع انسانی بر رفتارهای شهروندی سازمانی. به راهنمایی: آرین قلی پور. پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشکده مدیریت دانشگاه تهران
فتاحی، مهدی (۱۳۸۶). بررسی اثرات معنویت محیط کاری بر رفتارهای شهروندی سازمانی و ارتباط آن با وفاداری مشتری و کیفیت خدمات در سازمان تأمین اجتماعی. به راهنمایی: آرین قلی پور، پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشکده مدیریت دانشگاه تهران
کورمن، آبراهام (۱۳۸۶). روانشناسی صنعتی و سازمانی. (حسین شکرکن، مترجم). تهران: انتشارات رشد

مرادی چالشتی، محمدرضا (۱۳۸۷). مدل سازی و تحلیل رابطه بین رهبری تحول آفرین، عدالت سازمانی و رفتار شهروندی سازمانی در سازمان تربیت بدنی جمهوری اسلامی ایران. به راهنمایی: مهرزاد حمیدی. پایان نامه دکتری تخصصی. تهران: دانشکده تربیت بدنی دانشگاه تهران

مهدوی، مژگان و روحی عزیزی، مریم (۱۳۷۹). عوامل مؤثر در رضایت شغلی کارکنان. مجله تعاون. شماره ۱۰۷

میچل، ۱۳۷۳: ۲۴۸ به نقل از رحمانی، ۱۳۷۵: ۷۴

نیازی (۱۳۸۷). تعریف حقوق شهروندی و ارتقای سلامت نظام اداری. تهران: سازمان بازرسی کل کشور

هومن، حیدرعلی (۱۳۸۱). تهیه و استاندارد ساختن مقیاس سنجش رضایت شغلی. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی

Appelbaum، Steven & Bartolomucci، Nicolas & Beaumier، Erika & Boulanger، Jonathan & Corrigan، Rodney & Dore، Isabelle & Girard، Chryistine & Serroni،(2004) Carlo «organizational citizenship behavior : a case study of culture ، leadership and trust « manamement decision Vol.42 No.1، pp. 13-40

Bartel، P. (2006). Participatory Manangement Methods to Increase Staff Input In Organizational Decision Making. www.scn.org

Bienstock، C.Carol & Demoranville، W. Carol & Smith، K. Rachel (2003)“ organizational citizenship behavior and service quality “ journal of services marketing، Vol .17 No.4 ، pp. 357-378

Castro، Carmen.B & Armario، Enrique.M & Ruiz، David.M(2004) “ the influence of employee organizational citizenship Behavior on customer loyalty “ ، international journal of Service industry management ، Vol.15 No.1 ،

Cohen، Aaron & Kol، Yardena ،(2004) “ professionalism and organizational citizenship behavior “ an empirical examination among Israeli nurses ، journal of managerial psychology ، Vol.19 No.4،

Dean، Alison (2002) service quality in call center I implication for customer loyalty، managing service quality vole، no، pp.

Greaves، H.R.G. (1966). The Foundations of Political Theory، London، Bell and Sons. 2nd edition.

Organ، D.W.(1988)، organizational citizenship behavior : the good soldier syndrome ، Lexington book، Lexington، MA.

Spreng، RA & Mackoy، RD (1996) ،«An empirical examination of model of perceived service quality and satisfaction، Journal of Retailing، vol. 72، no. 2، pp. 201-14



گزارش تفصیلی

شناسایی عوامل اقتصادی مؤثر بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران و نقش نظارت و بازرسی در تحقق آن

حامد نعیمی پژوه^۱

احمد توکل مقدم^۲

علی کرم حسنی^۳

چکیده

سرمایه گذاری مستقیم خارجی، علاوه بر تامین مالی پروژه‌های سرمایه گذاری در کشور میزبان، باعث تسریع در روند جذب و ارتقای فناوری، آموزش و افزایش بهره وری سرمایه انسانی، افزایش کیفیت و استاندارد کالاهای داخلی، گسترش تجارت با دیگر کشورها، کاهش بیکاری و در نهایت باعث افزایش تولید کل کشور میزبان می‌شود. با توجه به اهمیت جذب این نوع از سرمایه گذاری، در این تحقیق ضمن تجزیه و تحلیل سرمایه گذاری مستقیم خارجی، به شناسایی عوامل اقتصادی مؤثر بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران در طی دوره زمانی (۲۰۱۰-۱۹۷۰) میلادی با رویکرد اقتصاد سنجی سیستم معادلات همزمان پرداختیم و ضمن آزمون وجود و یا عدم وجود رابطه علی بین این عوامل و جذب سرمایه گذاری خارجی در ایران در قالب مطالعه پویا به نقش سازمان بازرسی و به طور اخص نظارت و بازرسی در تحقق جذب این نوع سرمایه گذاری در ایران توجه شده است.

واژگان کلیدی: سرمایه گذاری مستقیم خارجی، ایران، سیستم معادلات هم زمان

۱ کارشناس ارشد اقتصاد و بازرسی وزارت امور اقتصادی و دارایی - Hamed_naimipajoh@yahoo.com

۲ کارشناس ارشد مدیریت اجرایی و معاون بازرسی کل امور اقتصادی و دارایی - Ahmadvakol2006@yahoo.com

۳ کارشناس جغرافیا و سربازرس وزارت امور اقتصادی و دارایی - akhasani@yahoo.com

مقدمه

تا قبل از دهه ۱۹۹۰ میلادی تفکر عمومی در کشورهای در حال توسعه این بود که هدف شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی و چند ملیتی تسلط بر این کشورها و غارت منابع آنها است، اما تجربه کشورهای در حال توسعه موفق و نیز نارسایی در اقتصاد کشورهایی که به ایجاد مانع بر سر ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۱ مبادرت ورزیده بودند منجر به تغییر دیدگاه‌ها در مورد چنین شرکت‌ها و چنین سرمایه‌گذاری‌هایی شد کشورهای در حال توسعه در یک چرخش بزرگ این بار سعی در جذب این نوع از سرمایه‌گذاری داشتند. در مقابل شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی نیز به دنبال رشد سریع تکنولوژی و افزایش هزینه‌های نوع آوری و ادغام اقتصاد جهانی، الگوی رفتاری خود را تغییر داده و رویکرد سرمایه‌گذاری همراه با انتقال تکنولوژی را در پیش گرفتند.

تأمین منابع مالی طرح‌ها و ارتقای فناوری و تکنولوژی، نقش محوری در فرآیند توسعه اقتصادی دارند و تمامی کشورها به خصوص کشورهای در حال توسعه با درک این واقعیت و رفع ذهنیت منفی نسبت به آن، سعی در تأمین این دو عامل مهم اقتصادی دارند. امروزه گزینه استقرار خارجی به دلیل بحران‌های ناشی از بازپرداخت آن، جای خود را به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی داده است. چرا که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی علاوه بر تأمین مالی پروژه‌ها، اثرات مثبت اقتصادی دیگری بر شاخص‌های کلان اقتصادی دارد که از جمله آن می‌توان به افزایش کیفیت کالاهای داخلی، افزایش صادرات، کاهش بیکاری، کاهش ریسک سرمایه‌گذاری (به سبب ایجاد تنوع در دارایی‌ها و ایجاد تنوع مکانی)، کاهش سطح قیمت‌ها، کاهش هزینه نهایی سرمایه و افزایش هزینه‌های تحقیق و توسعه (نجاززاده و ملکی، ۱۳۸۲) و نیز افزایش تولید و رشد اقتصادی، آموزش و افزایش بهره‌وری سرمایه انسانی^۲ و ارتقای فناوری (Kathuri, 2001) اشاره کرد.

نظر به اهمیت خاص سرمایه‌گذاری خارجی در فرآیند توسعه اقتصادی کشورها، محققان زیادی به بررسی عوامل مؤثر بر ایجاد و جذب آن پرداختند که منجر به بسط مبانی نظری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی گردید. مایر در کتاب "از اقتصاد کلاسیک تا اقتصاد توسعه" در زمینه اهمیت جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چنین می‌گوید: «سرمایه خارجی یک عامل محرک است که از

1 Foreign Direct Investment

2 Constantine and Thansis (2010)

طریق القای اندیشه های جدید و از هم گسستن زنجیره عادت ها، حتی اگر وضعیت واقعی مردم را بهبود ندهد، خواسته های جدید در آن ها ایجاد نموده و جاه طلبی و تفکر بیش تر درباره آینده را در آن ها به وجود می آورد. (مایر، جرالدام، ۱۹۹۸).

در کشور ما نیز طبق جزء ۵ بند «الف» سیاست ها و خط مشی های اجرایی برای تحقق اهداف سیاست های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی مصوب شماره ۶۳/۱/۱۱۰۹۰۴ مورخ ۱۳۸۸/۸/۱۶ زمینه سازی برای جذب سرمایه گذاری های خارجی به منظور توانمندسازی بخش خصوصی در فعالیت های اقتصادی و رفع موانع، به عنوان یکی از سیاست ها و خط مشی های اجرایی برای تحقق اهداف مزبور عنوان شده است، همچنین سازمان سرمایه گذاری و کمک های اقتصادی و فنی ایران در تیرماه سال ۱۳۵۴ و به منظور هدایت و انجام مجموعه ای از وظایف، که پیش تر توسط دستگاه های مختلف اجرایی به انجام می رسید، تأسیس گردید. مجموعه وظایف محوله به سازمان نوعاً «به امور بین المللی و روابط خارجی کشور مربوط می گردند. سازمان، وظایف خود را مطابق اساسنامه و سایر قوانین و مقررات، از جمله سرمایه گذاری خارجی در ایران، سرمایه گذاری ایرانیان در خارج از کشور، تأمین مالی خارجی اعم از اعطای وام و اعتبارات به سایر کشورها و یا استقراض از منابع بین المللی، قوانین و مقررات ناظر بر ایجاد و هماهنگی و گسترش روابط با سایر کشورها و مناطق جهان، مؤسسات و نهادهای مالی و بین المللی به انجام می رساند.

لذا به دلیل اهمیت موضوع لازم دانستیم ابتدا عوامل مؤثر بر جذب این شکل از سرمایه گذاری را شناسایی و بررسی کنیم. به منظور دست یابی به هدف فوق سؤالات زیر مطرح شده است:

- ۱- آیا رابطه علی بین تورم و سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران وجود دارد؟
- ۲- آیا رابطه علی بین درجه باز بودن اقتصاد و سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران وجود دارد؟
- ۳- آیا اندازه اقتصاد می تواند با جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران رابطه علت معلولی داشته باشد؟

سپس با توجه به تلاش های صورت گرفته در زمینه جذب سرمایه گذاری خارجی در ایران و تدوین قوانین و مقررات مربوطه به نقش نظارت و بازرسی در جذب این نوع از سرمایه گذاری نیز توجه شده است. نوآوری مطالعه حاضر در این است که میزان تأثیر هر یک از عوامل مؤثر بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در جامعه آماری ایران با رویکرد سیستم معادلات همزمان و بررسی آثار تکانه های وارده بر سرمایه گذاری خارجی بررسی شده است. بنابراین در پی آمد مقدمه ابتدا به تعریف واژگان اختصاصی تحقیق پرداخته و در ادامه پس از معرفی کل عوامل مؤثر

بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی به بیان مبانی نظری علل سرمایه گذاری مستقیم خارجی خواهیم پرداخت و در نهایت پس از شناسایی عوامل اقتصادی مؤثر بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی و با استفاده از مبانی نظری، به معرفی مدل تحقیق و تصریح و برآورد آن در ایران می پردازیم تا میزان و شدت تأثیر عوامل مهم اقتصادی بر جذب این نوع از سرمایه گذاری را شناسایی کنیم و در انتها با بررسی نقش نظارت و بازرسی در تحقق این نوع از سرمایه گذاری خارجی به ارائه پیشنهاد های سیاستی اقتصادی خود بر اساس نتایج تحقیق پرداخته ایم.

تعریف مفاهیم و واژگان اختصاصی پژوهش

• سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI): سرمایه گذاری مستقیم خارجی، فرآیندی است که به وسیله آن، کشور میهمان^۱ با هدف کنترل تولید، توزیع و دیگر فعالیت های مربوطه، مالکیت دارایی ها را در کشور میزبان^۲ در بلندمدت به دست می آورد و تفاوت آن با سرمایه گذاری پرتفلیو این است که سرمایه گذاری پرتفلیو برخلاف سرمایه گذاری مستقیم خارجی، کوتاه مدت بوده و شامل فعالیت های اقتصادی نظیر نگهداری اوراق بهاداری مانند اوراق قرضه، سهام خارجی و دارایی های مالی است و شامل فعالیت مدیریتی، اعمال رأی در تصمیم گیری ها یا کنترل صادر کننده اوراق از سوی سرمایه گذار خارجی نمی شود (رضایی، ۱۳۸۹).

ابعاد نظری علل سرمایه گذاری مستقیم خارجی

• نظریه نرخ بازدهی متفاوت^۳

اصلی ترین عاملی که در انتقال سرمایه باید توجه شود بازدهی انتظاری آن است. بر اساس این نظریه اگر در کشور میزبان بازده انتظاری سرمایه بالاتر از کشور میهمان باشد، سرمایه از کشور میهمان خارج و به کشور میزبان روی خواهد آورد.

این نظریه در اواخر دهه ۱۹۵۰ میلادی در جریان افزایش سرمایه گذاری مستقیم آمریکا در اروپا رواج پیدا نمود ولی در دهه ۱۹۶۰ تداوم نیافت علت نیز آن بود که نرخ بازدهی سرمایه در اروپا در دهه مزبور پایین تر از آمریکا شده بود. از ضعف های عمده این نظریه آن بود که قادر نبود در مورد کشورهایی که به طور همزمان شاهد ورود و خروج سرمایه بودند اظهار نظر نماید همچنین توزیع نامتوازن سرمایه گذاری در میان صنایع مختلف با این نظریه تبیین نمی شد^۴.

1Home country

2Host country

3Differential Rates of Return

4Agrawal .J.P.(1981)

• نظریه مناطق پولی^۱

برطبق این نظریه، شرکت‌هایی که کشورشان از پول قوی برخوردار باشند تمایل بیش تری به سرمایه گذاری خارجی دارند در مقابل، احتمال اینکه شرکت‌های خارجی در داخل کشوری با پول قوی سرمایه گذاری کنند کم تر خواهد بود علت اینگونه رفتار به موضوع «ریسک ارزی»^۲ بر می‌گردد چرا که شرکت‌های کشوری که پول قوی دارد بهتر می‌توانند خود را از ریسک ارزی ناشی از نوسانات ارزی مصون دارند. بنابراین می‌توان چنین گفت که پایین بودن ارزش پول همراه با جریان سرمایه گذاری به داخل و بالا بودن ارزش پول همراه با جریان سرمایه گذاری مستقیم به خارج خواهد بود. وضعی که این نظریه دارد عدم تواتاری آن در اظهار نظر در مورد کشورهایی است که ارزش پولی تقریباً یکسانی دارند.

• نظریه نقدینگی^۳

برطبق این نظریه رابطه مثبتی بین جریان‌های نقدی داخلی و مخارج سرمایه گذاری شرکت‌های تابعه شرکت‌های فراملیتی وجود دارد یعنی در صورت داشتن عملکرد بهتر بازارهای مالی یک کشور، امکان جذب سرمایه گذاری خارجی افزایش می‌یابد هر چند که ممکن است شرکت‌های کوچک و بزرگ رفتار متفاوتی داشته باشند (نجاززاده و دیگران، ۱۳۸۴).

• نظریه کوچیما^۴

طی مطالعاتی که کیوشی کوچیما انجام داد، به توضیح الگوهای سرمایه گذاری مستقیم خارجی آمریکا و ژاپن در کشورهای در حال توسعه و پیامد این الگوهای سرمایه گذاری در بسط تجارت بین الملل و رفاه جهانی پرداخت. مطابق با نظریه کوچیما، سرمایه گذاری مستقیم خارجی ابزاری است برای انتقال تکنولوژی، سرمایه و مهارت‌های مدیریتی از کشور میهمان به کشور میزبان.

براساس فرضیه‌ها و عقیده او دو نوع سرمایه گذاری مستقیم خارجی وجود دارد:

۱- سرمایه گذاری مستقیم خارجی با سمت گیری تجاری^۵

۲- سرمایه گذاری مستقیم خارجی ضد سمت گیری تجاری^۶

۱- سرمایه گذاری مستقیم خارجی با سمت گیری تجاری: در صورتی که سرمایه گذاری

1 Currency area

2 Foreign Exchange Risk

3 Liquidity

4 Kojima Hypothesis

5 Trade Oriented

6 Anti-Trade Oriented

مستقیم خارجی باعث افزایش تقاضا برای واردات و افزایش عرضه صادرات شود دارای سمت گیری تجاری است و در صنایعی حادث می شود که کشور میهمان مزیت نسبی به آن صنایع را ندارد که این عامل باعث تسریع تجارت بین دو کشور میهمان و میزبان می شود بنابراین، این نوع سرمایه گذاری مستقیم خارجی منجر به افزایش رفاه می شود.

۲- سرمایه گذاری مستقیم خارجی با ضد سمت گیری تجاری: در صورتی که سرمایه گذاری مستقیم خارجی باعث افزایش تقاضا برای واردات و افزایش صادرات نشود دارای ضد سمت گیری تجاری است و در صنایعی حادث می شود که کشور میهمان دارای مزیت نسبی به آن صنایع است که این عامل باعث تسریع تجارت بین دو کشور میهمان و میزبان نمی شود بنابراین، این نوع سرمایه گذاری مستقیم خارجی منجر به کاهش رفاه می شود (Kojima, 1973).

کوجیما اظهار می دارد که سرمایه گذاری مستقیم ژاپن با سمت گیری تجاری است، دلیلش هم آن است که ژاپنی ها به دلیل نداشتن مزیت نسبی در منابع طبیعی، عمده سرمایه گذاری خود را بر این منابع متمرکز کرده اند که این خود باعث افزایش کالاهای صادراتی و وارداتی می شود. در مقابل آمریکا به دلیل بر خورداری از مزیت های مختلف منابع در اقتصاد خود، در صنایعی اقدام به سرمایه گذاری می کند که قادر باشد واردات را جایگزین کند (Kojima, 1985).

۱. نظریه فرار مالیات

از جمله عوامل مورد نظر سرمایه گذاران در نقل و انتقال سرمایه بین کشورها، مالیات است چرا که سرمایه گذاران بیش تر به درآمد حاصل از سرمایه گذاری بعد از کسر مالیات توجه دارند تا درآمد مطلق، به طوری که چنانچه مالیات بر درآمد در کشوری بالا باشد انتقال سرمایه به آن کشور و سرمایه گذاری در آن حتی در صورت بازدهی بالا، کاهش می یابد. براساس این نظریه سرمایه گذاری خارجی به دلیل فرار از مالیات در کشور میهمان و معافیت های مالیاتی در کشور میزبان انجام می شود (June, 1989). لذا یکی از عامل های تشویق سرمایه گذاری خارجی سیاست مالیاتی در کشور میزبان نظیر معافیت مالیاتی است (ملکی، ۱۳۸۲).

۲. نظریه چرخه تولید

این نظریه در حقیقت توجیه گر فعالیت بنگاه های فراملیتی آمریکا پس از جنگ جهانی دوم بود. فرض اساسی این نظریه این است که کالاهای تولیدی یک بنگاه، تابع یک چرخه حیاتی است بدین گونه که تولید بنگاه در ابتدا به عنوان یک نوع آوری تلقی می شود ولی پس از مدتی در معرض رقابت تولید قرار می گیرد و منجر به تولید کالای استاندارد در آن کشور می شود با افزایش رقابت و بهره برداری، بنگاه ها در مقابل خطر از دست دادن بازار محصول خود، به

1Tax Break Theory

2Produce Cycle

سرمایه گذاری مستقیم خارجی روی آورده و در فراسوی مرزهای آن کشور بازار جدید برای خود ایجاد می کنند (Vernon، 1979).

• نظریه درونی کردن^۱

در این تئوری وجود سرمایه گذاری خارجی، ناشی از جایگزین نمودن نقل و انتقالات درونی توسط بنگاه های اقتصادی به جای نقل و انتقالات بازار، بین بنگاه های اقتصادی است. این موضوع به نوبه خود به عنوان یک راه گریز از نقایص بازارها در مورد نهاد های واسطه ای مطرح می شود (Liza do، 1990).

از طرفی دیگر یک شرکت می تواند دانش فنی و اختراعات خود را به دیگر واحدهای اقتصادی به فروش برساند اما به صلاح این کشور است که از این معامله به صورت بازاری استفاده نکرده بلکه خود در آن کشور سرمایه گذاری کند (Williamson، 1975).

در حقیقت این نظریه تأکید بر این موضوع دارد که در صورت وجود هزینه های معاملاتی بازاری، از نقل و انتقالات درونی استفاده می شود که در صورت محقق شدن، هویت بنگاه از بازار جدا شده و کوشش برای رسیدن با کارایی بنگاه، انگیزه اصلی سرازیر شدن منابع سرمایه ای به بازارهای خارجی است.

• نظریه سازمان صنعتی

هایمر در سال ۱۹۷۶ به این نتیجه رسید که علت وجود شرکت های چند ملیتی به حضور بازارهای ناقص بر می گردد. وی دو نقیصه بازار را مورد توجه قرار داده است: ۱- نقایص ساختاری و ۲- نقایص هزینه معاملاتی؛ نقایص ساختاری به شرکت های چند ملیتی در جهت افزایش قدرت بازاری کمک می کند لذا با ایجاد شرکت های چند ملیتی و توزیع تولید در چند نقطه، صرفه جویی های ناشی از مقیاس، مزایای دانش، شبکه های توزیع، تنوع بخشی به محصول و مزایای اعتباری پدید می آید. از طرف دیگر هزینه معاملاتی برای شرکت های چند ملیتی، جایگزین نمودن بازار داخلی به جای بازار خارجی را سود آور می نماید (رضایی، ۱۳۸۹).

این نظریه توسط گراهام و کرو گمال (۱۹۸۹) برای تبیین رشد سرمایه گذاری مستقیم خارجی در آمریکا به کار رفته است. بر اساس نظریات آنان، دلیل افزایش سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایالات متحده این بود که به دلیل کاهش مزیت نسبی تکنولوژی و مدیریتی شرکت های آمریکایی نسبت به دهه های گذشته، شرکت های خارجی قدرت رقابت در بازار آمریکا را با شرکت های آمریکایی پیدا کرده اند، لذا وارد این کشور شده اند. انتقاد وارده بر این تئوری این است که این نظریه مشخص نمی کند که چرا داشتن بعضی مزایا و قدرت رقابت به شکل سرمایه گذاری

مستقیم خارجی بروز پیدا می کند در حالی که شرکت ها می توانند به طرق مختلف از جمله عرضه و فروش مهارت های فنی تولید به شرکت های داخلی و یا صادرات کالا عمل کنند (تراپی و محمزه اصل، ۱۳۸۹).

• نظریه عوامل تولید ارزان قیمت

در کشورهای توسعه یافته، به دلیل مکانیزه بودن فعالیت بنگاه ها و استفاده از صنایع سرمایه بر و قیمت بالای نیروی کار، هزینه تولید نهایی بالا است ولی در کشورهای در حال توسعه به دلیل ارزانی مواد اولیه، نیروی کار و کمبود سرمایه از صنایع کاربر استفاده می شود در نتیجه هزینه تولید نهایی در کشورهای در حال توسعه پایین تر از هزینه تولید نهایی در کشورهای توسعه یافته است (ملکی و نجارزاده، ۱۳۸۲).

جمع بندی عوامل مؤثر بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی

به طور کلی این عوامل را می توان به دو دسته کلی تقسیم بندی کرد:

۱- **عوامل اقتصادی:** به دلیل ماهیت موضوع مورد مطالعه، ما در این تحقیق به بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی که با شاخص های کمی اقتصادی قابل بیان بوده و داده های آن ها برای جامعه آماری مورد مطالعه موجود بود پرداخته ایم، که شامل عوامل زیر است:

الف) عوامل ساختاری: شامل زیر ساخت های اقتصادی مانند راه ها، بنادر، سیستم های ارتباطی و نیز عوامل تأثیرگذاری مانند درجه آزادی اقتصادی، گستردگی اندازه بازار کشور، ارزانی نیروی کار و همچنین ثبات اقتصادی کشور میزبان است.

ب) درجه آزادی اقتصاد: سیاست های بسته اقتصادی باعث ایجاد مانعی بزرگ بر سر راه دسترسی به بازارهای مالی و فناوری های نوین جهانی است و کشورهای در حال توسعه با درک این واقعیت دست به اصلاح ساختار و سیاست های خویش جهت تسهیل ارتباطات و تبادلات تجاری زده اند. تجارت کشورهای در حال توسعه با کشورهای پیشرفته به لحاظ فناوری باعث می شود کشورهای در حال توسعه از فواید هزینه های تحقیق و توسعه کشورهای پیشرفته برخوردار شوند یعنی با واردات کالاهای سرمایه ای با دانش فنی پیشرفته و تحقیق بر روی آن ها و بومی کردن آن می توانند سریع تر سطح دانش فنی خود را ارتقا دهند. افزون بر این، افزایش درجه باز بودن اقتصاد از طریق گسترش رقابت بین بنگاه های داخلی و خارجی به بهبود بهره وری بنگاه ها کمک می کند یعنی بنگاه های داخلی انگیزه بیش تری برای ارتقای کارایی

خود برای بقا در بازار خواهند داشت در مطالعات اقتصادی برای تخمین مدل تحقیق معمولاً از تقسیم مجموع ارزش صادرات و واردات به کل GDP برای تعیین شاخص درجه آزادی اقتصاد استفاده می شود (در گاهی، ۱۳۸۵).

ج) اندازه بازار: اقتصاد با مقیاس وسیع انگیزه سودآوری و سرمایه گذاری خارجی را افزایش می دهد چرا که در این صورت موجب بهره‌وری فن آوری و سرمایه گذاری بیش تر می شود. اقتصاد بزرگ تر در حقیقت پشتیبان فعالیت بنگاه‌های اقتصادی است و نویدبخش تنوع سرمایه گذاری برای سرمایه گذاران است که این امر از ریسک سرمایه گذاری نیز خواهد کاست. در بیش تر مطالعات اقتصادی جهت تخمین مدل تحقیق از میزان تولید ناخالص ملی هر کشوری به عنوان شاخص اندازه بازار استفاده می شود (همان منبع).

د) امنیت اقتصادی: ایجاد بسترهای امنیتی سیاسی، اجتماعی و حقوقی لازم که در چارچوب آن سرمایه گذار اطمینان به برگشت اصل و سود سرمایه خود داشته باشد منجر به ایجاد فضای امن اقتصادی خواهد شد و در این صورت نخست: سرمایه گذاران داخلی بازار داخلی را به بازارهای خارجی ترجیح خواهند داد و دوم: بکارگیری سرمایه‌های داخلی در فعالیت‌های داخلی، سیگنالی به سرمایه گذاران خارجی جهت نشان دادن امنیت اقتصادی در کشور میزبان خواهد بود. برعکس فرار سرمایه‌های داخلی نشانی از عدم امنیت اقتصادی برای سرمایه گذاران خارجی است بدین لحاظ می توان از میزان سرمایه گذاری داخلی به عنوان شاخصی از گروه شاخص امنیت اقتصادی استفاده کرد. دلیل انتخاب این متغیر به عنوان شاخص امنیت اقتصادی این است که ابتدا به عنوان متغیر اصلی در مدل‌های رشد کلاسیک محسوب می شود و سپس نرخ سرمایه گذاری داخلی بازتابی از گرایش مردم برای کسب و کار و اعتماد آن‌ها به آینده اقتصاد است. این متغیر همچنین اطلاعاتی از محیط سرمایه گذاری در کشور مقصدارایه می نماید. انتظار بر این است که رابطه مثبتی بین سرمایه گذاری داخلی و جریان سرمایه گذاری خارجی وجود داشته باشد (ترابی و محمدزاده اصل، ۱۳۸۹).

ر) سرمایه انسانی: با پیچیده شدن فرآیند تولید کالاها و خدمات در جهان، وجود نیروی کار غیر ماهر دیگر مزیت به شمار نمی رود لذا کشورهایی در جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی موفق هستند که از نیروی کار آموزش دیده برخوردار باشند. وجود نیروی کار ارزان قیمت و نیز نیروی کار آموزش دیده به عنوان محرکی جهت جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی عمل می کند چرا که ارزانی نیروی کار هزینه‌های تولید را کاهش می دهد و نیروی کار آموزش دیده زمینه بکارگیری و انتقال فناوری نوین را فراهم می آورد بدین خاطر کشورهای در حال توسعه در راستای جذب این نوع از سرمایه گذاری، به بهبود زیرساخت‌های آموزشی و تأکید ویژه بر

گسترش دانش و تربیت و آموزش نیروی کار همت گمارده‌اند.

ز) عوامل سیاستگذاری: شامل سیاست های پولی، مالی و ارزی در جهت ایجاد ثبات اقتصادی از طریق کنترل تورم و نرخ ارز و نیز کاهش میزان ریسک سرمایه گذاری است. آشفتگی بازار داخلی و برهم خوردن تعادل اقتصادی و نوسان متغیرهای کلان اقتصادی از جمله شاخص قیمت منجر به بی ثباتی اقتصاد داخلی خواهد شد و سرمایه گذار خارجی در پیش بینی سود و زیان سرمایه گذاری خود دچار سردرگمی شده و در میزان سرمایه گذاری خویش مردد خواهد بود پس ثبات اقتصادی لازمه جذب سرمایه گذار خارجی خواهد بود. یکی از متغیرهایی که می توان به عنوان شاخص ثبات اقتصادی استفاده کرد نرخ تورم در هر کشور است چرا که ثبات تقریبی قیمت ها، فضای با ثباتی را برای پیش بینی سود حاصل از سرمایه گذاری به وجود خواهد آورد (درگاهی، ۱۳۸۵).

۲- عوامل غیر اقتصادی: این عوامل به سه دسته عوامل طبیعی، سیاسی و حمایتی تقسیم می شوند که عوامل طبیعی شامل دو عامل منابع طبیعی (مانند منابع معدنی و منابع اولیه تولید) و موقعیت جغرافیایی (مانند دسترسی به گذرگاه های تجاری) می باشد، عوامل سیاسی نیز نشان دهنده تعاملات سیاسی بین کشورهای میهمان و میزبان سرمایه گذار مستقیم است و عوامل حمایتی و تشویقی نیز در حقیقت بیانگر نحوه اعطای حمایت های خاص و امتیازاتی است که به سرمایه گذاران خارجی داده می شود (بهکیش، محمد مهدی، ۱۳۸۶).

از آنجایی که داده های مربوط به سرمایه انسانی در دوره مورد نظر ما به طور کامل موجود نبود لذا از بین عوامل اقتصادی مؤثر بر جذب سرمایه گذاری خارجی در ایران به اثر متقابل سه عامل درجه باز بودن اقتصاد، ثبات اقتصادی و اندازه بازار بر جذب سرمایه گذاری خارجی در ایران می پردازیم.

مدل تحقیق:

این قسمت از تحقیق، به تخمین و تجزیه و تحلیل مدل تحقیق و نیز به بررسی فرضیه های تحقیق در قالب الگوی خود رگرسیون برداری (VAR) با استفاده از نرم افزار E views می پردازد. این مدل توسط سیمز (۱۹۸۰) مطرح گردید. برخلاف مدل های همزمان در مدل های خود رگرسیون برداری طبقه بندی متغیرها به درون زا و برون زا مجاز نیست. این مدل ها عموماً تحت عنوان مدل های غیر تئوریک مطرح می شود چرا که در استفاده از آن ها حتماً نباید به مبانی تئوریک متغیرها توجه نمود. در حالی که با ورود مباحث هم جمعی یوهانس، این ایراد نیز مرتفع شد. این مدل ها در اکثر مواقع جهت پیش بینی مورد استفاده قرار می گیرند. یک مدل خود رگرسیون برداری مدلی است که

در آن هر متغیر بر روی مقادیر با وقفه خودش و مقادیر با وقفه کلیه متغیرهای مدل رگرس می شود. مدل های VAR در واقع همان معادلات فرم خلاصه شده در بحث سیستم معادلات هم زمان هستند. در حالی که شاید بزرگترین مسئله در روش خودرگرسیون برداری انتخاب طول وقفه مناسب باشد. بنابر این بعد از آزمون پایایی متغیرهای مدل اصلی، با روش دیکی فولر تعمیم یافته از طریق آزمون های آکائیک و شوارتز و ... وقفه بهینه مدل تعیین خواهد شد و سپس مدل به روش خود رگرسیون برداری برآورد خواهد شد از آنجایی که تعبیر و تفسیر ضرایب تکی در مدل های تخمینی غالباً دشوارتر است، در عمل غالباً توابع عکس العمل (توابع ضربه-پاسخ) اثر یک انحراف معیار تکانه متغیر را روی متغیرهای دیگر بررسی می کنیم و سرانجام از طریق تجزیه واریانس به بررسی اثر شوک ها بر تک تک متغیرهای مدل خواهیم پرداخت.

داده های مورد استفاده در مدل*

با توجه به مبانی نظری ارایه شده، منجمله نظریه های اندازه بازار نرخ بازدهی متفاوت و عوامل تولید ارزان قیمت و نیز مطالعات صورت گرفته قبلی در جوامع آماری گوناگون و همچنین مطالب عنوان شده در بخش عوامل مؤثر بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی، این عامل را تابعی از عوامل: ثبات اقتصادی، درجه باز بودن اقتصاد و اندازه بازار در نظر گرفته، می خواهیم میزان و جهت اثر هر یک از عوامل فوق را بر جذب سرمایه گذاری خارجی در ایران پیدا کنیم بدین منظور ابتدا مدل اولیه تحقیق را معرفی کرده و پس از برآورد و تصریح مدل اولیه، به برآورد مدل نهایی تحقیق می پردازیم.

معادله (۱)

$$Fdi = f(\text{inflation, gazadi, ggdp})$$

که در این معادله:

fdii: سرمایه گذاری مستقیم خارجی

Inflation: تورم بعنوان شاخص ثبات اقتصادی

Azadi: شاخصی است که نشان دهنده درجه باز بودن اقتصاد است و از تقسیم مجموع ارزش

صادرات و واردات به کل gdp به دست می آید

gdp: تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۲۰۰۰ بر اساس دلار آمریکا به عنوان شاخص اندازه بازار

پیشوند: نشانگر رشد متغیر مورد نظر است

متغیرهای مورد استفاده در این تحقیق همگی از بانک جهانی^۱ استخراج شده است.

• آزمون ایستایی دیکی فولر تعمیم یافته^۱

بر اساس آزمون ایستایی دیکی فولر که توسط نرم افزار E Views انجام گرفت مشخص شد که همه متغیرهای مورد استفاده در مدل، شامل نرخ رشد سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، نرخ تورم و نرخ رشد درجه آزادی، در سطح ایستا هستند.

بنابراین بر اساس دو فرضیه $H_0: \delta = 0$ ؛ یعنی:

نایستا است اگر $t_{\delta} > \tau$ $H_0: \delta = 0$

ایستا است اگر $t_{\delta} < \tau$ $H_0: \delta < 0$

فرض $H_0: \delta = 0$ رد می شود.

نتایج به دست آمده از آزمون ایستایی توسط نرم افزار E Views به شرح زیر می باشد:

جدول ۱: نتایج آزمون ریشه واحد

| نتیجه | مقدار بحرانی مک کینون ۹۵ درصد | آماره ADF | بدون عرض از مبدا و روند | با عرض از مبدا و روند | با عرض از مبدا | متغیر |
|-------|-------------------------------|-----------|-------------------------|-----------------------|----------------|-----------|
| پایا | -۳/۵۵ | -۵/۴۸ | | * | | Gfdii |
| پایا | -۲/۹۴ | -۴/۰۶ | | | * | Ggdp |
| پایا | -۳/۵۳ | -۳/۹۲ | | * | | inflation |
| پایا | -۳/۵۴ | -۴/۸۰ | | * | | Gazadi |

منبع: محاسبات محقق

با توجه به جدول (۱) چون مقدار آماره ADF کم تر از مقادیر بحرانی در سطح ۹۵٪ جدول است فرض $H_0: \delta = 0$ رد می شود بنابراین کلیه متغیرها ایستا هستند.

• تعیین وقفه بهینه الگو:

به منظور برآورد مدل خودرگرسیون برداری تعیین وقفه بهینه الزامی است بدین منظور از معیار اطلاعات آکائیک (AIC) استفاده شده است. به ازای وقفه های مختلف معیار اطلاعات آکائیک (AIC) و معیار شوارتز (SC) به دست آمده در زیر آورده شده است.

جدول ۲: تعیین وقفه بهینه مدل

| وقفه مورد نظر | LR | AIC | Sc |
|---------------|--------|--------|--------|
| 0 | NA | -۵/۳۷* | *-۵/۱۹ |
| 1 | ۲۳/۷۲ | -۵/۲۶ | -۴/۳۲ |
| 2 | ۲۷/۱۶* | *-۵/۴۸ | -۳/۸۰ |

منبع: محاسبات محقق

بنابراین مشاهده می شود که به ازای وقفه ۲ معیار آکائیک کم ترین مقدار را دارا می باشد. می توان نتیجه گرفت، طول وقفه بهینه ۲ می باشد.

• آزمون علیت گرانجر ۱:

به منظور بررسی علیت دو طرفه بین رشد سرمایه گذاری خارجی و متغیرهای مربوطه از آزمون علیت گرانجر استفاده شده است. برخی از نتایج حاصل از این آزمون به شرح زیر است.

جدول ۳: نتایج آزمون علیت گرانجر

| فرضیه صفر | Chi-sq | Probability |
|---|--------|-------------|
| تورم عامل علی رشد سرمایه گذاری خارجی نیست. | ۰/۴۰۸ | ۰/۰۱۵ |
| رشد سرمایه گذاری خارجی عامل علی تورم نیست. | ۰/۱۶۲ | ۰/۹۲۱ |
| رشد درجه آزادی عامل علی رشد سرمایه گذاری خارجی نیست. | ۰/۲۸۹ | ۰/۰۴۵ |
| رشد سرمایه گذاری خارجی عامل علی رشد درجه آزادی نیست. | ۴/۵۶۹ | ۰/۱۰۱ |
| رشد تولید ناخالص داخلی عامل علی رشد سرمایه گذاری خارجی نیست. | ۰/۳۶۴ | ۰/۰۳۳ |
| رشد سرمایه گذاری خارجی عامل علی رشد تولید ناخالص داخلی نیست. | ۲/۶۰۲ | ۰/۰۴۲ |
| رشد تولید ناخالص داخلی عامل علی تورم نیست. | ۷/۳۴ | ۰/۰۲۵ |
| رشد درجه آزادی عامل علی رشد تولید ناخالص داخلی در ایران نیست. | ۷/۵۵ | ۰/۰۲۲ |

منبع: محاسبات محقق

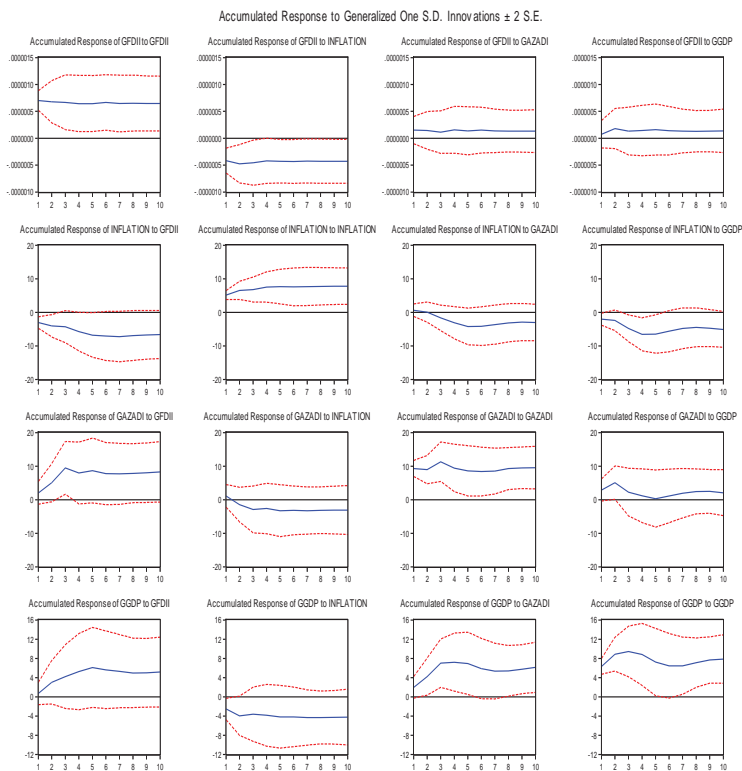
مقادیر آماره کای دو محاسبه شده در سطح کم تر از ۵ درصد دارای اهمیت آماری هستند و در این حالت فرضیه صفر رد شده و فرضیه مقابل مورد پذیرش قرار می گیرد. در نتیجه بر اساس آزمون علیت گرانجر (جدول شماره ۳) رابطه یک طرفه ای از سمت دو متغیر تورم (به عنوان شاخصی برای ثبات اقتصادی) و رشد درجه آزادی (رشد درجه باز بودن اقتصاد) به سمت رشد سرمایه گذاری خارجی در ایران مشاهده می شود یعنی رشد این دو متغیر رشد سرمایه گذاری خارجی در ایران را متأثر می کند. ولی رشد سرمایه گذاری خارجی بر رشد دو متغیر مذکور تأثیر گذار نمی باشد^۱. همچنین رابطه دو طرفه ای بین رشد تولید ناخالص داخلی (به عنوان شاخصی برای اندازه اقتصاد) و رشد سرمایه گذاری خارجی در ایران وجود دارد بدان معنا که این دو متغیر بر همدیگر اثر متقابلی دارند. جهت تحلیل جامع تر همان گونه که از جدول (۳) ملاحظه می شود رشد درجه آزادی، رشد اقتصادی در ایران را متأثر می کند.

• توابع عکس العمل آتی الگو^۲:

تابع عکس العمل آتی، عکس العمل یک متغیر درونزا را نسبت به تغییر یکی از جملات اخلاص یا تحریک در طول زمان نشان می دهد. بنابراین تجزیه و تحلیل واکنش به ضربه و یا عکس العمل آتی به عنوان ابزاری در راستای بررسی تأثیرات متقابل میان متغیرهای الگو بکار می روند. سیمز (۱۹۹۰) به منظور تحلیل مناسب تر و جامع تر اثر شوک های سیاستی پیش بینی نشده بر متغیرهای کلان، استفاده از توابع عکس العمل تحریک و تجزیه واریانس را پیشنهاد نمود. این ابزار از مدل خود رگرسیون برداری به صورت نمایش میانگین متحرک به دست می آید. توابع عکس العمل آتی ابزار مفیدی برای تحلیل رفتار پویای متغیرهای مدل هنگام وقوع شوک های غیر قابل پیش بینی در دیگر متغیرهای مدل می باشد. این توانایی به این دلیل است که این توابع، عکس العمل همه متغیرهای موجود در سیستم را در اثر شوکی به اندازه های مختلف در یکی از متغیرها نشان می دهد. بنابراین از این ابزار می توان برای تجزیه و تحلیل اثر شوک های ساختاری بر متغیرهای هدف استفاده نمود.

۱ البته در بعضی از مطالعات صورت گرفته تأثیر گذاری رشد سرمایه گذاری خارجی بر تورم در ایران به اثبات رسیده است. در این تحقیق با توجه به ورود تولید ناخالص داخلی در مدل تأثیر گذاری سرمایه گذاری خارجی بر تورم با واسطه است چرا که همان گونه که از جدول (۳) ملاحظه می شود رشد سرمایه گذاری خارجی، رشد تولید در ایران را متأثر می سازد و رشد تولید نیز تورم در ایران را متأثر می سازد بنابر این تأثیر رشد سرمایه گذاری خارجی بر رشد تورم در ایران با واسطه و از طریق رشد اقتصادی می باشد. از نمودار شماره (۳) این مطالعه نیز مشاهده می شود که اثر یک شوک مثبت از طرف رشد سرمایه گذاری خارجی بر رشد اقتصادی در ایران مثبت می باشد و اثر یک شوک مثبت در رشد اقتصادی نیز بر تورم در ایران منفی و معنا دار است بدان معنا که افزایش سرمایه گذاری خارجی در ایران باعث افزایش تولید ناخالص داخلی و فراوانی کالا در کشور شده و این امر موجب کاهش قیمت ها و در نتیجه کاهش تورم در کشور می شود.

نمودار شماره ۳: نمودار توابع عکس العمل آنی



منبع: محاسبات محقق

اثر شوک مثبت از طرف تورم (بی ثباتی اقتصادی) بر رشد سرمایه گذاری خارجی در ایران منفی است.

(response of gfdi to inflation)

اثر شوک مثبت از طرف رشد درجه آزادی بر رشد سرمایه گذاری خارجی در ایران مثبت است.

(response of gfdi to gazadi)

اثر یک شوک مثبت از طرف رشد اقتصادی (اندازه اقتصاد) بر رشد سرمایه گذاری خارجی در ایران مثبت است.

(response of gfdii to ggdp)

اثر یک شوک مثبت از طرف تورم بر رشد اقتصادی در ایران منفی است.
(response of ggdp to inflation)

اثر یک شوک مثبت از طرف رشد درجه آزادی بر رشد اقتصادی در ایران مثبت است.
(response of ggdp to gazadi)

اثر یک شوک مثبت از طرف رشد سرمایه گذاری خارجی بر رشد اقتصادی در ایران مثبت است.
(response of ggdp to gfdii)

اثر یک شوک مثبت از طرف رشد تولید ناخالص داخلی یا همان رشد اقتصادی بر تورم در ایران منفی است.
(response of inflation to ggdp)

نقش نظارت و بازرسی در جذب سرمایه گذاری خارجی در ایران

نظارت و کنترل یکی از وظایف اصلی مدیریت محسوب می گردد، به طوری که بدون توجه به این جزء سایر اجزاء مدیریت شامل برنامه ریزی، سازماندهی و هدایت نیز ناقص بوده و تضمینی برای انجام درست آن وجود ندارد. سازمانی که مورد بازرسی قرار نگیرد روز به روز به ضعف و نابودی می رود و اثربخشی آن مورد سؤال قرار می گیرد، بالعکس، سازمانی که اصول بازرسی بر آن اعمال شود حتی اگر آن نارسایی ها وجود داشته باشد وجود بازرسی منظم آن ضعف را برطرف خواهد نمود. همچنین دستگاه های حکومت اگر خود را به پاسخگویی موظف ندانند، اثرات نامطلوبی بر جامعه از خود بر جای خواهند گذاشت و در مسیر عدم مشارکت و خودرأیی خواهند افتاد و ارباب رجوع را صرفاً موظف به اطاعت می دانند همان طوری که بیان شد صرف نظر از این موضوع که جذب سرمایه گذاری خارجی یک موضوع کلان بوده و نیازمند همیاری و همکاری دستگاه های مختلف دیگر نیز می باشد سازمان سرمایه گذاری و کمک های فنی ایران نیز به منظور ایفای این نقش تشکیل شده است. در سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز بر جذب این نوع سرمایه تأکید مکرر شده است و اقدامات متعددی برای تدوین قوانین و مقررات تسهیل کننده جذب این نوع سرمایه صورت گرفته است در حالی که بدون نظارت بر اجرای صحیح این قوانین و مقررات این امر تحقق نخواهد یافت برای مثال طبق بند (۱) ماده ۲۸ قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی یکی از منابع مالی و شرایط تامین مالی مورد نیاز برای اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جذب سالانه حداقل ده میلیارد (۱۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰) دلار خط اعتباری جهت تأمین مالی سرمایه گذاری های

بخش غیردولتی از خارج از کشور توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران می باشد این در حالی است که در صورت عدم نظارت بر اجرای این قانون دستگاه مکلف ممکن است در اجرای وظایف قانونی خود کوتاهی نماید و این امر بخش خصوصی و تولید کشور را با مشکل مواجه نماید و لذا اینجا است که نقش کلیدی سازمان بازرسی حتی در تأثیر گذاری بر متغیر های کلان اقتصادی مطرح می شود. همچنین از جمله اهداف و وظایف سازمان سرمایه گذاری و کمک های فنی ایران می توان به موارد زیر اشاره کرد.

الف) اهداف:

تمرکز و تنظیم و انجام امور مربوط به سرمایه گذاری های خارج در ایران و سرمایه گذاری های ایران در خارج و اعطاء وام و اعتبار به دولت ها و موسسات خارجی و بین المللی و کمک های اقتصادی و فنی و همچنین اخذ هر گونه وام و اعتبار از خارج.

ب) وظایف اساسی:

- ۱ - انجام امور مربوط به جلب و حمایت سرمایه های خارجی و تعیین حداکثر مشارکت خارجی در رشته های مختلف سرمایه گذاری در ایران.
- ۲ - انجام امور مربوط به سرمایه گذاری های ایران در خارج و خرید و فروش و تبدیل اوراق بهادار و عقد قراردادهای لازم.
- ۳ - انجام امور مربوط به کمک های اقتصادی و اعطاء وام و اعتبار به دولت ها و مؤسسه های خارجی و بین المللی.
- ۴ - انجام امور مربوط به اخذ وام و اعتبار از خارج .
- ۵ - وصول اقساط اصل وام ها و اعتبارات و بهره و کارمزد و سایر وجوه مربوط به وام ها و اعتبارات پرداخت شده به دولت ها و مؤسسه های خارجی و بین المللی.
- ۶ - بازپرداخت اصل وام ها و اعتبارات و پرداخت بهره و کارمزد و سایر هزینه های مربوط به وام ها و اعتبارات دریافتی دولت از خارج.
- ۷ - تنظیم و مراقبت در اجرای برنامه کمک های فنی ایران به خارج با همکاری سازمان های مربوط.
- ۸ - مشارکت و همکاری با مؤسسه های مالی بین المللی در مورد اعطاء وام و اعتبار به دولت ها و مؤسسه های خارجی.
- ۹ - مراقبت در حسن اجرای قراردادهای منعقد مربوط به اعطاء وام و اعتبار و کمک های اقتصادی و فنی و سرمایه گذاری.
- ۱۰ - مراقبت در حسن اجرای قراردادهای منعقد مربوط به اخذ وام و اعتبار از طرف دولت.

وظایف فوق بر اساس قوانین و مقررات جذب سرمایه گذاری خارجی تدوین شده اند. از آنجایی که قوانین بدون نظارت و بازرسی از عملکرد دستگاه های مکلف، اثر بخشی خود را نخواهند داشت اینجا است که نقش کلیدی سازمان بازرسی مطرح می شود. طبق تبصره ماده (۱) قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور، نظارت و بازرسی از نظر این قانون عبارت است از مجموعه فعالیت های مستمر و منظم و هدف دار به منظور جمع آوری اطلاعات لازم درباره مراحل قبل، حین و بعد از اقدامات دستگاه های مشمول ماده (۲) این قانون، تجزیه و تحلیل آن ها، تطبیق عملکرد دستگاه با اهداف و تکالیف قانونی و ارائه پیشنهادهای مناسب در جهت حسن جریان امور. بنابر این نظارت بر این امر و ارائه راهکار های مناسب برای حسن جریان امور نقش کلیدی سازمان را در این زمینه مشخص می کند.

همچنین کنترل عوامل اقتصادی مؤثر بر جذب این نوع از سرمایه گذاری نیز توسط دستگاه های مشمول قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور صورت می گیرد و نظارت بر اجرای صحیح قوانین مربوطه و ارائه پیشنهادات سازنده می تواند به ثبات اقتصادی کشور کمک نماید.

نتیجه گیری

نظر به این که سرمایه گذاری مستقیم خارجی اثرات مثبتی مانند کسب دارایی، انتقال فناوری و تکنولوژی، معرفی فرآیندهای جدید تولید، تقویت توان مدیریتی، آموزش کارکنان و دسترسی به بازارهای خارجی و بطور کلی اثر مثبتی در روند توسعه کشورها دارد و برنامه ریزی برای جذب آن در سال های اخیر مورد توجه دولت ها قرار گرفته است در این تحقیق در صدد برآمدیم تا اثر عوامل اقتصادی مؤثر بر جذب آن در کشور ایران را شناسایی و با استفاده از روش اقتصادسنجی سیستم معادلات هم زمان برآورد نماییم که نتایج تخمین مدل، حاکی از آن است که برخلاف برخی از نظریات، تورم اثر معنا دار و سوء بر رشد سرمایه گذاری خارجی در ایران دارد چرا که آشفته گی بازار داخلی و برهم خوردن تعادل های اقتصادی و نوسان متغیرهای کلان اقتصادی از جمله تورم در ایران، منجر به بی ثباتی اقتصاد داخلی می شود و سرمایه گذار خارجی در پیش بینی سود و زیان سرمایه گذاری خود دچار سردرگمی شده و در میزان سرمایه گذاری خویش مردد می گردد. پس ثبات اقتصادی لازمه جذب سرمایه گذار خارجی است. همچنین رشد درجه آزادی (درجه باز بودن اقتصاد) اثر مثبت و معنا داری بر رشد سرمایه گذاری خارجی در ایران دارد دلایل این تاثیر مثبت را می توان اثر سرریز تحقیق و توسعه خارجی به شکل انتقال فناوری از طریق واردات کالاهای سرمایه ای با تکنولوژی پیشرفته به کشور دانست. افزون بر این،

افزایش درجه بازبودن اقتصاد از طریق گسترش رقابت بین بنگاه‌های داخلی و خارجی به بهبود بهره‌وری بنگاه‌ها کمک می‌کند، یعنی بنگاه‌های داخلی انگیزه بیش تری برای ارتقای کارایی خود برای بقا در بازار خواهند داشت. رشد اندازه اقتصاد (رشد اقتصادی) ایران نیز رشد سرمایه گذاری خارجی در ایران را افزایش می‌دهد در واقع رشد اقتصادی بالای کشور، چراغ سبزی برای سرمایه گذار خارجی است و بیان‌کننده سودآوری سرمایه گذاری در کشور می‌باشد و این خود باعث جذب سرمایه گذار خارجی می‌شود. همچنین رشد سرمایه گذاری خارجی اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی در ایران دارد و اثر رشد اقتصادی نیز بر تورم در ایران منفی و معنادار است، بدان معنا که افزایش سرمایه گذاری خارجی در ایران باعث افزایش تولید ناخالص داخلی و فراوانی کالا در کشور شده و این امر موجب کاهش قیمت‌ها و در نتیجه تورم در کشور می‌شود. برای ایجاد رشد اقتصادی و و شتاب بخشیدن به آن و نیز جذب سرمایه گذاری خارجی در ایران تلاش‌هایی از قبیل تدوین قوانین و مقررات و تأسیس سازمان‌هایی از قبیل سازمان سرمایه گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران صورت گرفته است که بر اساس قوانین مربوطه مکلف به اجرای وظایف فوق می‌باشند و بدون اجرای این قوانین دست‌یابی به اهداف سیاست‌های کلی اصل ۴۴ در جذب سرمایه گذاری خارجی و شتاب بخشیدن به رشد تولید امکان‌پذیر نمی‌باشد و نظارت بر اجرای آن‌ها از وظایف کلیدی سازمان بازرسی کل کشور می‌باشد بنابراین پیشنهاد می‌شود دولت از اجرای سیاست‌های پولی و مالی‌ای که اثر قابل توجه‌ای بر تورم در ایران داشته باشد خودداری نماید تا ضمن کمک به جذب سرمایه گذاری خارجی و در نتیجه گسترش تولید از طریق فوق‌و در نتیجه کاهش بیکاری که یکی از مشکلات کلان اقتصادی و اجتماعی کشور است به ثبات اقتصادی در ایران نیز کمک کند. همچنین پیشنهاد می‌شود دولت شرایط مساعد برای تجارت با کشورهای دیگر را فراهم نماید تا ضمن زمینه‌سازی برای ورود تکنولوژی خارجی به کشور، به بومی‌سازی آن نیز کمک شود. در ضمن پیشنهاد می‌شود با توجه به اهمیت جذب این نوع سرمایه گذاری و نقش کلیدی سازمان بازرسی در نظارت بر اجرای قوانین و مقررات مربوط به آن، آن سازمان با تشکیل پرونده‌های مستمر به خصوص در زمینه نظارت بر اجرای قوانین مربوط به تسهیل فرآیند ورود سرمایه به کشور و شتاب بخشیدن به رشد اقتصادی و ثبات آن که طبق یافته‌های این تحقیق نقش کلیدی در جذب این نوع از سرمایه دارند و نیز آرایه پیشنهاد‌های اثر بخش به جذب این نوع از سرمایه در کشور کمک کند.

| | | | | |
|--|-------------|-----------------------|-------------|-----------|
| Null Hypothesis: GFDII has a unit root | | | | |
| Exogenous: Constant, Linear Trend | | | | |
| Lag Length: 0 (Automatic based on SIC, MAXLAG=8) | | | | |
| | | | t-Statistic | Prob.* |
| Augmented Dickey-Fuller test statistic | | | -5.484994 | 0.0005 |
| Test critical values: | 1% level | | -4.262735 | |
| | 5% level | | -3.552973 | |
| | 10% level | | -3.209642 | |
| *MacKinnon (1996) one-sided p-values. | | | | |
| Augmented Dickey-Fuller Test Equation | | | | |
| Dependent Variable: D(GFDII) | | | | |
| Method: Least Squares | | | | |
| Date: 01/09/13 Time: 19:04 | | | | |
| Sample (adjusted): 1972 2008 | | | | |
| Included observations: 33 after adjustments | | | | |
| Variable | Coefficient | Std. Error | t-Statistic | Prob. |
| GFDII(-1) | -1.060793 | 0.193399 | -5.484994 | 0.0000 |
| C | 6.24E-08 | 2.18E-07 | 0.286266 | 0.7766 |
| @TREND(1970) | 4.87E-09 | 9.58E-09 | 0.508358 | 0.6149 |
| R-squared | 0.501484 | Mean dependent var | | 2.60E-08 |
| Adjusted R-squared | 0.468250 | S.D. dependent var | | 8.50E-07 |
| S.E. of regression | 6.19E-07 | Akaike info criterion | | -25.66442 |
| Sum squared resid | 1.15E-11 | Schwarz criterion | | -25.52837 |
| Log likelihood | 426.4629 | Hannan-Quinn criter. | | -25.61865 |
| F-statistic | 15.08932 | Durbin-Watson stat | | 1.825126 |
| Prob(F-statistic) | 0.000029 | | | |
| Null Hypothesis: GGDP has a unit root | | | | |
| Exogenous: Constant | | | | |

| Lag Length: 2 (Automatic based on SIC, MAXLAG=9) | | | | |
|--|-------------|-----------------------|-------------|-----------|
| | | | t-Statistic | Prob.* |
| Augmented Dickey-Fuller test statistic | | | -4.065321 | 0.0033 |
| Test critical values: | 1% level | | -3.632900 | |
| | 5% level | | -2.948404 | |
| | 10% level | | -2.612874 | |
| *MacKinnon (1996) one-sided p-values. | | | | |
| Augmented Dickey-Fuller Test Equation | | | | |
| Dependent Variable: D(GGDP) | | | | |
| Method: Least Squares | | | | |
| Date: 01/09/13 Time: 19:13 | | | | |
| Sample (adjusted): 1974 2008 | | | | |
| Included observations: 35 after adjustments | | | | |
| Variable | Coefficient | Std. Error | t-Statistic | Prob. |
| GGDP(-1) | -0.826237 | 0.203240 | -4.065321 | 0.0003 |
| D(GGDP(-1)) | 0.282100 | 0.177646 | 1.587985 | 0.1224 |
| D(GGDP(-2)) | 0.283044 | 0.163744 | 1.728572 | 0.0938 |
| C | 2.694080 | 1.256069 | 2.144851 | 0.0399 |
| R-squared | 0.363643 | Mean dependent var | | -0.092389 |
| Adjusted R-squared | 0.302060 | S.D. dependent var | | 7.391829 |
| S.E. of regression | 6.175342 | Akaike info criterion | | 6.586216 |
| Sum squared resid | 1182.180 | Schwarz criterion | | 6.763970 |
| Log likelihood | -111.2588 | Hannan-Quinn criter. | | 6.647577 |
| F-statistic | 5.904926 | Durbin-Watson stat | | 1.924635 |
| Prob(F-statistic) | 0.002613 | | | |

| | | | | |
|--|-------------|-----------------------|-------------|----------|
| Null Hypothesis: INFLATION has a unit root | | | | |
| Exogenous: Constant, Linear Trend | | | | |
| Lag Length: 1 (Automatic based on SIC, MAXLAG=9) | | | | |
| | | | t-Statistic | Prob.* |
| Augmented Dickey-Fuller test statistic | | | -3.921653 | 0.0209 |
| Test critical values: | 1% level | | -4.226815 | |
| | 5% level | | -3.536601 | |
| | 10% level | | -3.200320 | |
| *Mackinnon (1996) one-sided p-values. | | | | |
| Augmented Dickey-Fuller Test Equation | | | | |
| Dependent Variable: D(INFLATION) | | | | |
| Method: Least Squares | | | | |
| Date: 01/09/13 Time: 19:20 | | | | |
| Sample (adjusted): 1972 2008 | | | | |
| Included observations: 37 after adjustments | | | | |
| Variable | Coefficient | Std. Error | t-Statistic | Prob. |
| INFLATION(-1) | -0.642181 | 0.163753 | -3.921653 | 0.0004 |
| D(INFLATION(-1)) | 0.252335 | 0.165153 | 1.527887 | 0.1361 |
| C | 9.860912 | 3.419460 | 2.883763 | 0.0069 |
| @TREND(1970) | 0.101112 | 0.120206 | 0.841158 | 0.4063 |
| R-squared | 0.320597 | Mean dependent var | | 0.577150 |
| Adjusted R-squared | 0.258833 | S.D. dependent var | | 8.665332 |
| S.E. of regression | 7.460075 | Akaike info criterion | | 6.958814 |
| Sum squared resid | 1836.540 | Schwarz criterion | | 7.132967 |
| Log likelihood | -124.7381 | Hannan-Quinn criter. | | 7.020211 |
| F-statistic | 5.190688 | Durbin-Watson stat | | 1.888779 |
| Prob(F-statistic) | 0.004767 | | | |

| | | | | |
|--|-------------|-----------------------|-------------|-----------|
| Null Hypothesis: GAZADI has a unit root | | | | |
| Exogenous: Constant, Linear Trend | | | | |
| Lag Length: 0 (Automatic based on SIC, MAXLAG=9) | | | | |
| | | | t-Statistic | Prob.* |
| Augmented Dickey-Fuller test statistic | | | -4.806419 | 0.0023 |
| Test critical values: | 1% level | | -4.234972 | |
| | 5% level | | -3.540328 | |
| | 10% level | | -3.202445 | |
| *MacKinnon (1996) one-sided p-values. | | | | |
| Augmented Dickey-Fuller Test Equation | | | | |
| Dependent Variable: D(GAZADI) | | | | |
| Method: Least Squares | | | | |
| Date: 01/09/13 Time: 19:22 | | | | |
| Sample (adjusted): 1972 2007 | | | | |
| Included observations: 36 after adjustments | | | | |
| Variable | Coefficient | Std. Error | t-Statistic | Prob. |
| GAZADI(-1) | -0.821274 | 0.170870 | -4.806419 | 0.0000 |
| C | -1.591575 | 4.172007 | -0.381489 | 0.7053 |
| @TREND(1970) | 0.043352 | 0.188629 | 0.229826 | 0.8196 |
| R-squared | 0.411815 | Mean dependent var | | -0.219908 |
| Adjusted R-squared | 0.376167 | S.D. dependent var | | 14.87597 |
| S.E. of regression | 11.74950 | Akaike info criterion | | 7.845154 |
| Sum squared resid | 4555.677 | Schwarz criterion | | 7.977114 |
| Log likelihood | -138.2128 | Hannan-Quinn criter. | | 7.891212 |
| F-statistic | 11.55238 | Durbin-Watson stat | | 2.062569 |
| Prob(F-statistic) | 0.000157 | | | |

VAR Lag Order Selection Criteria

Endogenous variables: GFDII INFLATION GAZADI GGDP

Exogenous variables: C

Date: 01/09/13 Time: 19:30

Sample: 1970 2008

Included observations: 30

| Lag | LogL | LR | FPE | AIC | SC | HQ |
|-----|----------|-----------|-----------|------------|------------|------------|
| 0 | 84.67809 | NA | 5.42e-08 | -5.378539 | -5.191713* | -5.318772* |
| 1 | 98.91536 | 23.72879 | 6.18e-08 | -5.261024 | -4.326892 | -4.962187 |
| 2 | 118.3212 | 27.16820* | 5.24e-08* | -5.488081* | -3.806644 | -4.950175 |

* indicates lag order selected by the criterion

LR: sequential modified LR test statistic (each test at 5% level)

FPE: Final prediction error

AIC: Akaike information criterion

SC: Schwarz information criterion

HQ: Hannan-Quinn information criterion

VAR Granger Causality/Block Exogeneity Wald Tests

Date: 01/09/13 Time: 19:51

Sample: 1970 2008

Included observations: 30

Dependent variable: GFDII

| Excluded | Chi-sq | df | Prob. |
|-----------|----------|----|--------|
| INFLATION | 0.408025 | 2 | 0.0155 |
| GAZADI | 0.289763 | 2 | 0.0451 |
| GGDP | 0.364767 | 2 | 0.0333 |
| All | 1.189767 | 6 | 0.0474 |

Dependent variable: INFLATION

| Excluded | Chi-sq | df | Prob |
|----------|----------|----|--------|
| GFDII | 0.162644 | 2 | 0.9219 |
| GAZADI | 2.570660 | 2 | 0.2766 |
| GGDP | 7.343437 | 2 | 0.0254 |
| All | 12.30618 | 6 | 0.0555 |

Dependent variable: GAZADI

| Excluded | Chi-sq | df | Prob. |
|-----------|----------|----|--------|
| GFDII | 4.569231 | 2 | 0.1018 |
| INFLATION | 4.274425 | 2 | 0.1180 |
| GGDP | 11.44575 | 2 | 0.0033 |
| All | 18.00962 | 6 | 0.0062 |

Dependent variable: GGDP

| Excluded | Chi-sq | df | Prob. |
|-----------|----------|----|--------|
| GFDII | 2.602738 | 2 | 0.0422 |
| INFLATION | 1.406784 | 2 | 0.0449 |
| GAZADI | 7.553326 | 2 | 0.0229 |
| All | 10.62293 | 6 | 0.1008 |

منابع و مأخذ

- تودارو، مایکل. توسعه اقتصادی در جهان اسلام، ترجمه: فرجادی، غلامعلی، تهران، نشر کوهدار، ۱۳۸۷.
- برانسون، ویلیام اچ. تئوری و سیاستهای اقتصاد کلان، ترجمه: عباس شاکری، تهران، نشر نی، ۱۳۷۶.
- بهکیش، محمد مهدی. اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن، نشر نی، ۱۳۸۶.
- بی اسنودان، اچ و یجو پی وینار کوویچ. راهنمای نوین اقتصاد کلان، ترجمه: منصور خلیلی عراقی، علی سوری، تهران، انتشارات برادران، ۱۳۸۷.
- در گاهی، حسن. عوامل مؤثر بر توسعه سرمایه گذاری مستقیم خارجی درس هایی برای اقتصاد ایران، فصلنامه علمی پژوهشی شریف، شماره ۳۸، (۱۳۸۵: ۷۳-۵۷).
- رومر، دیوید. اقتصاد کلان پیشرفته، ترجمه: مهدی تقوی، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، جلد اول، ۱۳۸۳.
- رضایی، مهدی. عوامل مؤثر بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در صنایع ایران، تهران، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۸۸.
- فرجادی، غلامعلی. درآمدی بر نظریه های رشد و توسعه اقتصادی، تهران، نشر البرز، ۱۳۷۰.
- گجراتی، دامودار. مبانی اقتصادسنجی، حمید ابریشمی، جلد (۱) و (۲)، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
- گوگرد چیان، احمد. طیبی، سید کمیل. بررسی عوامل مؤثر بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در صنایع پتروشیمی ایران به روش داده های تابلویی، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی، سال هشتم، شماره ۲۶، (۱۳۸۵: ۲۰۳-۱۸۱).
- مایر، م، جerald. از اقتصاد کلاسیک تا اقتصاد توسعه، ترجمه: غلامرضا آزاد ارمکی، تهران، نشر میترا، ۱۳۷۵.

Constantina , Kottaridi , Thansis ,Stengos,(2010), Foreign Direct Investment , Human Capital and Non- linearities in Economic Growth, Journal of Macroeconomics 32(2010)858-871

Christiansen, Hans and et al, 2003, Incentive –Based Competition for Forigen Direct Investment , The case of Brazil , OECD Secretariat .

Durham, K.B., (2004), Absorptive Capacity and The Effects of Foreign Direct Investment and Foreign Portfolio Investment on Economics Growth, *European Economics Review* 48, 285-306.

Ericsson, Johan, Irlandost, Manuchehr, (2001), on the causality between Foreign Direct Investment and Output: A Comparative study, *The International Trade Journal*, Volume xv, no.1.

J. June . 1989, Tax Policy and International Direct Investment, Working Paper No.3048, Cambridge: National Bureau of Economic Research .

International Monetary Fund, Foreign Direct Investment, w p/90/63

Kathuria, V., (2001), Foreign Firms, Technology Transfer and Knowledge Spillovers to Indian Manufacturing Firms: A stochastic frontier analysis. *Applied Economics* 33, 625-642.

Kojima, k., (1973), A Macroeconomic Approach to FDI, *Hitotsubashi Journal of Economics*, vol.14.

Liu, X and et al, (2001), Endogenous Innovation Growth Theory and Regional Income Convergence in China, *Journal of International Development*, 13(2).

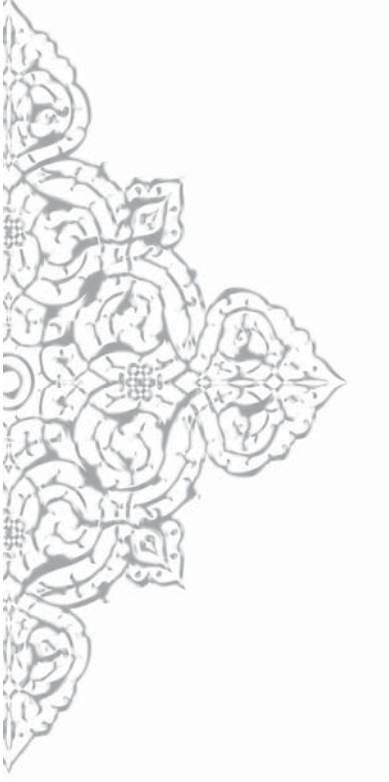
Lucas, R.E., JR. (1990), Why Does Capital Flow From Rich to Poor Countries, *American Economic Review*, pp 80, 92-96

O.I. Williamson, (1975), *Markets and Hierarchies. Analysis and Antitrust Implications: A study in the Economics of Internet Organization*, New York: Free press.

Swain, N.J, Wang, Z., (1997), Determinants of inflow of foreign direct investment in Hungary and China: time-series approach, *Journal of International Development*, 9(5)

Zhang, Kevin H., (2006), FDI and host countries, exports: the case of china, *international economics*, 1(1): 50-55

چکیده انگلیسی



Performance Evaluation of the Institution in charge of organizing the Beggars

Karam Habibpour Gatabi

Abstract

In this research by an evaluation plan, qualitative methodology, and qualitative interview to review the performance of municipality, welfare organization, Imam Khomeini Relief committee, and ministry of interior, in response to begging phenomenon.

The statistical Society of this research, in addition to the experts, and authorities of these institutions is composed of these experts, and authorities of these institutions is composed of these experts, and critics of other organizations in charge.

The result showed that, although to some extent, begging has a personal method, the prevalent from of it is structural.

The other result is that begging in Iran has two different forms: One is the begging profession, and the other, professional begging.

According to results the performances of these studied institutions have not been successful and except for the municipality, which had a relative success in this regard.

Two groups of internal and external factors were causes, that these in situation have been underactive in this matter.

It can be inferred from the results, that the institutions studied have had limitations, and defects in all functions of achieving objectives, adaption, integrity, and maintained of pattern and this has led to failure of activities of them in overcoming begging.

Keywords: begging

Review on the function of state-owned Companies admitted to Stock Exchange

Sayyed Mohammad Reza Sayyed Nourani

Masoud Gholamzadeh Ladari

Abstract

The Execution of Article 44 of the constitution of The Islamic Republic of Iran, and privatization trend do not necessarily com to end by the transfer of ownership, and it is expedient that the Consequences arising there form are accurately analyzed.

This research is mainly aimed at reviewing the status of the entities admitted to stock exchange in comparison with their status before such an admission, and extracting the most important obstacles and challenges of transferring, and rending some proposals for enhancing the effectiveness of future transfers.

The results gained by this research indicate that the function, efficiency, and financial status of public companies proved no significant change in Comparison with the time before their admission in stock Exchange.

On the other hand the experts believe that although the change of structure, function, and financial status, and the efficiency companies assigned are time consuming, and even may encounter with delay and some resistance.

During this period passed from assignment of the agents, some problems have been detected which have effected on their functions, and financial status.

Keywords: privatization, function, Efficiency, and financial status, Tehran stock Exchange, Ownership structure, Management structure.

Study the Role of Information and Communication Technology in reducing factors influential on the Incidence of administration Corruption in Deeds, and Real Estate Department of Lorestan Province from the view Point of its staff

Reza Sepahvand
Mohammad Reza Esmaeili
Hamid Reza Khadambashi Emami

Abstract

This study examines the role of I.C.T in reducing the factors influential on incidence of administration corruption. The purpose of this study is to determine the Impact of four electronic systems of Deeds, and Real Estate Registration, Accounting, Archiving, and Complaints on Reduction of administrative Corruption.

This research in term of application purpose, and with regard to nature and method, it is a descriptive survey research.

The statistical society of this research is all the managers, and experts of Deeds, and Real Estate Registration Department of Lorestan province composed of 100 people.

In this study, classified probability sampling method is used, based on which; the minimum number of samples of 80 persons was obtained.

Based on the results, it was made clear that issues such as facilitation of retrieval of deeds, and documents, increase of responsiveness of Archive Dept, to related inquiries, and reduction access of non-responsible staff to accounting documents, an increase of control on accounting process by Electronic Accounting system, and also increase access of customers to the required information, Using Electronic system of Deeds and Real Estate Registration, have the most role in reducing the causes of administrative corruption.

Keywords: administrative corruption, ICT, factor Affecting the Incidence of Administrative corruption, transparency, E.government.

The system of appropriate responding in governmental management by putting emphasis on suitable governing

Vahid Arafi

Abstract

Responding is one of the challenges faced by governments. Governments shall be held liable for their Policies, and action.

Any government requires a responding system, and this is one of the necessities of democracy.

State organizations are established by and for people, and they shall be held accountable.

In Islamic political system, although the powers of the government are gained from divine law, the government, and politicians shall remain respondent to God, but also it completes it.

Responding in the framework, of suitable governing is a good guarantee for the state.

Management to move whit highest efficiency, effectiveness, Suitability, future planning, and precautions toward acceptable national objectives.

Keywords: Responding, Suitable sovereign, Administrative systems, Governmental management.

Tax and economic Development

Case study in Iran, OPEC, OECD countries using co integration pattern and Var-panel

Ayoub Faramarzi

Hojat Hussainzadeh

Rokhsareh Mohamoudzadeh

Abstract

In this research the relationship between tax, and economic development in Iran, and selected countries of OECD, and OPEC are studied.

The result of this study during 1963-2010 shows, that there has been no long-term balanced relationship between tax, and economic development in Iran.

One of the major reasons for this can be found in the excessive reliance on oil revenues, and the defects in tax system structure in Iran.

Also in 26 OECD member countries during 1998-2011, show that there is a long-term balanced relationship, and a causal relationship between tax and economic development, and tax has had a negative effect with economic development.

However, the study on the selected OPEC member countries during 1994-2011.

Using co-integration test of Pedroni and Kao, show no long-term balanced, and Co-integrated relationship between tax and economic development, in which can be attributed to reliance of the economy of these countries on oil revenues.

Keywords: tax, economic development. Granger causality test, Iran, OECD countries.

A review on the status of citizenship rights in administrative system of Iran, and it's affecting factors

Sayyed Zia Hashemi
Majid Foladian
Hassan Rezaei Behrabad
Zeinab Fatemi Amin

Abstract

In this research, the basis of citizenship rights has been extracted from theoretical fundamentals of citizenship, Islamic view point, the Constitution, and current acts of the Country.

Theoretical frame of citizenship has been configured according to the said bases, and research hypotheses were designed based on this frame. The method of this research is surveying (measurement) systematic watch.

In surveying section, watch unit is «person», and analysis unit is «organization».

In systematic Watch section watch unit is «letter» and analysis unit is «organization».

Statistical society is formed by Employees, and client of two governmental departments of Tehran and Mashhad.

Citizenship Rights are the main variable of the research with two indexes each of which were analyzed by one method. The results of the first index which is the client's satisfaction with the organizations services, and the observance of citizenship rights in administrative system graded the client's satisfaction as 5.7% little, 64.6% Middle, and 29.7% high.

The result of letter in connection with environmental facilities the organizations proved the whole as better level possibilities in the organizational environments in civil status offices, Gas Company, and . Mines and Industries in Comparison with other companies and departments.

Keywords: Citizenship Rights, Administrative System, Political Satisfaction, Role, Job Satisfaction, Facilities of organization environment.

Recognition of Economic factors affecting the attraction of foreign direct investment in Iran, and the role of supervision, and inspection in its realization

Hamed Naimi Pajoh

Ahmad Tavakol Moghaddam

Ali Karam Hassani

Abstract

Foreign direct investment, not only secure the capital required for investment project in hosting country, but also accelerates the trend of attraction, and upgrade of technology training, and the increase the productivity of human capital, increase of quality, and standard of domestic commodities, the development of trade with other countries, reduce unemployment, and finally the increase of whole production in hosting country.

Considering the importance of the attraction of such investment, this research, while analyzing direct foreign investment ,tries to recognize the direct foreign investment, tries to recognize the economic factors affecting the attraction of direct foreign investment in Iran during 1970 - 2010, based on the approach of economic evaluation in simultaneous equation system, while testing, and checking the existence or non-existence of any relationship among these factors, and the attraction of foreign investment in Iran in the framework of a dynamic study on the role of General Inspection Organization, and in Particular supervision and Inspection in realization of the attraction of such investment in Iran.

Keywords: Direct foreign Investment, Iran Simultaneous equations systems

Articles

Performance Evaluation of the Institution in charge of organizing the Beggars

Review on the function of state-owned Companies admitted to Stock Exchange

Study the Role of Information and Communication Technology in reducing factors influential on the Incidence of administration Corruption in Deeds, and Real Estate Department of Lorestan Province from the view Point of its staff

The system of appropriate responding in governmental management by putting emphasis on good Governance

Tax and economic Development

(Case study in Iran, OPEC, OECD countries using co integration pattern and Var-panel)

A review on the status of citizenship rights in administrative system of Iran, and it's affecting factors

Inspection Case Report

Recognition of Economic factors affecting the attraction of direct foreign investment in Iran, and the role of supervision, and inspection in its realization

Evaluation Knowledge Quarterly

Volume 3; Number 10; Winter 2011

Propertier: General Inspection Organization (GIO)

Managing Director: Mostafa Pourmohamadi

Editor in Chief: Dr. Gholamhossein Bolandian

Editorial Advisory Board

Dr. Kiomars Ashtarian, Dr. Norooz Hashemzehi, Dr. Hamidreza Malekmohamadi,
Dr. Hojatollah Ayooobi, Dr. Behzad Poorseyed, Dr. Alireza Deyhim, Mohamadreza
Etefagh-Kahnamooyi

Editors: Sara Askarnia

Tel.:+982161363197

Excutive Manager: Ameneh Kashani movahhed

bazrasi.research@136.ir

Abstract Translator: Gholamreza Baradaran

www.bazresi.ir

Relations Manager: Mohamadhossein Ghadami

Address: No. 313, 3rd Floor, GIO Headquarter, Gharani Crossroad, Taleghani St., Tehran, Iran



Evaluation Knowledge Quarterly

10

ARTICLES

Performance Evaluation of the Institution in charge of organizing the Beggars

Review on the function of state-owned Companies admitted to Stock Exchange

Study the Role of Information and Communication Technology in reducing factors influential on the Incidence of administration Corruption in Deeds, and Real Estate Department of Lorestan Province from the view Point of its staff

The system of appropriate responding in governmental management by putting emphasis on good Governance

Tax and economic Development (Case study in Iran, OPEC, OECD countries using co integration pattern and Var-panel)

A review on the status of citizenship rights in administrative system of Iran, and it's affecting factors

INSPECTION CASE REPORT

Recognition of Economic factors affecting the attraction of direct foreign investment in Iran, and the role of supervision, and inspection in its realization